



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

ڈاکو ایجنسی، جدیدہ و معائنات، ننگر پارہ

اصفہان فولاد تخت

عصر آد یا حکایات
و عوامیت، ننگر پارہ

مؤلف: سید احمد عقیلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تخت فولاد اصفهان

نویسنده:

احمد عقیلی

ناشر چاپی:

کانون پژوهش

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	تخت فولاد اصفهان
۱۴	مشخصات کتاب
۱۵	اشاره
۲۱	فهرست مطالب
۳۰	مقدمه
۳۰	اشاره
۳۶	موقعیت جغرافیایی و وجه تسمیه ی تخت فولاد
۳۷	تخت فولاد در ادوار تاریخ
۴۰	گنج های پنهان در مزار تخت فولاد
۴۰	اشاره
۴۰	(۱) جلوه های معنوی عبادی در تخت فولاد
۴۱	(۲) کثرت مشاهیر مدفون در آن
۴۲	(۳) تنوع طرح و سبک معماری بناها در دوره های گوناگون تاریخی
۴۳	سایر عناصر برجسته ی معماری تخت فولاد
۴۵	(۴) جلوه های هنری در تخت فولاد
۴۹	تقسیم بندی تکیه های تخت فولاد
۵۱	بخش اول : تکایای دوره صفوی تا دوره قاجار
۵۱	اشاره
۵۳	۱ - تکیه ی بابا رکن الدین
۵۳	اشاره
۵۵	بزرگان مدفون در تکیه
۶۲	۲ - بابا فولاد حلوایی
۶۳	۳ - تکیه ی میرفندرسکی

۶۳	اشاره
۶۴	موقعیت جغرافیایی تکیه
۶۵	بزرگان مدفون در تکیه
۷۴	تکایای الحاقی به تکیه میر فندرسکی
۷۹	۴ - تکیه ی میرزا رفیعا
۷۹	اشاره
۸۰	موقعیت جغرافیایی تکیه
۸۰	بزرگان مدفون در این تکیه
۸۷	۵ - تکیه ی خوانساری
۸۷	اشاره
۸۸	موقعیت جغرافیایی تکیه
۸۸	بزرگان مدفون در تکیه
۹۶	۶ - تکیه ی آقا سید رضی (تکیه ی سادات)
۹۶	اشاره
۹۶	موقعیت جغرافیایی تکیه
۹۶	بزرگان مدفون در این تکیه
۱۰۱	۷ - تکیه ی خاتون آبادی
۱۰۱	اشاره
۱۰۲	موقعیت جغرافیایی تکیه
۱۰۳	بزرگان مدفون در این تکیه
۱۰۸	۸ - تکیه ی فاضل سراب
۱۰۸	اشاره
۱۰۹	موقعیت جغرافیایی تکیه
۱۰۹	بزرگان مدفون در تکیه
۱۱۴	۹ - تکیه ی فاضل هندی
۱۱۴	اشاره

- ۱۱۴ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۱۱۵ بزرگان مدفون در این تکیه
- ۱۲۵ ۱۰ - تکیه ی ملا اسماعیل خواجویی
- ۱۲۵ اشاره
- ۱۲۶ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۱۲۶ مدفونین در این تکیه
- ۱۳۴ ۱۱ - قبرستان مصلی
- ۱۳۴ اشاره
- ۱۳۵ الف) قبرستان پشت مصلی:
- ۱۳۵ اشاره
- ۱۳۵ بزرگان مدفون در قبرستان پشت مصلی
- ۱۳۸ ب) قبور سادات بهشتی
- ۱۳۸ اشاره
- ۱۳۸ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۱۳۸ بزرگان مدفون در این تکیه
- ۱۴۰ ج) قبور خاندان امامی
- ۱۴۰ اشاره
- ۱۴۰ موقعیت جغرافیایی قبور این خاندان
- ۱۴۰ بزرگان مدفون از خاندان امامی
- ۱۴۲ ۱۲ - تکیه ی فیض
- ۱۴۲ اشاره
- ۱۴۲ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۱۴۲ بزرگان مدفون در تکیه
- ۱۴۶ ۱۳ - تکیه ی آقا محمد بیدآبادی
- ۱۴۶ اشاره
- ۱۴۷ بزرگان مدفون در تکیه

- بخش دوم : تکایای دوره قاجاریه تا دوره معاصر ۱۵۷
- اشاره ۱۵۷
- ۱ - تکیه ی شیخ محمّدتقی رازی ۱۵۹
- اشاره ۱۵۹
- موقعیت جغرافیایی تکیه ۱۶۰
- برخی از بزرگان مدفون در این تکیه ۱۶۱
- ۲ - تکیه ی مهدوی ۱۷۱
- اشاره ۱۷۱
- موقعیت جغرافیایی تکیه ۱۷۱
- بزرگان مدفون در تکیه ۱۷۱
- ۳ - تکیه ی آّباده ای ۱۷۶
- اشاره ۱۷۶
- موقعیت جغرافیایی تکیه ۱۷۷
- بزرگان مدفون تکیه ۱۷۷
- ۴ - تکیه ی جهانگیرخان قشقایی ۱۸۲
- اشاره ۱۸۲
- بزرگان مدفون در این تکیه ۱۸۴
- ۵ - تکیه ی شهبهانی ۱۹۱
- اشاره ۱۹۱
- موقعیت جغرافیایی تکیه ۱۹۲
- بزرگان مدفون در تکیه ۱۹۲
- ۶ - تکیه ی واله ۱۹۶
- اشاره ۱۹۶
- موقعیت جغرافیایی تکیه ۱۹۸
- شخصیت مدفون در تکیه ۱۹۸
- ۷ - تکیه ی آقا سید محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) ۲۰۰

- ۲۰۰ اشاره
- ۲۰۱ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۲۰۱ بزرگان مدفون در این تکیه
- ۲۱۱ ۸ - تکیه ی ابوالمعالی کلباسی
- ۲۱۱ اشاره
- ۲۱۲ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۲۱۲ بزرگان و مدفونین در تکیه
- ۲۲۰ ۹ - تکیه ی تویسرکانی
- ۲۲۰ اشاره
- ۲۲۰ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۲۲۱ بزرگان مدفون در این تکیه
- ۲۳۱ ۱۰ - تکیه ی امین التجار
- ۲۳۱ اشاره
- ۲۳۲ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۲۳۲ بزرگان مدفون در این تکیه
- ۲۳۵ ۱۱ - تکیه ی آغاباشی
- ۲۳۵ اشاره
- ۲۳۶ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۲۳۶ بزرگان مدفون در تکیه
- ۲۴۱ ۱۲ - تکیه ی ریزی
- ۲۴۱ اشاره
- ۲۴۱ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۲۴۱ بزرگان مدفون در این تکیه
- ۲۴۸ ۱۳ - تکیه ی سید ابو جعفر خادم الشریعه
- ۲۴۸ اشاره
- ۲۴۹ موقعیت جغرافیایی تکیه

- ۲۴۹ بزرگان مدفون در این تکیه
- ۲۵۲ ۱۴ - مسجد رکن الملک اشاره
- ۲۵۲ اشاره
- ۲۵۴ موقعیت جغرافیایی مسجد
- ۲۵۴ مشاهیر مدفون در مسجد و تکیه
- ۲۵۸ ۱۵ - تکیه ی کازرونی اشاره
- ۲۵۸ اشاره
- ۲۶۰ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۲۶۰ بزرگان مدفون در این تکیه
- ۲۷۶ ۱۶ - تکیه ی بروجردی اشاره
- ۲۷۶ اشاره
- ۲۷۷ بزرگان مدفون در این تکیه
- ۲۹۴ ۱۷ - تکیه ی سیدالعراقین اشاره
- ۲۹۴ اشاره
- ۲۹۵ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۲۹۵ بزرگان مدفون در تکیه
- ۳۱۶ ۱۸ - تکیه ی گلزار اشاره
- ۳۱۶ اشاره
- ۳۱۷ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۳۱۷ بزرگان مدفون در تکیه
- ۳۲۲ ۱۹ - تکیه ی مقدّس اشاره
- ۳۲۲ اشاره
- ۳۲۲ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۳۲۲ بزرگان مدفون تکیه
- ۳۲۵ ۲۰ - تکیه ی آقا سید محمد لطیف خواجهویی اشاره
- ۳۲۵ اشاره

- ۳۲۵ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۳۲۵ بزرگان مدفون در تکیه
- ۳۲۸ ۲۱ - تکیه ی حاج آقا باقر قزوینی دردشتی (خلیلیان)
- ۳۲۸ اشاره
- ۳۲۸ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۳۲۸ بزرگان مدفون در تکیه
- ۳۳۳ ۲۲ - تکیه ی سادات احمدآبادی (فقیه احمدآبادی)
- ۳۳۳ اشاره
- ۳۳۳ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۳۳۳ بزرگان مدفون در تکیه
- ۳۳۶ ۲۳ - تکیه ی زند کرمانی
- ۳۳۶ اشاره
- ۳۳۶ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۳۳۶ بزرگان مدفون تکیه
- ۳۴۰ ۲۴ - تکیه ی زرگرها
- ۳۴۰ اشاره
- ۳۴۰ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۳۴۰ بزرگان مدفون در تکیه
- ۳۴۲ ۲۵ - تکیه ی همدانیان
- ۳۴۲ اشاره
- ۳۴۲ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۳۴۲ بزرگان مدفون در تکیه
- ۳۴۳ ۲۶ - تکیه ی صدرهاشمی
- ۳۴۳ اشاره
- ۳۴۳ بزرگان مدفون در تکیه
- ۳۴۴ ۲۷ - تکیه ی امام جمعه

- ۳۴۴ اشاره
- ۳۴۴ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۳۴۴ بزرگان مدفون در این تکیه
- ۳۴۵ ۲۸ - تکیه ی معارفی
- ۳۴۵ اشاره
- ۳۴۵ معرفی تکیه
- ۳۴۵ موقعیت جغرافیایی
- ۳۴۵ مشاهیر مدفون در تکیه
- ۳۴۶ ۲۹ - آرامگاه هاشمی طالخونچه
- ۳۴۶ اشاره
- ۳۴۶ موقعیت جغرافیایی
- ۳۴۶ بزرگان مدفون در این قسمت
- ۳۴۸ ۳۰ - تکیه ی حجت نجفی
- ۳۴۸ اشاره
- ۳۴۹ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۳۴۹ عالم مدفون در این تکیه
- ۳۵۰ ۳۱ - آرامگاه سید محمود کلیشادی
- ۳۵۰ اشاره
- ۳۵۱ موقعیت آرامگاه
- ۳۵۲ ۳۲ - تکیه ی عطاءالملک دهش
- ۳۵۲ اشاره
- ۳۵۲ موقعیت جغرافیایی تکیه
- ۳۵۲ بزرگ مدفون در این تکیه
- ۳۵۲ ۳۳ - تکیه ی صیرفیان پور
- ۳۵۲ اشاره
- ۳۵۴ مدفونین در این تکیه

۳۵۶	بخش سوم : گلستان شهداء
۳۵۶	اشاره
۳۵۸	الف) تاریخچه ی گلستان شهدای اصفهان
۳۵۸	اشاره
۳۵۸	۱) تکیه ی لسان الارض
۳۵۸	اشاره
۳۵۸	برخی از بزرگان مدفون در این تکیه
۳۶۲	۲) تکیه ی مُلک
۳۶۲	اشاره
۳۶۳	برخی از علمای مدفون در این تکیه
۳۶۹	۳) تکیه ی میر محمدصادقی ها
۳۶۹	اشاره
۳۶۹	برخی از علمای مدفون در این تکیه
۳۷۵	۴) تکیه ی بروجنی ها
۳۷۶	۵) تکیه ی کوهی
۳۷۶	۶) تکیه ی میرزا احمدخان محیی
۳۷۸	ب) - گلستان شهدا
۴۰۵	فهرست اعلام
۴۳۳	فهرست منابع و مآخذ
۴۴۵	فهرست مقالات
۴۴۷	درباره مرکز

سرشناسه : عقیلی، احمد، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور : تخت فولاد اصفهان / احمد عقیلی؛ زیر نظر اصغر منتظر القائم؛ با همکاری مجموعه تاریخی فرهنگی و مذهبی تخت فولاد (دانشنامه تخت فولاد اصفهان).

وضعیت ویراست : ویراست ۲.

مشخصات نشر : اصفهان: کانون پژوهش، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : [۲۷۱] ص.: مصور، نقشه، عکس.

شابک : ۲۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۱۷-۶۰۹۱-۷

وضعیت فهرست نویسی : فایا(چاپ دوم) برون سپاری((.

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: s.Ahmad Aghili.Takhte Foulad Esfahan.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۶۱ - ۲۶۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت : نمایه.

موضوع : تخت فولاد -- تاریخ.

موضوع : مجتهدان و علما -- ایران -- اصفهان -- سرگذشتنامه

موضوع : اصفهان -- تکیه ها و حسینیه ها

موضوع : گورها و گورستان ها -- ایران -- اصفهان

موضوع : اصفهان -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده : منتظرالقائم، اصغر، ۱۳۳۷ -

شناسه افزوده : مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد(اصفهان). واحد دانشنامه

رده بندی کنگره : DSR۲۰۷۳/ص ۷۹ ع ۷۹ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۹۳۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۲۸۱۹۱

ص : ۱

اشاره

پیشگفتار ۱۱

مقدمه: ۱۳

موقعیت جغرافیایی و وجه تسمیه ی تخت فولاد ۱۷

تخت فولاد در ادوار تاریخ ۱۸

گنج های پنهان در مزار تخت فولاد ۲۱

(۱) جلوه های معنوی عبادی در تخت فولاد ۲۱

(۲) کثرت مشاهیر مدفون در آن ۲۲

(۳) تنوع طرح و سبک معماری بناها در دوره های گوناگون تاریخی ۲۳

سایر عناصر برجسته ی معماری تخت فولاد ۲۴

(۴) جلوه های هنری در تخت فولاد ۲۶

تقسیم بندی تکیه های تخت فولاد ۲۹

بخش اول: تکایای دوره صفوی تا دوره قاجار ۳۱

۵۳۱۱۹ - تکیه ی بابارکن الدین ۳۳

۵۳۱۲۰ - بابا فولاد حلوایی ۴۱

۵۳۱۲۱ - تکیه ی میرفندرسکی ۴۲

۵۳۱۲۲ - تکیه ی میرزا رفیعا ۵۴

۵۳۱۲۳ - تکیه ی خوانساری ۶۰

۵۳۱۲۴ - تکیه ی آقا سید رضی (تکیه ی سادات) ۶۹

۵۳۱۲۵ - تکیه ی خاتون آبادی ۷۴

۵۳۱۲۶ - تکیه ی فاضل سراب ۸۰

۵۳۱۲۷ - تکیه ی فاضل هندی ۸۵

۵۳۱۲۸ - تکیه ی ملا اسماعیل خواجهویی ۹۴

۵۳۱۲۹ - قبرستان مصلی ۱۰۳

الف) قبرستان پشت مصلی: ۱۰۴

ب) قبور سادات بهشتی ۱۰۶

ص: ۷

ج) قبور خاندان امامی ۱۰۸

۵۳۱۳۰ - تکیه ی فیض ۱۱۰

۵۳۱۳۱ - تکیه ی آقا محمّد بیدآبادی ۱۱۴

بخش دوم: تکایای دوره قاجاریه تا دوره معاصر ۱۲۳

۱ - تکیه ی شیخ محمّد تقی رازی ۱۲۵

۲ - تکیه ی مهدوی ۱۳۷

۳ - تکیه ی آباده ای ۱۴۲

۴ - تکیه ی جهانگیرخان قشقایی ۱۴۷

۵ - تکیه ی شهشهرانی ۱۵۴

۶ - تکیه ی واله ۱۵۸

۷ - تکیه ی آقا سیّد محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات)

۱۶۲

۸ - تکیه ی ابوالمعالی کلباسی ۱۷۲

۹ - تکیه ی تویسرکانی ۱۸۰

۱۰ - تکیه ی امین التجار ۱۸۷

۱۱ - تکیه ی آغاباشی ۱۹۱

۱۲ - تکیه ی ریزی ۱۹۵

۱۳ - تکیه ی سیّد ابوجعفر خادم الشریعه ۲۰۱

۱۴ - مسجد رکن الملک ۲۰۵

۱۵ - تکیه ی کازرونی ۲۱۰

۱۶ - تکیه ی بروجردی ۲۲۷

۱۷ - تکیه ی سیدالعراقین ۲۴۱

۱۸ - تکیه ی گلزار ۲۵۸

۱۹ - تکیه ی مقدّس ۲۶۳

۲۰ - تکیه ی آقا سید محمّد لطیف خواجویی ۲۶۶

۲۱ - تکیه ی حاج آقا باقر قزوینی دردشتی (خلیلیان)

۲۶۹

۲۲ - تکیه ی سادات احمدآبادی (فقیه احمدآبادی)

۲۷۳

۲۳ - تکیه ی زند کرمانی ۲۷۵

۲۴ - تکیه ی زرگرها ۲۷۹

ص: ۸

۲۵ - تکیه ی همدانیان ۲۸۱

۲۶ - تکیه ی صدرهاشمی ۲۸۲

۲۷ - تکیه ی امام جمعه ۲۸۳

۲۸ - تکیه ی معارفی ۲۸۴

۲۹ - آرامگاه هاشمی طالخونچه ۲۸۵

۳۰ - تکیه ی حجت نجفی ۲۸۷

۳۱ - آرامگاه سید محمود کلشادی ۲۸۹

۳۲ - تکیه ی عطاءالملک دهش ۲۹۱

۳۳ - تکیه ی صیرفیان پور ۲۹۲

بخش سوم: گلستان شهداء ۲۹۵

الف) تاریخچه ی گلستان شهدای اصفهان ۲۹۷

(۱) تکیه ی لسان الارض ۲۹۷

(۲) تکیه ی ملک ۳۰۱

(۳) تکیه ی میر محمدصادقی ها ۳۰۷

(۴) تکیه ی بروجنی ها ۳۱۲

(۵) تکیه ی کوهی ۳۱۳

(۶) تکیه ی میرزا احمدخان محیی ۳۱۳

ب) - گلستان شهدا ۳۱۵

فهرست اعلام ۳۳۹

فهرست منابع و مآخذ ۳۴۶

کتاب حاضر معرّف یکی از گورستان های بلندمرتبه ی جهان اسلام و تشیع است که سعی در معرفی تکایا شامل مسایل تاریخی، هنری، مشاهیر آن و مطالب بسیار دیگر به زبان ساده دارد تا به صورت یک راهنمای مختصر در اختیار علاقمندان و پژوهشگران قرار گیرد. در معرفی مشاهیر هر تکیه تنها به ذکر حکایتی از بزرگان مدفون در آن بسنده شده، حال آنکه سخن در این باره فراوان است و مشتاقان می توانند به کتب نگاشته شده پیرامون تخت فولاد مراجعه کنند. با این حال بهانه را بر این قرار داده ایم که: «آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید».

حضرت علی علیه السلام در ضمن سخنانی به کمیل بن زیاد می فرماید: «العلماء باقون مابقی الدهر، اعیانُهُم مفقوده و امثالهم فی القلوب موجوده»: «تا دنیا باقی است، دانشوران زنده اند، جسمشان از نظرها پنهان، ولی یادشان برای همیشه در دلها موجود است». (۱)

در مزارات مقدّس تخت فولاد گوهرهای تابان و ستاره های درخشان فراوانی از علم و تقوی در خاک آرمیده و از دیده نهان گشته اند که ما از برکت وجود آنان در نعمت و آسایش هستیم. از این رو به پاس ادای دین به آنان و شادی روح و رضایت خاطرشان تنها نامی از این بزرگان ذکر گردیده است و حال آنکه درباره هر کدام از این شخصیت ها می توان کتاب ها نوشت.

ص: ۱۳

زیارت اهل قبور و مزارات در انسان احساس سبکی روح و بازگشت به خود را زنده می کند. بارها شنیده ایم که وقتی بی حوصله می شوید و دلتان می گیرد «برای زیارت اهل قبور به گورستان بروید». این جمله بدان معناست که گورستان مکانی برای بیدار نمودن انسان از خواب غفلت در جهان ناپایدار است که نباید به آن دل بست. زائر با زیارت اهل قبور احساس عبرت آموزی می کند. همچنین زیارت اهل قبور علاوه بر آرامش روحی فرد، در تحرک فرهنگی و اجتماعی نیز مؤثر است، زیرا حضور در مرقد بزرگان نوعی تجدید عهد و تجلیل از روح بزرگ آنان و تبلیغ و تمجید از کوشش های علمی و اجتماعی آنان است.

جامی شاعر نامی ایران چه زیبا سروده است:

زنده شدم از نظر پاکشان

آب حیات است مرا خاکشان

خیز و قدم نه به ره رفتگان

رو سوی آرامگه خفتگان

یاد کن از عهد فراموششان

نکته شنو از لب خاموششان(۱)

بدین ترتیب می توان برکات زیارت اهل قبور را چنین عنوان کرد:

(۱) انسان به ناپایداری دنیا آگاه می شود و می فهمد که نباید به آن دل ببندد.

(۲) انسان را به یاد آخرت می اندازد و به این اندیشه وامی دارد که برای آخرت خود توشه ای فراهم نماید.

(۳) از تماشای قبور بزرگان، انسان الهام می گیرد و یاد و خاطره ی آنان باعث حرکت و نشاط روحی می شود.

(۴) قساوت و سختی قلب را از بین می برد و انسان را پندپذیر و آرام می نماید.

(۵) به انسان حالت اعتدال می بخشد. یعنی از شادی و لذت های بسیار می کاهد و انسان را به یاد بازگشت می اندازد و اندوه دنیا را از دل می زداید.

(۶) تنگی ها را به وسعت و فراخی مبدل می سازد. چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هرکس در کاری دچار تنگی و رنج باشد به یاد قبر افتد که موجبات وسعت و گشایش برای او فراهم می آید.»

۷) برای درگذشتگان طلب مغفرت می کند و او نیز مشمول دعای خیر اهل قبور می گردد. (۱) چنانکه نظامی سروده است:

فشانی تو بر من سرشکی ز دور

فشانم من از آسمان، بر تو نور

درودم رسانی، رسانم درود

بیایی، بیایم ز گنبد فرود

مرا زنده پندار چون خویشتن

من آیم به جان، گر تو آیی به تن

مدان خالی از همنشینی مرا

که بینم ترا، گر نبینی مرا

تخت فولاد تجلی گاه کم نظیری از هویت تاریخی و مذهبی این سرزمین است که مجموعه ای نفیس از هنرهای اسلامی همچون خطاطی، حجاری و معماری اسلامی و ایرانی را در خود جای داده است و هر سنگ قبری می تواند مآخذی گرانقدر برای تاریخ فرهنگ این مرز و بوم باشد و فضایی معنوی برای سیر و سلوک زائرین فراهم آورد.

سه نکته قبل از شروع بحث در مقدمه این کتاب ضروری می دانیم: ۱ - پلان ها و نقشه های مهندسی از تکایا و مشخص نمودن جای قبور در تکایا همه برگرفته شده از نقشه های مهندسی موجود در مجموعه فرهنگی، مذهبی تخت فولاد می باشد؛ البته این نقشه ها در جلد دوم کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان نوشته مرحوم سید مصلح الدین مهدوی به چاپ رسیده است. چند عدد از این نقشه ها نیز برگرفته از کتاب «تخت فولاد یادمان تاریخی اصفهان» نوشته گیلان فقیه میرزایی، محمد علی مخلصی، زهرا حبیبی می باشد که توسط سازمان میراث فرهنگی کشور به چاپ رسیده است.

۲ - ابیات انتخاب شده که در ابتدای هر تکیه آورده شده تماماً برگرفته از کتاب تخت فولاد اصفهان سروده شاعر توانا و شیرین زبان مرحوم شفیق می باشد خداوند روح شفیق ایشان را

مشمول رحمت و مغفرت واسعه خود قرار داده و روح پاکش را در بهشت نزد مقربین در گاه الهی قرار دهد.

۳ - هسته اصلی این کتاب بر اساس کتاب بسیار ارزشمند سیری در تخت فولاد اصفهان نوشته مرحوم سید مصلح الدین مهدوی می باشد. به همین جهت کتاب را به روح بزرگوار آن سید والامقام تقدیم می کنم. حقیر هرچه از این مزار مقدس و بزرگان مدفون در آن فراگرفته ام از آثار ارزشمند آن

۱-۳. بحرینی، سید مجتبی: شهر خاموشان و دیار باهوشان، صص ۷۵-۸۱.

معلم متواضع است. همیشه یاد او را در ذهن خواهم داشت.

امید است این کتاب مورد توجه علاقمندان فرهنگ و معارف و هنر اسلامی و دوستداران هویت اسلامی - ایرانی و مرجعی برای پژوهشگران واقع گردد. سخن را با این جمله ی گهربار از امام موسی بن جعفر علیه السلام آغاز می کنیم که فرمودند:

«هرکس نمی تواند ما را زیارت کند پس صالحین دوستان ما را زیارت کند تا ثواب زیارت ما برای او نوشته شود.»^(۱)

ص: ۱۶

۱-۴. مهدوی، سید مصلح الدین: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۳، ص ۳۴۴.

در جنوب شرقی شهر اصفهان یکی از مهمترین گورستان های تاریخی جهان اسلام با گنجینه ای ارزشمند از مقابر و مشاهد بزرگان قرار گرفته است. این گورستان در کنار مزاراتی چون گورستان بقیع در مدینه منوره، قبرستان ابوطالب در مکه مکرمه و گورستان وادی السلام در نجف اشرف از مهمترین و متبرک ترین مراقد جهان اسلام محسوب می شود.

مساحت مزار تخت فولاد اکنون حدود ۷۵ هکتار است که از شمال به خیابان میر از جنوب به خیابان سعادت آباد و محوطه دانشکده ی پرواز و از شرق به خیابان سجاد و خیابان بهار و از غرب به خیابان مصلی (آب ۲۵۰) محدود می شود. همچنین بقعه میرزا رفیعا و تکایای بروجردی و ریزی در حاشیه جنوبی خیابان سعادت آباد قرار دارند.

از این گورستان در کتب تاریخی به نام های لسان الارض، بابارکن الدین و تخت فولاد یاد شده است. امروزه مجموعه مزارات این گورستان عظیم را تخت فولاد می نامند و وجه تسمیه ی آن را می توان به واسطه ی وجود عبادتگاه و قبر بابا فولاد حلوائی (متوفی ۹۵۹ هجری) در مرکز مخابرات فیض امروزی دانست که سنگ قبر این (عارف، عالم) یکی از مهمترین علل نامگذاری این قبرستان به «تخت فولاد» ذکر شده است. از دیگر دلایلی که در وجه تسمیه ی این قبرستان نقل می کنند آن است که این قبرستان در گذشته تا کنار پل خواجه وسعت داشته است و از آنجا که در گذشته به جای پل خواجه سنگ هایی با فاصله وجود داشته که روی آن تخته می گذاردند و از آن عبور می کردند شاید کلمه تخت فولاد تغییر شکل یافته ی لغت «تخته پل ها یا تخته پل لاد»

باشد. یعنی پُلی که از تخته درست شده است. «لاد» در فارسی به معنی بنا و «پل» هم در اصل «پول» است. مثل کلمه ی دزفول (دزپول). (۱)

این نظریه نیز تا حدودی قابل پذیرش است. زیرا نام بسیاری از مکان ها و شهرهای تاریخی ایران

ص: ۱۷

در نتیجه ی تحریف لغات و گذشت زمان ایجاد شده است.

تخت فولاد در ادوار تاریخ

پیشینه ی این گورستان به واسطه ی وجود قبر منسوب به یوشع نبی از پیامبران بنی اسرائیل در تکیه ی لسان الارض به دوران پیش از اسلام می رسد. هرچند وجود مقبره ی یوشع بن نون وصی حضرت موسی در فلسطین احتمال وجود قبر این پیامبر الهی را در لسان الارض ضعیف می کند اما شاید بتوان گفت، این مقبره متعلق به یکی از بزرگان یا صالحین بنی اسرائیل است (۱).

آثار دیگری از دوران پیش از اسلام در این گورستان به دست نیامده است. تا دو دهه ی پیش لسان الارض با دیواری کهنه محصور بود که به گفته ی برخی از کارشناسان میراث فرهنگی در بعضی قسمت های آن آثار آجری سبک دیلمی به خوبی آشکار بوده است.

از وضعیت تخت فولاد در قرون پنجم تا هفتم هجری اطلاعات زیادی در دست نیست. لیکن کشف تعدادی سنگ قبر با خطوط کوفی و نسخ با تاریخ های ۵۶۷ و ۶۸۶ هجری نشان از قدمت آن به این دوره ی تاریخی دارد. چنانکه در خبری دیگر نیز از دوره سلجوقیان اشاره به این قبرستان و بناهای مجلل موجود در آن شده است (۲). از قرن های هفتم تا دهم هجری مزار تخت فولاد یکی از جایگاه های عبادت و ریاضت بوده است که عرفا و زهادی همچون بابارکن الدین و بابا فولاد در آنجا برای خود عبادتگاه ساخته و به راز و نیاز مشغول بودند. در قرن هفتم و هشتم هجری عده ای از عرفای بزرگ که به «بابا و یا عمو» شهرت داشتند در این زمین متبرک ساکن بوده اند که مشهورترین آنان «بابا رکن الدین» عارف متوفی ۷۶۹ هجری است که مزار وی مورد توجه و عنایت علمای بزرگی همچون شیخ بهایی و مولی محمدتقی مجلسی و آیت الله سید عبدالکریم کشمیری و حاجی کلباسی بوده است. بابا رکن الدین در عبادتگاه خویش مدفون گردید و پس از دفن وی در این محل، آن را مزار بابا رکن الدین می گفتند (۳).

پس از دفن بابا رکن الدین تا عهد صفویه گاهی بزرگانی در این مکان دفن می شدند اما یقیناً

ص: ۱۸

۱-۶. تحقیقی درباره این موضوع توسط محققان مجموعه فرهنگی - مذهبی تخت فولاد صورت گرفته است.

۲-۷. نور صادقی: اصفهان، ص ۱۶.

۳-۸. مهدوی: سید مصلح الدین، سیری در تخت فولاد اصفهان، ص ۲۴.

گورستان رسمی شهر اصفهان محسوب نمی شده است. زیرا مردم اموات خویش را در همان محله ی خویش دفن می کردند که برخی از بقایای قبرستان های متفرقه در محلات اصفهان را امروز هم می توان مشاهده کرد. اما از دوره ی صفویه به دلیل رشد بافت شهری اصفهان، بقاع و

تکایای بیشتری در این قسمت از شهر ایجاد گردید و به بزرگترین گورستان شهر اصفهان تبدیل شد.^(۱)

برخی مورخان معتقدند که تخت فولاد یک محله مسکونی بوده و گورستان کنار آن را مزار بابا رکن الدین می خواندند.^(۲) با گسترش این گورستان و اتصال آن به محله ی تخت فولاد نام آن گورستان به تخت فولاد تغییر می کند.

در دوره ی شاه عباس دوم تغییر و تحولات فراوانی در محدوده ی تخت فولاد صورت گرفت. شاه عباس دوم به منظور توسعه ی شهر اصفهان به بخش جنوبی اصفهان توجه ویژه نمود. زرتشتیان که در جنوب پل تاریخی حسن آباد(خواجو) ساکن بودند از این مکان به جنوب جلفا منتقل شدند و با انتقال زرتشتیان به دستور شاه، کاخ ها و باغ هایی در این قست شهر پدید آمد که برخی از مهمترین آنها عمارت های هفت دست، آئینه خانه، قصر نمکدان و باغ گلستان و باغ سعادت آباد بود.

وی هم چنین دستور ایجاد چهارباغی در جاده اصفهان به شیراز را می دهد. این چهارباغ که از جنوب پل حسن آباد آغاز می شد و به دروازه تخت فولاد ختم می شده به چهارباغ گبرآباد معروف بوده و شامل باغ کاج، باغ مستوفی، باغ نگارستان و باغ انارستان بوده است.

تخت فولاد در دوره ی شاه عباس دوم چنان رونق یافت که مهمانسراهای متنوع، خانقاه، تکایا و باغ های متعدّد در آن به وجود آمد و دو یخچال بزرگ یخ که آب خنک زائرین قبور را تأمین می کرد ساخته شد،^(۳) اما این رونق با سقوط دولت صفویه و هجوم افغانه به اصفهان پایان یافت و روی به ویرانی نهاد و تنها در مقاطعی از دوره ی قاجاریه روی آبادانی به خود دید. در اوایل دوره ی قاجار تخت فولاد روستای کوچکی بیشتر نبود و به دلیل وجود باغات متعدّد و سرسبز از نقاط باصفای خارج شهر اصفهان محسوب می شد. گورستان تخت فولاد نیز در کنار این روستا و خارج از برج و باروی شهر اصفهان قرار داشت. در دوره ی عبداللّه خان امین الدوله(فرزند حاج محمدحسین خان

ص: ۱۹

۱- ۹. بهشتیان، عباس: بخشی از گنجیه آثار ملی اصفهان، ص ۴۴.

۲- ۱۰. جابری انصاری: تاریخ اصفهان و ری، ص ۲۲۰.

۳- ۱۱. شاردن، سفرنامه(قسمت اصفهان): ترجمه حسین عریضی، ص ۱۵۷.

صدر اصفهانی، متوفی ۱۲۳۶ ه. ق.) چهارباغ گبرآباد صفوی احیا و از آن پس به چهارباغ امین آباد معروف گردید، در دوره ی ظلّ السّیطان بسیاری از بناهای صفوی در اصفهان تخریب و از بین رفت. اما در همین دوره، سلیمان خان رکن الملک نایب الحکومه ی اصفهان اقدام به ساخت مسجد و آب انبار رکن الملک در محدوده ی تخت فولاد نمود.

در دوره ی معاصر خیابان فیض بر بقایای چهارباغ صفوی بنا شد. باغ های اطراف خیابان به تدریج به زمین های کشاورزی تبدیل گردید که تا سال ۱۳۳۵ شمسی این زمین ها موجود بود و از این دوره به بعد با رشد جمعیت، زمین های کشاورزی و بقایای عمارت ها و باغ های صفوی تخریب و به محله های مسکونی تبدیل شدند و پس از مدّتی این بخش نیز به یکی از محلات مسکونی شهر اصفهان تبدیل گردید. در درون محدوده ی تخت فولاد به تدریج تکیه ها و مقبره های خصوصی

ساخته شد و قسمت های زیادی از آن در تصرّف ادارات دولتی و شخصی برای ساختن خانه های خصوصی درآمد. این روند تا سال ۱۳۶۳ ه. ش. ادامه داشت و در این تاریخ دفن مرده ها در این محدوده از شهر ممنوع گردید. در سال ۱۳۷۳ ه. ش. محدوده تخت فولاد نیز به عنوان آثار ملی ایران ثبت شد.

در حال حاضر مجموعه ی تاریخی فرهنگی - مذهبی تخت فولاد متعهد به مرمت، بازسازی و احیای این مزار مقدّس گردیده است.

تخت فولاد، ای زیارتگاه عشق

خاک پاک تو عبادتگاه عشق....

دیده ی اهل بصیرت سوی تُست

کعبه ی اهل طریقت کوی تُست

«شفیق»

(۱) جلوه های معنوی عبادی در تخت فولاد

این سرزمین در طول زمان یکی از متبرک ترین و مقدس ترین مزارات جهان اسلام در ادوار گوناگون تاریخی بوده است و از جهات معنوی مورد توجه علما و مردم بوده و هست. وجود قبر منسوب به یوشع نبی (علیه السلام) و روایاتی که در منابع درباره لسان الارض آمده بر قداست این سرزمین افزوده و علاوه بر این تخت فولاد عبادتگاه بسیاری از علما و عرفا در طول تاریخ بوده است. وجود مصلائی بزرگ شهر، تکایا و بقاع متعدّد و سرانجام مزار شهیدان انقلاب اسلامی در سال های اخیر، این گورستان را به عنوان مکانی معنوی مورد توجه و احترام مردم قرار داده است. برگزاری جلسات دعا و نیایش های گوناگون همچون دعای کمیل در شب های جمعه در مساجد و بقاع تخت فولاد بر تبرک و قداست آن افزوده است. چنان که مردان و زنان بزرگی در تخت فولاد شب را تا صبح به احیاء و دعا سپری می کرده اند.

در منابع دوره ی قاجاریه آمده است: زمانی که اصفهان دچار قحطی و خشکسالی می شد علما در تخت فولاد نماز استسقاء می خواندند و از خدا طلب باران می نمودند. پس از پایان عبادت، خداوند باران را بر مردم نازل می کرد. (۱)

برپایی نمازهای عید در مصلائی تخت فولاد به اعتبار معنوی آن افزوده است. وجود بقاع و تکایا و مقابر عرفا و علما و دانشمندان بزرگ شیعه به عنوان مرکز معنوی و عبادی تخت فولاد همواره نظر مؤمنان را به سوی خود جلب می کند.

ص: ۲۱

این خاک مقدّس مدفن شمار فراوانی از مشاهیر، هنرمندان، علما و عرفای برجسته در طول تاریخ شکل گیری آن بوده است که مردم همواره برای زیارت و بهره جستن از برکات این بزرگان به آن توجّهی خاص داشته اند.

از جمله تکایای مشهور در تخت فولاد اصفهان تکیه های میرفندرسکی، خوانساری، میرزا محمّدباقر چهارسوقی، میرزا رفیعا، خاتون آبادی، سیّدالعراقین، فاضل سراب، واله، آباده ای، تویسرکانی، جهانگیرخان، میرزا ابوالمعالی کلباسی، بروجردی، ایزدگشسب، شیخ مرتضی ریزی، ملک و گلزار که نخبگان علمی مدفون در آنها از بزرگان عصر خویش بوده اند.

از جمله عرفا، فلاسفه، فقهای شیعه و هنرمندان این تکایا می توان به بابا رکن الدین (متوفی ۷۶۹ ه. ق.)، ابوالقاسم میرفندرسکی (متوفی ۱۰۵۰ ه. ق.)، میرزا رفیعا نائینی (متوفی ۱۰۸۲ ه. ق.)، آقا حسین خوانساری (متوفی ۱۰۹۸ ه. ق.)، میر محمّداسماعیل خاتون آبادی صاحب تفسیر کبیر (متوفی ۱۱۱۶ ه. ق.)، آقا جمال الدین خوانساری (متوفی ۱۱۲۲ ه. ق.)، مولانا محمّد بن عبدالفتاح تنکابنی مشهور به فاضل سراب (متوفی ۱۱۲۴ ه. ق.)، بهاءالدین محمّد اصفهانی معروف به فاضل هندی (متوفی ۱۱۳۵ ه. ق.)، درویش عبدالمجید استاد خط شکسته (متوفی ۱۱۸۵ ه. ق.)، حکیم آقا محمّد بیدآبادی (متوفی ۱۱۹۷ ه. ق.)، حاج صادق تخت فولادی (متوفی ۱۲۹۰ ه. ق.)، آقا محمّد کاظم واله اصفهانی (متوفی ۱۲۹۹ ه. ق.)، محمّدحسین عنقا ملقب به ملک الشعراء (متوفی ۱۳۰۸ ه. ق.)، آقا میرزا محمّدباقر چهارسوقی صاحب روضات الجنات (متوفی ۱۳۱۳ ه. ق.)، جهانگیرخان قشقائی (متوفی ۱۳۲۸ ه. ق.)، حاج میرزا آقا امامی هنرمند مینیاتورست (متوفی ۱۳۷۵ ه. ق.)، سیّد محمّد صدرهاشمی نویسنده و مورّخ (متوفی ۱۳۸۴ ه. ق.)، و از بانوان مریم بیگم معروف به «مادر شاهزاده» (متوفی ۱۲۴۶ ه. ق.)، شهربانو دختر شیخ محمّد تقی رازی، نسمة خاتون دختر شیخ جعفر کاشف الغطاء، بانو نصرت السادات امین (بانوی مجتهده ی جهان اسلام) (متوفی ۱۴۰۳ ه. ق.) اشاره کرد.

وجود بیش از هزار تن از مشاهیر مدفون در این مجموعه یکی دیگر از دلایل اهمیّت این گورستان است.

۳) تنوع طرح و سبک معماری بناها در دوره های گوناگون تاریخی

گورستان تاریخی تخت فولاد با تعداد زیادی از تکایا، مقابر، مساجد، آب انبارها، کاروانسراها، سنگ آبها و سقاخانه ها با سبک معماری و تنوع در نقشه و طرح آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تکایای موجود در این مجموعه را از نظر تاریخی می توان به چهار دوره تقسیم کرد:

۱ - دوره ی صفوی

از این دوره هفت تکیه ی: بابا رکن الدین، خوانساری، میرزا رفیعا، خاتون آبادی، میرفندرسکی، فاضل سراب و آقا رضی باقی مانده است.

مجموعه تکایای دوره صفوی از معماری نقشه و تزئینات خاصی برخوردار بوده اند، به ویژه اینکه تنوع پلان و معماری این تکایا را در کمتر بناهای دیگر اصفهان می توان مشاهده کرد.

۲ - دوره قاجار

تکایای به جای مانده از دوره ی قاجار بیست عدد است که مهمترین آنها عبارتند از تکیه های شیخ محمد تقی رازی، آقا محمد بیدآبادی، میرزا ابوالمعالی کلباسی، تویسرکانی، حاج محمدجعفر آواده ای، سیدالعراقین، حاج آقا مجلس و کازرونی و

معماری این تکایا با معماری بناهای دوره صفوی شباهت هایی دارد. نقشه ی پاره ای از این بناها از داخل و خارج دارای پلانی هشت ضلعی است که گاه با استفاده از هشت ستون سنگی در داخل بقاع اصلی و گنبد با واسطه بر روی آنها قرار گرفته و در تزئینات این تکایا از گچ بری، کاشی، خشت، معرق و معقلی (آجر و کاشی) با نقوش زیبا و متنوع استفاده شده است.

۳ - دوره ی پهلوی

تکایای دوره ی پهلوی بالغ بر هفده تکیه است که از مشهورترین آنها می توان به تکایای بروجردی، معارفی، گلزار، مقدس، حجت نجفی، کرمانی اشاره نمود. از اواخر دوره ی قاجاریه روند خصوصی سازی و خانوادگی شدن تکایای تخت فولاد رشد بیشتری یافت.

۴ - دوره ی جمهوری اسلامی

در این دوره مقابر و بقاع بسیاری در تخت فولاد تأسیس و مرمت شده است که با استفاده از پلان و معماری سنتی احداث و با تزئینات کاشیکاری نیز آراسته شده اند. آرامگاه بانو امین، آرامگاه شهید

شمس آبادی، آرامگاه حاج آقا رحیم ارباب، آرامگاه شهید اشرفی اصفهانی، آرامگاه فاضل هندی، آرامگاه ملا اسماعیل خواجهویی، آرامگاه جهانگیرخان قشقایی و مزار با برکت گلستان شهدا که با بیش از ۷۳۰۰ شهید در این سرزمین مقدس شکل گرفته و گسترش یافته است و شهدای عزیز بسیاری پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در این تکیه آرمیده اند.

سایر عناصر برجسته ی معماری تخت فولاد

الف (مساجد

در تخت فولاد که محلی آرام و خلوت برای عبادت بود مساجدی از دوره صفوی به بعد ایجاد گردید که هر یک از لحاظ معماری دارای ارزش و اهمیت است. مساجد تاریخی موجود تخت فولاد عبارتند از: ۱) مسجد میر محمد اسماعیل خاتون آبادی ۲) مصلی که در زمان صفویه اهمیت فراوان داشته و جهت نماز استسقاء و در برخی اعیاد مردم در آن جمع می شدند. مقصوره ی کوچک این مسجد مربوط به زمان آق قویونلو بوده که به مرور زمان تخریب گردیده و در دوره ی قاجاری تعمیرات کلی شده است. ۳) مسجد تکیه ی کازرونی. ۴) مسجد رکن الملک (ساخت ۱۳۱۸ ه. ق.) که گنبد و شبستان و سر در ورودی آن از آثار زیبای معماری موجود در تخت فولاد است.

ب (آب انبارها

از آنجا که آب چاه های تخت فولاد شور مزه و عمق دست یابی به آب در این منطقه زیاد بوده است ناگزیر به استفاده از آب انبار بوده اند. معماری آب انبارهای تخت فولاد نشان می دهد که از آب مادی هایی که در منطقه تخت فولاد جاری بوده، پُر می شده اند و در تابستان و خشکسالی ها از آب انبارهای موجود استفاده می شده است. آب انبارهای تاریخی و هنری تخت فولاد عبارتند از: ۱) آب انبار تکیه کازرونی ۲) آب انبار مسجد رکن الملک ۳) آب انبار مسجد مصلی. مربوط به دوره قاجاریه و تاریخ آن به حدود ۱۲۹۰ ه. ق. می رسد ۴) آب انبار تکیه ی لسان الارض که مربوط به دوره صفویه و شاید قبل از آن دوره می باشد. [\(۱\)](#)

ص: ۲۴

برای مشروب کردن اراضی و باغات در محله تخت فولاد چند مادی از زاینده رود آب می گرفته است. ۱ - مادی آب دویت و پنجاه که شاخه ای از مادی شایج بوده است. مادی شایج از مقابل کوه دنبه در غرب اصفهان از رودخانه جدا می شده و دیه های مهم دستگرد، حسین آباد، فرح آباد، سیچان و کوله پارچه را مشروب می کرده است. (۱) در وجه تسمیه این مادی گفته اند که چون ۲۵۰ جریب از اراضی باغ سعادت آباد و گبرآباد از این نهر سهم می برده به این نام شهرت یافته است. آب انبار مسجد رکن الملک و آب انبار کازرونی را این مادی پر می کرده است. نهرهای مشهور دیگر «جوی سیاه»، «جوی سفید»، بوده که آب، آب انبارهای مصلی و لسان الارض را تأمین می کرده ولی پس از صفویه این نهرها خشک شده است. (۲)

به این ترتیب مادی های تاریخی از دیگر گنجینه های تاریخی تخت فولاد محسوب می شود.

د (سنگاب ها و سقاخانه ها

مؤمنین به سبب سیراب نمودن تشنگان و یادآوری مظلومیت و تشنگی غمبار حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام و به قصد پاداش اخروی سنگاب و سقاخانه ها را می ساختند. در تخت فولاد نمونه هایی از این آثار هنری ارزشمند وجود دارد که از نظر تاریخی و هنری ارزش و اهمیت فراوانی دارند: سقاخانه ی ارزشمند تکیه های میر، کازرونی، آغاباشی و سنگاب های تاریخی تکیه های بابا رکن الدین، آواده ای، شیخ محمدتقی رازی و میر از این جمله اند.

«تفاوت سقاخانه و سنگاب در آن است که آب سقاخانه ها از چاه حفر شده در کنارش تأمین می شد. ولی آب سنگاب را از محل دیگری با ظرف حمل و به داخل آن می ریختند. علاوه بر این سقاخانه از حرمت و تقدس ویژه ای نزد مردم برخوردار بوده اند و حال آنکه سنگاب ها چنین ویژگی را ندارند.» (۳)

وجود این آثار ارزشمند نشان از هویت عظیم و گرانبهای تاریخی تخت فولاد دارد.

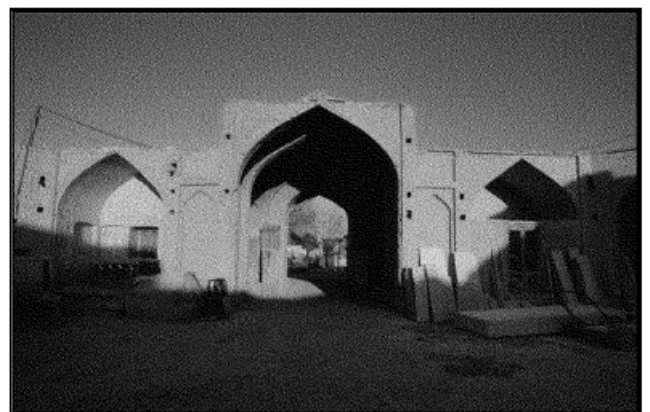
ص: ۲۵

۱- ۱۴. مهریار، محمد: فرهنگ جامع نام ها و آبادی های کهن اصفهان، ص ۵۱۰.

۲- ۱۵. محمد مهدی اصفهانی: نصف جهان فی تعریف الاصفهان، ص ۴۲.

۳- ۱۶. دادمهر، منصور: سقاخانه ها و سنگاب های اصفهان، صص ۴۷ ۴۶ و ۱۵۵.

این بنا متعلق به عصر صفوی بوده و در مسیر راه اصفهان به شیراز قرار داشت. بانی آن اسفندیار بیگ ترکمان از سرداران شاه عباس صفوی بود. و از آنجا که در عصر قاجار توسط حاج محمد ابراهیم ملک التجار مورد تعمیر قرار گرفت به نام کاروانسرای «ملک» هم خوانده می شود. مساحت این کاروانسرا حدود ۲۷۰۰ متر مربع می باشد. این بنا محل استراحت کاروان های تجاری بوده، بنا از نوع چهار ایوانی است و سردر باشکوه بنا با ارتفاع بلند و آجرکاری زیبایش خودنمایی می کند. اما از دوره ی قاجار به بعد به انبار کالاهای گوناگون تبدیل شد. از اساسی ترین مشکلات و مسایل این بنا وضع حقوقی آن است. زیرا که تولید و نظارت دقیقی بر این بنا اعمال نمی شود. و از این رو به مغازه های شخصی افراد مختلف تبدیل گردیده است. که به دلیل شاخص بودن بنا و قدمت تاریخی آن باید در حفظ، مرمت و بازسازی آن اقدام شود. (۱)



کاروانسرای تخت فولاد

۴) جلوه های هنری در تخت فولاد

تخت فولاد در ادوار گوناگون تاریخی تجلی گاه زیباترین شاهکارهای هنری بوده است. این

ص: ۲۶

۱- ۱۷. رساله ای جامع در خصوص این کاروانسرای تاریخی توسط آقای نیما ولی بیگ از دانشگاه هنر اصفهان نوشته شده که در مجموعه تاریخی، فرهنگی - مذهبی تخت فولاد موجود است.

مکان روزگاری بزرگترین خوشنویسان، حجّاران و هنرمندان را به خود جذب می کرد تا در آن از هنر خطاطی بی نظیر میرعماد در تکیه میرفندرسکی و آقا محمّدباقر سمسوری در تکیه مادرشاهزاده تعلیم گیرند. برخی از وجوه زیبای هنری در تخت فولاد عبارتند از:

الف) نقوش و نمادها

تخت فولاد آلبوم بی نظیری از نقوش تزئینی و نمادی است. نقوش تزئینی شامل نقوش گل و بوته، گل و بلبل، گل و گلدان، طرح های اسلیمی و... که هم در تزئینات کاشی کاری و گچ بری و هم در تزئین سنگ های قبور به زیبایی و ظرافت تمام نمایان است. نقوش نمادین که بیشتر در سنگ قبرها مشاهده می شود شامل: نقش «ابزار» که بیانگر شغل متوفی بوده، «سرو» نشان جاودانگی، نقش «مهر و تسیح و شانه» نشانه ایمان و پاکیزگی فرد متوفی بوده است. هدف از تمامی این نقوش و نمادها آن است که آمرزش روح و روان فرد متوفی انجام گیرد. که به عنوان مثال می توان به نقاشی های حجاری تکیه ی خوانساری اشاره نمود.

از دیگر عناصر نمادین تخت فولاد وجود شیرهای سنگی بر روی برخی از قبرها است که اغلب بر سر قبر پهلوانان به نشان از رشادت و پهلوانی فرد متوفی قرار می گرفته است.

ب) خوشنویسی، کتیبه ها و سنگ نوشته ها

هنر خوشنویسی از دیگر عناصر هنری در تخت فولاد به زیبایی تجلی یافته و در دو بخش مورد توجه است:

الف) کتیبه نویسی: نمونه های نفیسی از کتیبه ها، از جمله کتیبه ی خط میرعماد الحسنی در تکیه ی میرفندرسکی. کتیبه ی سردر تکیه آباده ای به خط میرزا فتح الله جلالی. کتیبه ی سردر ورودی بقعه ی بابا رکن الدین به نام شاه عباس اول که به خط ثلث سفید بر زمینه ی کاشی لاجوردی نوشته شده است.

کتیبه های دیگری از محمّد تقی بن محمّد ابراهیم اصفهانی، طرب بن همای شیرازی، محمّد صالح اصفهانی، میرزا حسینقلی کتیبه نویس اصفهانی، عبدالحسین قدسی، محمّدحسین ضیاء اصفهانی، محمّدتقی صحّاف و حبیب الله فضائلی و کتیبه های بقعه ها و تکایای گوناگون تخت فولاد، مدرسه و مسجد رکن الملک و دیگر بناهای این گورستان، زینت بخش این سرزمین و بناهای

ص: ۲۷

ب) سنگ نوشته‌ها: نمونه‌های زیبا و منحصر به فرد سنگ نوشته از آثار هنرمندان خوشنویس در تخت فولاد موجود است. برای مثال خط محمّد باقر سمسوری در سنگ مزار مریم بیگم دایه ی سیف الدوله (مادرشاهزاده)، خط محمّدحسین ضیاء اصفهانی در سنگ مزارهای

۱: شیخ محمّد تقی رازی

۲: حوری نساء بیگم (تکیه خوانساری)

۳: محمّد رحیم شیخ الاسلام (تکیه خوانساری)

۴: آخوند ملا مهدی قُمتبوانی (تکیه فاضل هندی)

۵: خط بسیار زیبا و بی نظیر آقا محمّد کاظم واله اصفهانی در سنگ مزار خودش

۶: خط زین العابدین سلطانی معروف به اشرف الکتّاب در سنگ مزار ابوالحسن سلطان الاطباء در تکیه ی مادرشاهزاده

۷: خط حسام الواعظین در سنگ مزار سید عبدالحسین سیدالعراقین نمونه ای از هزاران سنگ نوشته ی زیبای موجود در تخت فولاد می باشد.

۸: خط افسر در کتیبه سردر آب انبار مسجد مصلی

شاهکارهای حجّاری را در قبور موجود در تکیه های تخت فولاد به وفور می توان مشاهده نمود. حجاری کم نظیر سنگ قبرها، بیانگر مهارت سنگ تراشان هنرمند اصفهانی است. آری خداوند خلاقیتی به هنرمندان سنگ تراش بخشیده که از سنگ چنین اثری جاویدان پدید آورد.

ج) شعر (ماده تاریخ)

یکی دیگر از شاهکارهای هنری و ادبی تخت فولاد ماده تاریخ های بی شمار سنگ قبور است. در این ماده تاریخ ها جهات مختلف زیباشناختی، جامعه شناختی و فرهنگ عامیانه را می توان مشاهده کرد. (۲) اشعار شاعرانی چون رفیق اصفهانی، صهبا، خادم، کفّاش، واله، محمّد طلعت اصفهانی، حاج

ص: ۲۸

میرزا سلیمان خان شیرازی، طرب بن همای شیرازی، ملا محمدحسین ضیاء اصفهانی، جابری انصاری از جمله آثار هنری به جای مانده در تخت فولاد است. به عنوان مثال می توان به اشعار آقا محمدکاظم واله در سنگ مزار آقا محمد بیدآبادی و یا اشعار ضیاء اصفهانی در سنگ مزار شیخ محمدتقی رازی نمونه ای از صدها مورد اشعار موجود در سنگ نوشته های تخت فولاد اشاره کرد.

با مطالعه ی این اشعار می توان به نکات و ظرایف گوناگونی از حیات علمی، فرهنگی و اجتماعی مدفونین در این مزار پی برد. محتوای این اشعار دعا و نیایش، توصیف فضایل اخلاقی و در ستایش متوفی و یادآوری بی وفایی دنیا و همچنین عباراتی هشداردهنده و بیم دهنده آدمی است.

تقسیم بندی تکیه های تخت فولاد

در این بخش تکیه های تخت فولاد را به سه دسته تقسیم می کنیم و به صورت اختصار به وضعیت معماری، موقعیت جغرافیایی، ذکر اسامی عده ای از بزرگان مدفون در آن ها می پردازیم:

الف) تکایای دوره ی صفوی تا قاجاریه.

ب) تکایای دوره ی قاجاریه تا معاصر.

ج) تاریخچه گلستان شهدای اصفهان.

بخش اول : تکایای دوره صفوی تا دوره قاجار

اشاره

ص: ۳۱

۱- تکیه ی بابا(۱) رکن الدین

محرم «شیخ بهایی» بوده است

یار آن پیر خدایی بوده است(۲)

«شفیق»

این آرامگاه و تکیه منسوب به آثار دوره ی ایلخانی است اما قدیمی ترین اطلاعات از این بنا به تعمیر آن در دوره ی صفویه به فرمان شاه عباس اول اشاره دارد. بر این اساس و نیز بر پایه ی شیوه ساخت بنا، می توان احداث آن را دوره ی بعد از مغول یعنی دوره ی زندگی بابا رکن الدین

دانست. همچنین در برخی منابع از دفن بابا رکن الدین در تکیه ی منسوب به خود او سخن به میان آمده است و این نشان از وجود تکیه در زمان خود او دارد. کتیبه ی بالای ایوان مدخل بقعه به فرمان شاه عباس اول صفوی و تاریخ اتمام بنا در سال ۱۰۳۹ ق. ذکر شده؛ ولی استاد همایی سال ۱۰۲۹ ق. را صحیح می داند و معتقد است شخصی معماری که این کاشیکاری را تجدید بنا می نموده به این نکته توجه نداشته و تاریخ آن را ۱۰۳۹ ق. را آورده است. از شیوه ی معماری گنبد متعلق به دوره ی ایلخانی می توان به قدمت آن پی برد.

شهرت بابا رکن الدین در دوره ی صفویه آن چنان بود که در منابع دوره ی صفوی گورستان تخت فولاد را به نام «مزار بابا رکن الدین» می گفته اند. به این ترتیب تکیه ی بابا رکن الدین، از کهن ترین تکایای موجود در تخت فولاد به شمار می آید و به دلیل همین قدمت تاریخی یکی از مهمترین تکیه های تخت فولاد نیز محسوب می شود.

این بنا دارای هرمی مخروطی دوازده ضلعی است. که بر روی پنج پایه قرار دارد. محور اصلی آن با سمت قبله دقیقاً مطابقت دارد. بنای اصلی بقعه و گنبد از قرن هشتم هجری، آجری بوده و در

ص: ۳۳

۱- ۲۰. در لغت به معنی «پدر و نیا» و در مآخذ تاریخی عنوان احترامی برای عارفان و صوفیان در زبان فارسی و ترکی متداول بوده است و علاوه بر این یکی از مراتب طریقت تصوف نیز محسوب می شود. ر. ک: دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۹ و ۲۰.

۲- ۲۱. نقل است که برای شیخ بهایی در مزار بابا رکن الدین مکاشفه ای روی می دهد. برای اطلاع رک: شفیق: تخت فولاد اصفهان، صص ۳۷ و ۳۸

دوره ی صفوی مَرمّت کلی و هرم دوازده ضلعی و ایوان الحاق گردیده است. بر روی قبر، سنگ بزرگی از جنس مرمر با کتیبه ای به خط ثلث زیبا نصب شده است.

به لحاظ شهرت و اعتبار تکیه بابا رکن الدین، بزرگان و عرفای زیادی به این تکیه رفت و آمد داشته اند. در دوره ی صفوی بزرگانی چون شیخ بهایی، محمّدتقی مجلسی و بعدها حاجی کلباسی و علمای دیگر احترام و ارادت خاصی به مدفون در این تکیه داشته اند و حتی نقل است که شاه عباس به جهت احترام ویژه ای که برای شیخ بهایی قائل بود به تعمیر و بنای بقعه بابا رکن الدین پرداخت.^(۱)

علاوه بر این در منابع از عرفای دیگری که در این تکیه و اطراف آن مدفون بوده اند نام برده شده که هیچ آثاری از آنان وجود ندارد. چنانکه از «درویش صادق» که از عرفای قرن یازدهم و همچنین از دفن میر معزّ صوفی ذکر کرده اند. میر معزّ صوفی از بزرگان صوفیه به شمار می آمده و موقوفات مزار بابا رکن الدین را اداره می کرده است ولی اینک هیچ آثاری از تکیه و خانقاه وی موجود نیست.

در ضلع شمالی تکیه دو بنا که یکی در داخل و دیگری بیرون تکیه قرار داشته است. بنای داخلی معروف به «چله خانه» محل چله نشینی و عبادت علما و بزرگانی بوده است که به تکیه ی بابا رکن الدین برای عبادت مشرّف می شده اند همچنین در قسمت زیرین بقعه نیز اتاقی جهت عبادت وجود داشته است. بنای بیرون تکیه اتاقی بوده که مدفن ابراهیم راه نجات است. اگرچه این بنا با گذشت زمان از بین رفته ولی سنگ قبر این شخصیت هنوز در بیرون تکیه موجود است.

در کتب تاریخی اطراف تکیه ی بابا رکن الدین را سرسبز و باصفا توصیف کرده و به مهمانسرای بزرگ، آب انبار و باغات سرسبزی برای استراحت مسافرینی که از شیراز وارد اصفهان می شدند اشاره نموده اند و نیز به این نکته که سرانجام بابا رکن الدین بیضاوی شیرازی در مسیر راه اصفهان به شیراز دفن شد،^(۲) اشاره شده است.

با گذشت زمان تمامی آثار قدیمی این محدوده از بین رفت و در دوره معاصر خیابان سعادت آباد در این قسمت ایجاد شد.

ص: ۳۴

۱- ۲۲. دایرهالمعارف بزرگ اسلامی، جلد دهم، ص ۷۴۵ و ۷۴۶.

۲- ۲۳. همایی، جلال الدین: تاریخ اصفهان (مجلد ابنیه و عمارات)، صص ۴۸ - ۳۱.

۱ - بابا رکن الدین شیرازی: مسعود بن عبدالله بیضاوی، عالم و عارف بزرگ قرن هشتم هجری که اصلش از بیضای فارس بود. وی در عرفان نظری از شیخ کمال الدین عبدالرزاق کاشانی، شیخ داوود قیصری و نعمان خوارزمی بهره گرفت و با سلسله سهروردیه پیوند یافت. تاریخ وفات وی بر سنگ نوشته ی آرامگاهش ۷۶۹ هجری قمری حک شده است. وی در طریقت به سلسله سهروردیه انتساب داشت. در مذهب بابا رکن الدین اختلاف است؛ برخی او را شیعه و عدّه ای دیگر از اهل تسنن شمرده اند. اما سنگ نوشته اش حاکی از شیعه بودن اوست. چنانکه از احترام و ارادت برخی از علمای بزرگ شیعه مانند شیخ بهایی و مجلسی اول و حاجی کلباسی به وی، می توان او را شیعه دانست. (۱)

مهمترین اثر وی «نصوص الخصوص فی شرح الفصوص» شرحی بر فصوص الحکم ابن عربی (قسمتی از جلد اول آن) به چاپ رسیده است. این کتاب را بابا رکن الدین در سال ۷۳۸ به درخواست استادش نعمان خوارزمی به نگارش درآورد. آثار مزبور نشان می دهد بابا رکن الدین نخستین دانشمند و عارفی است که در گورستان تخت فولاد دفن شده است. (۲)

حکایتی در زیارت قبر بابا رکن الدین از ملا محمد تقی مجلسی نقل است که با شیخ بهایی بر سر قبر او رفتیم. ناگهان شیخ بهایی را تغییر حالتی پیش آمد و عبا بر سر کشید و در فکر عمیق فرو رفت. علت را پرسیدم گفت از قبر آوازی شنیدم که فرمود: «ای شیخ به فکر خود باش» به این معنی که خبر وفات مرا دادند. از آن پس شیخ بهایی ترک معاشرت نمود و پیوسته در عبادت بود تا وفات یافت. (۳) (رحمه الله علیه).

۲ - حاج میرزا حسن خان جابری انصاری: فرزند حاج میرزا علی ملقب به «صدرالادباء» متوفی ۱۳۷۶ ق. مورخ محقق و ادیب فرزانه، در اصفهان از محضر بزرگانی چون آقا سید محمدباقر

ص: ۳۵

۱- ۲۴. مرحوم جابری انصاری دلایلی را مبنی بر تشیع بابا رکن الدین ذکر می کند: اول گنبد دوازده ترک آن به نشانه شیعه ی دوازده امامی بودنش. دوم تجلیلی که علمای بزرگ شیعه همچون شیخ بهایی و مجلسی اول و حاجی کلباسی از این مقبره نموده اند و سوم عصر تاریخی فوت بابا رکن الدین که دوره حکومت آل مظفر در فارس و اصفهان بوده و دوره مرحوم علامه مجلسی که در ترویج تشیع تلاش فراوان شد و این مقبره از معرض تعرضات صوفیگری بر کنار ماند. (جابری انصاری: تاریخ اصفهان، ص ۱۸۰)

۲- ۲۵. همان مأخذ

۳- ۲۶. گزی، آخوند عبدالکریم: تذکرها لقبور، ص ۴۳.

درچه ای و آخوند کاشی کسب علم نمود. وی نویسنده ی آثار مهمی چون: الف) تاریخ اصفهان و ری و همه جهان ب) تاریخ نصف جهان و همه جهان ج) آگهی شهان از کار جهان د) آفتاب

درخشنده و آثار دیگر است. وی جزو مفسرین قرآن و همچنین مشروطه خواهان اصفهان می باشد. وی چون بابا رکن الدین را انصاری و از تبار جابریان می پنداشت، وصیت کرد که وی را در تکیه ی بابا رکن الدین به خاک سپارند. (۱)

۳ - ملاً محمّدعلی نوری مازندرانی: فرزند ملاً اسماعیل، متوفی ۱۲۵۳ ق. عالم و عارف جلیل. وی مدّتی هم برای تزکیه و تصفیه نفس به هندوستان سفر کرد و پس از مراجعت به اصفهان گوشه گیری و انزوا را در پیش گرفت. از آثارش الف) نخبه‌الاصول ب) حاشیه بر شوارق ج) حاشیه بر مثنوی و... را می توان نام برد. (۲)

۴ - حاج میرزا جواد نوری: فرزند حاج ملاً محمّدعلی، ملقب به «شیخ العلماء». متوفی ۱۳۲۳ ه. ق. به فقهت، دیانت، تقوی و مرجعیت قضا معروف بود. علاوه بر اجتهاد و فقهت در علوم ادبی نیز تسلط کامل داشت. ریاست مذهبی اصفهان در عصر خود به وی منتهی می شد و در مسجد دروازه نو امامت می کرد.

از تألیفاتش: الف) رساله ی نماز شب ب) رساله ی عملیه تقلیدیه ج) فقه استدلالی بوده است.

۵ - حاج میرزا بهاءالدین نوری: فرزند میرزا جواد، معروف به «فاضل نوری» متوفی ۱۳۴۳ ق. عالم فاضل ادیب که در اشعارش «فاضل» تخلص می کرد. وی از شاگردان آخوند ملاً محمّد کاشانی بوده است. اشعار او حاکی از احساسات پرشور است. این شعر از اوست که می گویند در حال طواف بدیهداً سروده:

بطوف کعبه کجایند عاشقان که مگر

چشند لذت دور نگار گردیدن

همچنین این شعر از اوست:

دلبر فرخ رخ شیرین لقا

تا بمن غمزده شد آشنا

برد ز من دین و دل و عقل و هوش

صبر و سکون نیز نماندی بجا

ص: ۳۶

ج ۸ صص ۲۸۱۶ - ۲۸۱۰.

۲-۲۸. مدرس تبریزی: ریحانها لادب، ج ۶، ص ۲۶۰.

گرچه محال است ز خوبان وفا(۱)

۶ - حاج میرزا محمد تقی نوری: فرزند محمد علی نوری، متوفی ۱۳۲۹ ق. در تعبیر خواب تبخّر بسیار داشت و حکایاتی در این خصوص از وی منقول است. چنانکه گویند پیش از کشته شدن ناصرالدین شاه قاجار، مرگ وی را خبر داده بود.

استاد جلال الدین همایی می نویسد: «حاج میرزا تقی که حقاً او را از اقران ابن سیرین باید شمرد در تعبیر خواب هنری عجیب داشت. نوادر تعبیراتش در اصفهان مشهور است. مرحوم حاج میرزا

عبدالحسین سید العراقین از علما و رؤسای روحانی معروف اصفهان در خواب دید که حَمّام مخروبه بایری آباد و دایر شده و او در این حَمّام شست و شو کرده و بیرون آمده و مشغول پوست کندن سیب است و زیر دامنش دانه انار پنهان می کند.

کس فرستاد تا حاجی میرزا تقی را به منزل او آوردند و تعبیر خواب از وی پرسید. جواب داد خواب را چند تعبیر است، یکی را نخواهم گفت، اگر شرط کنی که از این راز نپرسی باقی را می گویم و گرنه دم فرو می بندم و رؤیای تو را بی تأویل می گذارم.

سید العراقین ملتزم گردید که به شرط عمل کند. میرزا تقی گفت: دیری نمی گذرد که تجدید فراش خواهید کرد و از زن تازه دو پسر زیبا پیدا می کنید.

سید العراقین و اصحابش سخت به شگفت افتادند که حالی صاحب زن و فرزندان است و به هیچ وجه در این فکر نبوده و علامتی در کار نیست که زن تازه بگیرد!

مدتی نگذشت که زوجه اولش وفات یافت. پس از چندی تجدید فراش کرده دو پسر آورد (آقا ضیاء و آقا رضا) که هم اکنون در جزو فرزندان آن مرحوم از همه زیباتر و محبوب ترند.

مرحوم آقا سید محمد نجف آبادی فقیه عالم مدرس معروف که از دوستان و مصاحبان همیشگی سید العراقین بود و طبعی لطیفه پرداز داشت... روز دیگر دنبال معبر رفته و با التزام این که باز گوی نکنند، باقی مانده تأویل رویا را پرسیده بود. پس از تأکید فراوان در کتمان راز گفت: نمی دانم چه پیش می آید که در وقت مرگ ریش وی تراشیده می شود.

بدیهی است که استماع این سخن برای یک نفر پیشوای روحانی بی حد ناگوار و وحشت بار بود.

بدین سبب مرحوم نجف آبادی تا بعد از مرگ سید العراقین این سخن را برای احدی اظهار نکرد. اما چنان پیش آمد که معبر گفته بود، سید العراقین در آخر عمرش به دملی روی چانه دچار گردید که در مریض خانه برای معالجه ناچار محاسن او را ستردند و در همین حال بدرود حیات گفت.

رابطه حَمَام رفتن با تجدید فراش و دو دانه انار زیر دامن با دو پسری خوشروی تا حدی معلوم است، اما ارتباط ریش ستردن هنگام وفات، با پوست کندن سیب، جز با الهام قلبی میسر نیست»^(۱)

۷ - ملا حسن آرنندی نائینی: متوفی ۱۲۷۰ ق. عالم جلیل، عارف کامل در علوم عقلی و نقلی مخصوصاً حکمت و عرفان و فنون ریاضی تبخیری تمام داشت. وی در جوانی شبانی می کرد و با هدایت حاج محمد حسن نائینی به راه علم کشیده شده و در انواع علوم ظاهری و باطنی به مقام کشف و شهود نایل آمد. اگر از وی در یک روز از هزار کتاب حل مشکلات و رفع شبهات می خواستند بدون هیچ تأمل همه را جواب می داد، با آنکه اصلاً کتاب نداشت. وی را اهل کشف و

اسرار و صاحب علوم باطنی دانسته اند. در لباس و خوراک مانند فقیرترین مردم زندگی می کرد. گویند شبها چراغ دلش روشن و منزلش تاریک و بسیاری از ایام سال را به روزه داری سپری می کرد. در مقامات روحانی به درجه ای رسیده بود که انواع کرامات و خرق عادت از وی به ظهور می رسید ولی خود به آنها بی اعتنا بود و جالب آنکه سعی می کرد خود را فردی جاهل نشان دهد و حال آنکه در حکمت الهی و علوم ریاضی استادی بی نظیر بود. صبح تا شام طلاب علوم مختلف دسته دسته به درسش حاضر می شدند و از محضرش استفاده می کردند. در تاریخ فوتش سروده اند:

گفت سیما بهر تاریخ وی از الهام غیب

جای بگزیده به جنت مرشد کامل حسن^(۲)

«(۱۲۷۰)»

نقل است که حاکم اصفهان علاقه زیادی به معاشرت با عرفا و علماء به خصوص ملا حسن نائینی داشت، ولی ملا حسن هیچ علاقه ای به نزدیکی و ارتباط با حکام و بزرگان سیاسی نداشت. حاکم اصفهان اصرار فراوانی نمود که ملا حسن از وی چیزی بخواهد امّا او نپذیرفت. سرانجام ملا حسن گفت: «این را می خواهم که دیگر خواهش ملاقات نکنی» چون ملا حسن از ملاقات با حاکم اصفهان

ص: ۳۸

۱- ۳۰. تاریخ اصفهان (مجلد ابنیه و امارات): ۶۳-۶۴.

۲- ۳۱. شرح حال کامل همراه با ذکر منابع در کتاب جابری انصاری: تاریخ اصفهان، ص ۴۰۰ و ۴۰۱.

فارغ شد در راه بازگشت به مغازه ی قصابی رفت تا برای غذای شب گوشت بخرد به جهت لباس بسیار کهنه و ژنده پوشی که داشت قصاب گمان کرد که وی یهودی است از این رو او را با مشت و لگد از مغازه خود بیرون انداخت و چنان سیلی محکمی بر صورت او نواخت که اثرش بر صورتش آشکار بود وقتی به مدرسه وارد شد طلباب دور او را گرفتند که در محضر حاکم چه گذشت و اثر سیلی خوردگی چیست؟ ملاً حسن با کمال متانت ماجرا را شرح داد و گفت که از قصاب ممنونم که غرور تملق گویی حاکم را از مغزم بیرون کرد و همان گونه که رفته بودم بازگشتم. (۱)

۸- ابراهیم راه نجات: متوفی ۱۳۲۶ ش. ادیب و روزنامه نگار آزادیخواه عصر مشروطیت که روزنامه ی «راه نجات» را منتشر می کرد. وی خواهرزاده ی ملک المتکلمین از رهبران معروف مشروطیت بود و با وی همراهی و همفکری داشت. (۲)

۹- جواد مجدزاده: فرزند شیخ احمد مجدالاسلام کرمانی، متوفی ۱۳۶۴ ق. متخلص به «صهبا» ادیب و شاعر، رئیس اداره ی باستان شناسی. وی از جمله مردان نیکوکاری است که در تجدید بنای بابا رکن الدین نیز همت نمود و هنگام مرگ وصیت نمود وی را در اتاق ورودی بقعه ی بابا رکن الدین دفن نمایند. وی مدت دو سال روزنامه ی «سرنوشت» را منتشر می کرد و صاحب دیوان اشعار می باشد. از اشعار اوست:

گرچه دل را در غمش جز ناله ی شبگیر نیست

ناله ی شبگیر ما را در دلش تأثیر نیست

دل چه می خواهد ز جان من که در دام بلا

خود گرفتار آمد و خود کرده را تدبیر نیست (۳)

ص: ۳۹

۱- ۳۲. همایی: همان مأخذ، صص ۴۸ - ۵۹.

۲- ۳۳. صدر هاشمی، محمد: تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۲، ص ۳۱۷؛ و نصرالهی، غلامرضا، جزوه تخت فولاد سرزمین جاویدان، مشاهیر تکیه بابا رکن الدین.

۳- ۳۴. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۴۴.

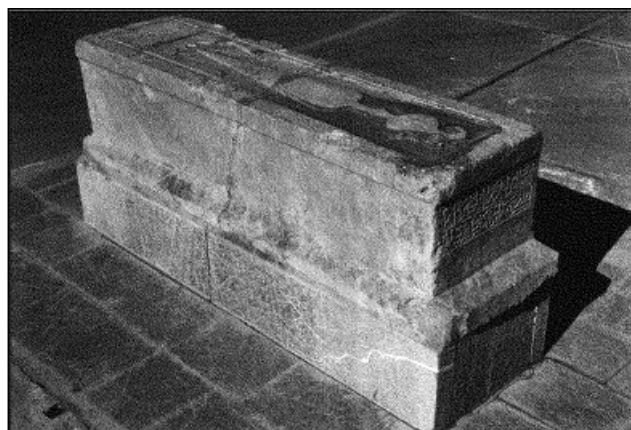


موقعیت و قبر بابا فولاد حلوایی

در مقابل تکیه میر سید محمد اسماعیل خاتون آبادی و در صحن مخابرات فیض قبر استاد فولاد بن استاد شجاع الدین حلوایی از عرفای عالیقدر شیعه متوفی ۹۵۹ هجری قمری قرار دارد.

استاد فولاد حلوایی در میان مردم اصفهان به بابا فولاد شهرت یافته است. کلمه ی بابا به معنی عارف، حکیم و دانشمند، راهنما و مرشد که صاحب فضل و کرامت بوده است و مردم برای رفع مشکلات خویش به او مراجعه و پس از مرگشان بقعه هایی جهت بزرگداشت آنها ایجاد می کرده اند. (۱)

شهرت بابا فولاد به حدی بود که برخی از اهالی تخت فولاد خود را از نسل او می دانند. سنگ قبر وی امروزه به عنوان سند اصلی تاریخ تخت فولاد از ارزش و اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیرا علت نامگذاری این گورستان مقدس به تخت فولاد را وجود همین قبر می دانند. که یکی از قدیمی ترین قبور تاریخ دار موجود در تخت فولاد می باشد.



مقبره بابا فولاد

ص: ۴۱

۱- ۳۵. ظاهراً بابا فولاد در دوره شاه طهماسب صفوی می زیسته و به عبادت و وارستگی شهرت داشته و برای او کراماتی را نقل کرده اند. برای مثال ر. ک: میر خلف زاده، علی: داستان هایی از مردان خدا، ص ۳۶.

تاریخ وفاتش ز خرد جستم گفت

صد حیف ز آفتاب اوج دانش (۱)

«محمد مؤمن نصر آبادی»

این تکیه متعلق به عصر صفوی است. میرزا ابوالقاسم فندرسکی استرآبادی (متوفی ۱۰۵۰ ق.) از بزرگترین فیلسوفان و عرفای قرن یازدهم جهان اسلام و یکی از بنیانگذاران حوزه فلسفی اصفهان پس از وفات در این تکیه دفن شد. قبر میر بدون هیچ گونه بنایی در صحن تکیه قرار دارد. این بدان سبب است که وصیت نمود مرقدش را در فضای آزاد و در معرض مستقیم نور آفتاب قرار دهند. قبر او روی سکوی بزرگی قرار دارد و در ضلع غربی این سکو متن سنگ نوشته وی به خط ثلث بسیار عالی نصب شده است.

قدمت تکیه به چندین علت به دوران قبل از این فیلسوف بزرگوار می رسد. اول آنکه گروهی عقیده دارند این تکیه در اصل خانقاه و محل اجتماع درویشان بوده است چنانکه شاردن نیز در سفرنامه اش از مقبره و مکان های عبادت در این محل نام می برد. وجود غزل معروف «روضه ی خلد برین خلوت درویشان است» به خط میرعماد و این که این تکیه محل عبادت و ریاضت جناب میرفندرسکی بوده نشان از آن است که این تکیه، سال ها قبل از وفات آن عالم محل اجتماع عرفاء، علماء و درویشان بوده است.

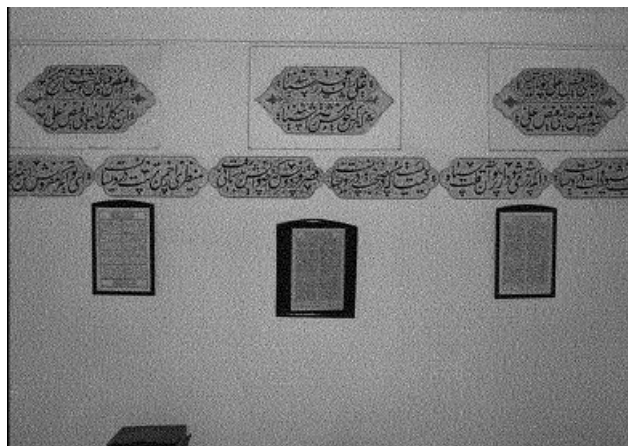
دوم وجود درخت کاج قدیمی در ضلع شرقی تکیه حکایت از قدمت چهارصد، پانصد ساله ی تکیه دارد. و دلیل آخر وجود اتاقی در بالای سر قبر میرفندرسکی است که با خط زیبای میرعماد نوشته شده و قدمت تکیه را به مدت ها قبل از دفن میرفندرسکی می رساند. زیرا میرعماد در سال ۱۰۲۵ ق. به دستور شاه عباس صفوی به قتل رسید در حالیکه تاریخ فوت میرفندرسکی ۱۰۵۰ ق. می باشد. بدین ترتیب تاریخ این خط به سال ها پیش از فوت میرفندرسکی باز می گردد.

از آثار هنری زیبا و بی نظیر این تکیه کتیبه ای به خط نستعلیق میرعماد در اتاق غربی غزل زیبای

ص: ۴۲

حافظ «روضه خلد برین خلوت درویشان است...» به شکل گچ بری تزیین شده است. همچنین مقرنس کاری های بسیار زیبا به رنگ قهوه ای که سردر ورودی تکیه و کتیبه سنگ نوشته مقبره نقش بسته است.

اطراف صحن تکیه حجراتی وجود دارد که از آن جمله حجره ای است که خط میرعماد در آن گچ بری شده و مشهور است که این اتاق مکانی بوده که هنرمندان و استادان بزرگ خط در آن حضور می یافتند و مستقیماً از روی این خط زیبا مشق می نمودند. از آن جمله میرزا رضا کلهر خوشنویس بزرگ خط نستعلیق بوده است که بارها به این تکیه آمده و این خط را سرمشق خویش قرار می داده است.



کتیبه خوشنویسی میرعماد

در ضلع جنوبی تکیه سقاخانه ی کاشی کاری شده ی زیبایی قرار دارد. در صحن تکیه نیز یک سنگاب مکعبی شکل از عهد صفویه وجود دارد که با وجود آسیب بسیار هنوز سالم باقی مانده است.

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه از جنوب به تکیه بختیاری، از شمال به خیابان عطاءالملک دهش، از غرب به منازل

مسکونی و از جنوب غربی به تکیه درویش عبدالمجید منتهی می شود.

بزرگان مدفون در تکیه

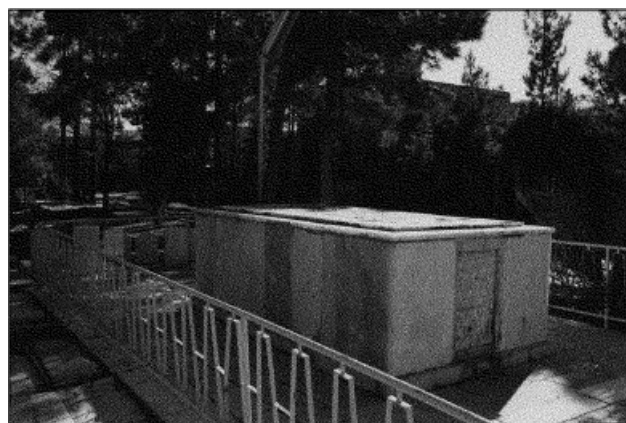
۱ - میر ابوالقاسم فندرسکی: فرزند میرزا بیک بن سید صدرالدین موسوی استرآبادی. متوفی ۱۰۵۰ ق. عالم عارف، ادیب شاعر، حکیم و فیلسوف بزرگ عصر صفوی. (۱) وی همراه شیخ بهایی و میرداماد مکتب فلسفی اصفهان را پایه ریزی نمودند. از شاگردان بزرگ وی می توان به آقا حسین خوانساری، میرزا رفیعا نائینی، ملا رجبعلی تبریزی اشاره نمود. شهرت وی به اندازه ای است که در تمامی کتاب های دوره ی صفوی و دوران بعد شرح حال وی به تفصیل آمده است. از آثار وی می توان به الف) «رساله ی صناعیه» ب) رساله در کیمیا ج) حواشی بر جوک بشست (کتابی در حکمت و عرفان هندی) اشاره نمود. علاوه بر این وی شاعر نیز بوده است. از اشعار اوست:

چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی

صورتی در زیر دارد آنچه بر بالاستی

صورت زیرین اگر با نردبان معرفت

بر رود بالا، همان با اصل خود یکتاستی



مقبره فیلسوف و عارف واصل میرفندرسکی

ص: ۴۴

۱- ۳۷. برای اطلاع از آثار و شرح حال این حکیم فیلسوف به مقاله مجتبیایی، فتح الله: «ابوالقاسم فندرسکی» در دایرهالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۱۷۲ - ۱۶۹.

برای جناب میرفندرسکی کرامت هایی نقل شده است. از آن جمله، هنگامی که مرحوم میر به هند رفته بود، بزرگان کفار بر میرفندرسکی دلیل می آورند که علمت حقانیت دین ما و سستی دین شما آن که مساجد شما زود خراب می شود ولی عبادتخانه های ما چندین سال است بدین محکمی باقی است. میر در جواب آنان می گوید: اگر آن ذکرها که در مساجد خودمان می گوئیم، اینجا گفته شود بناهای شما نیز خراب خواهد شد. هندوان از او می خواهند تا آن اذکار را بگوید. میر با خداوند خود در معبد هندوان خلوت می کند و به تضرع و زاری می پردازد، که ناگهان طاق عبادتگاه شکاف برمی دارد و خراب می شود و این کرامت موجب مسلمان شدن عدّه بسیاری از هندوان می شود. (۱) ماده تاریخ فوت آن عالم بزرگوار را چنین آورده اند: «صد حیف ز آفتاب اوج دانش» (۲)



تصویر میرفندرسکی و شیخ بهایی

احوال و مقامات حکیم میرفندرسکی:

در تمامی کتب عصر صفوی از وی به جلال و عظمت نام برده و فضایل علمی و ملکات نفسانی او را ستایش می کنند. مهارت او در تدریس ریاضیات به حدی بود که برای یک مسأله هندسی

بی درنگ

ص: ۴۵

۱- ۳۸. گزی، عبدالکریم: تذکره القبور، صص ۵۹ و ۶۰.

۲- ۳۹. جابری انصاری، میرزا حسن: تاریخ اصفهان، ص ۲۶۲.

چندین برهان و راه حل ارائه می کرد. مدتها در سفر هندوستان بود و ریاضت ها کشید. وی با اینکه در نزد سلاطین وقت از جایگاه ویژه ای برخوردار بود اما اغلب اوقات خود را با درویشان و فقرا و اهل ذوق و حال می گذراند و پیوسته در تزکیه نفس خود می کوشید. همچنین معروف بود که بدن او کیمیاست و آهن و برنج و مس را اگر به بدن او می مالیدند، طلا می شد. بنا به قولی بعد از فوت او اهالی هند خواستند که قبر او را کُنده و بدن او را به ولایت خود ببرند. از این رو قبر او را از اطراف با ساروج چیدند و محکم کردند. بعضی گویند که سرب را آب کرده و بر اطراف قبر او ریختند تا کسی نتواند این کار را کند. حکایات زیادی در مورد وی گفته شده. از جمله نقل است که سلطان هند به میر گفته بود: معاویه خال المؤمنین و از کُتاب وحی است، چرا شما بر او لعنت را جایز می دانید؟ میر گفت: اگر لشکر علی علیه السلام با لشکر معاویه باهم جنگ کنند تو با کدام طرف خواهی بود؟ گفت با لشکر علی علیه السلام. گفت: اگر به تو بگویند که گردن معاویه را بزن، چه خواهی کرد؟ گفت: می زنم. پس گفت: بعد از آن که کشتن معاویه را جایز می دانی لعنت کردن او هم جایز است.

هم چنین داستان وارد شدن شیر در مجلسی که وی با شیخ بهایی در آن مجلس بودند توسط هنرمندان بر عمارت هشت بهشت کشیده شده بود که هنرمندان بر پرده های نقاشی ترسیم کرده اند (۱).

۲ - سید روح الله کشفی: فرزند سید محمود. متوفی ۱۳۸۲ ق. شاعر ادیب، مجموعه اشعارش به نام «تحفه کشفی» به چاپ رسیده است.

۳ - عباس بهشتیان: متوفی ۱۳۶۶ ش. محقق و دوستدار راستین آثار شهر تاریخی اصفهان، که به نگارش کتاب «بخشی از آثار ملی اصفهان» همت گماشت. در یک کلام او را باید «عاشق به اصفهان و آثار تاریخی آن» دانست که با دلسوزی و مکاتبه های وی بسیاری از آثار باستانی اصفهان از تخریب و نابودی نجات یافت. (۲) بر سنگ مزارش این بیت از حافظ حک شده است:

من که باشم که بر آن خاطر عاطر گذرم

لطف ها می کنی ای خاک درت تاج سرم

۴ - حسین شهناز: فرزند شعبان خان تارزن. متوفی ۱۳۵۸ ق. از پیشگامان موسیقی سنتی در اصفهان. مهدی نوایی اشعار ماده تاریخ فوتش را که متضمن اسامی دستگاههای موسیقی می باشد

ص: ۴۶

۱- ۴۰. تنکابنی، محمد بن سلیمان: قصص العلماء، ص ۲۹۳.

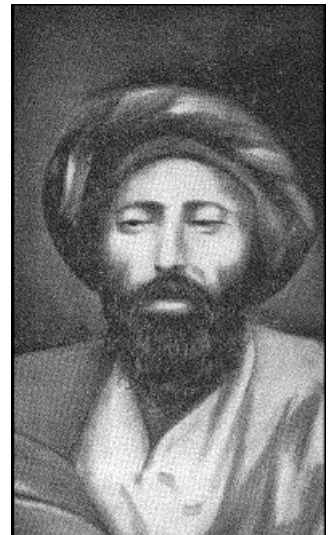
۲- ۴۱. در خصوص شرح حال وی ر. ک: قدسی، منوچهر: دولت دیدار، صص ۱۱۴ - ۱۰۶.

چنین سروده است:

یکی آمد پی تاریخ و نوایی از شوق

گفت با نی بنوا مُرد حسین شهناز

۵ - میرزا محمدحسین عنقا: فرزند رضاقلی خان همای شیرازی. ملقب به «ملک الشعراء». متوفی ۱۳۰۸ ق. ادیب فاضل، شاعر عارف، خوشنویس بزرگ خط شکسته نستعلیق. وی برای احیای شعر و شاعری در اصفهان انجمن ادبی عنقا را تأسیس کرد. از نظر خصوصیات اخلاقی نیز، مردی سخاوتمند بود. از فقرا بسیار دلجویی می کرد و آنچه مازاد بر خرج خود و بازماندگانش بود به مستمندان می بخشید. در بذل و بخشش آن چنان بود که گاه لباس های خود را در راه به فقرا و مسکینان می بخشید و یکتا پیراهن به خانه باز می گشت. از مال دنیا چیزی نیندوخت و تا آخر عمر مجرد زیست و در خانه مادری خود سکنا گزید. (۱)



از اشعار اوست:

من کیم سرگشته ای در عاشقی افسانه ای

خانه بر دوشی دل از کف داده ای دیوانه ای

دل گرفت از خانقه ساقی بیاور ساغری

جان فسرد از مدرسه مطرب بگو افسانه ای (۲)

عنقا در تکیه میر، همان جا که مدفن اوست، اطاقی ساخته بود با اثاثه مختصر که مخصوص اوقات انزوا و عزلت وی بود، گاهی هم با دوستانش که معمولاً از طبقه شعرا و اهل فضل بودند روزها در آن

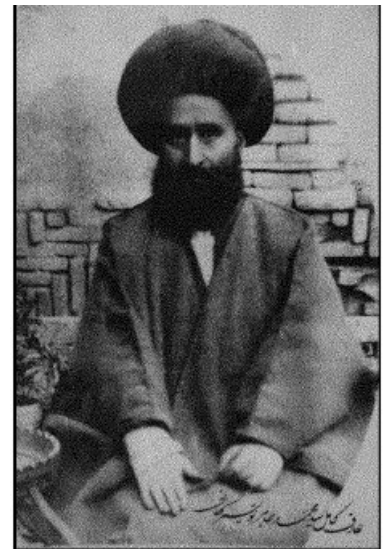
-
- ۱-۴۲. نصری، عبدالله: پایان شب سخن سرایی، ص ۲۸ - ۲۷.
- ۲-۴۳. بهشتیان، عباس: بخشی از گنجینه آثار ملی، ص ۵۳.

اطاق بسر می برد و شب را نیز همانجا بیتوته می کرد. (۱)

۶ - سید محمدطاهر تویسرکانی: متوفی ۱۳۲۷ ق. عالم فاضل جلیل القدر. بر سنگ قبرش این بیت حک شده است:

ما آبروی فقر و قناعت نمی بریم

با پادشه بگوی که روزی مقدر است



۷ - داراب افسر بختیاری: متوفی ۱۳۵۰ ش. از شعرای برجسته بختیاری. قصیده ی «مدحیه» در مورد حضرت علی علیه السلام را بیش از دیگر اشعارش دوست می داشت. وی به لهجه لری و فارسی شعر می سرود. از اشعار اوست:

.... ای رفیقان آنچه من فهمیدم از دنیای دون

زندگانی در جهان رنج و ملالی بیش نیست

دل به دنیا هر که بندد عین نادانی اوست

نعمت دنیای دون وزر و وبالی بیش نیست

گر کسی پرسد که افسر کیست برگویش جواب

بختیاری زاده ای افسرده حالی بیش نیست (۲)

از دیگر اشعار اوست:

۱-۴۴. همایی: برگزیده دیوان سه شاعر، ص ۷۶.

۲-۴۵. اوژن بختیاری: تاریخچه و شرح حال عرفا و شعرای دو قرن اخیر چهارمحال و بختیاری، ص ۲۰۰.

مَشکن دل اسیری که به بند بسته باشد
که تو را خبر نباشد ز دلی که خسته باشد
منما ستم تو هرگز به ضعیف مستمندی
به جوی نیرزد آن دل که دلی شکسته باشد
گرهی ز زلف، بگشا دل ما ز غم رها کن
برهان تو دردمندی که به بند بسته باشد
نروم پی نگاری که ز من برید الفت
نشود شکار صیدی که ز بند جسته باشد
پی وصف زلف یارش چه فصیح گفت «افسر»
که نهان بزیر هر مو دل دسته دسته باشد^(۱)

۸- میرزا تقی خان سرتیپ حکیم باشی: فرزند محمد هاشم. متوفی ۱۳۰۳ ق. طیب و ادیب، محقق و روزنامه نگار، وی روزنامه «فرهنگ» را در اصفهان منتشر کرد. او صاحب تألیفات بسیار از جمله «گنج شایگان» در جغرافیای خوزستان و کتاب های بسیار دیگر است. ماده تاریخ فوتش چنین است: «آه افلاطون دوم رفت زین دنیا برون»^(۲)

۹- کمال الدین مجلسی: فرزند نورالدین مجلسی. متوفی ۱۳۸۷ ق. متخلص به «عاکف» شاعر ادیب فاضل. از اشعار اوست:

پرده بردار ز رخسار جهان افروزت
تا مه و مهر به گردون همه رسوا داری
نه همی در دل من جای گرفتی همه عمر
بلکه در هر دل شوریده تو مأوا داری^(۳)

ص: ۴۹

۱- ۴۶. برقعی: سخنوران نامی معاصر ایران، ج ۷، ص ۳۱۱.

۲- ۴۷. راجع به شرح حال و اندیشه های وی رجایی، عبدالمهدی: میرزا تقی خان حکیم باشی، فصلنامه زنده رود، شماره ۳۳

و ۳۴، صص ۲۵۴ - ۲۳۹.

۳-۴۸. نوربخش، حسین: اصفهانی های شوخ و حاضر جواب، ص ۳۵۷.

الف - تکیه درویش عبدالمجید طالقانی: فرزند عبداللّه. متوفی ۱۱۸۵ ق. از اهالی طالقان.

ای گشته مثل ز خوشنویسی ز نخست

مفتاح خزاین هنر خامه ی توست

تا کرده خدا لوح و قلم را ایجاد

نوشت کسی شکسته را چون تو درست

«حاجت شیرازی»

بزرگترین خوشنویس خط شکسته در تاریخ خوشنویسی ایران است. وی در لباس فقر و درویشی به اصفهان آمد. در اثر عشق و علاقه به کسب فضایل پرداخت و در خط شکسته به مقامی رسید که بر همه ی استادان این فن مقدم گردید. وی در اشعارش نام خود (مجید) را تخلص نهاده بود. دیوان اشعارش دو هزار بیت می باشد. وی با اینکه در جوانی درگذشت آثار هنریش چنان زیبا است که کمتر از خوشنویسان این خط، چنین آثاری باقی مانده است. آذر بیگدلی ماده تاریخ وفاتش را چنین گوید: «شده ایوان جنان منزل درویش مجید»

این بیت از اوست:

ظلم است که بیرون کُتیم از قفس اکنون

کز جور توام ریخته شد بال و پر آنجا

پرسید کسی دوش ز بزم خبر از من

پنداشت که من داشتم از خود خبر آنجا

دور از تو مجید آرزوی خلد ندارد

کانجا که تویی از همه خوبتر آنجا(۱)

از جمله آثار زیبایی او کتابت «گلستان سعدی» است که در موزه ی کاخ گلستان تهران نگهداری می شود.

ب - تکیه ی بختیاری ها: در جنوب شرقی تکیه ی میر در پایان قرن ۱۳ هجری قمری حجراتی اضافه گردید که به تکیه ی بختیاری ها معروف است به طوری که بیش از یکصد قبر از این خاندان در این تکیه وجود دارد که هریک از آنها سنگ

ممره‌های نفیس و خطوط عالی و بی نظیر دارد. این مجموعه آرامگاهی از سال ۱۲۹۹ هجری قمری برای حسینقلی خان ایلخانی، که به نیرنگ ظلّ السلطان به قتل رسید، بنا شد و پس از آن فرزندان و خاندانش در آن مدفون شدند.

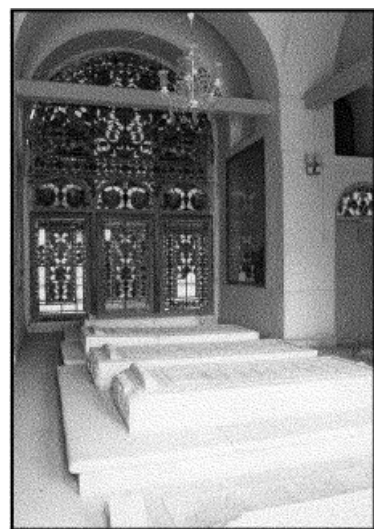
ص: ۵۰

۱- ۴۹. برای کتابشناسی کامل در مورد وی ر. ک: فصلنامه میراث شهاب، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۷۹، ص ۳۴.

این تکیه خود حیاط جداگانه ای دارد. اتاق اصلی تکیه به شکل چلیپایی و سقف گنبدی و اُرسی با شیشه های رنگارنگ بسیار زیبای آن، چشم هر بیننده ای را به سوی خود جلب می کند. در همین اتاق می توان سنگ قبرهای نفیس موجود در تخت فولاد را به همراه خطوط بسیار عالی و حجاری کم نظیر آنها مشاهده کرد. زیباترین این سنگ قبر متعلق به حسین قلی خان بختیاری ایلخان به تاریخ ۱۲۹۹ هجری قمری است.

روبروی همین اتاق، یک اتاق پنج دری زیبایی با گچ بری های برجسته و آئینه کاری های ظریف، اختصاص به قبور زنان بختیاری دارد.

این تکیه از سوی مجموعه تاریخی فرهنگی مذهبی تخت فولاد مرمت و بازسازی شده است.



مدفونین تکیه

۱ - حسینقلی خان ایلخانی: فرزند جعفر قلی خان، مقتول به سال ۱۲۹۹ ق. از خوانین و سران مشهور ایل بختیاری. ظل السلطان وی را به نیرنگ و توطئه در اصفهان به قتل رساند و وی را در این گوشه از تخت فولاد دفن نمود. پس از دفن این شخصیت بختیاری بود که سایر سران بختیاری از جمله پسرانش به این قسمت توجه نموده و مکان دفن این خاندان گردید. وی فردی شاعر و ادیب نیز بوده و در اشعار «ستاره» تخلص می نمود. (۱)

ص: ۵۱

۲ - علی قلی خان سردار اسعد(دوم) بختیاری: فرزند حسینقلی خان ایلخانی، متوفی ۱۳۳۶ ق. وی در حوادث مشروطه از اعضای مؤثر و فعال بوده و به تشویق او کتاب های:

الف) تاریخ بختیاری ب) سفرنامه برادران شرلی ج) سفرنامه تاورنیه د) مجلدات کتاب آبی درباره ی ایران به فارسی ترجمه و چاپ گردیده است.

۳ - جعفرقلی خان سردار اسعد(سوم): فرزند علی قلی خان سردار اسعد، متوفی ۱۳۵۲ ق. از سیاستمداران عصر پهلوی اول که در اواخر عمر به زندان افتاد و به دستور رضاخان به قتل رسید.

۴ - نجفقلی خان صمصام السلطنه: فرزند حسینقلی خان ایلخانی. متوفی ۱۳۴۹ ق. وی برادر بزرگ علیقلی خان بختیاری بود که بعد از فتح تهران همراه برادرش از افراد صاحب قدرت در دولت های پس از مشروطه بود. (۱)

۵ - بانو ویکتوریا افشرده: فرزند عبدالکریم آشفته. وی شعر می سرود ولی به مناسبت پیشامدهای روزگار طبعش افسرده شد و دیگر شعر نمی گفت. (۲)

بر روی سنگ قبرش این اشعار در احوال او گفته شده:

ریشه ی امید او را آفتی بیمار کرد

تندی طوفان عشقی کار او یکسر نمود

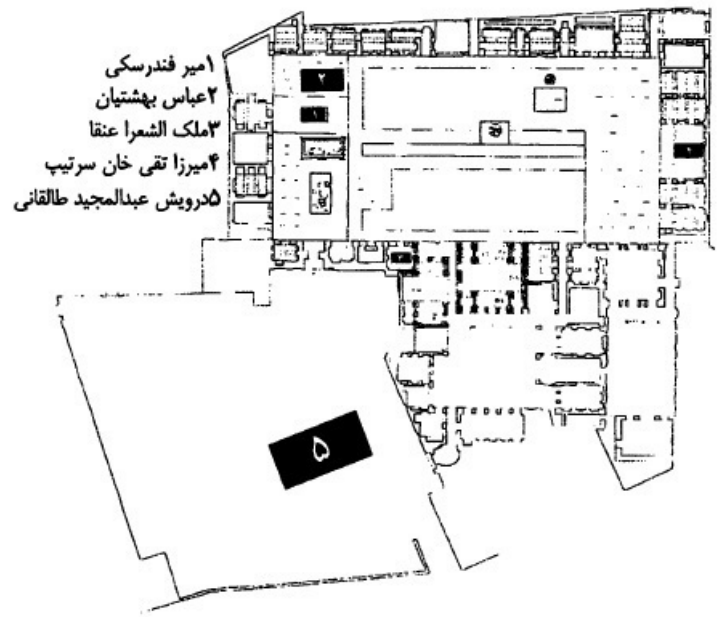
در بهار زندگانی رنگ پاییزی گرفت

در نگاهش زندگانی جلوه ی دیگر نمود

ص: ۵۲

۱- ۵۱. جهت اطلاع از شرح حال بزرگان بختیاری مدفون در تخت فولاد ر.ک: عقیلی: نگرشی بر مشروطیت اصفهان، صص ۲۵۵ - ۲۲۹.

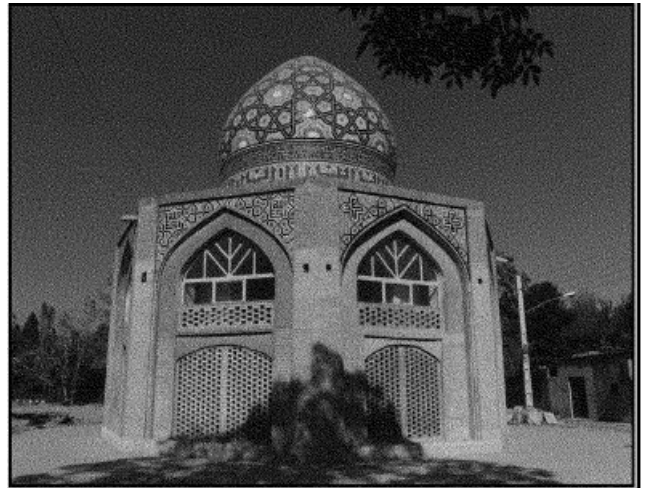
۲- ۵۲. مهدوی: تذکره شعرای اصفهان، ص ۴۹.



تکیه میرفندرسکی

ص: ۵۳

در انتهای قسمت جنوبی تخت فولاد که امروزه محدوده ی نیروی هوایی سپاه قرار دارد، بقعه ی زیبایی متعلق به دوره ی صفویه وجود دارد که به دستور شاه سلیمان صفوی بر مزار فیلسوف بزرگ آن دوره میرزا رفیع الدین نائینی متوفی ۱۰۸۲ هجری قمری بنا گردید.



بقعه میرزا رفیعا

معماری این بقعه به شکل یک بنای هشت ضلعی با گنبد دوپوش می باشد. مزیت گنبد دوپوش آن است که علاوه بر کاستن فشار زیاد گنبد بر روی بنا، به استحکام و طول عمر آن نیز می افزاید. گنبد ناری شکل آن با کاشیکاری اشکال هندسی گوناگون تزئین شده است. رنگ سفید بر زمینه گنبد بر سایر رنگ ها برتری دارد. در گردنه ی گنبد دو ردیف کاشیکاری وجود دارد. ردیف اول به خط بنایی مشکی بر زمینه کاشی «آیهالکرسی» و اسامی «محید» و «علی» تزئین شده است. و در ردیف دوم به

خط بنایی اسماء الله شامل: «یا برهان، یا غفران، یا سبحان، یا منان» تزئین گردیده است.

در بدنه ی دیوار بقعه نیز به خط بنایی بر زمینه رنگ سفید اسامی «محمد و علی» تکرار گردیده است.

در محدوده ی هوانیروز تکیه های دیگری نیز بوده که امروزه هیچ اثری از آنها مشاهده نمی شود. مثل تکیه سادات طالقانی، تکیه سادات کتابفروش که مشاهیر و بزرگانی در آن مدفون بوده اند (رحمه الله علیهما). (۱)

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه در سمت راست خیابان آزادگان در محدوده ی فرودگاه قدیم اصفهان واقع گردیده است.

بزرگان مدفون در این تکیه

۱ - میرزا محمد رفیع طباطبائی نائینی: فرزند سید حیدر بن زین الدین. متوفی ۱۰۸۲ ق. هجری قمری مشهور به «میرزا رفیعا». نسبش از طرف پدر به امام حسن علیه السلام و از طرف مادر به امام حسین علیه السلام می رسد. میرزا ابوالحسن جلوه از حکمای بزرگ دوره قاجار نسبش به این فیلسوف عالی قدر می رسد. (۲) یکی از بزرگترین فلاسفه و علمای عصر صفویه می باشد. اساتید وی شیخ بهایی، میرفندرسکی، میرداماد بوده اند. از شاگردان برجسته وی علامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی و سید نعمت الله جزایری را می توان نام برد. علامه مجلسی در کتاب هایش از وی با احترام یاد می کند و با عنوان «سیدالحکماء المتألّهین» وی را می ستاید. وی در فقه، فلسفه، تفسیر و حدیث، استاد مسلم بود. از آثار ارزشمندش می توان: الف) شجره ی الهیه: در اصول عقاید به فارسی ب) شرح اصول کافی ج) شرح صحیفه ی سجّادیه را نام برد. وی در شعر نیز استاد بود. از اشعار اوست:

ص: ۵۵

۱ - ۵۳. برای اطلاع از بزرگان مدفون در اطراف تکیه میرزا رفیعا که قبورشان از بین رفته، ر. ک: مجله میراث شهاب، سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۷۹، ص ۳۸ و ۳۹؛ و نصرالهی، غلامرضا: جزوه تخت فولاد سرزمین جاویدان، مشاهیر تکیه میرزا رفیعا.

۲ - ۵۴. رفیعی مهرآبادی: آتشکده اردستان، ج ۲، ص ۲۷۸ و ۲۷۹.

این قوم که بر خود نگرانند همه

از دیده ی خویشان نمانند همه

عالم بحر است و خلق عالم همه موج

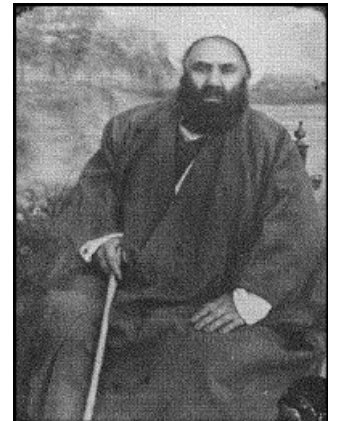
بیهوده به هر طرف روانند همه (۱)

این ماده تاریخ بر سنگ قبرش حک شده است: «مقام رفیع مقام رفیع».

در نزدیکی قبور این عالم بزرگوار، قبور علمای برجسته دیگری نیز بوده که در موقع ایجاد فرودگاه از بین رفته است از جمله می توان به این موارد اشاره نمود:

(۲) میرزا یحیی مدرس بیدآبادی: فرزند میرزا اسماعیل، متوفی ۱۳۴۹ ق. عالم فاضل ادیب شاعر، مدرس سطوح فقه و اصول و ادیب عرب، صاحب دیوان اشعار مطبوع .

وی از نوابغ علم و ادب در دو قرن اخیر بود که در کلیه علوم ادبی و فقه و اصول استاد و در انواع حکمت از اشراقی و مشایی و ریاضی یگانه دوران و مخصوصاً در علوم غریبه و فلکیات متخصص و متبحر بود. وی در مدرسه ی میرزا حسین و نیز همواره در منزل مسکونی خود در پهلوی مسجد سید، حوزه درس گسترده و طلاب علوم در ادبیات و فقه و اصول و کلام و منطق و معانی و بیان به درسش حاضر و چندین نفر از بزرگان از مجلس درس او بیرون آمده اند.



از جمله شاگردانش می توان به: میرزا حسن وحید دستگردی، میرزا محمدحسین ملاذ روضاتی، شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی، میرزا محمدحسن روضاتی، شیخ اسماعیل کلباسی و میرزا سید حسن روضاتی اشاره نمود. وی در سخن سرایی نیز به مرتبه ای بلند نایل و از معاریف شعرای عصر خود بود و به عربی و فارسی شعر می گفته است و بخصوص مرثیاتی او مورد توجه مداحان و

۱-۵۵. جهت کتاب شناسی شرح حال و آثار این حکیم فیلسوف، ر. ک: حسینی زنوزی، میرزا محمد حسن: ریاض الجنه، ج ۲، ص ۷۵ - ۷۱.

مرثیه سرایان بوده است. نخستین شعری که گفته در محضر فقیه اعظم شیخ انصاری استادش بوده که در معنای «جیبی قمر بل شمس» بدیهتاً سروده:

تشبیه رخت به ماه کردم!

شمسی و من اشتباه کردم

مرحوم مدرس بیدآبادی برای تحصیل معاش همواره به تحریرات شرعیه اشتغال داشته است و در خانه ی مسکونی اش بدان کار همت می گماشت. از آثار و تألیفات او است: ۱ - مرآت المصنف در احوال مؤلف انیس اللیل مرحوم حاجی میرزا محمدرضا کلباسی. ۲ - دیوان اشعار نزدیک به شش هزار بیت.

ایشان دارای اخلاق حمیده و صفات پسندیده بود و با وجودی که علامه ی دهر و جامع فضل و کمال بوده هیچگاه در صدد شهرت نبود و همیشه با کمال زهد و ورع در گوشه انزوا و ریاضت بسر می برد و با خلوص عقیده بیشتر هم خود را مصروف سرودن اشعار در مدح و مصیبت پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام می نمود. آن مرحوم در سن نزدیک به ۹۵ سالگی در روز چهارشنبه ۵ ذی قعدة سال ۱۳۴۹ قمری برابر با چهارم فروردین ماه ۱۳۱۰ شمسی پس از ادای نماز صبح در اصفهان وفات کرد و جسد او را در تخت فولاد در تکیه ی میرزا رفیعا نایینی به خاک سپردند که بعداً متأسفانه آن را تسطیح کرده و جزو اراضی فرودگاه می باشد. (۱)

مرحوم مدرس هیچگاه در صدد شهرت نبود و همیشه با کمال زهد و ورع در گوشه انزوا به عبادت و ریاضت مشغول و با خلوص عقیده بیشتر وقت خود را سرودن اشعار در مدح پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام می شود. در اشعار ی که حوادث قیام کربلا را به تصویر می کشد در مصیبت جناب حرّ علیه السلام چنین می سراید:

[هنگامی که جناب حرّ خدمت امام حسین علیه السلام حاضر شد]:

... شاهانم آن حرّ که دل زار تو خستم

بگشوده در ظلم و سر ره بتو بستم

قلب تو و اولاد کرام تو شکستم

گیرد اگر ای دست خدا دست تو دستم

دست از دو جهان باز کشیم خوشدل و خرم...

... فرمود حسین ای حسب نیک و گهر پاک

در حشر شود حشر تو با سید لولاک

۱-۵۶. کرباسی زاده: احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی، ص ۶۰ و ۶۱.

نز جرم کن اندیشه نه بنما ز گنه باک

یک لحظه فرود آی و بیاسای از ایراک

مهمانی و مهمان عزیز است و مکرم

تا آنجا که وقتی حرّ به شهادت می رسد و امام حسین علیه السلام بر بالین او حضور می یابد:

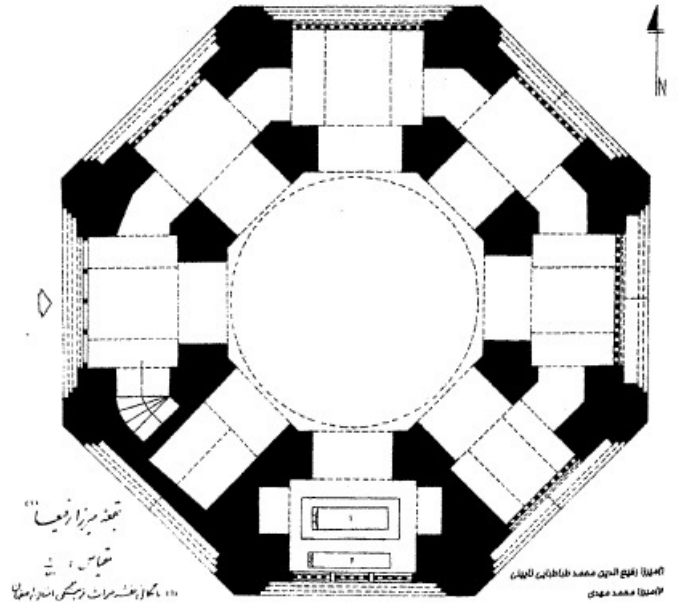
آمد بسرش شاه گرفتش ز زمین سر

فرمود که ای در دو جهان حر محرر

حری تو بدانسان که شدت نام ز مادر

خوش باش که هستی بر مادر صف محشر(۱)

ص: ۵۸



بقعه میرزا رفیعا

ص: ۵۹

تکیه ی خوانساری از آثار عهد پایانی صفوی است. آقا حسین خوانساری و فرزندش آقا جمال هردو از دانشمندان آن عصر بودند.

پس از فوت آقا حسین خوانساری در تاریخ ۱۰۹۸ ق. شاه سلیمان دستور داد جهت وی بقعه ای عالی بنا کنند.

سبک معماری بقعه با سردر زیبای مقرنس کاری و گنبد دوپوش با کاشی های نفیس نقره ای جلوه زیبا و شکوهمند به این بنا داده است.

تزئینات داخل بقعه با گچ بری آراسته و دور تا دور دیوار داخلی بقعه اشعاری در مدح آقا حسین خوانساری به خط نستعلیق نوشته شده است. (۱) علاوه بر این تصاویر نقاشی مربوط به دوره ی قاجاریه با موضوعات مذهبی جلوه معنوی خاصی به داخل بقعه بخشیده است از آن جمله: مجلسی است که امام علی علیه السلام در آن جلوس نموده و امام حسن علیه السلام و امام

حسین علیه السلام در دو طرف پدر بزرگوارشان نشسته اند. و یا صحنه هایی از وقایع و حوادث کربلا که بر دیوار بقعه ترسیم شده است. این نوع نقاشی به نقاشی قهوه خانه ای معروف است.

از ویژگی های مهم این تکیه بزرگان مدفون در آن می باشند که به جهت دفن علمای بسیار داخل و خارج بقعه به این تکیه لقب «قُبَّةُ الْعُلَمَاء» داده اند.

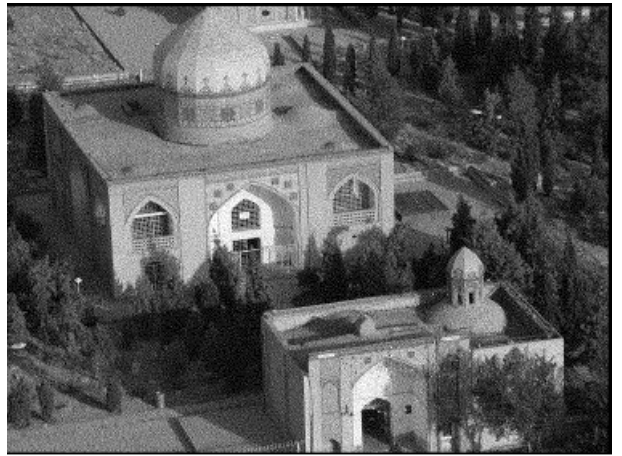
بیشتر علمای مدفون در آن نیز از شخصیت های بزرگ و معروف اصفهان می باشند. قبور داخل بقعه عموماً از سنگ نوشته های مرمری نفیس به خط ثلث و نستعلیق می باشد. در بیرون بقعه بنای قابل توجهی با گنبد کوچک کاشیکاری در همان ابتدای درب ورودی تکیه است که مدفون در آن حاج محمدتقی نقشینه از تجار نیکوکار و بانی تعمیر مسجد مصلی و بقعه آقا حسین و آثار ارزشمند دیگر می باشد. همچنین در ضلع غربی تکیه خوانساری قبور خاندان امین العلماء قرار داشته است که اولاد عالم جلیل ملا محمد شفیع خوئی (متوفی ۱۲۶۵ ق.) بودند. (۲)

ص: ۶۰

۱- ۵۸. هنرفر، لطف الله: گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۶۵۹ - ۶۵۷.

۲- ۵۹. مهدوی: سیری در تخت فولاد، صص ۱۵۰ و ۱۵۱؛ و معلم حبیب آبادی: مکارم الآثار، ج ۵، ص ۱۸۰۶.

این تکیه از شمال به تکیه شیخ محمدتقی رازی (مادرشاهزاده)، از شرق به تکیه آقا محمد بیدآبادی، از مغرب به خیابان آیت الله خوانساری منتهی می شود.



بزرگان مدفون در تکیه

۱ - آقا حسین خوانساری: فرزند جمال الدین محمد خوانساری، متوفی ۱۰۹۸ ق. معروف به «استاد الكلّ فی الكلّ» و مشهور به «محقق خوانساری». دانشمند، فقیه و حکیم بزرگ شیعه در دوره صفوی است که به سبب اساتید بسیاری که از محضرشان کسب علم نموده ملقب به «تلمیذ البشر» بود. از بزرگانی چون میرفندرسکی، ملا محمدتقی مجلسی کسب علم نمود. نقل است که در دوران جوانی گرفتار فقر و تنگدستی بود و از شدت سرما در زمستان در حجره اش لحاف را

به دور خویش می پیچید و راه می رفت تا گرم شود، ولی سرانجام به جایی رسید که شاه سلیمان جبه گرانبهای خود را برای او فرستاد و در یکی از سفرها نیابت سلطنت و رسیدگی به کارهای کشوری را به وی واگذار کرد.

وی در کلام، فلسفه و فقه و اصول تبخّر تمام پیدا کرد و ریاست علمی و مذهبی زمان خود بود. وی به عربی و فارسی شعر می سرود. آقا حسین نویسنده ای پرکار بود و آثاری فراوان از خود به جای گذاشته است که عبارت است از: الف) «مشارق الشمس» (در شرح کتاب الدروس شهید اول) ب) حاشیه بر الهیات شفا ج) حاشیه بر شرح تجرید د) ترجمه صحیفه سجادیه و.... می باشد. ماده تاریخ فوتش چنین است: «امروز هم ملایکه گفتند یا حسین» و به عربی «أدخلی جنتی».

این شعر از اوست:

ای باد صبا طرب فزا می آیی

از طُرف کدامین کف پا می آیی

از کوی که برخاسته ای راست بگو

ای گرد بچشم آشنا می آیی (۱)

۲ - آقا جمال الدین محمد خوانساری: «معروف به آقا جمال» فرزند آقا حسین خوانساری. متوفی ۱۱۲۲ ق. علامه محقق، محدث و متکلم فقیه اصولی، جامع علوم معقول و منقول. عالمی نکته سنج و خوش طبع و بسیار پرکار بود، به گونه ای که علمای بسیاری مقام علمی او را ستوده اند.

درباره دوری وی از دنیا نوشته اند: سلطان حسین او را بسیار احترام می گذارد ولی او کمتر درخواستی از سلطان حسین می کرد. درباره ی علاقه ی فراوان وی به علم و دانش نوشته اند: روزی ملا محسن فیض کاشانی عازم حج بود وقتی وارد اصفهان شد به منزل آقا حسین خوانساری مهمان شد. آقا جمال به حضور او شتافت. ملا محسن مسأله ای از او پرسید و آقا جمال نتوانست بر آن جواب دهد. ملا محسن گفت: «حیف که در خانه آقا حسین بسته شد.» این سخن در آقا جمال تأثیر به سزا نمود و تصمیم گرفت به شدت به تحصیل پردازد. وقتی که ملا محسن از مکه بازگشت و دوباره به خانه آقا حسین وارد گردید و با آقا جمال صحبت نمود، دید که صاحب فضیلت شده است و گفت: «این آقا جمال، غیر آن جمالی است که ما پارسال او را دیدیم» (۲) آقا جمال معاصر با علامه مجلسی بوده و با وی رقابت علمی نیز داشته است. وی صاحب آثار ارزشمندی همچون الف) ترجمه و شرح غُزُر و دُرَر، ب) حاشیه بر شرح لمعه، ج) ترجمه مفتاح الفلاح شیخ بهایی، د) حاشیه شرح اشارات، ه) مبدأ و معاد و بسیاری کتب و آثار دیگر است. این عالم بزرگوار در ماه رمضان در گذشت و در تاریخ فوتش سروده شد:

ص: ۶۲

۱- ۶۰. کتابی، محمد باقر: رجال اصفهان، صص ۳۰۴ - ۲۹۹.

۲- ۶۱. عقیقی بخشایشی: فقهای نامدار شیعه، ص ۲۶۱.

رفت چون در ماه صوم آن آفتاب از شهر علم

باز کرد ابواب جنت را به رویش ذوالجلال

سال فوتش را به فاتح هاتفی از غیب گفت

«کرد ایزد با حسین بن علی حشر جمال»^(۱)

در مقامات آقا حسین و آقا جمال خوانساری گویند روزی در مجلس شاه سلیمان سخن از علم و فضل آقا حسین گردید. گروهی از علما، آقا حسین را بر آقا جمال ترجیح داده و گروهی دیگر آقا جمال را ترجیح می دادند. در آخر شاه سلیمان گفت: «آقا حسین افضل است. به جهت آنکه تحصیل علم را به ریاضت نموده و آقا جمال به تنعم و آسایشی که پدرش فراهم نموده، ابواب فضیلت را بر روی خود گشوده است»^(۲).

آقا جمال خوانساری معاصر با علامه ی مجلسی بزرگوار بود و با وی دوستی و همراهی می نمود. در بزرگی مقام وی نیز همین نکته کافی است که پس از درگذشت علامه مجلسی (رحمه‌الله علیه) در ۲۷ رمضان ۱۱۱۰ ه. ق. آقا جمال در مسجد جامع بر پیکر مطهر علامه مجلسی نماز خواند.^(۳) همچنین یکی از کرامات مهم در تخت فولاد مربوط به قبر آقا جمال است. نقل است هنگام دفن مرحوم حاج شیخ اسدالله فهامی در بین قبر آقا حسین و آقا جمال خوانساری به قبر شریف مرحوم آقا جمال راه باز شد و جسد مطهر ایشان تر و تازه بود.^(۴)

۳ - ملا مسیح کاشانی: متوفی ۱۱۲۰ ه. ق. عالم فاضل ادیب. داماد آقا حسین خوانساری. در اشعارش «صاحب» تخلص می کرد. از آثارش الف) تحفه ی سلیمانیه (ترجمه ارشاد شیخ مفید) ب) منشآت را می توان نام برد.

۴ - ملا محمدباقر فشارکی: فرزند محمدجعفر. متوفی ۱۳۱۴ ق. علامه فقیه و از مراجع تقلید که در ترویج احکام دین و احادیث ائمه (علیهم‌السلام) تلاش زیادی داشت. وی بنیانگذار مراسم احیای شب های جمعه و دعای کمیل در اصفهان می باشد. عالمی خوش محضر بود به طوری که عالم و عامی جذب سخنان او می شدند. حدود سی اثر داشته از جمله آنها کتاب های ارزشمند «عنوان الکلام» و «آداب الشریعه» است.^(۵)

ص: ۶۳

۱- ۶۲. آزاد کشمیری، محمدعلی: نجوم السماء فی تراجم العلماء، ص ۲۱۱.

۲- ۶۳. حسینی عاملی، محمد شفیع: محافل المؤمنین فی ذیل مجالس المؤمنین، ص ۲۱۴.

۳- ۶۴. روضاتی، سید محمدعلی: دو گفتار، ص ۶۱.

۴- ۶۵. مهدی پور، علی اکبر: اجساد جاویدان، صص ۱۶۸ و ۱۶۹.

۵- ۶۶. کتابی، محمدباقر: رجال اصفهان، ص ۱۵۱.

از آقامیرزا یحیی مدرس (معروف به کاشی پز مدفون در تکیه میرزا رفیعا) نقل می فرمود که می گفت: نزد استادم آخوند کاشی [در تکیه ملک دفن می باشد] بودم و از وی برای صرف افطار (در یکی از شب های قدر) دعوت کردم. آخوند به منزل ما تشریف آورد و پس از صرف افطار فرمود: میرزا یحیی، مثنوی داری؟ گفتم بلی فرمود: بیاور و آخوند هم که عشقی به مثنوی داشت شروع کرد به خواندن. صدای ایشان به گوش پدرم که فردی عابد و متعصب بود رسید. مرا صدا زد و پرسید این کی است که امشب آورده ای؟ گفتم قدری آهسته باشید ایشان آخوند کاشی است. گفت: شب قدر به جای دعا مثنوی مولوی می خواند...؟! میرزا یحیی اگر بیرونش نکنی عاقبت می کنم! من بد جایی گرفتار شده بودم، از یک طرف شب قدر است و عاق پدر موجب عدم استجابت دعا خواهد شد و از طرف دیگر آخوند هم پدر روحانی من بود و حقی بزرگ بر گردنم داشت. بالاخره به فکرم رسید که با جناب آخوند به جلسه احیا برویم. به نزد آخوند رفتم و گفتم آقای آخوند خوب است امشب که شب احیا است به مسجد برویم. سرانجام با آخوند به بیرون از منزل رفتیم و همین طور رفتیم تا رسیدیم به مسجد قطیبه که جناب آخوند ملا - محمدباقر فشارکی در آنجا احیا می گرفت. وارد شدیم، دیدم عجب غوغایی است. با آخوند کاشی - که به هیاهو و داد و فریاد کردن اعتقادی نداشت - داخل جمعیت شدیم و نشستیم. مرحوم فشارکی آن شب، سنگ تمام گذاشت و چراغها را خاموش کردند و غوغای عجیبی در مسجد بوجود آمد و هنگامی که از مسجد بیرون آمدیم متوجه شدم که آخوند کاشی چشمهایش اشک آلود است. از اینکه آخوند هم استفاده ای برده خوشحال شدم و گفتم آقای آخوند مثل این که پای منبر این آقا، به شما حالی دست داده است. فرمود: از بس که این آقا غوغا نمود و گریه می گرفت معلوم است سنگ هم که بود گریه اش می گرفت. (۱)

۵ - ملا حسینعلی تویسرکانی: فرزند نوروز علی. متوفی ۱۲۸۶ ق. عالم فاضل، مجتهد محقق، فقیه عابد. صاحب آثار ارزنده ای چون: الف) کشف الاسرار در یازده جلد فقه استدلالی ب) نجات المؤمنین در اصول دین و اخلاق ج) رساله عملیه د) فصل الخطاب و بسیاری از آثار دیگر است.

وی استادی بسیاری از بزرگان اصفهان همچون آخوند ملا محمد کاشانی و میرزا عبدالغفار

ص: ۶۴

۱- ۶۷. کرباسی زاده: نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس، ص ۱۱۲.

عارف ربّانی آخوند ملّا محمد کاشانی (آخوند کاشی) می فرمودند که در ایام تحصیل در مدرسه جده ساکن بودم. سالی در شب ۹ ربیع الاول که آن را عیدالزّهراء می نامند با طلاب مدرسه اجتماعی فراهم کرده و تا صبح شادی کردیم و آن را عید قرار دادیم. من از این حالت بسیار خوشم آمد و با خود خیال کردم بد نیست هر چند ماه یک مرتبه این عمل تجدید شود تا رفع خستگی ایام تحصیل بشود. روی همین نظر پس از یکی دو ماه خودم پیش قدم شدم. وسایل خوشی و تفریح فراهم کردم و طلاب مدرسه را به حجره ی خویش دعوت نمودم و تا پاسی از شب رفته به خوشی گذشت. جمعیت متفرق شدند و من خوابیدم. در عالم رؤیا مشاهده کردم که در منزلی وارد شده ام. دو نفر آمدند نزد من و اظهار داشتند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تو را می خواهد. من از ترس بر خود لرزیدم و دنبال آنها به حرکت درآمدم. وارد شدیم به اطاق بزرگی که ظاهراً حضرت رسول صلی الله علیه و آله در یک گوشه ی آن قرار گرفته بودند و اطراف ایشان علماء و فضلاء بودند. من از جملگی آنها فقط مرحوم عالم بزرگوار ملّا حسین علی تویسرکانی که استادم بود شناختم، دیگران را نشناختم. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند چوب و فلک بیاورید فوراً حاضر کردند. دستور دادند که ملّا محمد کاشانی را بخوابانید و چوب بزنید که دیگر از این کارها نکند.

من از ترس و وحشت می لرزیدم و قدرت تکلم نداشتم. مرحوم حاج ملّا حسین علی به خدمت ایشان اظهار کرد او را به من ببخشید. او طلبه ی بدی نیست اشتباه کرده است و شروع کرد به عذرخواهی. حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرا به استادم بخشیدند از وحشت از خواب پریدم. قبل از اذان صبح بود دانستم که عمل دیشب من که طلباب را دعوت کرده ام و آنها را از مطالعه باز داشته ام عمل اشتباهی بوده و این عمل عیش و سرور در شب عیدالزّهراء در جهت دیگر ممدوح است و الا نباید وقت و عمر را تلف کرد. (۲)

۶ - میرزا رحیم شیخ الاسلام: متوفی ۱۲۴۹ ق. عالم جلیل و از اعقاب محقق سبزواری است. سنگ قبری عالی و نفیس به خط نستعلیق برجسته دارد و ماده تاریخ فوتش چنین است:

ص: ۶۵

۱- ۶۸. کتابشناسی در مورد وی مجله میراث شهاب، سال ششم، شماره دوم، ص ۲۵.

۲- ۶۹. ناگفته های عارفان، صص ۱۱۱ - ۱۰۹.

رحیم را که کند رحم جز رحیم بعقاب(۱)

۷ - میرزا حیدرعلی مجلسی: فرزند میرزا عزیزالله. متوفی ۱۲۱۴ ق. عالم جلیل، محدث و رجالی بزرگوار، از علمای بزرگ عصر زندیه و اوایل قاجار است. اثر ارزشمندش «تذکره الانساب» در انساب خاندان مجلسی اصفهان می باشد.

۸ - سید محمدشفیع جزایری شوشتری: از اعقاب سید نعمت الله جزایری. متوفی ۱۲۷۴ ق. عالم فاضل محقق جلیل، عالم در علم رجال و صاحب آثاری از جمله: الف (کشف الریاض) ۴ جلد ب) حاشیه بر نقدالرجال می باشد.

۹ - ملا محمدصادق پیکانی: فرزند ملا احمد، متوفی ۱۲۹۰ ق. عالم ربّانی و فقیه جلیل. از شاگردان برجسته شیخ مرتضی انصاری بود. جسد وی را جزو اجساد جاویدان می دانند. زیرا هنگام دفن یک عالم کنار قبر ایشان با جسد تازه ی این عالم بزرگوار مواجه شده بودند.(۲)

۱۰ - میر سید علی طباطبایی بروجردی: متوفی ۱۳۰۶ ق. عالم ربّانی و فقیه محقق. صاحب الف (اصول الفقه دوره کامل) ب) «شرح هدایه شیخ حرّ عاملی». وی نزد بزرگانی چون حاج محمدجعفر آباده ای و سید اسدالله شفتی بیدآبادی کسب علم کرد و به مقام اجتهاد رسید. وی پدر بزرگوار سید ابوالحسن بروجردی مدفون در تکیه ی بروجردی است.

۱۱ - حاج میرزا زین العابدین اشرف الکتاب: فرزند محمدتقی. متوفی ۱۲۹۵ ق. مشهور به «سلطانی» خطاط و خوشنویس. در خط نسخ استاد مسلم روزگار خویش بود. قرآن های به خط او معجزه ای در خط نسخ است. وی بیش از هفت بار قرآن را بطور کامل نوشت. وی صد و ده سال و بلکه بیشتر عمر نمود. با این حال هیچ سستی و لرزش دست پیدا نکرد و به محکمی دوره جوانی می نوشت. حتی به عقیده ی بعضی اساتید خط در پیری پخته تر و محکم تر از جوانی می نوشت.(۳)

۱۲ - میرزا حسنعلی مجلسی: فرزند ابوطالب الماسی. متوفی ۱۲۲۷ ق. او از خاندان علّامه محمدتقی مجلسی عالمی فقیه به ویژه در علوم فقه، اصول، حدیث و ادبیات عرب و تاریخ است.

۱۳ - شیخ اسدالله فهامی: عالم عابد و پرهیزگار، متوفی ۱۳۷۲ ه. ق. وی مدت بیست سال تمام در

ص: ۶۶

۱- ۷۰. همان مأخذ، ص ۲۲۸.

۲- ۷۱. مهدی پور، علی اکبر: اجساد جاویدان، ص ۲۴۱.

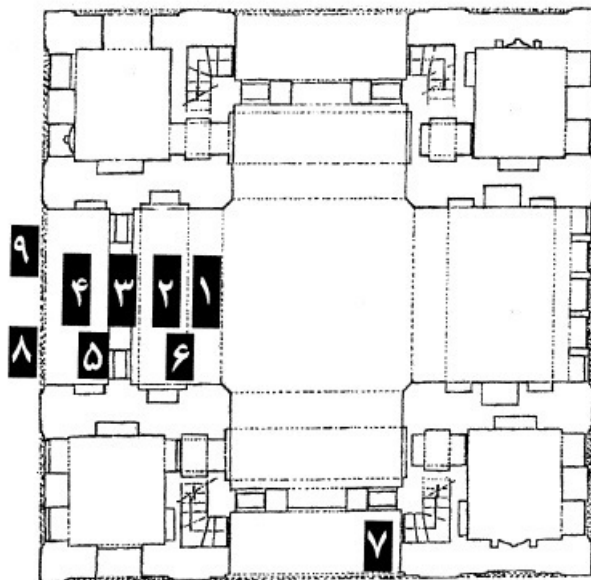
۳- ۷۲. همایی: تاریخ اصفهان (جلد هنر و هنرمندان)، ص ۷۹ - ۷۷.

تکیه ی خوانساری ها دعای کمیل می خواند و وصیت نمود بین قبر آقا جمال و آقا حسین دفن شود. وی مؤسس مراسم دعای ابوحمزه ی شمالی در شب های ماه مبارک رمضان در اصفهان بود؛ نقل است پس از درگذشت وی آیت الله فانی در خواب دید که فرشتگان زیادی به طرف وادی السلام می روند. وقتی علت را می پرسد، جواب می دهند که حاج شیخ اسدالله را می آورند. (۱)

ص: ۶۷

۱- ۷۳. فهامی، مهدی: یکصدویست حدیث طلایی، ص ۹.

- | | |
|--------------------------|--------------------------|
| ۱ آقا جمال خوانساری | ۶ میرزا رحیم شیخ الاسلام |
| ۲ آقا حسین خوانساری | ۷ ملا صادق پیکانی |
| ۳ میر سید علی بروجردی | ۸ محمد شفیع شوشتری |
| ۴ ملا محمد باقر فشارکی | ۹ میرزا حیدر علی مجلسی |
| ۵ ملا حسین علی توپسرکانی | |



اشاره

این تکیه متعلق به اواخر عهد صفویه و بقعه ای چلیپایی شکل داشت. ولی بر اثر گذشت زمان دچار تخریب گردید. تکیه را جهت عالم جلیل، فقیه برجسته و مفسّر بزرگ مرحوم سید رضی الدین محمد بن محمد تقی شیرازی متوفی ۱۱۱۳ ق. بنا نمودند. ده سال بعد ۱۱۲۳ ق. پس از درگذشت و دفن آقا میرزا محمدباقر عاملی معروف به «پیشماز» این تکیه اهمیت و رونق بیشتری یافت. قبور اولاد و اعقاب وی مانند قبر مرحوم میرزا مهدی نایب الصدر که از علمای ممتاز روزگار خود و علاوه بر تبخر در علوم و اخبار به دیانت و تقوی نیز معروف بود در این تکیه قرار دارد. علاوه بر این قبر میر سید احمد علوی عاملی داماد و شاگرد میرداماد و فرزند بزرگوارش سید عبدالحسیب نیز در این تکیه قرار داشته که آثار قبر از بین رفته است.

موقعیت جغرافیایی تکیه

روبروی تکیه ی خوانساری نرسیده به تکیه ی میرزا محمدباقر چهارسوقی، دست چپ، تکیه ی آقا سید رضی است. دسترسی به تکیه از طریق خیابان آیت الله خوانساری امکان پذیر است.

این تکیه از سمت جنوب شرقی به منازل مسکونی، از شمال به مصلاهی تخت فولاد و از غرب به تکیه ی آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی محدود می شود.

بزرگان مدفون در این تکیه

۱- آقا سید رضی الدین محمد حسینی شیرازی: فرزند محمد تقی، متوفی ۱۱۱۳ ق. عالم جلیل، فقیه مفسر، صاحب «نورالانوار و مصباح الاسرار» به عربی در تفسیر قرآن کریم است. از اساتید برجسته ی

او می توان به فیض کاشانی و شیخ حرّ عاملی اشاره نمود. (۱) (برخی از مردم اصفهان عقیده خاصی نسبت به صاحب قبر آن دارند و برای برآورده شدن حاجاتشان به قبر این عالم متوسّل می شوند).

ص: ۶۹

۱- ۷۴. عقیلی، سید احمد و خلیلیان، حمید: جلوه قرآن در خاک تابان (شرح حال مفسرین مدفون در تخت فولاد)، ص ۱۹ -

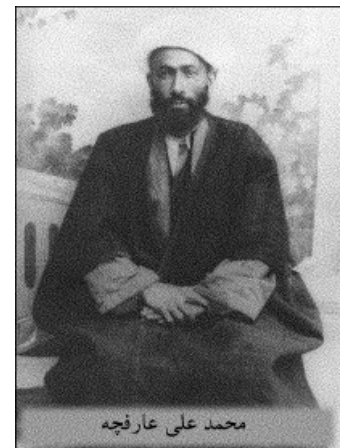
۲ - سید محمدباقر پیشنماز: فرزند سید علیرضا حسینی عاملی. متوفی ۱۱۲۳ ق. جدّ سادات عاملی. وی پیشنماز مسجد جامع عباسی بود و کتاب های بسیاری را وقف نمود. مجتهد عالیقدری که از علامه مجلسی، آقا حسین خوانساری، شیخ حرّ عاملی اجازه دریافت نموده بود. (۱)

۳ - میر محمد مهدی نایب الصدر: از اعقاب محمدباقر پیشنماز، متوفی ۱۲۶۷ ق. وی از علمای ممتاز عصر خود بود و در بیشتر علوم عصر خود جامعیت داشت. آخوند گزی می نویسد: هر کتابی که به دست او افتاده تحقیقات و حاشیه های مهمی بر آن می نوشته است. (۲)

۴ - میر سید محمد درب امامی: فرزند سید عبدالوهاب حسینی، متوفی ۱۳۵۹ ق. عالم پرهیزگار، مدرّس برجسته ی مدرسه ی نیم آورد. پس از فوت با اجازه آیت الله حاج سید علی نجف آبادی در قبر جدّ مادری خود (آقا محمدباقر پیشنماز) دفن گردید. (۳)

۵ - میرزا حسین عارفچه: متوفی ۱۳۲۲ ق. وی محدّث ادیب شاعر و از وعاظ معروف اصفهان بود. از آثارش الف (زادالعارفین ب) انیس الواعظین را می توان نام برد.

۶ - محمدعلی عارفچه: فرزند میرزا حسین عارفچه، متوفی ۱۳۸۰ ق. شاعر ادیب و از مرثیه خوانان و مدّاحین خاندان نبوت که عمری را به زهد و قناعت گذراند، و صاحب آثار ارزشمندی چون الف (تذکرها لشعراء ب) هدیه المعصومین و آثار دیگر می باشد. (۴)



ص: ۷۰

۱- ۷۵. موحد ابطحی: ریشه ها و جلوه های تشیع، ج ۲، ص ۴۲۷.

۲- ۷۶. گزی، شیخ عبدالکریم: تذکرها لقبور، ص ۵۵.

۳- ۷۷. موحد ابطحی: همان، ص ۴۲۸.

۴- ۷۸. مهدوی: تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۲۶.

از اشعار اوست:

.... چار چیز آورده ام یارب که در گنج تو نیست

نیستی و حاجت و فقر و فنا آورده ام

با کمال بینوایی در برت ای ذوالجلال

اشک چشم و ناله و آه و نوا آورده ام....

۷- سید احمد بن سید مرتضی شیرازی: متوفی ۱۱۲۶ ق. از علمای فاضل جلیل القدر.

۸- آقا سید علی اصغر حسینی برزانی: فرزند سید محمدحسین. متوفی ۱۳۹۵ ق. عالم فقیه زاهد. از مدرّسین عالی مقام مدرسه ی صدر که به خصوص در تدریس کتاب «قوانین الاصول» استاد منحصر به فرد و بی نظیری بود. از اساتید بزرگی چون آیت الله سید محمدباقر درچه ای و آیت الله ضیاءالدین عراقی کسب علم نمود. (۱)



ص: ۷۱

۱- ۷۹. مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۳، ص ۲۵۵.

علمایی که آثار قبور ایشان از بین رفته است عبارتند از:

۱ - میر سید احمد علوی: فرزند سید زین العابدین بن عبدالله عاملی، متوفی پس از ۱۰۵۴ ه. ق. در این تکیه دفن شده اما صورت قبر مشخصی ندارد. وی یکی از چهره های درخشان مکتب فلسفی اصفهان به شمار می آید. نسب وی به محمود دیباج فرزند امام صادق علیه السلام می رسد. (۱)

پروفسور هانری کربن در مورد وی می گوید: «این عالم و فیلسوف متأله مکتب فلسفی اصفهان، کاملاً زبان عبری را می دانسته است تا جایی که عین متن کتاب عهد عتیق (تورات) را شرح می کند و آن متن عبری را به حروف عربی می نویسد و سپس کلمه به کلمه به فارسی ترجمه می نماید». (۲) وی جامع علوم معقول و منقول بود و از میرداماد و شیخ بهایی اجازه دریافت داشت. صاحب شرح قبسات استاد خود میرداماد، «لطایف غیبیه» مناهج الاخبار در شرح استبصار، شرح شفا، و علاوه بر این، صاحب آثار ارزنده ی بسیاری است. (۳)

۲ - سید عبدالحسین بن سید احمد علوی: متوفی ۱۱۲۱ ق. عالم فاضل و صاحب آثار ارزشمندی چون: الف) سدرهالمنتهی ب) منهاج الشارعی.

یک حکایت

نقل است برخی حاج محمد تقی نقشینه تاجر معروف و فرد نیکوکاری که در ابتدای ورودی تکیه خوانساری مدفون است، را در خواب دیده و از احوالش پرسش نمودند. در جواب اشاره به تکیه و قبر مرحوم میرزا محمد مهدی نایب الصدر نموده و اظهار داشت: «به برکت وجود این بزرگوار و در پناه او آسوده ایم». برخی از معتمدین مورد وثوق نقل می کنند پس از گذشت یک قرن از وفاتش دیواره ی قبر او فرو ریخت و جسد مطهر این عالم را بدون آنکه خدشه ای به آن وارد شده باشد مشاهده نمودند. (۴)

ص: ۷۲

۱- ۸۰. کتابی: ص ۱۹۶.

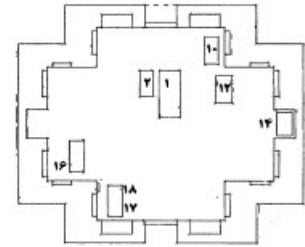
۲- ۸۱. به نقل از کتابی: ص ۵۱۷.

۳- ۸۲. میر محمدباقر داماد، تقویم الایمان، به تحقیق علی اوجبی، صص ۱۴۹ - ۱۳۸.

۴- ۸۳. جهت آشنایی با شرح حال وی ر. ک: گزی، عبدالکریم: تذکره القبور، ص ۵۵؛ و موحد ابطحی، میر سید حجه: ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه های علمیه اصفهان، جلد اول، ص ۵۴۵.



تکیه آقا سید رضی



- ۱) تکیه آقا سید رضی (محل دفن حضرت سید محمد باقر علیه السلام)
- ۲) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام
- ۳) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام
- ۴) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام
- ۵) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام
- ۶) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام
- ۷) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام
- ۸) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام
- ۹) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام
- ۱۰) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام
- ۱۱) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام
- ۱۲) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام
- ۱۳) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام
- ۱۴) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام
- ۱۵) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام
- ۱۶) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام
- ۱۷) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام
- ۱۸) تکیه آقا سید محمد باقر علیه السلام

نقشه تکیه و موقعیت قبور

از بناهای تاریخی متعلق به اواخر صفوی و منسوب به میرمحمداسماعیل خاتون آبادی^(۱) (متوفی ۱۱۱۶ ق.) از سادات حسینی و جد سادات پاقلعه ی اصفهان است.

تنها تکیه ی موجود در تخت فولاد است که خصلت مسجد - مدرسه و تکیه را دارد. بانی تکیه خود میر محمداسماعیل خاتون آبادی است. وی یکی از بزرگترین علماء و حکمای عهد صفوی بود که در تخت فولاد مدرسه ای ساخت و خود در آن اقامت نمود و در آن به تدریس و نوشتن تفسیر بزرگ قرآن پرداخت و پس از وفات در همان حجره ی خود دفن گردید. این مدرسه بعدها به تکیه ای تبدیل شد که بسیاری از علمای خاندان خاتون آبادی در آن مدفون شدند. بنای اصلی شامل مسجد و محل تدریس و مرقد اوست.

بنای تکیه خاتون آبادی از چند طبقه تشکیل شده است: طبقه ی زیرین سرداب و طبقه ی هم کف محل عبادت میر محمداسماعیل بوده است. صحن تکیه شامل حجرات و مقابر؛ طبقه ی دوم اطاق بزرگ مصفای سه ایوانی تکیه و طبقه آخر گنبد کاشیکاری بسیار زیبایی است که در نهایت ظرافت با اسلوبی بسیار زیبا و دلنواز ساخته شده است که گنبد زیبای مدرسه چهارباغ را در خاطر بیننده تداعی می کند.

کتیبه ی پایه ی دور گنبد به خط ثلث بسیار عالی به رنگ سفید بر روی زمینه ی لا-جوردی است که آیات «فَطْفِقَ مَسْحًا بِالشُّوقِ وَالْأَعْناقِ...» و «قال رب اغفر لی وهب لی ملکاً لا یبغی لایحید من بعدی...»^(۲) به خوبی خوانده می شود. این گنبد گلابی شکل دارای قطری حدود ۵ متر و نقوش اسلیمی بسیار زیبا و جذاب بر زمینه ی کاشی فیروزه ای است. که نظر هر بیننده را به خود جلب می کند.

نمای داخلی بقعه در ضلع جنوبی مسجد و محراب تکیه قرار دارد که محراب آن را یک مقرنس کاری ساده و بدون تزئینات تشکیل داده است. ضلع غربی بقعه در سه طبقه ساخته شده و در طبقه ی زیرین سرداب و مدفن حاج میرزا حسین نایب الصدر از علما و نیکوکاران خاندان خاتون آبادی

ص: ۷۴

۱- ۸۴. درباره ی علت وجه تسمیه ی این خاندان به خاتون آبادی، ر. ک: کتابی، محمدباقر: رجال اصفهان، ص ۵۲ و ۵۳.

۲- ۸۵. سوره صاد، آیات ۳۳-۳۵.

است. در ضلع جنوبی صحن تکیه دو اتاق وجود دارد که اتاق اول آن مدفن میر محمداسماعیل خاتون آبادی و محل عبادت و مطالعه ی وی نیز بوده است.

فضای درونی اتاق از روحیه ی معنوی و روحانی خاصی برخوردار است.

طبقه ی دوم همین ضلع را اتاق بسیار باصفای سه ایوانی تشکیل می دهد که بر سقف همین اتاق گنبدی ساخته شده است.

ضلع شرقی نیز متشکل از سه اتاق متصل به هم است. در اتاق وسط قبر میر محمدباقر بن میر محمداسماعیل و در دو طاق پشت و جلوی این اتاق قبور خاندان خاتون آبادی و مشاهیر دیگر تکیه قرار دارد.^(۱)



بقعه ی تکیه خاتون آبادی

در جنوب شرقی داخل تکیه ی خاتون آبادی دالانی این تکیه را به

تکیه ی آغاباشی وصل می کند.

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه از شمال به کوچه ی تکیه ی میر و آرامگاه بابافولاد حلوایی، از مشرق به تکیه ی آغاباشی

ص: ۷۵

۱- ۸۶. راجع به معماری بقعه تکیه خاتون آبادی، ر. ک: همایی: تاریخ اصفهان (مجلد ابنیه و عمارات)، ص ۴۳۳ و ۴۳۴.

و از جنوب به قبرستان عمومی محدود است.

بزرگان مدفون در این تکیه

۱ - میر محمد اسماعیل خاتون آبادی: فرزند میر محمد باقر حسینی خاتون آبادی. متوفی ۱۱۱۶ ق. فقیه عالیقدر، و عالم برجسته ی دوره ی صفوی، مفسر بزرگ قرآن کریم است. وی آثار و تألیفات فراوانی دارد که مهمترین آنها عبارت است از: الف) تفسیر کبیر در چهارده جلد ب) شرح اصول کافی ج) شرح اعتقادات صدوق د)

تقویم الایمان و آثار دیگر. برای وی کرامات و مقاماتی ذکر نموده اند.

۲ - میر محمد باقر خاتون آبادی: فرزند میر محمد اسماعیل. متوفی ۱۱۲۷ ق. معروف به «ملا باشی». او از مجتهدین طراز اول عصر سلطان حسین صفوی است. اولین مدرّس مدرسه چهارباغ اصفهان و صاحب آثار فراوانی که مهمترین آنها عبارتند از: الف) ترجمه ی «اناجیل اربعه»

به فارسی ب) ترجمه ی مکارم الاخلاق ج) ترجمه ی عیون الحساب. وی توسط مخالفینش به شهادت رسید.

۳ - حاج میرزا حسین نایب الصدر: فرزند سید محمد صادق خاتون آبادی و نواده ی میر ابوالقاسم مدرّس. متوفی ۱۳۲۶ ق. عارف و فقیه وارسته، از فقها و مجتهدین اصفهان در عصر قاجار و از شاگردان برجسته شیخ مرتضی انصاری است که در سرداب تکیه مدفون می باشد.



حاج میرزا حسین نایب الصدر

۴ - حاج سید محمدحسین خاتون آبادی: فرزند حاج میرزا محمود خاتون آبادی. متوفی ۱۴۰۰ ق. متخلص به «آزاد». شاعر، ادیب و نسب شناس معاصر اصفهان بود. از آثار وی می توان به الف (دیوان اشعار ب) اغصان طیبه و کتب دیگر اشاره نمود.

از اشعار اوست:

گر صلاح دین و دنیا طالبی ای مرد راه

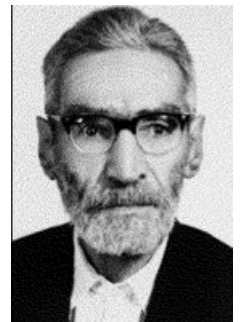
با خدای خویشان بگذار کار خویش را

در جهان هر کس بگیسویت نماید یک نظر

می کند آخر پریشان روزگار خویش را

خواهی ار آزاد گردی همچنان «آزاد» رو

تا توانی بندگی کن کردگار خویش را(۱)



در مقامات و احوال سید محمداسماعیل خاتون آبادی و پسرش سید محمدباقر خاتون آبادی:

محدث قمی در شرح حال سید محمداسماعیل می نویسد: «وی عالم فاضل کامل زاهد تارک دنیا بوده، و در علم فقه، اصول، حدیث، تفسیر، کلام، حکمت ماهر بوده و در جامع جدید عباسی در اصفهان مدرّس بود و قریب ۵۰ سال تدریس می کرد و اخذ علم از مولی محمدتقی مجلسی، میرزا رفیع الدین نائینی و... نمود و در حال جلیش نگاشته اند که در سن ۷۰ سالگی عزلت از خلق نموده، در مدرسه ی تخت فولاد که از بنای خود ایشان است سکنی نموده، قبر خود را در حجره ای از حجرات کنده، شب ها بعد از فریضه مغرب و عشاء در میان آن قبر رفته و تهجد در قبر گذاشته و بعد از آن از قبر بیرون می آمده و شرح اصول کافی و تفسیر قرآن می نوشته و روزها جمعی از طلاب مستعدّ که از جمله والد سید نعمهالله بوده در خدمت ایشان بودند. عاقبت در همان جا وفات نموده و در همان قبر مدفون شد.»(۲)

ص: ۷۷

۲-۸۸. محدث قمی: منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۶۳ به نقل از مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، چاپ جدید، ج ۱، ص

۱۸۷.

به این ترتیب این مفسّر عالی قدر عصر صفوی سهم بسزایی در میراث غنی اسلام و تشیع و فرهنگ اصفهان داشته است. با این حال به دو علت این عالم بزرگ همچنان گمنام و ناشناخته باقی

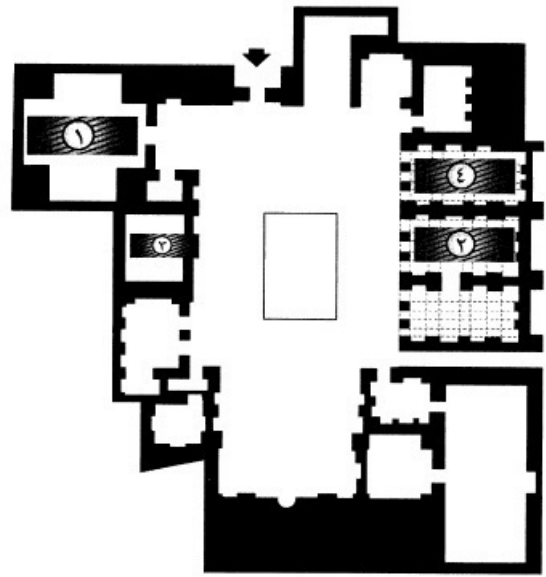
مانده است. اول معاصر بودن ایشان با شخصیت برجسته علامه مجلسی، زیرا علامه مجلسی با کار عظیم تدوین بحارالانوار و تألیف کتب پر بار و سودمند به زبان فارسی شهرت علمای معاصر خود را تحت الشعاع قرار داد. و دوم آنکه آثار و نوشته های این عالم فرزانه به چاپ نرسیده و مورد پژوهش قرار نگرفته است. از این رو شایسته است که آثار وی مورد توجه محققین علوم اسلامی قرار گیرد. (۱)

امّا در مورد پسرش سید محمدباقر خاتون آبادی صاحب تتمیم امل الآمل می نویسد: میر محمدباقر بن میر محمداسماعیل عالمی برجسته و صاحب دو امتیاز بزرگ بود که هیچ یک از علما در اکثر زمان ها نداشتند: اول نوشته های دلپذیر و سخنان بی نظیر. چنانکه صاحب تتمیم آورده: شنیده ام از حبیب خود میرزا ابی تراب که از ملا اسماعیل مازندرانی نقل می کرد که او می فرمود از زمان درس حضرت ادریس نبی - علیه السلام - تا این زمان هیچ کس خلق نشده که تقریر و بیان او از میر محمدباقر بهتر و خوشتر باشد. امتیاز دوم وی مقام و موقعیت برجسته ی وی نزد سلطان حسین صفوی. چنانکه سلطان حسین وی را معلّم خود ساخته بود و در ایّام سلطنت نزد وی درس می خواند و او را بر جمیع علمای زمان مقدّم کرده بود و جمیع امرا، حتّی وزیر اعظم، پیش او خاضع بودند و امرای زمان نمی توانستند در حضور او بنشینند تا وقتی که او حکم به نشستن می فرمود. (۲)

ص: ۷۸

۱- ۸۹. نصرالهی، غلامرضا: مقاله میر محمداسماعیل خاتون آبادی در مجله کیهان اندیشه، خرداد و تیر ۱۳۷۴، سال دهم، شماره ۶۰، ص ۱۵۳ - ۱۵۱.

۲- ۹۰. قزوینی، شیخ عبدالنبی: تتمیم امل الآمل، ص ۷۷.



پلان تکیه خاتون آبادی

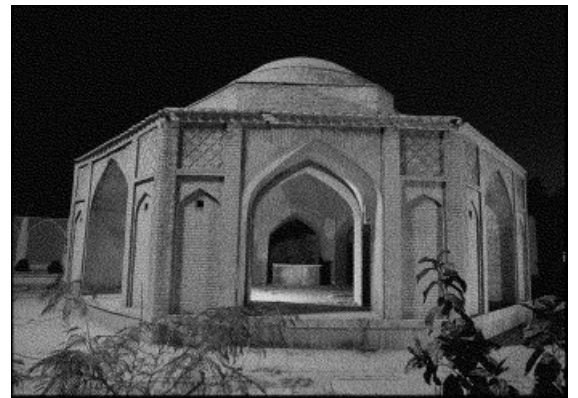
- ۱- میر محمد اسماعیل خاتون آبادی
- ۲- میر محمد باقر خاتون آبادی
- ۳- حاج میرزا حسین نایب الصدر
- ۴- حاج سید محمد حسین خاتون آبادی

اشاره

این تکیه از جمله تکایای عهد صفوی است که بر مزار عالم فقیه ملا محمّد بن عبدالفتاح تنکابنی (معروف به فاضل سراب) متوفی ۱۱۲۴ هـ. در زمان سلطان حسین صفوی احداث گردید.

از لحاظ تاریخی این تکیه در باغ انارستان یکی از چهارباغ دوره صفوی قرار داشته و امروزه نخستین تکیه در محدوده ی تخت فولاد است. داخل تکیه، بقعه ای آجری به شکل هشت ضلعی بنا شده است. برخلاف بقعه های دوره قاجار که توسط شبکه های آجری محصور گشته، این بقعه بر روی سکویی قرار گرفته و از هر سو توسط دهانه هایی به اطراف گشوده است.

گنبد این بقعه نیز از نمونه های جالب معماری بقعه های موجود در تخت فولاد است. گنبد عرقچینی بر روی یک بنای هشت ضلعی قرار دارد.



بقعه ی تکیه فاضل سراب

در اطراف بقعه اتاق هایی وجود داشته که با گذشت زمان تخریب شده است. در ابتدای ورودی تکیه در سال ۱۳۸۲ شمسی از سوی مجموعه ی تاریخی، فرهنگی - مذهبی تخت فولاد تعمیرات

اساسی انجام گرفت. این تکیه به جهت دفن شماری از علماء و بزرگان محلّه ی جویباره اصفهان که آنان نیز از اعقاب و خاندان فاضل سراب محسوب می شدند به تکیه ی جویباره ای نیز معروف است.

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه از غرب به خیابان فیض، از جنوب به تکیه ی شهشانی و از شمال و شرق به منازل مسکونی محدود می گردد.

بزرگان مدفون در تکیه

۱ - ملا محمد بن عبدالفتاح تنکابنی: متوفی ۱۱۲۴ ق. مشهور به «فاضل سراب». علامه فقیه محدث، محقق، حکیم بزرگوار. وی از فقهای اصولی معروف اواخر عهد صفوی و از مراجع مورد اعتماد شاه سلیمان و سلطان حسین صفوی بود. در فقه استدلالی احکامش به دور از هرگونه شک و با دلایل محکم و استوار همراه بود. وی معاصر علمای بزرگی چون علامه مجلسی و سید نعمت الله جزایری و از شاگردان برجسته ی محقق سبزواری و آقا حسین خوانساری بود. از او آثار و تألیفات متعددی به یادگار مانده است که مهمترین آنها عبارتند از: الف) سفینهالنجاه در اصول دین و مبحث امامت ب) ضیاءالقلوب به فارسی درباره ی امامت ج) حاشیه بر زبدهالبیان. (۱)

۲ - میرزا محمد مهدی جویباره ای: فرزند ملا محمد صالح. متوفی ۱۳۲۵ ق. عالم شایسته و فقیه پارسا. وی در کنار قبر جدش فاضل سراب دفن شد.

۳ - میرزا محمد مهدی خان مازندرانی: فرزند محمدحسن خان. متوفی ۱۲۴۷ ق. شاعر و ادیب. متخلص به «شحنه» از شعرای معروف عهد فتحعلی شاه و از او اشعار زیبایی نقل شده است. از اشعار اوست:

از ره چو رسید یار، بنواختمش

از شوق بچشم خویش جاساختمش

گفتم که بفتراک تو خود صیدی بود؟

گفتا که دل تو بود، انداختمش (۲)

ص: ۸۱

۱- ۹۱. جهت شرح احوال و آثار این عالم ر. ک: مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی.

۲- ۹۲. مهدوی: سیری در تخت فولاد، ص ۱۰۳؛ و جابری انصاری: تاریخ اصفهان، ص ۱۷۱ و ۲۵۷.

۴ - سید محمدحسین امامی العریضی: فرزند عالم فاضل سید عبدالباقی امامی. متوفی ۱۳۴۶ ق. محدث و واعظ شهیر ملقب به «قوام المحدثین». جدّ مادری حضرات آیات حاج سید احمد فقیه امامی و حاج سید حسن فقیه امامی. در مورد ایشان نقل است که:

یک ماه قبل از فوتشان شبی ناگهان از خواب بیدار شده و گفتند: مداد و کاغذی به من بدهید. سپس ایشان شروع به نوشتن شعری بر روی کاغذ کردند و بعد گفتند: این شعر را بر قبر من بنویسید. که بعد از فوت ایشان آن شعر را بر روی قبرشان نوشتند، و آن شعر زیبا چنین است:

جان به حق واصل شد و من از پی جان می روم

گرچه دشوار است ره لیکن من آسان می روم

پادشاهها چشم امیدم به کس غیر از تو نیست

خلعتم ز الطاف ده اکنون که عریان می روم

در وفاداری مهر مصطفی و آل او

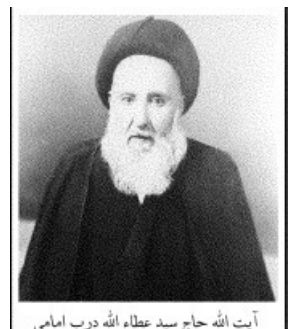
عمر شیرین صرف کردم همچو سلمان می روم

گویند در لحظات آخر عمر در حالی که کاملاً بیهوش بود از جای خود برخاسته و دست بر سینه گذاشته و گفتند: «السلام علیک یا ابا عبدالله روحی لک الفداء»

همزه کلمه «فداء» را که گفتند، مانند این بود

که هزار سال است از دنیا رفته اند» (۱).

۵ - سید عطاءالله درب امامی حسینی: فرزند آقا سید محمد. متوفی ۱۳۸۷ ق. عالم پرهیزگار، از سادات درب امامی که نسب ایشان به امامزاده (درب امام) منتهی می شود. وی نزد علمای بزرگی چون آخوند کاشی و شیخ محمد رضا نجفی کسب علم نمود.



آیت الله حاج سید عطاء الله درب امامی

۱-۹۳. فقیه امامی، سید محمد: یادگاری از خطبای پیشین، ص ۲۵ و ۲۶.

۶ - استاد حسین خطایی: متوفی ۱۳۹۵ ق. هنرمند بزرگ مینیاتورست معاصر. وی نزد مینیاتورست بزرگ اصفهان حاج میرزا آقا امامی کسب علم کرد و در بسیاری از هنرها چون تذهیب، زنگاری، برجسته کاری و.... مهارت داشت. وی بنا به درخواست علامه امینی مؤلف الغدیر کار تعمیر و تذهیب و تجلید قرآنی با خط کوفی بر روی پوست آهو را به بهترین نحو انجام داد. از وی تابلوها و آثار نفیسی به یادگار مانده است. (۱)

۷ - میرزا حسن آتش: فرزند حاج میرزا آقا. متوفی ۱۳۴۹ ق. وی شاعر و ادیب و صاحب دیوان اشعار است. ماده تاریخ فوتش را چنین آورده اند:

طبع حسام از پی تاریخ گفت

آتش ما سرد شدی زود بود. (۲)

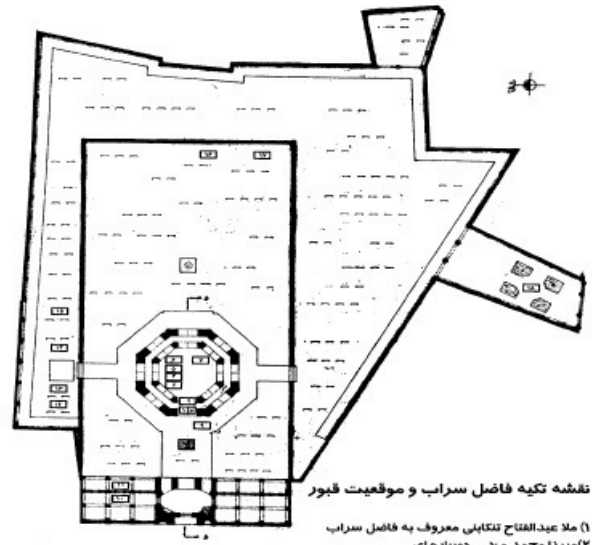
۸ - حاجیه خانم مریم صالحی: متخلص به «بانو». متوفی ۱۳۸۹ ق. از شاعران خوش ذوق و ادیب قرن چهاردهم هجری. دختر حاج میرزا مهدی جوباره ای. وی از سن دوازده سالگی به شعر گفتن پرداخته بود. ماده تاریخ فوتش چنین است: «بهشت جاودان شد جای مریم». (۳)

ص: ۸۳

۱- ۹۴. نصرالهی، غلامرضا: جزوه تخت فولاد سرزمین جاویدان، مشاهیر تکیه فاضل سراب.

۲- ۹۵. مهدوی: رجال اصفهان، ص ۲۸.

۳- ۹۶. مهدوی: تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۷۹.



نقشه تکیه فاضل سراب و موقعیت قیوم

- ۱) ملا عبدالفتاح تنکابنی معروف به فاضل سراب
- ۲) میرزا محمد مهدی جویباره ای
- ۳) میر سید علی سجاد واعظ (صدر الذکرین)
- ۵) شیخ محمد حسین مازندرانی
- ۷) مریم خانم آبادی (بانو)
- ۸) میرزا محمد مهدی خان شعبه
- ۹) استاد حسین خطابی
- ۱۰) میرزا حسن خان آتش
- ۱۱) میرزا حسین خان انگر
- ۱۳) میرزا محمدحسین امامی (قوم المحذین)
- ۱۴) حاج آقا عطاء الله درب امامی
- ۱۵) میرزا ابوالحسن حقایق
- ۱۶) سید فخرالدین بشارت
- ۱۸) شیخ علی محمد فقیه حبیب آبادی

اشاره

بنای بقعه ی زیبای این تکیه متعلق به دوره ی انقلاب اسلامی است که در سال ۱۳۷۵ هجری شمسی به همت مجموعه تاریخی فرهنگی - مذهبی تخت فولاد ساخته شده است.

در سال ۱۱۳۱ ق. در دوران آشوب و هرج و مرج اواخر دوره صفویه یکی از بزرگترین فقهای اواخر عهد صفویه به نام «بهاءالدین محمد فاضل اصفهانی» در گذشت و در قسمت جنوب غربی مزار مقدس لسان الارض تخت فولاد به خاک سپرده شد، به خاطر شرایط نامساعد سیاسی آن زمان، آرامگاهی برای وی ساخته نشد.

پس از درگذشت وی نیز علماء و بزرگان زیادی در نزدیکی مزار وی دفن شدند. در قرن سیزدهم هجری در پی دفن یکی دیگر از علمای بزرگ اصفهان به نام «ملا محمد نائینی» معروف به «فاضل نائینی» از آنجا که دو عالم بزرگوار با لقب «فاضل» در کنار هم در این تکیه مدفون گردیدند به تکیه ی فاضلان شهرت یافت.

بنای معماری تکیه فاضل هندی عبارت از یک بقعه چهار گوش با گنبد عرقچین به سبک معماری امروزی است که بر روی سکویی چهارضلعی قرار دارد.

بقعه شامل یک اتاق مربعی شکل ساده و گنبدی زیبا با کاشی های فیروزه ای رنگ تزیین شده است. گنبد با نقوش هندسی و کاشی های زرد، سفید، سیاه بر زمینه فیروزه ای جلوه ای خاص به آن داده است. همین نقوش هندسی بر زمینه آجری گرد گنبد نیز ترسیم شده است. در چهار طرف ستون های گنبد نیز بر زمینه کاشی های لاجوردی به خط نستعلیق بسیار زیبا توسط استاد حبیب الله فضائلی آیاتی در تقدس علم و علماء نگاشته شده است.

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه از شرق به گلستان شهداء، از غرب و جنوب به خیابان فیض و از شمال به تکیه ملا اسماعیل خواجهویی منتهی می شود.

۱ - بهاء‌الدین محمد فاضل اصفهانی: فرزند تاج‌الدین حسن. متوفی ۱۱۳۱ ق. (۱) مشهور به «فاضل هندی» علامه فقیه، حکیم محقق، پدرش تاج‌الدین حسن نیز از علمای عهد شاه عباس دوم و شاه سلیمان بود.

بهاء‌الدین محمّد نزد پدرش و علامه مجلسی کسب علم نمود. نقل است که در ده سالگی کتاب «مطول تفتازانی» را تدریس می‌کرد. در دوازده سالگی به تألیف و تدریس پرداخت. در سیزده سالگی جامع علوم معقول و منقول بود. این استعداد او را باید از نبوغ الهی و کسب فیض از منبع الهی دانست.

زندگانی وی با فقر و تهیدستی همراه بود و از راه کتابت روزگار می‌گذرانید. مهمترین کتاب وی «کشف اللثام» در شرح قواعد الاحکام علامه حلّی است؛ که یکی از بهترین کتاب‌های فقهی شیعه به شمار می‌آید. معروف است که صاحب جواهر تا به این کتاب دسترسی نداشت چیزی از کتاب جواهرش را نوشته بود. (۲) وی صاحب آثار ارزشمند دیگر چون الف المنهاج السویه فی شرح روضهالبهیة (ب) اللثالی العبریه (شرح قصیده ی حمیری) (ج) حکمت خاقانیه و... می‌باشد.

از آنجا که مدّتی همراه پدرش به هند سفر کرده بود به «فاضل هندی» نیز معروف است. مقبره ی وی یکی از مشهورترین قبور تخت فولاد است که مؤمنین جهت برآورده شدن حاجاتشان به زیارت قبر وی می‌آیند.

در مقامات و احوال فاضل اصفهانی فاضل اصفهانی (هندی) ملقب به «تاج الفقهاء» علامه فقیه، محدّث و مفسّر عالیقدر در کثرت حفظ و قدرت فکری از نوابغ روزگار شد. صاحب جواهر به کتاب کشف اللثام وی اعتماد بسیاری داشت و گفته شده که وی هیچ‌بخش از کتاب جواهر خود را بدون مراجعه به این کتاب نمی‌نوشته است. در مورد مقام علمی و فقهی او همین بس که صاحب جواهر درباره او گفته است: «اگر فاضل هندی در ایران به منصّه ظهور و بروز نمی‌رسید، گمان نمی‌کردم که فقه در آنجا به کمال خود می‌رسید». (۳)

ص: ۸۶

۱- ۹۷. حزین لاهیجی فوت وی را چندی پیش از حادثه ی سقوط اصفهان (۱۱۳۵ ه .) به دست افغانه نوشته است. ر. ک: تاریخ و سفرنامه حزین، تحقیق علی دوانی، ص ۲۰۹. و در سنگ قبرش ۱۱۳۷ ق. حک شده است. اما تاریخ دقیق فوت وی را علامه زنوزی در ریاض الجنه جلد اول، ص ۲۰۲، شب شنبه ۲۵ رمضان سال ۱۱۳۱ ق. نوشته است.

۲- ۹۸. کتابی، محمدباقر: رجال اصفهان، صص ۶۹ و ۷۰.

۳- ۹۹. فوائد الرضویه، ص ۴۷۸ به نقل از رسول جعفریان: احوال و آثار فاضل هندی، ص ۳۵.

روزگاری که فاضل هندی به نگارش چنین کتابهای ارزشمندی پرداخت اوضاع فکری زمانه تحت نفوذ تفکر اخباری گری بود. ولی این فقیه اصولی در چنین شرایطی به نگارش یکی از عمیق ترین کتب فقهی اصولی پرداخت.

قبر این عالم شریف امروز مورد توجه بسیاری از علما و مردم است. مرحوم گزی می نویسد: «بسا باشد که بعضی از مؤمنین تخت فولاد می روند محض زیارت فاضل و اکتفا به زیارت آن بزرگوار نموده به مزارهای دیگر نمی روند، که او را اهم از همه می دانند».^(۱)

۲ - ملا محمد نائینی: متوفی ۱۲۶۳ ق. عالم فاضل پرهیزگار. وی شوهر خواهر علامه جلیل حاج محمدابراهیم کلباسی و مشهور به «فاضل نائینی» بود. در مسجد حکیم امامت جماعت داشته و مؤمنین به ایشان اعتماد بسیار داشتند. پس از دفن وی در کنار فاضل هندی این تکیه را تکیه ی فاضلان نیز می خوانند.^(۲)

۳ - حاج سید یوسف خراسانی: فرزند سید محمد حسینی. متوفی ۱۲۴۶ ق. عالم فاضل، فقیه امل و جد سادات خراسانی در اصفهان. صاحب آثاری همچون الکواکب الضیائیه در شرح زبده الاصول شیخ بهایی و آثار دیگر است.^(۳)

۴ - سید محمدجواد خراسانی: فرزند سید محمدرضا. متوفی ۱۳۵۲ ق. عالم پرهیزگار متقی. صاحب آثار ارزشمندی چون الف (رساله در شرح حال جد و پدر خود ب) رساله در تعبیر خواب ج) رساله در رویاهای صادق. این عالم بزرگوار از جمله افرادی است که به زیارت حضرت امام زمان (عج) مشرف شده اند.^(۴)

از ایشان نقل است که روزگاری ملکی داشتم موسوم به صالح آباد، از املاک موروثی و پدری ما بود. افتخارالدوله خواهر ظل السلطان به اشتباه کاری آن را خاصه قلمداد کرد و از شاه قران گرفت و می خواست ملک را تصرف نماید. من به هر وسیله ای که ممکن بود متشبث شدم و رد آن ممکن نشد و خلاصه مرحوم آقای حاج شیخ محمدتقی آقا نجفی فرمودند فلانی، بدی کار در اینجاست که

ص: ۸۷

۱- ۱۰۰. گزی: تذکره القبور، ص ۴۰.

۲- ۱۰۱. کلباسی، شیخ محمد: خاندان کلباسی، ص ۹۱ و ۹۲.

۳- ۱۰۲. مهدوی: همان مأخذ، ص ۱۲۲.

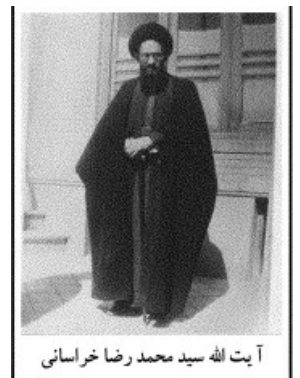
۴- ۱۰۳. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۳۷.

طرف شما افتخارالدوله است و از دست ما کاری برنمی آید. مرحوم حاج سید محمدجواد فرموده بودند چون از کلیه جهات مایوس شدم متوجه خدا شده و چاره آن را از او خواستم. روز جمعه عریضه ای مطابق معمول، خدمت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی عرض کرده و در آن شرح گرفتاری خود را دادم و آن را به دست خود در گِل گرفته در رودخانه انداختم و از آنجا رفتم تخت فولاد و در یک گوشه پشت دیوار خرابه ها مشغول خواندن دعای ندبه شدم و ضمناً مطلب خود را مجدداً حضور مبارک امام زمان علیه السلام عرض کردم. مرحوم سید گوید در ضمن اینکه مشغول خواندن دعای ندبه بودم صدای پای اسبی شنیدم،

برگشتم نگاه کردم. دیدم از طرف قبله سواری به لباس اعراب اهل بادیه با چفیه و عقال، به سمت من می آید. همین که محاذی من رسید بدون آنکه حرفی بزند با آنکه من قدرت تکلم و عرض سلام پیدا نمایم توجهی به من فرمود و نگاه مرحمتی به من انداخت. از همان نگاه قوت قلبی در من ایجاد شد و مطمئن شدم که این شخص، آقا و مولایم حضرت مهدی صاحب الزمان علیه السلام می باشد و کار من هم مطابق دلخواه انجام شده است. چون مجدداً به طرفی که سوار بود نگاه کردم اثری از او ندیدم. مرحوم خراسانی فرموده بودند که در همان هفته روز یکشنبه کار صالح آباد به نحو دلخواه من اصلاح شد. آقای آقاجفی به ایشان گفته بودند فلانی چطور کاری به این بزرگی به این آسانی انجام شد، پس از آنکه از انجام آن مطابق میل شما مایوس شده بودیم.

خدمت ایشان گفتم من در این باره دو اسلحه به کار زدم یکی عریضه خدمت امام علی علیه السلام عرض کردم، دیگری دعای ندبه خواندم. (۱)

۵ - آقا سید محمد رضا خراسانی: فرزند حاج سید جواد. متوفی ۱۳۹۷ ق. عالم محقق رئیس حوزه ی علمیه اصفهان و بانی کتابخانه ی مدرسه ی صدر بازار اصفهان.



آیت الله سید محمد رضا خراسانی

ص: ۸۸

۶ - حاج سید علی نقی موسوی زنجانی: فرزند میرزا محمدعلی. متوفی ۱۳۲۸ ق. عالم ربّانی و فقیه بزرگوار. از علمای بزرگ اصفهان.

۷ - میر محمد حسین حسینی میر محمدصادق: متوفی ۱۲۸۸ ق. برادر علامه فقیه میر سید حسن مدرّس. عالم فاضل و فقیه کامل.

۸ - حاج ملا محمدصادق: متوفی ۱۲۶۴ ق. عالم مجتهد، عارف زاهد. بسیاری از زائرین ت فولاد به زیارت قبر وی جهت برآورده شدن حاجاتشان اعتقاد زیادی دارند.

۹ - حاج شیخ عبدالحسین محلاتی: فرزند ملا علی. متوفی ۱۳۲۳ ق. از علمای بزرگ و فقهای عالیقدر. صاحب آثار علمی فراوان در فقه و اصول و ادبیات می باشد که جمعاً بیست و شش جلد کتاب و رساله دارد. از جمله ی آنها: الف) مغتنم الدرر در سه جلد ب) حاشیه بر رسائل شیخ انصاری و آثار ارزشمند دیگر است. (۱)

۱۰ - آقا سید زین العابدین طباطبایی ابرقویی: متوفی ۱۳۷۲ ق. او عالم فاضل و عارف وارسته. صاحب کتاب «ولایهالمتّقین» و آثار ارزشمند دیگر است. وی از شاگردان برجسته آقا سید محمدباقر درچه ای و آخوند کاشی بود. مردی خلیق و مهربان و از جمله کسانی بود که عملاً درس دین و اخلاق را به مردم می آموخت. به خواندن زیارت عاشورا سفارش زیادی می نمود و به شفای مریض ها از طریق توسل به ائمه اطهارعلیهم السلام و زیارت عاشورا اعتقاد فراوان داشت. کشف حقایق باطنی از جمله دیدن صحنه های کربلا در سجده شکر زیارت عاشورا برای او

اتفاق افتاده بود. کتاب «ولایت ائمه هدی(علیه السلام)» ایشان در دفاع از ولایت و شرح فضایل ائمه اطهارعلیهم السلام عمق ارادت او به اهل بیت علیهم السلام می باشد. پس از فوتش مزارش مورد توجه جهت برآورده شدن حاجات می باشد. (۲) از اشعار اوست:

جز صبر از هجوم بلا نیست چاره ای

غیر از رضا بیسرّ قضا نیست چاره ای

خواهی اگر نجات ز امواج حادثات

جز التجا به آل عبا نیست چاره ای

۱۱ - ملا مهدی قُمبوانی: فرزند محمدصادق. متوفی ۱۲۵۵ ق. عالم فقیه فاضل جلیل.

ص: ۸۹

۲-۱۰۶. طباطبایی، سید زین العابدین: ولایه المتقین، ص ۲۸ و ۲۹ در مورد شفای بیماران توسط وی چند داستان آورده و در کتاب شهید دستغیب: داستان های شگفت، (داستان شماره ۵۹)، در مورد وی کرامتی نقل شده است.

۱۲ - محمدحسین ضیاء اصفهانی: متوفی ۱۲۶۵ ق. از اعقاب علامه ملا اسماعیل خواجه‌ی از شعرای مکتب ادبی بازگشت. در علم هیئت، نجوم، هندسه و حساب برجسته بود. وی هفت قلم را به خوبی می نوشت. خطاط و خوشنویس و شاعر گرانقدر که نمونه ای از آثار خط و شعرش را می توان در تکیه ی خوانساری و تکیه ی شیخ محمّدتقی رازی مشاهده نمود. از اشعار اوست:

اشک و آهم برده از دل طاقت و از دیده خواب

بی مه رویت گهی در آتشم گاهی در آب

ماده تاریخ فوتش این است: «به دیده ی مردم ضیاء نماند».^(۱)

۱۳ - سید محسن میرمحمدصادقی: فرزند میر محمدباقر. متوفی ۱۳۲۸ ق. برادرزاده علامه میر سید حسن مدرس. عالم فاضل و فقیه محقق. وی تألیفاتی از خود به جای گذاشته است از آن جمله: الف) رساله در اصول دین ب) رساله در صیغ عقود و رسایل دیگر.

۱۴ - سید علی خراسانی: فرزند سید جعفر. متوفی ۱۳۶۵ ق. مشهور به «جهاد اکبر» مدیر روزنامه ای به همین نام که از روزنامه های صدر مشروطیت اصفهان بود.^(۲) ماده تاریخ فوتش این است: «جز با جهاد اکبر کس بر جان نرفت».

۱۵ - سید هاشم خراسانی: برادر کوچکتر جهاد اکبر. متوفی ۱۳۶۶ ق. مشهور به «جهاد اصغر» از آزادیخواهان مشروطیت.

۱۶ - میرزا محمدحسین مدرّس: متوفی ۱۴۰۲ ق. ادیب فاضل، طیب ماهر و حاذق. وی در اشعار «قانع» تخلّص می نمود. بیش از ده جلد از آثار او به چاپ رسیده است از آن جمله: الف) اربعین قانع ب) دیوان اشعار ج) ره آورد قانع د) شجره ی طوبی. وی خواهرزاده ی مجاهد شهید سید حسن مدرّس بود. از اشعار اوست:



ص: ۹۰

۱- ۱۰۷. معلم حبیب آبادی: مکارم الآثار، ج ۷، ص ۲۴۲۸.

۲- ۱۰۸. عقیلی، سید احمد: نگرشی بر مشروطیت اصفهان، ص ۱۵۲.

(قانع) ز هر دری چو درآید برون سری

امیدوار باش و مکن ترک دق باب

گر هر دری نداد بتو روی خوش نشان

از خاندان پاک پیمبر تو رُخ متاب (۱)

قانع علاقه و محبت شدیدی به امام حسین علیه السلام داشت. این آخرین شعر اوست که چند روز قبل از فوتش سروده بود:

گر ز پیری به جهان از همه چیز افتادم

شکر جاوید که یاد تو نرفت از یادم

پیر و فرسوده اگر گشته ام از عمر دراز

چون جوانی به هوای تو بود فریادم

همه پیران بوصال تو جوان می گردند

تا کی این آتش هجران بکند بنیادم

ای دل از درد درون بردنت آزرده مباش

که کند وصل حیب از همه غمها شادم

با دل پاک اگر رفتم از این توده خاک

گویی از قعر جهنم به بهشت افتادم

گرچه در دار عمل هیچ عمل شایسته

نآمد از من که بود توشه راه و زادم

قانعاً گرچه خرابی، کرم خواجه ز لطف

همچو بگذشته در آینده کند آبادم (۲)

به علم و تقوی شهرت داشت. از شاگردان سید محمد مجاهد کربلایی و حاجی کلباسی بود. (۲)

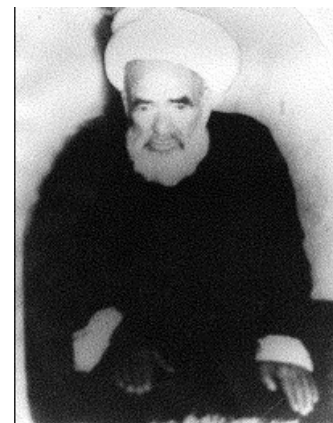
ص: ۹۱

۱- ۱۰۹. مهدوی: تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۷۲.

۲- ۱۱۰. نصرالهی: تخت فولاد سرزمین جاویدان، مشاهیر تکیه فاضل هندی.

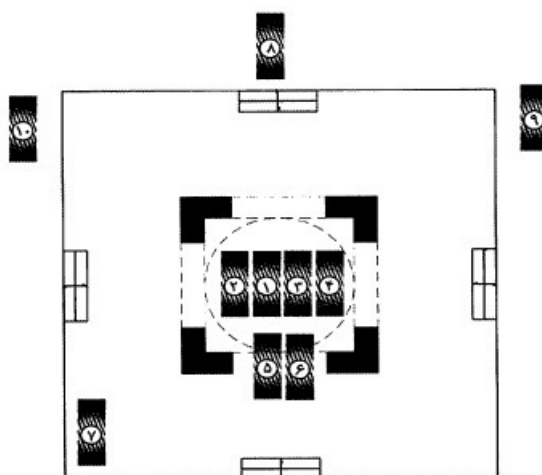
۳- ۱۱۱. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۸۸.

۱۸ - شیخ محمدحسین فاضل کوهانی: متوفی ۱۴۰۳ ق. وی علی رغم فقر و مشکلات فراوان به تحصیل پرداخت. در درس خارج حضرات آیات سید علی نجف آبادی و علامه شیخ محمدرضا نجفی شرکت جست. سال ها در مدرسه صدر به تدریس ادبیات و سطوح می پرداخت. او عالمی وارسته و زاهد بود و سال ها در کمال بی آلایشی در منزلی محقر و ساده زندگی می کرد. از کمک و مساعدت به نیازمندان طلب در حد توان دریغ نمی نمود. عالمی متدین، متعهد و متعبد بود و توکلی عجیب به خداوند متعال داشت. سال را در مسجد سرخی به اقامه جماعت و موعظه اشتغال داشت و در منزل خود نیز مجلس روضه برپا می نمود. (۱)



ص: ۹۲

۱- ۱۱۲. قاسمی: شرح مجموعه گل، ص ۱۰۱.



پلان فاضل هندی

- ۱- فاضل اصفهانی مشهور به فاضل هندی
- ۲- فاضل نایینی
- ۳- سید محمد رضا خراسانی
- ۴- سید مهدی آسیاب پری
- ۵- سید محسن مدرس
- ۶- سید محمد حسین مدرس
- ۷- سید یوسف خراسانی
- ۸- حاج ملا محمد صادق اصفهانی
- ۹- ملا مهدی قمیوائی
- ۱۰- سید محمد جواد خراسانی

بقعه فاضل اصفهانی (هندی)

اشاره

یکی از بزرگترین فقها، مجتهدین، علما و عرفای الهی اصفهان حکیم مولی اسماعیل بن محمدحسین بن محمدرضا مازندرانی اصفهانی می باشد که به جهت سکونت در محله خواجهو به خواجهویی شهرت یافته است. وی حلقه ی ارتباط حوزه ی علمیه ی اصفهان در عهد صفوی و دوره ی قاجاریه است. به عبارت دیگر وجود ارزشمند این عالم موجب گردید فلسفه ی غنی و پر بار عصر صفویه که با هجوم افغانه در معرض نابودی قرار گرفته بود حفظ شود و با رساله های پرشمار و شاگردان بزرگی که تربیت نمود به دوره ی قاجاریه منتقل گردد.



بقعه ی تکیه ملا اسماعیل خواجهویی

ملا اسماعیل خواجهویی از احیاگران حکمت و فلسفه در اصفهان پس از حمله ی افغانه به این

از لحاظ موقعیت مکانی نیز این تکیه در قسمت لسان الارض تخت فولاد قرار گرفته و در بین تکایای موجود در تخت فولاد از تقدس و احترام ویژه ای برخوردار است. در سال ۱۳۷۸ هجری شمسی، به منظور احترام و بزرگداشت مقام ملا اسماعیل خواجویی بقعه ای با سبک معماری امروزی بر مزار آن علما فقیه ایجاد گردید. که در ساخت آن از مصالح بتون و آجر تزئینی استفاده شده است.

این تکیه در ردیف اولین تکایای تخت فولاد به شمار می آید که بیشترین عالم مدفون در حوزه ی فلسفه و حکمت را در خود جای داده است.

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه در سمت راست خیابان فیض واقع شده است که از جنوب و غرب به خیابان فیض، از شرق به تکیه فاضلان و از شمال به کوچه لسان الارض محدود می شود.

مدفونین در این تکیه

۱ - ملا محمد اسماعیل خواجویی: فرزند محمدحسین بن محمد رضا بن علاءالدین محمد مازندرانی متوفی ۱۱۷۳ ق. حکیم و محدث، فقیه محقق، یکی از بزرگترین علمای عصر افشاریه است که در بین علمای مدفون در تخت فولاد صاحب بیشترین کتاب و رساله علمی می باشد چنانکه برخی منابع بیش از سیصد اثر بر وی نام برده اند. (۲)

علت کثرت و فراوانی آثار این عالم را شرایط روزگار وی ذکر کرده اند. زیرا دوران زندگی وی مصادف با هجوم افغانه بود و این مصیبت موجب شد علوم فلسفی و دینی بیشتر در معرض نابودی و فراموشی قرار گیرد. علما خواجویی با درک این خطر با نگارش و تألیفات محققانه ی خود در

ص: ۹۵

۱- ۱۱۳. جهت اطلاع بیشتر از احوال و آثار این عالم فاضل، ر. ک: رجایی، سید مهدی: احوال و آثار ملا محمد اسماعیل خواجویی، شهرداری اصفهان، زمستان ۱۳۷۸، صص ۲۴ - ۱۶؛ و کرباسی زاده، علی: حکیم خواجویی، احیاء گر حوزه اصفهان در دوران فترت، مجله حوزه اصفهان، شماره یازدهم، سال ۱۳۸۲.

۲- ۱۱۴. دیوان بیگی شیرازی، سید احمد: حدیقه الشعراء، ج ۲، ص ۱۰۷۴.

کلیه ی علوم از فقه، اصول، حدیث، رجال، حکمت، کلام و غیره توانست جای خالی تألیف و تحریر در دوره ی فترت را پر کند. از مهمترین آثار ایشان می توان به: الف) اربعین حدیث ب) شرح مدارک ج) شرح دعای صباح د) هدایه الفؤاد ه) فوائد الرجالیه و) بشارات الشیعه ز) حاشیه بر تفسیر صافی اشاره کرد.

علامه خواجهی از بزرگترین اساتید فلسفه، کلام، عرفان، فقه و حدیث در عصر خویش به شمار می آید. او در میان علمای زمان خویش بیش از دیگران مورد تکریم و احترام نادرشاه افشار قرار داشت و توصیه های او مورد توجه نادرشاه قرار می گرفت و این از زهد و قناعت این عالم بزرگ نشأت می گیرد. از شاگردان برجسته اش می توان به ملا مهدی نراقی، آقا محمد بیدآبادی، آقا میرزا ابوالقاسم مدرّس اصفهانی اشاره نمود. او اخلاص و محبت فراوانی به سادات فاطمیّه داشت و رساله هایی نیز در فضل اولاد فاطمه (سلام الله علیها) نگاشته است. بسیاری از مؤمنین برای برآورده شدن حاجاتشان به زیارت مرقد او روی می آورند.

ماده تاریخ فوت او را چنین آورده اند:

«نور الله الجلیل مقبرته

رفع الله فی الجنان منزله ۱۱۷۳ ه . ق.»

و به فارسی «خانه ی علم منهدم گردید. ۱۱۷۳ ه . ق.»^(۱)

۲ - آقا محمد اسماعیل خواجهی ثانی: فرزند محمدجعفر (نوه ملا اسماعیل خواجهی) متوفی ۱۲۸۲ ق. مدفون در جنب قبر جدّ خویش.

۳ - ملا علی اکبر اژه ای: فرزند ملا محمد باقر. متوفی ۱۲۳۲ ق. عالم فاضل محقق، فقیه زاهد، عابد، و از متکلمین برجسته. شیخ آقا بزرگ طهرانی وی را با این القاب می ستاید: «انه كان قائم الليل دائم التهجد كثير البكاء عظيم الخوف ظريف المناجاة مستجاب الدعوه مقتضى الحاجات»^(۲) وی از علمایی بوده که با عقاید شیخ احمد احسایی و میرزا محمد اخباری مخالف بوده و رساله ای در ردّ عقاید ایشان نوشته است. وی به خطرهایی که شیعه را به خصوص در عرصه فکری و عقیدتی تهدید می کرد عکس العمل نشان می داد. زیرا که عصر او مقارن

فعالیت های شیخیه و اخباری ها بود. چنانکه رساله ای در ردّ عقاید میرزا محمد اخباری و همچنین رساله ای در ردّ عقاید شیخ احمد احسایی

ص: ۹۶

۱- ۱۱۵. جهت اطلاع از احوال و آثار این علامه فرزانه، ر. ک: رجائی، سید مهدی، همان.

۲- ۱۱۶. الذریعه، ج ۱، ص ۲۳.

نوشت. همچنین رساله ای در ردّ عقاید هنری مارتین مبلغ مسیحی که ایراداتی بر اسلام گرفته بود نگاشت. وی در حدود بیست کتاب و رساله نگاشته است که مهمترین آنها عبارتند از:

الف) زبدهالمعارف در اصول دین ب) رساله در معراج جسمانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله ج) رساله در نماز شب که از آن زهد، تقوی و حالات خوش وی در نماز شب را به خوبی می توان دریافت. چنانکه می نویسد: «اگر کسی دیده بگشاید و ساعتی سر به گریبان تفکر فرو برد و در احوال خود تفکر نماید، در خواهد یافت که این عمر مانند کشتی بر روی دریا در گذر است و مردم مسافرنند. اول منزل گهواره و آخر منزل لحد و قبر است. و وطن یا بهشت است یا جهنم. عمر مسافرت این سفر است، سال و ماه فرسخ های این سفر می باشند... و نفس ها که کشیده می شود به منزله ی قدم هاست. و طاعت، بضاعت این مسافر است... و شهوت و غضب و غرض های نفسانی، قطّاع طریق و راه زنند. پس اگر یک نفس غافل شود و در غیر طاعت الهی صرف نماید روز قیامت در غبن خواهد بود.... ای عزیز امروز، روز فرصت است».(۱)

وی معاصر با سید حجهالاسلام شفتی بیدآبادی بوده و با وی مناظرات علمی - قلمی هم داشته است. سنگ قبر زیبای وی به خط ثلث بسیار ارزشمند از محمد کاظم نیریزی می باشد. ماده تاریخ فوتش این است: «اکبر اهل علم رفته از عالم».

۴ - حاج محمدحسن کلباسی: متوفی ۱۱۹۰ ق. پدر علامه جلیل مرحوم حاج محمد ابراهیم کلباسی. عالم ربّانی و از مصاحبین آقا محمد بیدآبادی بوده و وصیت نموده که آقا محمد وصی و قیم فرزندش حاجی کلباسی باشد. قبر نواده اش میرزا ابوالعالی کلباسی نیز در نزدیک جدّش قرار گرفته و ماده تاریخ فوتش بر روی سنگ قبرش چنین حک شده است:

امام و مقتدای اهل دین شد

سر و سرحلقه اهل یقین رفت

بتاریخش رقم زد کلک هاتف

ز دنیا پیشوای اهل دین رفت (۲)

۵ - ملا اسماعیل حکیم درکوشکی: متوفی ۱۳۰۴ ق. حکیم مدرّس گرانقدر. وی استاد علامه فقیه آقا سید ابوالقاسم دهکردی و آخوند ملا محمد کاشانی و جهانگیرخان قشقایی بود.

۶ - میرزا محمد شمس الکتاب: فرزند میرزا ابوالقاسم خواجهی. متوفی ۱۳۶۷ ق. خوشنویس

ص: ۹۷

۱- ۱۱۷. رجایی، سید مهدی: همان، ص ۱۱۰.

۲- ۱۱۸. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۶.

هنرمند و عارف وارسته. از خطاطان بزرگ خط نسخ، ثلث، رفاع، در قرن چهاردهم هجری است. از شاگردان او شیخ محمد رضا حسام الواعظین است. چندین قطعه از آثار زیبای وی در موزه های ایران نگهداری می شود. (۱)

۷ - محمد حسین مولوی: فرزند ملا محمد بن ملا علی خونساری، متوفی ۱۳۶۶ ق. عالم فاضل ادیب. شاگرد و داماد مرحوم حاج میرزا یحیی مستوفی و شیخ مرتضی ریزی بود. وی از راه کتابفروشی و چاپ و نشر کتب دینی مانند پدر خود، خدمتی به شرع و دین نموده است. مهمترین آثارش عبارتند از: الف) تفسیر مولوی ب) حاشیه بر قرآن ج) کشف الآیات.

۸ - ملا عبدالله اژه ای: فرزند ملا علی اکبر. متوفی ۱۲۶۵ ق. فقیه کامل، عالم جامع علوم معقول و منقول. ماده تاریخ فوتش این است: «رفته عبدالله از دنیا به گلزار جنان».

۹ - ملا علی محمد اژه ای: فرزند ملا محمد علی بن ملا عبدالله. متوفی ۱۳۳۲ ق. عالم فاضل ادیب شاعر، متخلص به «شریفی» مؤلف مجموعه ای در آداب و اخلاق.

۱۰ - ملا محمد دابراهیم جدلی: ملا محمد دابراهیم گلپایگانی معروف به «جدلی»، از اکابر فقهاء و حکما و علمای قرن دوازدهم (جامع معقول و منقول و مشهور به دانایی و طلاقت لسان. وی از اساتید حکیم نامی ملا علی نوری و معاصرین آقا محمد بیدآبادی است و احتمالاً شاگرد ملا اسماعیل خواجویی است). در سال ۱۱۹۹ ق. وفات یافت، و در جنب قبر ملا اسماعیل خواجویی مدفون شد. رفیق اصفهانی مرثیه ای درباره او گفته، و ماده تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

شد ز جهان و رفیق از پی تاریخ گفت

رفت بزم جنان زبده ی ارباب علم

وی رساله ای در اصول دین تألیف نموده که از کتاب حقّ الیقین علامه مجلسی استخراج شده است، و ضمن مجموعه ای در کتابخانه ی سید آقا تستری موجود بوده است. (۲)

۱۱ - سید محمد حسین درچه ای: فقیه محدث اخباری، از علمای زاهد متقی و برادر آقا سید محمد باقر درچه ای، وفات: ۱۳۳۴ ه. ق.

۱۲ - شیخ محمد حسین نجفی سدهی: عالم فاضل و فقیه گرانقدر، از علمای بزرگ خمینی هر اصفهان، متوفی ۱۳۷۵ ه. ق.

ص: ۹۸

۱- ۱۱۹. عقیلی و خلیلیان: جلوه قرآن در خاک تابان (شرح حال مفسرین مدفون در تخت فولاد)، ص ۱۵۰ - ۱۴۸.

۲- ۱۲۰. مهدوی: اعلام اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۱۳ - ملاّ عبداللّه ابن الحسن: متوفی ۱۱۸۴ ق. ماده تاریخ فوتش این است: «حیف زان زبده ی افاضل حیف» (۱).

۱۴ - شیخ احمد زنجانی: متوفی ۱۳۶۹ ق. عالم فاضل و فقیه عالیقدر. صاحب آثار ارزشمندی چون الف) هدایهالانام (منظومه و علم کلام) ب) وجیزه در فرق بین سحر و معجزه. (۲).

۱۵ - ملاّ مصطفی قمشه ای: متوفی ۱۲۱۵ ق. عالم فاضل و حکیم برجسته. از کثرت علم و وفور دانش به «مصطفی العلماء» شهرت یافته است. (۳) در دوره آقا محمّدخان قاجار و فتحعلی شاه می زیسته و در مناظرات بین علمای اهل سنت و علمای شیعه با پاسخ های بسیار قانع کننده علمای اهل سنّت را مجاب می نمود. در نزد شاه قاجار منزلت بسیار داشت. و بر حسب وصیت آقا محمّدخان قاجار جسد او توسط حکیم قمشه ای به نجف اشرف منتقل شد. (۴).

علما و بزرگان بسیار دیگری در این تکیه مدفون می باشند. (۵).

در مقامات و احوال علّامه ملاّ اسماعیل خواجویی ایشان در حکمت، فقه، تفسیر و حدیث صاحب نظر بود. و در عبادت نیز اشتغال بسیار داشت. زاهد، گوشه نشین و عزلت گزین بود. از مردمانی که برای دنیا، تحصیل علم می نمودند نفرت داشت. در عمل به سنت های پیامبر صلی الله علیه و آله دقیقه ای فروگذار نبود و اخلاص تمام به ساحت ائمه ی اطهار علیهم السلام داشت. در انجام هر عملی نیز قصد قربت می نمود و از غیر خدا قطع نظر داشت. در اجرای احکام الهی نیز تلاش بسیار می نمود.

ارزش تألیفات وی در آن است که زمانی به نگارش آن آثار محققانه پرداخت که علما و بزرگان دین مورد هجوم شدید افغان ها قرار گرفته بودند و تمرکز حواس و حال تحقیق از دانشمندان رفته بود. امّا در این زمان علّامه خواجویی با نگارش چنان آثار ارزشمندی در کلیه علوم اسلامی توانست خلأ تألیف و تحریر را در این دوره ی آشوب و هرج و مرج پر نماید. در مقدمه ی حاشیه ی اربعین

ص: ۹۹

۱- ۱۲۱. مهدوی: همان، ص ۴۲۲.

۲- ۱۲۲. مهدوی: تذکره شعرای معاصر، ص ۴۳۵.

۳- ۱۲۳. کرباسی زاده: حکیم متألّه بیدآبادی، ص ۱۶۴ و ۱۶۵.

۴- ۱۲۴. نشریه فرهنگی شهرضا، چاپ تیرماه ۱۳۲۹، ص ۸.

۵- ۱۲۵. مهدوی: سیری در تخت فولاد، صص ۶۶- ۶۳ و ۱۱۷- ۱۱۵.

شیخ بهایی نوشته است: «...من این کتاب را زمانی گرد آوردم که تن و جان مردم همه کبیر و تیره گشته بود و ریختن خون مؤمنان حلال گشته و زن ها و ناموس مردمان به دست ستمگران و کافران افتاده و باران بلا و ستمگری از همه سو می بارید...» (۱).

در برخی از منابع نیز از وی به عنوان «معلم ثالث» یاد شده است (۲) که نشان از موقعیت علمی والای وی دارد.

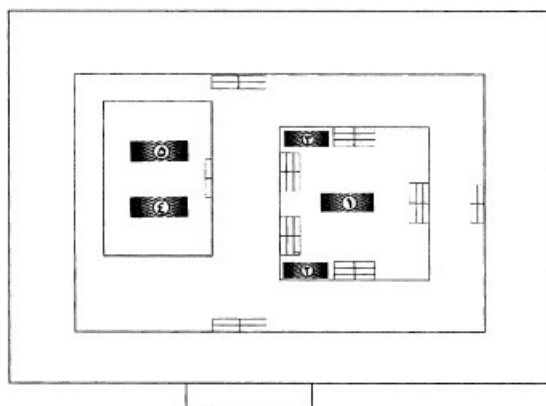
بر روی سنگ قبرش با القاب بسیار عالمانه «الامام الفاضل الکامل العابد، خلاصه الحکماء المحققین» «وارث علوم الانبیاء و المرسلین» «مرکز دائره الفضل و الکامل» «خاتم المجتهدین» «الفقیه النورانی» ستوده شده است (۳).

ص: ۱۰۰

۱- ۱۲۶. حسینی زنوزی: ریاض الجنه، ج ۳، ص ۷۲.

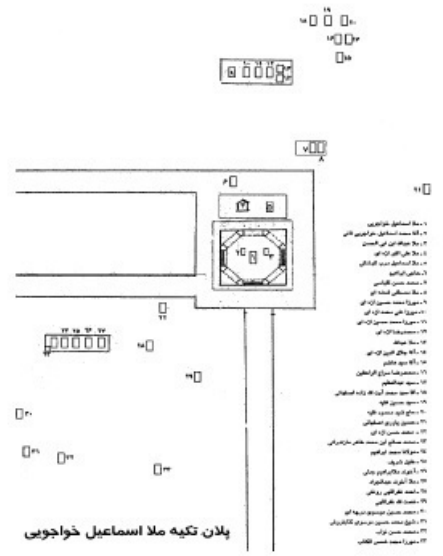
۲- ۱۲۷. همان منبع

۳- ۱۲۸. رجایی: همان، ص ۸۶- ۸۴.



- ۱- ملا اسماعیل خواجویی
۲- ملا اسماعیل خواجویی ثانی
۳- ملا عبد الله
۴- ملا علی اکبر ازه ای
۵- ملا اسماعیل حکیم درب کوشکی

پلان تکیه ملا اسماعیل خواجویی



اشاره

از مصلّا خوش وزد بوی بهشت

یارب از گردون که در آن پای هشت

«شفیق»

قسمت غربی تخت فولاد جایگاه برجسته ای در تاریخ اصفهان دارد. قبل از توضیح قبرستان مصلی مقدمه ای کوتاه راجع به تاریخچه مصلی ضروری به نظر می رسد.

بنای مصلی علاوه بر اقامه ی نمازهای جماعت، جمعه و عید از کاربردهای سیاسی و اجتماعی نیز بی بهره نبوده است. چنانکه تصمیمات سیاسی مانند ابلاغ دستورات حکومتی و آگاه نمودن مردم از وقایع سیاسی و اجتماعی در این مکان صورت می گرفته و مهمتر آن که مکانی برای اجتماعات



مصلای تخت فولاد

مذهبی و اجرای فریضه های دینی بوده است. بنای مصلای تخت فولاد متعلق به دوره ی صفوی است. قبل از صفویه نیز در آن آثار وی وجود داشته است. پیش از این تاریخ در سایر قسمت های

ص: ۱۰۳

شهر مانند طوقچی، مصلی وجود داشته است ولی با ایجاد مصلای تخت فولاد و گسترش شهر به سوی جنوب کم کم اهمیّت سایر مصلی های شهر اصفهان کمرنگ می شود. در عهد صفوی در این مکان نماز عید قربان و عید فطر اقامه می گردید و تا دوره ی معاصر نیز علمای بزرگ اصفهان نماز عید فطر را در این مکان برگزار می نمودند.^(۱)

مسجدی از دوره صفوی در این مکان وجود داشت که به مرور زمان از بین رفت ولیکن در دوره ی قاجاریه مسجد دیگر بر آن احداث گردید که کتیبه های مسجد آن از دوره ی قاجاریه هنوز موجود است.

محدوده ی مصلی از شرق به تکیه ی آقا حسین خوانساری و تکیه ی شیخ محمد تقی رازی، از جنوب به تکیه ی صاحب روضات، محدود می شود. در سمت شمال مصلی قبرستانی قرار دارد که می توان آن را به سه بخش تقسیم نمود:

الف) قبرستان پشت مصلی:

اشاره

گورستان پشت مصلی در ضلع شمالی آن از قرن یازدهم تا این اواخر محل دفن اموات بوده است. از وجوه مشخصه این قبرستان وجود شیر سنگی موجود در تخت فولاد است.

بزرگان مدفون در قبرستان پشت مصلی

۱ - میرزا محمدباقر نقاش باشی سمیرمی: متوفی ۱۳۵۱ ق. متخلّص به «صدقی» هنرمند نقاش، ادیب، شاعر.^(۲) از ویژگی های کار وی تجسم بخشیدن به نگاه زنده و توجه به پوشش آنان است. ترسیم افق در هنگام غروب آفتاب نیز از دیگر هنرنمایی های وی می باشد.^(۳)

۲ - حاج میرزا حسین مدرّس کهنگی: فرزند سید محمد ابراهیم طباطبایی. متوفی ۱۳۷۶ ق. عالم فقیه وارسته. از محضر علمایی چون میرزا ابوالمعالی کلباسی، آقا محمدهاشم چهارسوقی، آخوند

ص: ۱۰۴

۱- ۱۲۹. همایی: تاریخ اصفهان (جلد ابنیه و عمارات)، صص ۴۲۰ - ۴۱۴.

۲- ۱۳۰. نصرالهی، غلامرضا: جزوه تخت فولاد سرزمین جاویدان، بخش قبرستان پشت مصلی.

۳- ۱۳۱. ادیب برومند، عبدالعلی: دو هنرمند نقاش و...، مجله میراث جاویدان، سال پنجم، شماره ۳ و ۴، ص ۲۳۱.

کاشی و جهانگیرخان قشقایی کسب علم نمود و به درجه ی اجتهاد رسید. در ملکات نفسانی و فضایل اخلاقی کم نظیر بود. صاحب آثار علمی از جمله: الف) تقریرات فقهی ب) هدایه‌الوری و آثار دیگر است. (۱)

۳- عباس مجنون سیچانی: متوفی ۱۳۶۷ ق. ادیب شاعر که قسمتی از اشعارش تحت عنوان «نامه مجنون» به چاپ رسیده. (۲)
ماده تاریخ فوتش این است:

ببفروز آه گفتا لمعه تاریخ

دل مجنون ما شوریده تر بود



۴- میرزا محمود تبریزی: فرزند عبدالوهاب. متوفی ۱۳۸۲ ق. متخلص به «محمود» از سخن سرایان و شعرای قرن چهاردهم اصفهان که قسمتی از اشعارش تحت عنوان «گنج سعادت» به چاپ رسیده است. (۳) از اشعار اوست:

دست آن مولا نبی بگرفت در خم غدیر

شد وصی حضرت خاتم به حکم کردگار

هل اتی آمد بشان او به قرآن مجید

از وجود اوست بالله گردش لیل و نهار... (۵) ۱۳۵ - ملا گدا علی قاری: فرزند ابوالفتح. متوفی ۱۱۳۴ ق. از علمای اصفهان در دوره ی صفوی که کتابی تحت عنوان «لؤلؤ القرآن» نگاشته بود. (۴)

۶- سید رحیم آوازه خوان: فرزند سید عباس، متوفی ۱۳۴۲ ق. به اتفاق همه ارباب هنر خاتم

ص: ۱۰۵

۱- ۱۳۲. در کتاب مجموعه آثار حکیم صهبا (آقا محمدرضا قمشه ای) نوشته خلیل بهرامی، صفحه ۱۱۰ حکایتی از ملاقات این عالم با استادش جهانگیرخان قشقایی در عالم خواب پس از فوت حکیم جهانگیرخان نقل شده است.

۲- ۱۳۳. مهدوی: تذکره شعرای اصفهان، صص ۴۱۳ و ۴۱۴؛ و نصرالهی: همان مأخذ.

۳- ۱۳۴. مهدوی: سیری در تخت فولاد، ص ۱۲۸؛ و نصرالهی: همان مأخذ.

۴-۱۳۶. مهدوی، سید مصلح الدین: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۶۷؛ و نصرالهی: همان مأخذ.

موسیقی دانان قدیم ایران بود. در مناسب خوانی دارای ذوق و سلیقه کم نظیر بود. وی را آخرین

خواننده ای می دانند که به تمام رموز موسیقی قدیم تسلط داشت. خوانندگانی چون تاج اصفهانی، ادیب و طاهرزاده همه پیرو مکتب سید رحیم هستند. (۱)

(ب) قبور سادات بهشتی

اشاره

در پای دیوار شمالی مسجد مصلی، قبرستان بزرگی است که قسمتی از آن متعلق به سادات بهشتی از سادات حسینی اصفهان است که به زهد و علم و تقوی معروف بوده اند، و از قرن دهم هجری در اصفهان می زیسته و پس از وفات در این مکان دفن شده اند.

نخستین فرد مشهور این سلسله که به جهت وجود این عالم به این خاندان لقب «بهشتی» داده اند میر محمّد رضا بهشتی بود. گویند در زمان حمله ی افغانه به اصفهان می زیسته است و از آنجا که افغانه به وی تعرضی نکردند و خانه اش پناه مستمندان گردید. به او لقب «بهشتی» دادند. بیشتر قبور خاندان بهشتی در این تکیه از بین رفته است و آثاری از آنها وجود ندارد.

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه از جنوب به مصلی و از سایر جهات به قبرستان شمال مسجد مصلی منتهی می شود.

بزرگان مدفون در این تکیه

۱ - آقا میر محمّد رضا بهشتی: فرزند میر محمّد هادی حسینی، متوفی ۱۱۹۵ ق. عالم فاضل و جامع علوم معقول و منقول. وی در دوره ی تاریخی افشاریه و زندیه زندگی می کرده و از شاگردان ملا اسماعیل خواجویی بوده است. در اصفهان از لحاظ علم و عبادت و زهد مورد قبول علما و مردم بود و اولین شخص از این خاندان جلیل القدر که لقب «بهشتی» گرفت. (۲) بعد از وفات وی اطاق کوچکی بر مزارش بنا نمود که به تدریج تخریب شد و آثاری از آن باقی نمانده است. در فوت او

ص: ۱۰۶

۱- ۱۳۷. همایی: تاریخ اصفهان (مجلد هنر و هنرمندان)، ص ۲۵۰.

۲- ۱۳۸. در کتاب تحفها لاجباب اثر طه بهشتی چهار علت در اینکه به این خاندان برجسته لقب «بهشتی» داده اند، ذکر شده است.

نیابی چه او شخص کامل بزند

نجویی چه او مرد در دین تمام (۱)

۲ - آقا میر محمد رضا بهشتی: فرزند میر عبدالباقی. متوفی ۱۲۵۶ ق. عالم فاضل و پرهیزگار. از علمای برجسته خاندان بهشتی.

۳ - میر محمد صادق بهشتی: فرزند میر عبدالباقی بن میر محمد رضا حسینی. متوفی ۱۳۰۸ ق. عالم فاضل، فقیه زاهد و ملقب به «سلمان الزمان» از علمای برجسته ی این خاندان بود.

۴ - سید محمد ابراهیم بهشتی: فرزند میر اسدالله حسینی. متوفی ۱۳۱۰ ق. عالم فقیه زاهد، ماده تاریخ فوتش این است: «فردوس بدان مقام ابراهیم».

۵ - سید اسدالله بهشتی: فرزند سید ابراهیم. متوفی ۱۳۱۰ ق. عالم فاضل.

۶ - آقا سید محمد هاشم بهشتی: فرزند میر محمد صادق. متوفی ۱۳۵۳ ق. عالم فاضل و داماد میرزا مسیح چهارسوقی.

۷ - آقا سید فضل الله بهشتی: فرزند آقا سید هاشم متوفی ۱۳۸۲ ق. عالم باتقوا و فاضل خاندان بهشتی. داماد حاج میر محمد صادق مدرّس خاتون آبادی و پدر شهید مظلوم دکتر سید محمد بهشتی بود.

۸ - آقا سید طه بهشتی نژاد: فرزند آقا سید محمد باقر. متوفی ۱۴۰۳ و اعظ، ادیب شاعر. او صاحب تألیفات متعدد از جمله: الف) علائم المتّقین در ۳ جلد ب) «تحفه الاحباب» در شرح حال خاندان بهشتی ج) دیوان اشعار بوده است. (۲)

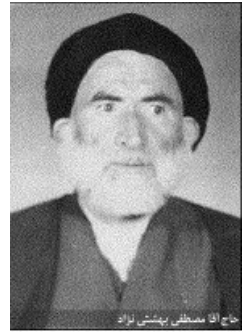
۹ - دکتر عبدالباقی نواب: فرزند میرزا رضا. متوفی ۱۴۰۳ ق. طیب ماهر و محبوب اصفهان شاعر و ادیب خوشنویس. آشنا به علم انساب. وی از دانشمندان معاصر اصفهان بود و مدّتی ریاست دانشکده ی ادبیات دانشگاه اصفهان را به عهده داشت. و در دانشکده ی پزشکی نیز تدریس می کرد و فردی بسیار نیکوکار بود.

ص: ۱۰۷

۱- ۱۳۹. متن کامل اشعار در تحفه الاحباب، ص ۳۹.

۲- ۱۴۰. مهدوی: سیری در تخت فولاد، صص ۱۳۷ - ۱۳۵. شرح حال خاندان بهشتی در کتاب تحفه الاحباب نوشته طه بهشتی.

۱۰ - سید مصطفی بهشتی نژاد: فرزند سید محمد. متوفی ۱۳۹۷ ق. عالم فاضل پرهیزگار که در زهد و تقوی بسیار برجسته بود.



ج) قبور خاندان امامی

اشاره

از هنر تن جامه هر کس دوخته

شمع آن فانوس گشته سوخته

«شفیق»

در قسمتی از قبرستان بزرگ مصلی قبور چند نفر از خاندان امامی که از هنرمندان برجسته اصفهان محسوب می شدند وجود دارد. نسب این خاندان به امامزاده درب امام (واقع در خیابان عبدالرزاق) می رسد که قبورشان بدون هیچ آثار و بنایی در ضلع شمالی قبرستان مصلی قرار

گرفته است. مشهورترین فرد این خاندان مرحوم حاج میرزا آقا امامی هنرمند بزرگ و استاد کم نظیر نقاشی مینیاتور و هنر سوخت است.

موقعیت جغرافیایی قبور این خاندان

آرامگاه این خاندان به فاصله ی کمی با قبور خاندان بهشتی قرار گرفته است. از راه خیابان آیت الله خوانساری می توان وارد محدوده قبور این خاندان شد.

بزرگان مدفون از خاندان امامی

۱ - میرزا محمد مهدی امامی: فرزند میرزا زین العابدین حسینی امامی متوفی بین سال

۱۳۰۰ - ۱۲۵۰ ق. مشهور به «میرزاجان» خوشنویس و نقاش، تذهیب کار برجسته. (۱)

۲ - سید محمدحسین امامی: فرزند میرزاجان، متوفی ۱۳۲۱ ق. از اساتید هنرمند و خوش ذوق نقاشی. وی در قلمدان های گل و بوته آثار نفیسی را به وجود آورده است. (۲)

۳ - حاج میرزا آقا امامی: حاج میرزا مهدی معروف به حاج میرزا آقا امامی. فرزند سید محمدحسین حسینی، متوفی ۱۳۷۵ ق. ویژگی ممتاز وی در عرصه هنر احیاء هنر از یاد رفته عصر صفوی یعنی ساخت جلد سوخت است. در هنرهای همچون تذهیب، نقشه فرش، گل و مرغ، نقاشی قلمدان نیز استاد بود. و از هنرمندان مینیاتوربست معاصر ایران بود. وی شاگردان برجسته ای چون حسین بهزاد، محمود فرشچیان را تربیت نمود. از این هنرمند آثار ارزنده و تابلوهای نفیسی به جای مانده است. (۳)



ص: ۱۰۹

۱- ۱۴۱. نصرالهی، غلامرضا: جزوه تخت فولاد سرزمین جاویدان، مشاهیر تکیه خاندان امامی.

۲- ۱۴۲. نصرالهی: همان مأخذ.

۳- ۱۴۳. جهت اطلاع بیشتر ر. ک: همایی، جلال الدین: تاریخ اصفهان (مجلد هنر و هنرمندان)، صص ۳۲۰ - ۳۲۵؛ مهدوی:

سیری در تخت فولاد، ص ۲۲۹؛ و نصرالهی: همان مأخذ.

«فیضها» خفته است در این سرزمین

چشم دل بگشا جهان جان بین

«شفیق»

تکیه ی فیض از تکایای عهد زندیه است. پس از فوت میرزا عبدالحسین اصفهانی (متوفی ۱۱۹۴) ملقب به «فیض علیشاه» به دستور علیمردان خان زند بنای آجری زیبا بر مزار او ایجاد کردند که از آن پس عده ای از عرفا و صوفیه در اطراف وی دفن شدند. قدمت تکیه به سال ها قبل از این تاریخ می رسد و از تکیه های بزرگ تخت فولاد محسوب می شود.

از ویژگی های جالب هنری این تکیه دو سنگ قبر زیبا و باارزش داخل بقعه است و دیگر آنکه اکثر مدفونین در اطراف بقعه از عرفاء و صوفیان سلسله ی نعمت اللّهی اصفهان می باشند، از این رو از تکیه های مورد توجه عرفاء و صوفیان است.

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه از شرق به خیابان فیض، از شمال غرب به کاروانسرای تخت فولاد، از غرب به تکیه یزدخواستی و از جنوب به تکیه زرتشتی ها منتهی می شود.

بزرگان مدفون در تکیه

۱ - میرزا عبدالحسین اصفهانی: فرزند ملا محمدعلی طبسی خراسانی. متوفی ۱۱۹۴ ق. ملقب به «فیض علی شاه اول» از عرفای سلسله ی نعمت اللّهی. وی از طبس برای تحصیل علم به اصفهان آمد. پس از تکمیل علوم ظاهری در جستجوی اهل حال از اصفهان به شیراز رفت و در آنجا نزد معصوم علی شاه که از هند به شیراز آمده بود، کسب علم نمود. سپس به اصفهان بازگشت و در آخر سلطنت علی مردان خان زند وفات یافت. (۱)

ص: ۱۱۰

۲ - حاج میرزا محمدصادق نمازی: متوفی ۱۳۰۱ ق. ملقب به «فیض علی شاه ثانی» از عرفای عهد قاجار.

۳ - محمدهاشم خوشنویس: متوفی ۱۳۰۶ ق. عارف و خوشنویس بزرگ عصر قاجار که خط شکسته را به شیوه ی درویش عبدالمجید زیبا می نوشت. وی در فضل و ادب و عرفان نیز برجسته بود. و از صابر علی شاه و دیگر بزرگان این سلسله کسب فضایل کرده بود. خودش می گفت تا کسی انسان کامل را ندیده هیچ ندیده و سخنان نیکوی دیگر از او نقل کرده اند. (۱)

۴ - ملا محمدباقر قمشه ای: فرزند ملا مهدی. متوفی ۱۳۱۶ ق. عالم فاضل.

۵ - میرزا محمد شیها: فرزند همای شیرازی. متوفی ۱۳۳۸ ق. ملقب به «ملک الشعراء» وی حافظه قوی در حفظ اشعار شعرای بزرگ داشت. در فنون شعر، تاریخ، انساب، کتاب شناسی و رجال شناسی تسلط کامل داشت. احاطه او در شعر و شاعری به حدی بود که دوستانش به او لقب «شعر مجسم» داده بودند. بسیاری از شعرای بزرگ روزگار خویش را با شرح احوال آنان می شناخت و در فوت آنان ماده تاریخ گفته بود. (۲) استاد همایی بعد از فوت پدر خویش طرب شیرازی تحت تکفل شها بود. از امتیازات اخلاقی وی قلب بسیار رئوف و مهربانش بود. حس ترحم و عطوفت وی به حدی بود که گاه سگ های گرسنه را که از دست رهگذران غیر از سنگ و چوب نمی خوردند، مخصوصاً سگ های بیچه دار را نان و



ص: ۱۱۱

۱- ۱۴۵. جناب: ۳۱۴.

۲- ۱۴۶. اتحاد، هوشنگ: پژوهشگران معاصر ایران، ج ۸، ص ۵۳۷.

غذا می داد. (۱) از اشعار اوست:

در خم غدیر احمد آن مست خدا

کاو مست خدای بود و پای بست خدا

تا دست خدا نماید از دست علی

بگرفت بدست خویشتن دست خدا (۲)

۶ - آقا محمد تقی صحاف: فرزند محمد ابراهیم مقدّس. متوفی ۱۳۳۷ ق. هنرمند بی نظیر اصفهان که در انواع هنرها مانند خوشنویسی، نقاشی، جلدسازی، صحافی، معرق سازی، تذهیب مهارت فراوان داشت. استاد همایی در مورد وی می نویسد: «حقاً صد مرد در یک تن و مجمع الصنایع هنر صحافی و نقاشی و طراحی و مذهبی و خوشنویسی و سوخت سازی و معرق سازی و... بود». (۳)

از آثار او الف) کتیبه سردر مسجد صفا در محله ی شهشهان به خط ثلث ب) کتیبه ی سردرب و داخل مسجد رکن الملک ج) سنگ نوشته قبر میر محمد هادی و میر محمد اسماعیل خاتون آبادی واقع در تکیه خاتون آبادی. (۴)

۷ - سید حسین: متوفی ۱۲۳۵ ق. عالم بزرگوار و فاضل جلیل. سنگی راست بالای سر قبر او است که القاب عالمانه بسیاری بر آن حک شده است.

۸ - سید مصطفی بن محسن: از علمای وارسته که قبرش مورد توجه مردم است، متوفی ۱۲۴۱ ه. ق.

۹ - شیخ ابوالحسن ابراهیم بن صالح: عالم فاضل واعظ. متوفی ۱۲۳۷ ق. (۵)

ص: ۱۱۲

۱- ۱۴۷. برگزیده دیوان سه شاعر، ص ۸۶.

۲- ۱۴۸. نصری، عبدالله: پایان شب سخن سرایی، صص ۵۲ - ۵۰؛ و نصرالهی: جزوه تخت فولاد سرزمین جاویدان، مشاهیر تکیه فیض.

۳- ۱۴۹. همایی: دیوان طرب، ص ۸۳.

۴- ۱۵۰. نصرالهی، غلامرضا: مقاله آقا محمد تقی صحاف، هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۱۶۹، تاریخ ۷۰/۸/۸، ص ۳.

۵- ۱۵۱. مهدوی: سیری در تخت فولاد، صص ۱۶۸ و ۱۶۹.

۱۰ - نایب اسدالله نبی زن: از نوازندگان نبی مشهور عصر ناصری. به نوشته استاد همایی در مجالس بزم که آماده ی پرداخت مبالغ گزاف به او بودند، شرکت نمی کرد و ساز نمی زد، ولی در تعزیه ها به رایگان شرکت می کرد و حتی برای بهبود حال بعضی از بیماران بالای سر آنها نبی می نواخت. چنانکه نقل است بر سر بیماری چنان به نواختن نبی مشغول شد که پس از مدتی آن بیمار که امید شفا به وی نبود، چنان جذب نوای نبی نایب شد که از بستر برخاست و شروع به گریستن نمود و بیماری اش رو به بهبود نهاد. (۱)



ص: ۱۱۳

۱- ۱۵۲. همایی: تاریخ اصفهان (مجلد هنر و هنرمندان)، ص ۲۴۰ - ۲۳۸.

اشاره

گم شده در خاک دُرّ و گوهرند

زیر پا خفته ولی تاج سرند

«شفیق»

آقا محمّد بیدآبادی عالم، دانشمند و عارف قرن دوازدهم فرزند آقا ملاّ محمّد رفیع گیلانی است. ملاّ محمّد رفیع از زادگاه خود گیلان به اصفهان مهاجرت کرد و در محله ی بیدآباد اصفهان سکنی گزید و به «بیدآبادی» شهرت یافت.



بقعه عارف واصل آقا محمد بیدآبادی

آقا محمّد بیدآبادی دوران حیاتش مصادف با سقوط صفویه و انتقال قدرت به افشاریه و زندیه بوده است. وی بنا به وصیتی که کرده بود در کنار قبر میر معصوم خاتون آبادی در صحن شرقی تکیه خوانساری که قبر پدرش هم در آنجا قرار داشت، مدفون گردید. از این رو این قسمت از قبرستان به تکیه بیدآبادی مشهور شد.

آقا محمّد چون مردی زاهد و پرهیزگار بود به ظواهر دنیوی اعتنایی نداشت و وصیت کرده بود که بقعه و آرامگاهی برای او نسازند و گرنه با آن همه شهرتی که داشت شاید باشکوهترین عمارت را برای او می ساختند.

پس از صد و بیست سال که مرقد وی به همان منوال باقی مانده بود به دستور سلیمان خان رکن الملک در بین سال های ۱۳۱۹ - ۱۳۲۴ ق. که مسجد رکن الملک را بنا نمود بقعه ای نیز بر مزار آقا محمّد بیدآبادی ایجاد کرد. این بنا به صورت یک اتاق چهار گوش بدون هیچ گونه تزئینات هنری بود که با گذشت زمان دچار خرابی و فرسودگی گشته بود. (۱) از این رو مجموعه ی تاریخی فرهنگی و مذهبی تخت فولاد در سال ۱۳۸۲ شمسی بنای مقبره وی را مرمت اساسی نمود.

بزرگان مدفون در تکیه

۱ - آقا محمّد بیدآبادی: فرزند محمّد رفیع گیلانی، متوفی ۱۱۹۸ ق. علامه فقیه و حکیم فیلسوف، عارف زاهد متقی، استاد حکماء و مربی دانشمندان و عرفاء. فهرست کلی مکتوبات و آثار علامه بیدآبادی عبارتند از: الف) آثار در زمینه ی تفسیر قرآن (ب) آثار در زمینه ی علم کیمیا (ج) آثار در سبک عرفای متأله د) نوشته ها در زمینه حکمت و کلام. (۲)

از نمونه های جالب هنری این تکیه سنگ قبر نفیس و ارزشمند آقا محمّد بیدآبادی است که به خط بسیار زیبای نستعلیق که اشعارش از آقا محمّد کاظم واله می باشد بر سنگ قبر وی حک شده است.

دو بیت آخر اشعارش این است:

کرد واله از پی تاریخ او بیتی رقم

تا بود هر مصرعی بر سال فوتش رهنمون

قبله ی ارباب علم آقا محمّد شد ز دهر

برگزیده عالمی عارف شد از دنیای دون (۳)

مقام اخلاقی و علمی آقا محمّد بیدآبادی آقا محمّد بیدآبادی مردی بسیار متواضع و مهربان بود. در فقه مجتهد مسلم بود و در فلسفه تسلط

ص: ۱۱۵

۱- ۱۵۳. همایی، جلال الدین: تاریخ اصفهان (مجلد ابنیه و عمارات)، ص ۱۳۱.

۲- ۱۵۴. کرباسی زاده: حکیم متأله بیدآبادی، ص ۱۷۲.

۳- ۱۵۵. جهت اطلاع از زندگانی وی ر. ک: صدرایی خوبی، علی: آشنای حق (شرح حال آقا محمّد بیدآبادی) و گزی، عبدالکریم: تذکره القبور، و کرباسی زاده، علی: حکیم متأله بیدآبادی.

کامل داشت. در عرفان علمی و عملی بسیار متبحر بود، در زندگی شخصی اش با کمال قناعت و زهد زندگی می کرد. چنانکه نقل شده است در روزگار وی در اصفهان قحطی سختی روی داد و مردم را به زحمت انداخت در صورتی که آقا محمد هیچ شکایتی از اوضاع نداشت وقتی علت را جویا شدند دریافتند که وی و خانواده اش شش ماه تمام با زردک خام یا پخته روزگار گذرانده اند.

از دیگر صفات بارز وی بی اعتنایی و عدم توجه اش به حکام زمانه بود. می گویند کریم خان زند و علیمردان خان زند همواره مایل به دیدار و نشست و برخاست با وی بودند ولی آقا محمد بیدآبادی با قناعت و زهدش به آنان هیچ اعتنایی نمی کرد. همچنین نقل است که بنا به وصیت حاج محمدحسن کلباسی سرپرستی و تربیت حاجی کلباسی به آقا محمد بیدآبادی واگذار شد و به این ترتیب حکیم بزرگوار حاجی کلباسی تحت حمایت آقا محمد بیدآبادی تربیت یافت. (۱)

اما اهمیت ویژه ی بیدآبادی در انتقال فلسفه غنی اصفهان عصر صفوی به روزگار بعد از خودش بود. زیرا با انقراض سلسله ی صفویه، فلسفه در حوزه ی اصفهان دستخوش نابودی و فراموشی بود ولی آقا محمد بیدآبادی با تربیت شاگردان بزرگی همچون ملا علی نوری توانست علم حکمت را به نسل بعد منتقل کند. (۲)

رسائل عرفانی بسیار ارزشمند و جذاب او (۳) روح آدمی را مخاطب ساخته و به آن هشدار می دهد تا پرده ی غفلت را کنار زند. چنانکه می نویسد: «مرگ را دایم در نظر دار تا همه کارهای

دشوار بر تو آسان شود. بلکه مشتاق آن گرد تا به شیرینی بمیری نه به تلخی. یعنی با گریه و زاری و سوگواری از برخورداری:

جهان آن به که دانا تلخ گیرد

که شیرین زندگانی تلخ میرد

در برابر بدی مردم نیکی کن و اگر نتوانی کرد بدی مکن و قانع و صابر باش تا هرگز تنگی و سختی نکشی. دنیا را مزرعه ی آخرت دان. سالکی از دهقانی پرسید که چه مذهب داری؟ گفت: مذهب برزگری. (یعنی هرچه بکاری بدروی).

در ذکر و یاد حق تعالی می فرماید: «خدا را باش تا خدا تو را باشد. خود رامباش که هیچ با تو نباشد

ص: ۱۱۶

۱- ۱۵۶. گزی، عبدالکریم: تذکره القبور، ص ۴۸.

۲- ۱۵۷. مطهری، مرتضی: خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۹۴.

۳- ۱۵۸. به عنوان مثال رساله «حُسن دل» که توسط آقای علی صدرایی خوبی تصحیح و به چاپ رسیده است.

و چون کلمه طیبیه «لا اله الا الله» افضل اذکار و مفتاح باب رضا و معراج فردوس اعلی است در تکرار آن تقصیر منما... در راه دین به کمتر از خود منگر، به بزرگ تر از خود بنگر. در دنیا به برتر از خود منگر، به کمتر از خود بنگر...».

در مقامی که کنی قصد گناه

گر کند کودکی از دور نگاه

شرمت آید، ز گنه در گذری

پرده ی عصمت خود را ندری

شرم بادت که خداوند جهان

کو بود واقف اسرار نهران

نظرش در تو بود بیگه و گاه

تو کنی در نظرش قصد گناه(۱)

بعضی از مطالب سینه به سینه نقل شده است؛ از حضرت آیت الله بهجت (حفظه الله) نقل شده است که فرمودند: سید بحرالعلوم برای اینکه علم کیمیا بیاموزند به خدمت آقا محمد بیدآبادی رفته بودند. در آن زمان، علم کیمیا ارزش خاصی داشته و در رونق بوده است. مرحوم آقا محمد بیدآبادی ایشان را به کنار رودخانه زاینده رود آورده بودند. سید بحرالعلوم چون به رودخانه نگاه کردند به واسطه تصرف توحیدی جناب آقا محمد بیدآبادی دیدند که همه طلا و جواهرات است و این نکته باعث انقلاب روحی در سید بحرالعلوم گردید.

مرحوم مهدوی در کتاب دارالعلم شرق (نسخه خطی) می نویسد: نگارنده از قول عالم جلیل حاج میرزا رضا کلباسی نقل می کند که ایشان پس از تجلیل زیاد از میرزا حسین نائینی (ساکن یکی از حجرات مسجد سید اصفهان) و این که وی از اساتید مقدماتی ایشان بوده فرمودند: روز تشییع جنازه او حاضر بودم. در موقع حفر قبر، قبر وی به قبر آقا محمد بیدآبادی راه یافت و پاهای آقا

محمد بیدآبادی را جمیع حاضرین که خود جزو آنها بودم مشاهده کردند که پس از گذشت ۱۲۷ سال هیچ تغییری نکرده بود.(۲)

۲ - ملا محمد رفیع گیلانی: پدر علامه آقا محمد بیدآبادی، سال فوتش معلوم نیست، وی را با القابی چون فاضل محقق، عالم مدقق، زاهد متقی، اهل فلاح و صلاح نام برده اند.

۳ - میر عبدالحسین خاتون آبادی: عالم فاضل، صاحب «وقایع السنین و الاعوام» که قبرش از بین

-
- ۱- ۱۵۹. حُسن دل (در سیر و سلوک الی اللّٰه) از عارف نامی آقا محمّد بیدآبای، به تصحیح علی صدرایی خویی، ص ۲۷ و ۳۹ و ۹۵.
- ۲- ۱۶۰. ناگفته های عارفان، ص ۶۹ و ۷۰.

رفته است.

۴ - میر معصوم خاتون آبادی: فرزند میر عبدالحسین خاتون آبادی، متوفی ۱۱۵۵ ق. عالم و فقیه برجسته از سلسله سادات خاتون آبادی و از اجداد بانو مجتهده امین می باشد. مردم اعتقاد زیادی به این عالم بزرگوار دارند و نقل است که آقا محمد بیدآبادی خوابی در جلالت قدر و عظمت شأن وی دیده و وصیت کرده بود که پس از مرگ، او را در جنب مقبره میر معصوم دفن نمایند و همین موضوع باعث اعتقاد بیشتر مردم به زیارت قبر وی شده است. (۱) وی در نگارش کتاب ارزشمند پدرش (وقایع السنین و الاعوام) همراهی نموده و جزو چهره های علمی مدرسه سلطانی چهارباغ بوده است. (۲) وفات این عالم بزرگوار در ظهر جمعه، بیست و چهارم جمادی الاولی ۱۱۵۵ ق. بود و مشتاق در تاریخ فوت وی سرود:

عالم فاضل، جناب میر معصوم، آن که بود

رأی او روشن تر از مرآت بود از آفتاب

کلک مشتاق از پی تاریخ فوتش زد رقم

سوی جنت شد ز دنیا سید عالی جناب (۳)

۵ - شیخ عبدالوهاب قاضی: فرزند شیخ محمد قاضی، متوفی ۱۲۶۹ ق. عالم فاضل از سلسله مشایخ بیدآباد و جد فامیل قاضی های ساکن چهارسوق درب شیخ اصفهان است.

۶ - شیخ محمود مفید:

چشمه عرفان و حکمت، منبع فقه و اصول

در ریاضی و نجوم و هیأت استاد فحول

فارغ از لذات دنیا بی نیاز از ناز دهر

عاشق دیدار یار و مهر او کرده قبول...

«اشعار روی سنگ قبر»



آیت الله شیخ محمود مفید

۱- ۱۶۱. گزی، عبدالکریم: تذکره القبور، ص ۴۹.

۲- ۱۶۲. موحد ابطحی: ریشه ها و جلوه های تشیع، ج ۲، ص ۱۴۲ به نقل از مهدوی: دارالعلم شرق، (مخطوط)، ص ۷۴.

۳- ۱۶۳. روضاتی، سید محمدعلی (مقاله ملا محمدعلی تونی خراسانی) مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، ج ۲ ص

. ۲۷۶

فرزند شیخ مفید، متوفی ۱۳۸۲ ق. عالم و فقیه کامل و حکیم بزرگوار و مدرّس فلسفه و حکمت که در زهد، عبادت و تقوی کم نظیر بود. عمری را به قناعت نفس گذرانده و در عین گمنامی

زندگی می کرد. مدّت چهل سال در مدرسه ی صدر به تدریس حکمت، فقه، اصول پرداخت. در اواخر تدریس حکمت در اصفهان به وی منحصر بود. در دوران معاصر میراث مکتب فلسفی ملاصدرا در اصفهان به وجود دو استاد علامه یکی آیت الله حاج آقا رحیم ارباب و دیگری حاج شیخ محمود مفید روشن و منور بود. مخصوصاً مرحوم مفید این کانون حکمت را رونقی بسزا داد. (۱)

دانشمندی خوش بیان و خوش محضر و عابدی دائم الذکر بود. زندگی اش با فقر و تهیدیستی همراه بود. به طلاب می فرمود: «هیچ طلبه ای به اندازه من در وقت تحصیل گرسنگی نکشید. از شدّت گرسنگی مثل بید بر خود می لرزیدم.» همچنین می گفت: «طلبه اگر نامش در دفتر امام زمان علیه السلام ثبت شود هم دنیا دارد و هم آخرت. طلبه نباید از مشکلات هراسی به دل راه دهد. باید با مشکلات دست و پنجه نرم کند تا به جایی برسد.» (۲) وی از نوادگان علامه آقا محمّد بیدآبادی به شمار می آید. در تاریخ فوت ایشان سروده اند:

برنا پی رحلتش به شمسی می گفت

لقمان زمان و عهد خود بود مفید (۳)

۷- شیخ علی مفید: فرزند شیخ مفید، متوفی ۱۳۴۵ ق. عالم فاضل جلیل و جامع علوم معقول و منقول.

۸- سید احمد یزدی: متوفی ۱۳۱۳ ق. از فضلا و عرفای عصر قاجار. (۴)

۹- حاج عبدالقادر عاشق آبادی: متوفی ۱۱۸۱ ق. از عرفای عصر صفویه می باشد که با احداث خیابان سعادت آباد قبر وی به خیابان افتاد. بدین سبب استخوان های او را به داخل تکیه انتقال داده و در قسمت شرقی دفن نمودند.

۱۰- آقا محمدرضا اصفهانی: فرزند علینقی اصفهانی، متوفی ۱۲۷۹ ق. از دانشمندان اصفهان.

۱۱- آقا محمّد بن شیخ زین الدین خوانساری: متوفی ۱۲۰۲ ق. از علما و فقهای اوایل عهد

ص: ۱۱۹

۱- ۱۶۴. کتابی: ص ۴۳۲.

۲- ۱۶۵. کرباسی زاده، علی: نگاهی به احوال و آثار حکیم مدرس اصفهانی، ص ۵۶.

۳- ۱۶۶. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۹۵ و ۴۹۶.

۴- ۱۶۷. ریحان یزدی، سید علیرضا: آئینه دانشوران، ص ۱۰۷.

۱۲ - میرزا ابوالقاسم علاقبند متخلص به نیر: متوفی ۱۳۹۴ ق. شاعر و ادیب معاصر.

وی اشعار نیکو می سرود. از اشعار اوست:

امروز هر که پای ز کوی تو می کشد

فردا بسی خجالت روی تو می کشد

مست و خراب صبح قیامت کند قیام

میخواره ای که می ز سبوی تو می کشد (۲)

مقبره ی بابا بیات: در منابع ذکر شده است که بالاتر از بقعه آقا محمد بیدآبادی قدری متمیل به شرق قبر بابا بیات دارای سنگ
قبری بزرگ بر روی سکویی آجری بوده است که اکنون هیچ اثر و نشانی از آن در این قسمت از تخت فولاد وجود ندارد. (۳)

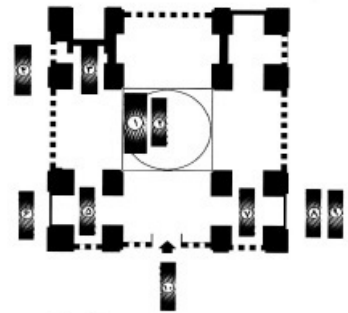
ص: ۱۲۰

۱- ۱۶۸. معلم حبیب آبادی: مکارم الآثار، ج ۱، ص ۱۲۹ - ۱۲۷.

۲- ۱۶۹. مهدوی: تذکره شعرای اصفهان، ص ۵۲۳.

۳- ۱۷۰. جابری انصاری، میرزا حسن: تاریخ اصفهان، ص ۱۸۰؛ مهدوی: دانشمندان و بزرگان، ص ۱۵۲.

تکیه بید آبادی



پلان نقشه و خطوط منظره آکادمیک بید آبادی

- ۱- آکادمیک بید آبادی
- ۲- تالار ورودی و راهرو، تالار
- ۳- تالار مسجد علی بن ابی طالب
- ۴- تالار مسجد شاهزاده بیدادی
- ۵- تالار مسجد خلیفه
- ۶- تالار تکیه
- ۷- تالار مسجد زین العابدین
- ۸- تالار مسجد بنی هاشم زین العابدین
- ۹- تالار مسجد زین العابدین
- ۱۰- تالار مسجد زین العابدین

بخش دوم: تکایای دوره قاجاریه تا دوره معاصر

اشاره

ص: ۱۲۳

یکی از تکایای ارزشمند بازمانده از دوره ی قاجاریه تکیه ی شیخ محمدتقی رازی است؛ که به نام «تکیه ی مادرشاهزاده» نیز خوانده می شود. علت این نام آن است که تکیه در اصل متعلق به «مریم بیگم» (متوفی ۱۲۴۶ هجری قمری) دایه ی محمد میرزا سیف الدوله فرزند فتحعلی شاه و حاکم اصفهان بود. وی پیش از فوت، شیخ محمدتقی رازی را وصی خود اعلام کرد و وصیت نمود که در این تکیه دفن شوند. به این ترتیب بود که بنای تکیه و بقعه توسط شیخ محمدتقی رازی از فقهای بزرگ اصفهان و جدّ خاندان نجفی اصفهان، ساخته شد.



اصل تکیه و سبک معماری آن از عهد صفوی است. (۱) همچنین زیباترین سبک معماری دوره ی قاجار و جلوه های برجسته ی هنری را در این تکیه می توان مشاهده کرد. نخستین قسمت معماری

ص: ۱۲۵

۱- ۱۷۱. بهشتیان، عباس: بخشی از گنجینه آثار ملی، ص ۸۳؛ و مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۳، ص ۲۷۱.

تکیه، سردر ورودی آن در قسمت شمال شرقی تکیه با مقرنس کاری کتیبه های گچ بری می باشد. پس از سردر، راهرو ورودی آن دارای دو سکوی سنگی است که جای خنکی برای تازه وارد است که خسته و تشنه از راه می رسد. در کنار سکوها سنگابی است که درون آن را پر از آب می کردند تا افرادی که وارد تکیه می شوند از آب آن بیاشامند. (در حال حاضر دیگر از این سنگاب استفاده نمی شود). به محض ورود به تکیه بقعه هشت ضلعی تکیه فرد زائر را به سمت خود می کشاند. پنجره های مشبک آجری منظره ی بیرونی بقعه را جالب و زیبا نشان می دهد. با ورود به بقعه با دو عنصر زیبای معماری دیگر برخورد می کنیم. ابتدا شاهکار معماری قاجار در سر ستون های سنگی حجاری شده که در هیچ یک از تکایای تخت فولاد وجود ندارد. و دیگر سقف مقرنس کاری بقعه که با گچ بری هنرمندانه و بی نظیر ترین شده است.

خارج از بقعه در ضلع جنوبی تکیه، یک سرداب برای چله نشینی ایجاد شده. که آیات قرآنی و ادعیه بر دیوار آن نوشته شده است. چله خانه خصوصی ترین مکان عبادت افرادی بود که جهت تهذیب و تزکیه ی نفس خود به آن وارد می شدند.

از بهترین نمونه های هنری این تکیه سنگ قبور برجسته و ممتاز آن است که از شاهکارهای هنری موجود در تخت فولاد به شمار می رود. سنگ مرمرهای نفیسی، با زیباترین هنر حجاری، بهترین یادگارهای خط خوشنویسان بزرگ قرن سیزدهم مانند خط ثلث آقا زین العابدین اشرف الکتّاب و خط نستعلیق آقا محمدباقر سمسوری و استاد میرزا عبدالرحیم افسر (که در این تکیه مدفون می باشد)، زیباترین اشعار ضیاء اصفهانی (مدفون در تکیه فاضلان) را می توان در داخل بقعه مشاهده نمود و از دیدن آنها به آفرینندگان این هنر آفرین گفت.

در بیرون تکیه عده ای از علما و بزرگان دیگر نیز مدفون می باشند. (۱)

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه از جنوب به تکیه آقا حسین خوانساری، از شمال و شرق به قبرستان عمومی، از مغرب به حسینیه تکیه خوانساری محدود است.

ص: ۱۲۶

۱- ۱۷۲. رجوع شود به نصرالهی، غلامرضا: جزوه تخت فولاد سرزمین جاویدان، بخش قبرستان پشت تکیه مادرشاهزده .

۱ - مریم بیگم: متوفی ۱۲۴۶ هجری قمری. معروف به «مادرشاهزاده» از شاهزاده خانم های قاجاری و دایه ی محمّد میرزای قاجار که فرزند فتحعلی شاه بود. وی زنی نیکوکار و متدین بود و صاحب این تکیه و بانی آثار خیر در اصفهان بوده است. سنگ مرمر نفیس مزار وی به خط نستعلیق توسط یکی از بزرگترین خطاطان قرن سیزدهم، آقا محمّدباقر سمسوری و حجّار آن استاد محمّدحسین حجّار می باشد. ماده تاریخ وفاتش را ضیاء اصفهانی، چنین سروده است:

ضیاء از بهر تاریخش رقم زد

بحوران همنشین کرد مریم(۱)

۲ - شیخ محمّدتقی رازی: فرزند محمّدرحیم ایوان کیفی. متوفی ۱۲۴۸ ق. مشهور به «صاحب حاشیه» از بزرگترین فقهای شیعه در قرن سیزدهم هجری بود. وی مدّت ۱۵ سال در کربلا از محضر وحید بهبهانی بهره برد و از شاگردان برجسته شیخ جعفر کاشف الغطاء بود و داماد وی نیز گردید.(۲) نقل است که روزی شیخ جعفر کاشف الغطاء در مجلس درس ناگهان از او می پرسد آقا ازدواج کرده ای؟ و چون شیخ محمّدتقی سر به زیر انداخته و جواب منفی می دهد. شیخ جعفر به او می گوید: «مرا دو دختر در خانه است که یکی به کمال و دیگری به جمال امتیاز دارد. هر کدام را اختیار نمایی زوجه تو می تواند باشد». شیخ محمّدتقی دختر صاحب کمال را اختیار کرده استاد فوراً به اندرون رفته و باز می گردد و در همان مجلس درس صیغه ی نکاح دائم جاری شد.(۳) وی به تمام معنی عالمی محقق و پرهیزگار بود. در مقام علمی او همین بس که کتاب حاشیه معالم وی به نام «هدایالمسترشدین» که بهترین کتب در علم اصول می باشد را نگاشت. امروزه بیشتر تحقیقات در علم اصول از همین کتاب است. در فقه استدلالی و همچنین رساله ی عملیه به فارسی داشت؛ که اخیراً به نام رساله ی صلاحیه به چاپ رسیده و کتابی جامع و تحقیقی است. قدرت علمی و روش تدریس ممتاز او از موجبات ترقی ایشان بود. نقل است که در مجلس درس او سیصد نفر حاضر می شدند که از معروف ترین آنها سید محمّدباقر صاحب روضات، میرزا محمّدحسن شیرازی، شیخ

ص: ۱۲۷

-
- ۱- ۱۷۳. همایی: تاریخ اصفهان، ص ۱۰۲.
- ۲- ۱۷۴. همسرش نسمة خاتون از زنان عالمه و فاضله روزگار خویش بود که در کنارش مدفون می باشد.(ر. ک: ریاحی، محمّدحسین: مشاهیر زنان اصفهان، ص ۲۶۴). مرحوم الفت در کتاب نسب نامه خویش از وی به تجلیل فراوان نام برده است.
- ۳- ۱۷۵. کتابی، محمّدباقر: رجال اصفهان، ص ۹۶.

محمدحسین صاحب فصول، ملاهادی سبزواری صاحب منظومه می توان نام برد. بسیاری از علما آراء وی در حاشیه را دقیق و عمیق دانسته و از وی تجلیل کرده اند. چنانکه میرزا محمدحسن شیرازی از وی به احترام یاد می کند و در درس خصوصی وی حاضر می شود. (۱) وی با کمال فقر و قناعت زندگی می نمود و از مال دنیا غیر از خانه ی محقر از خشت و گل و کتابخانه ی مختصر هیچ نداشت.

ماده تاریخ وفات وی را نیز ضیاء اصفهانی چنین سرود: «راهنمای امم کرد به جنت مقام». (۲)

۳ - ملا محمدصالح مازندرانی: نسب او به فاضل سراب می رسد. متوفی ۱۲۸۵ ق. از علمای بزرگ و فقهای برجسته. داماد استاد خود سید صدرالدین عاملی و صاحب «کواشف الحجب» در اصول فقه و آثار دیگر می باشد. (۳) میرزا آقاخان پرتو در وفات او سرود:

حیف از مقتدای دین صالح

که یگانه بُد از صلاح و سرشت

گفت پرتو برای تاریخش

«صالحین را مقام باد بهشت»

۴ - میرزا ابوالحسن سلطان الاطباء: فرزند میرزا محمد ملک الاطباء متوفی ۱۲۶۹ ق. او از بزرگترین اطباء روزگار خویش بود. سنگ مزارش به خط ثلث، نوشته زین العابدین اشرف الکتاب (خوشنویس برجسته عصر ناصری مدفون در تکیه خوانساری) می باشد. ماده تاریخ فوت وی توسط شاعر مشهور مسکین اصفهانی سروده شده است.

۵ - آقا سید زین العابدین خوانساری: عالم، فاضل، زاهد و متقی؛ متوفی ۱۲۷۵ ق. وی سرسلسله ی خاندان علمی روضاتی در اصفهان و پدر بزرگوار آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی صاحب «روضات الجنات» می باشد. روی سنگ قبرش نسب او تا امام موسی کاظم علیه السلام نگاشته شده است. به نوشته علّامه گزی به تجربه رسیده بود که نذر ایشان زود اثر می بخشید و در دعایی که می نوشته اثر تامی بوده است. (۴) از آثارش الف (شرح معالم الاصول ب) شرح زبدهالاصول ج) شرح خلاصهالحساب را می توان نام برد. وی شعر نیز می سرود. از اشعار اوست:

ص: ۱۲۸

۱- ۱۷۶. حسینی، سید جلال: (مقاله شیخ محمدتقی رازی)، مجله ی آینه پژوهش، سال یازدهم، شماره سوم، ص ۷۶.

۲- ۱۷۷. همایی: تاریخ اصفهان، صص ۱۰۸ - ۱۰۲.

۳- ۱۷۸. معلم حبیب آبادی: مکارم الآثار، ج ۷، ص ۲۶۶۴.

۴- ۱۷۹. گزی: تذکرهالقبور، ص ۴۶.

لب لعل شکرباری که از یارم درخشان است

شرف دارد بر آن لعلی که در کوه بدخشان است

نیستان شکرها را بهندستان ثمر قند است

به از آنها لب شیرین ترکان سمرقند است (۱)

۶ - سید محمدصادق چهارسوقی: متوفی ۱۲۸۹ ق. عالم فقیه و برادر بزرگوار آقا سید محمدباقر چهارسوقی. از آثار وی می توان به «شرح شرایع الاسلام» اشاره نمود.

۷ - شیخ جمال الدین نجفی: فرزند حاج شیخ محمدباقر نجفی. متوفی ۱۳۵۴ ق. عالم فقیه مجاهد که به همراه برادران خویش شیخ محمدتقی نجفی معروف به «آقا نجفی»، آقانورالله و شیخ محمد علی ثقهالاسلام سال ها به ترویج دین پرداختند. در احوال او نوشته اند که از مال و منال دنیا هیچ نداشت ولی بسیار بلندنظر بود و دیناری به رسم هدیه یا دستمزد از احدی نمی پذیرفت.

هنگام اشغال ایران توسط قوای روس، این عالم بزرگوار را به تهران تبعید نمودند. وی در دوران تبعید نیز از یاران شهید مدرّس و مخالفان سردار سپه بود. سرانجام وی را به اصفهان بازگرداند.



وی شب های جمعه در تکیه ی میرزا رفیعا احیاء می گرفت و جمع کثیری در آن شرکت می نمودند. (۲) وی صاحب رساله عملیه و آثار دیگر می باشد. به خط عالم جلیل آیت الله میرزا باقر فقیه ایمانی است که: نقل فرمود سید اجل اعظم فقیه میرزا محمدتقی فقیه احمدآبادی (مدفون در تکیه فقیه احمدآبادی) طاب ثراه درباره آقای حاج آقا جمال الدین نجفی نقل فرمودند که مشرف شدم

ص: ۱۲۹

۱- ۱۸۰. روزناتی: زندگانی آیت الله چهارسوقی، ص ۹۷ - ۱۰۰.

۲- ۱۸۱. مهدوی: دانشمندان و بزرگان، ص ۲۳۶.

در نجف و برای موقع تشرف به حرم محترم عهد مؤکد نمودم با خود که هر ساعتی استخاره کردم خوب آمد و ترک آن بد، مشرف شوم به حرم محترم. بعد از این عهد، هرچه استخاره می کردم هر ساعت به ساعت بد می آمد. چند روز گذشت تا روز پنج شنبه شد و هرچه استخاره کردم بد می آمد. این امر بی اندازه ناگوار شد بر من و موجب غم و غصه گردید.

پس تمام لباس های خود را عوض کردم و لباس دیگر که تازه بود پوشیدم و رفتم حمام. بعد از توبه و تضرع، غسل توبه نمودم که به همه آداب توبه رفتار کرده باشم. بعد از آن تا شب جمعه هرچه استخاره می کردم بد می آمد و دیگر بی طاقت شدم و به جزع درآمدم تا آن که آخر الامر رفتم نزدیک رواق و حرم و استخاره کردم بیرون حرم طرف بالای سر مبارک، استخاره خوب آمد و ترک آن بد.

چون که آنجا رفتم دیدم شخصی آنجا نزدیک به بالاسر، در سجده است و با صوت حزین روح افزایی این ذکر را می خوانند: «نعم الرب انت و بس العبيد نحن» و تأثیر حُسن این صدا و مناجات و ذکر ایشان طوری بود که حس و حرکت از تمام اعضای من رفت و زبان من هم از تکلم باز ماند و نشستم به استماع این مناجات و ذکر؛ حال خضوع و خشوع و گریه بر من مستولی شد، تا مدّت زیاد با این حال بود و سر از سجده برداشتند و رفتند و من حس و قدرت بر آن که برخیزم و سؤال از ایشان نمایم نداشتم.

و بعد از رفتن رفتم، دیدم در محل سجده روی سنگ آنجا مانند باران اشک چشم ایشان ریخته؛ دستمال داشتم در آوردم و تمام آن اشک ها را با دستمال آوردم. در خانه طفل مریمی داشتم و حال او بسیار سخت بود. به خانه آمدم و دستمال را به او مالیدم، شفا یافت. استخاره کردم بروم حرم، خوب آمد و نزدیک چهار شب بود، پس به حرم رفتم و زیارت نمودم. (۱)

۸ - شیخ محمدحسین مشهور به امام نجفی: فرزند شیخ جمال الدین. متوفی ۱۳۲۹ ق. عالم و فقیه. در فقه و اصول و حکمت ماهر بود. از آثارش کتاب «خدا هست» در دو مجلد به چاپ رسیده است.

۹ - شیخ محمد رضا نجفی: فرزند شیخ محمدحسین بن محمد باقر. متوفی ۱۳۶۲ ق. ملقب به «ابوالمجد» علامه فقیه، ادیب متکلم، ریاضی دان و از مفاخر علمی و ادبی شیعه وی به زبان عربی بسیار نیکو شعر می سرود.

ص: ۱۳۰

استاد جلال‌الدین همایی درباره علامه نجفی می‌نویسد: «از مراجع بزرگ اصفهان بود و علاوه بر فقه و اصول در علوم ریاضی و فنون ادب عربی و انشاء و نثر به آن زبان از نوادر دوران خود بود. نگارنده تاکنون کسی را در انشاء و حفظ اشعار عربی و تبحر و احاطه در احوال و آثار شعرای عرب بدان پایه و مایه ندیده و محتمل است که بعد از این هم در رجال اصفهان مانند او نبیند. واقعاً ذوق و حافظه و احاطه ای عجیب به تراجم و آثار گویندگان عربی و قدرتی غریب در نظم قصاید و قطعات داشت. با این خصوصیات که منظومات عربی او به هیچ وجه بوی عجمیت نداشت و پیش فصحای عرب عرباء هم فصیح و بلیغ بود، به طوری که اگر شاعر را نمی‌شناختند که ایرانی اصفهانی است به هیچ وجه آثار را با منظومات گویندگان تازی نژاد فصیح اللسان فرق نمی‌نهادند.» (۱) صاحب کتب ارزشمند الف) «وقایع‌الاذهان» ب) «نقد فلسفه داروین» و آثار علمی فراوان دیگر است. وی استاد آیات عظام: امام خمینی (قدس سرّه شریف)، گلپایگانی، مرعشی نجفی و همچنین بانو مجتهده امین بود. (۲) در برخی منابع تعداد شاگردان وی را بالغ بر یکصد نفر نوشته اند. (۳)

۱۰ - صدرالعلماء سید ابوالحسن صدرعاملی: متوفی ۱۳۱۴ ق. فرزند علامه سید صدرالدین صدرعاملی و برادر علامه سید اسماعیل صدر می‌باشد. علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین با این عبارت از مقام و فضایل ایشان سخن می‌گوید: «... کان عالماً ربّانیاً متجرداً للمعارف و العباده و الزهد و الانزواء... جمال السالکین و العارفين، دائم العباده و المراقبه... و کان جدی الصدوق ابوالحسن الهادی یشی علیه ثناءً بلیغاً و بذکر من علمه و ورعه و زهده و عبادته و انقطاعه الی الله تعالی شیئاً کثیراً...» (۴) ایشان جدّ عالم فاضل سید اسدالله مستجابی (مدفون در تکیه مقدس) می‌باشد.

۱۱ - میرزا ابوالقاسم طیب «ناصر حکمت»: فرزند میرزا محمدعلی. متوفی ۱۳۷۱ ق. مشهور به «گوگردی» وی نزد اساتید بزرگی چون جهانگیرخان و آخوند کاشی کسب علم نمود. مردی متدین و نیکوکار و اهل فضل بود. وی را آخرین مدرّس طب قدیم در اصفهان می‌دانند. وی برای طبابت اجر و مزدی نمی‌گرفت و این عمل را محض ثواب انجام می‌داد. (۵) هفتاد سال از حرفه ی پزشکی خود را

ص: ۱۳۱

۱- ۱۸۳. تاریخ اصفهان (مجلد ابنیه و عمارات)، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۲- ۱۸۴. در خصوص خاندان علمی نجفی و کتاب شناسی این خاندان ر. ک: نجفی، شیخ هادی: قبیله عالمان دین.

۳- ۱۸۵. مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، جلد دوم، صص ۳۵۴ - ۲۶۴.

۴- ۱۸۶. بغیه الراغبین فی سلسله الشرف الدین، ج ۱، ص ۱۷۶.

۵- ۱۸۷. همایی: تاریخ اصفهان، صص ۱۲۲ و ۱۲۳.

صرف خدمت به خلق نمود و خانه ای برای خود بنانکرد. نقل است باچشم گریان در قنوت نمازهایش برای بیماران خود از خدا شفا طلب می کرد و همه روزه در مطبّ خویش قرآن تلاوت می کرد به این امید که از برکت کتاب خدا شفا در شفاخانه ی او نازل شود و

به نوشتن نسخه مبادرت نمی کرد مگر بعد از گفتن بسم الله الرحمن الرحيم. در وفاتش سروده: «رفت از دنیای ما آن آدم باافتخار».^(۱)

۱۲ - حاج سید محمدجواد صدرعاملی: فرزند سید محمدعلی آقا مجتهد. متوفی ۱۳۴۷ ق. عالم، فاضل و فقیه عارف. وی از مؤسسين انجمن صفاخانه اسلام بود که به منظور پاسخ گویی به تبلیغات مسیحیان ایجاد گردید و مقالات بسیاری از وی در مجله ی «الاسلام» در نقد اقوال مسیحیان به چاپ رسیده است. از دیگر آثارش الف) رساله در نماز شب و آداب و اسرار آن ب) رساله در جبر و تفویض و آثار دیگر. در تاریخ فوتش سروده اند:

یکی بیامد و تاریخ این معما گفت

جواد حجهالاسلام رفته از دنیا

۱۳ - آقا میرزا محمدجواد حسین آبادی: فرزند محمدحسن. متوفی ۱۳۱۲ ق. فقیه، محقق و عالم پرهیزگار. از شاگردان صاحب جواهر که از ایشان اجازه ی اجتهاد گرفت. صاحب آثار ارزشمندی چون الف) «ترتیب و تلخیص کتاب خلاصه علامه حلی» در علم رجال ب) بحرالبکاء ج) کنوز الیالی د) بساتین الریاحین و... می باشد. قبر ایشان در سرداب جنوب تکیه واقع است لیکن صورت قبری ندارد. ایشان پدر بزرگوار آیت الله آقا شیخ احمد مجتهد بیدآبادی (مدفون در تکیه ی بروجردی) و آیت الله العظمی شیخ محمدعلی شاه آبادی (استاد عرفان حضرت امام خمینی قدس سرّه) می باشند. نقل است که در دوران تحصیل



ص: ۱۳۲

خود، با فقری طاقت فرسا و در نهایت سختی زندگی می کرد. مرحوم آیت الله ملا علی کنی از هم درسان ایشان می گفت: «من و میرزا محمدجواد اکثر شب ها را در حجره گرسنه می خوابیدیم».

۱۴ - زهرا بیگم عاملی: دختر علامه آقا سید صدرالدین عاملی و زوجه ملا صالح جویباره ای. وی از زنان دانشمند عالم تشیع بود. از آثار او «تعلیقہ بر شرح لمعه» است که نشان از آگاهی و صاحب نظری او در مباحث فقهی دارد.

۱۵ - میر سید محمد موسوی خوانساری: فرزند حاج میرزا زین العابدین. متوفی ۱۲۹۳ ق. از شاگردان پدر بزرگوارش و حاجی کلباسی، سید حجهالاسلام شفتی. وی از کتاب شناسان معروف زمان خود بود. وی یاور برادر بزرگوارش صاحب روضات در نگارش کتاب ارزشمند روضات الجنات بود. (۱)

۱۶ - حاج محمدصادق تخت فولادی: متوفی ۱۲۹۰ ق. عارف ربّانی و صاحب کرامت بسیار. شیخ حسنعلی اصفهانی مشهور به نخودکی از شاگردان وی بود. با آنکه اهل علم و سواد نبود ارادتمندان بسیاری از علما و رجال بزرگ داشته است. چنانکه نقل می کنند مرحوم آقا شیخ

محمدتقی نجفی هر شب جمعه خدمت وی می رسید و مشکلات علمی خود را از ایشان جویا می شد. (۲)

نقل است که وجود حاج شیخ حسنعلی نخودکی بر حسب دعایی بوده که حاج صادق به پدر ایشان ملا علی اکبر مقدادی داده است. (۳)

نقل کرده اند که آن حاج صادق در شب وفاتشان دستور می دهند قبری در محل سکونتشان در تکیه مادرشاهزاده حفر نمایند. سپس در آن قبر می خوابند. پس از چند لحظه بلند شده می فرمایند این محل قبر من نیست. دستور می دهند نقطه دیگری را در همانجا که در حال حاضر مدفن ایشان است حفر نمایند و می فرمایند: قبر من اینجا است. (۴)

ص: ۱۳۳

۱- ۱۸۹. مهدوی: بیان المفاخر، ج ۱، صص ۳۲ - ۱۵ .

۲- ۱۹۰. مقدادی اصفهانی، علی: نشان از بی نشانها، جلد اول، ص ۳۹.

۳- ۱۹۱. حجت هاشمی خراسانی، ابو معین حمیدالدین: مرآة الحجه، ص ۲۴. در ضمن قبر پدر شیخ حسنعلی نخودکی (به نام ملا علی اکبر مقدادی) نیز پایین آرامگاه حاج صادق تخت فولادی می باشد. ملا علی اکبر از زهاد پرهیزگاری بود که نقل است از راه کسب، روزی خود و خانواده را تحصیل می کرد. آنچه عاید او می شد نیمی را صرف خود و خانواده اش می کرد و نیم دیگر را به سادات و ذریه حضرت زهرا (سلام الله علیها) اختصاص می داد.

۴- ۱۹۲. نشان از بی نشانها، ص ۴۳.



مقبره عارف واصل حاج محمد صادق تخت فولادی

حاج شیخ حسنعلی تا سنین نوجوانی تحت تربیت این عارف بود. هر وقت ایشان از مشهد به اصفهان می آمد به زیارت قبر حاج صادق می رفت.

در بیرون از تکیه نیز برخی از بزرگان مدفون هستند از جمله موارد ذیل را می توان نام برد:

۱۷ - محمدحسین مذهب (هلال): وی در نقاشی و تذهیب و ساختن قلمدان مهارت داشت. خط نسخ را زیبا می نوشت و در شعر «هلال» تخلص می کرد. از آثار او پنج بیت شعر به خط نستعلیق بر زمینه لاجوردی در ایوان مقصوره مسجد سید اصفهان نوشته شده است. (۱)

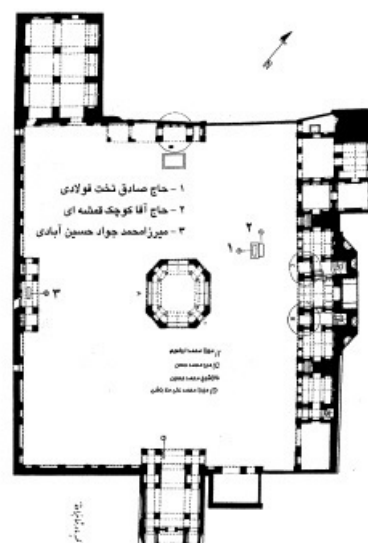
۱۸ - محمد کاظم مجنونی: استاد هنرمند طرح و نقش فرش. متوفی ۱۳۶۵ ق. وی در راه فراگیری نقش و هنر قالی و فرش تلاش فراوان نمود و توانست چند اثر از جمله قالیچه با نقش ماهی در هم یا زنبوری ارائه دهد. از ویژگی های کار وی تلاش برای دستیابی به نقش های نوین و حفظ و امانتداری نقوش سنتی و اصیل قالی ایرانی بود و در این راه نیز بسیار موفق بود. سرانجام

این هنرمند پس از عمری کار هنری با اخلاص توسط جمعی از دلایان فرش در منزلش به قتل رسید. (۲)

ص: ۱۳۴

۱- ۱۹۳. گلشن اهل سلوک، ص ۲۵۶.

۲- ۱۹۴. همان، ص ۲۶۴ و ۲۶۵.





بنای این تکیه مربوط به عصر قاجاری است. البته قبل از این دوره، آقا سید محمدصادق موسوی متوفی اواخر قرن یازدهم که جدّ خاندان «نحوی» اصفهان به شمار می رود در این قسمت دفن شده بود. تنها در قسمت غربی تکیه تعدادی از قبور باقی مانده است. آخرین فرد مدفون در این تکیه سید محمدحسین (مصلح الدین) مهدوی متوفی ۱۳۷۴ هجری شمسی است. او مورّخ و رجالی بزرگ اصفهان است که بیشترین اطلاع راجع به بزرگان مدفون در تخت فولاد را از کتب باارزش وی می توان کسب کرد.

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه در کوچه واله، روبروی مرکز مخابرات فیض واقع شده و از شرق به تکیه ی خاتون آبادی منتهی می شود.

بزرگان مدفون در تکیه

۱- سید محمدتقی مستجاب الدعوه: فرزند محمد سعید بن محمدصادق موسوی اصفهانی. متوفی ۱۲۳۶ ه. ق. عالم فاضل، که از محضر آقا محمد بیدآبادی کسب علم نمود و مورد احترام و اعتماد حاجی کلباسی و سید حجهالاسلام شفتی بود. (۱)

۲- آقا سید محمدحسن مجتهد: فرزند سید محمدتقی مستجاب الدعوه. متوفی ۱۲۶۳ ق. عالم عامل فقیه کامل معروف به «مجتهد» صاحب تألیفات بسیار چون الف) مهجهالفؤاد (شرح ارشاد علامه حلی) در دوازده مجلد ب) الجامع فقهی (۶ جلد ج) رساله «وجیزه در اعجاز قرآن» که به چاپ رسیده است.

۳- سید مهدی نحوی: فرزند سید محمدحسن مجتهد موسوی. متوفی ۱۳۰۷ ق. عالم فاضل و

ص: ۱۳۷

ادیب که به جهت تسلط در علوم ادب به خصوص نحو به «نحوی» معروف شد.

۴ - سید محمدباقر نحوی: فرزند سید مهدی. متوفی ۱۳۵۰ ق. عالم فقیه. از محضر بزرگانی چون آخوند کاشی، آخوند ملا محمدحسین فشارکی، آقا سید محمدباقر درچه ای کسب علم نمود. عالمی پرهیزگار بود که عمری را با قناعت روزگار گذراند. (۱)

۵ - حاج میرزا سید محمدحسن نحوی: فرزند سید مهدی متوفی ۱۳۶۱ ق. عالم فاضل. داماد میرزا محمدباقر چهارسوقی. از بزرگانی چون آقا سید محمدباقر درچه ای، آخوند کاشی و صاحب روضات کسب علم نمود.

۶ - سید عبدالوهاب مهدوی معین العلماء: فرزند حاج سید مهدی نحوی متوفی ۱۳۵۸ ق. قاضی دادگستری و از روزنامه نگاران صدر مشروطیت که مدیر روزنامه «نیر اعظم» بود. (۲)

۷ - سید ریحان الدین مهدوی: فرزند سید شهاب الدین. متوفی ۱۳۹۹ ق. عالم فاضل.

۸ - سید مصلح الدین مهدوی: فرزند سید شهاب الدین نحوی. متوفی ۱۳۷۴ شمسی. از مورخان و بزرگان علم رجال. محقق ارجمند. از خدمتگزاران راستین به تاریخ و فرهنگ شهر اصفهان و صاحب تألیفات ارزشمند در تراجم و شرح احوال علما، بزرگان و مشاهیر اصفهان می باشد. (۳) اولین فَعَالِیَّتِ تحقیقی ایشان، تکمیل کتاب تذکرها لقبور بود. او پس از آن که یادداشت های فراوان برای کتاب آماده کرد، کتاب را به رجال اصفهان یا تذکرها لقبور موسوم ساخت، و آن را در سال ۱۳۲۸ به چاپ رساند. پس از آن، درباره ی شعرای اصفهان به گردآوری مطلب و شرح حال پرداخت، و در سال ۱۳۳۵ کتاب تذکره ی شعرای معاصر اصفهان را منتشر کرد. پس از آن، چون خودو اجدادش از محله ی خواجه بودند، کتابی مختصر در تاریخ محله ی خواجه نوشت؛ همچنین پس از وفات آیت الله العظمی بروجردی کتابی در شرح حال ایشان منتشر ساخت. در کنار این فعالیت ها به گردآوری احادیث و شرح حال چهارده معصوم علیهم السلام علاقه ی زیاد داشت؛ لذا کتابی با عنوان عطیه الجواد و کتاب تاریخ سامرا و زندگانی عسکرین علیهما السلام را به چاپ رسانید.

ص: ۱۳۸

۱- ۱۹۶. مهدوی: دانشمندان و بزرگان، ص ۲۵۹.

۲- ۱۹۷. صدرهاشمی: تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۴، ص ۳۲۷ - ۳۲۵.

۳- ۱۹۸. جهت آشنایی با آثار این عالم فرزانه، ر. ک: مهدوی: سید مصلح الدین، مزارات اصفهان، به تصحیح دکتر منتظرالقائم، صص ۶ - ۱.

همچنین جهت تدوین کتاب درسی تعلیمات دینی برای دبیرستان‌ها با تعدادی از دبیران دبیرستان‌های اصفهان همکاری داشت.

زننده یاد مهدوی، اغلب اوقات فراغت خود را صرف یادداشت برداری از کتاب‌ها، جست‌وجو در آثار و ابنیه‌ی تاریخی اصفهان می‌نمود، و هر روز که می‌گذشت، بر دامنه تحقیقات و بررسی‌های خود می‌افزود. در نوشته‌هایش یک پژوهشگر امانت‌دار بود. در ذکر منابع خود می‌کوشید و مطلبی، بدون مأخذ نقل نمی‌کرد. معلومات و اطلاعات خود را بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی در اختیار محققان قرار می‌داد و از راهنمایی و کمک به علاقمندان فرهنگ و تاریخ دریغ نمی‌کرد و در این کار حوصله‌ای عجیب داشت. در علوم ادبیات، فقه، اصول، روایت و... اطلاعات فراوان داشت. ولی چون عمر خود را صرف تدریس در دبیرستان‌ها و تحقیق پیرامون رجال اصفهان نمود، در این زمینه کمتر مجال بروز یافت. ده نفر از علمای اعلام از جمله شیخ آقابزرگ طهرانی (ره) و آیت‌الله العظمی

مرعشی نجفی برای ایشان اجازه نوشته بودند. در تدریس نیز همواره اصرار داشت دانش‌آموزان را با مسائل مذهبی و وظایف شرعی آشنا کند. چنانکه هر روز قبل از ورود به کلاس وضو می‌گرفت و تعلیم و یاد دادن را وظیفه می‌دانست (۱) (رحمه‌الله علیه).



ص: ۱۳۹

۱- ۱۹۹. نصرالهی: (مقاله مرحوم سید مصلح‌الدین مهدوی)، هفته‌نامه نوید اصفهان، ۳۰ خرداد ۱۳۷۵، ص ۴. و مقدمه کتاب اعلام اصفهان، ج ۱، صص ۲۵-۳۰.

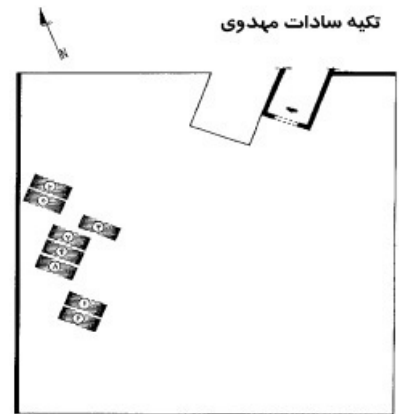
۹ - سید شهاب الدین نحوی: متوفی ۱۳۴۰ ق. فرزند علامه سید محمدحسن. مقدمات سطوح رانزد برادر خود حاج سید مهدی نحوی و برادر دیگرش سید محمد فرا گرفته سپس جهت تکمیل تحصیلات از محضر بزرگانی چون ملا حسینعلی تویسرکانی و سید محمد شهبهانی بهره گرفت. در اغلب علوم از ریاضی، طبیعی، حکمت و فقه و اصول و ادب تبحر یافت.

تا آخر عمر به خدمت خلق و عبادت پرداخته و مورد احترام خاص و عام بود. از آثارش کتابی است جنگ مانند در دو قسمت: ۱ - در فواید متفرقه از نظم و نثر عربی و فارسی و فقه و حدیث و تفسیر.

۲ - مجموعه ای از مراسلات استادش حاج سید اسدالله بیدآبادی که به علما و غیره نوشته است. ایشان پدر مرحوم سید مصلح الدین مهدوی می باشد. (۱)

ص: ۱۴۰

۱- ۲۰۰. مهدوی، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۰۵.



- ۱- سید محمد حسین مهدوی (سید مصلح الدین)
- ۲- سید محمد باقر نحوی
- ۳- سید مهدی ارفعی
- ۴- سید محمد حسن مهدوی (سید ریحان الدین)
- ۵- حاج سید مهدی نحوی
- ۶- سید عبدالوهاب مهدوی (میرزا علی)
- ۷- سید محمد حسن مجتهد استغھانی
- ۸- سید محمد تقی مستجاب الدعوه

اشاره

اهل منبر، خالی از جوش و خروش

خفته اینجا، زیر گل یکسر خموش

«شفیق»

در سمت راست خیابان فیض، چسبیده به مسجد رکن الملک تکیه ای قرار دارد که متعلق به عهد قاجاریه است این تکیه به نام حاج محمدجعفر آباده ای از عالمان بزرگ شیعه متوفی ۱۲۸۰ هجری قمری است. قبر حاج محمدجعفر آباده ای در وسط بقعه تا چندی پیش بدون سنگ لوح و به صورت سکوی آجری بود که اکنون از طرف مجموعه تاریخی فرهنگی مذهبی تخت فولاد سنگ قبری بر مزار وی نصب شده است.



تکیه آباده ای

ساختمان تکیه از نمونه های عالی هنر معماری دوره قاجاری است. نمونه های زیبای کاشیکاری، خوشنویسی و تزئینات آجری در بنای این تکیه ذوق و چیره دستی معمار و کاشیکار اصفهانی را

نشان می دهد. شاهد این ادعا کتیبه ی زیبای سردر ورودی تکیه به خط میرزا فتح الله جلالی و اشعار آن از طغرل اصفهانی است که هر دو از نمونه های برجسته هنری این تکیه به شمار می آید. معماری داخل تکیه نیز شامل یک بقعه و دو صحن شرقی و غربی در طرفین آن است. در اطراف صحن شرقی و غربی هم حجراتی بنا شده است.

از لحاظ تاریخی محل تکیه جزو باغ بزرگ واله بود که مرحوم سلیمان خان رکن الملک این قسمت را از بازماندگان واله خریداری نموده و دستور ساخت بقعه آباده ای را در سال ۱۳۲۴ قمری صادر کرده بود. این تکیه بنایی زیبا و مصفاً و حجره دار است و در حال حاضر با انجام تعمیراتی به مدرسه ی علوم دینی تبدیل شده است. بیشتر مشاهیر مدفون در تکیه نیز از طبقه اهل منبر، و عاظم و شاگردان حاج محمدجعفر آباده ای می باشند.

موقعیت جغرافیایی تکیه

تکیه آباده ای از جهت شمال و غرب به مسجد رکن الملک، از شرق به خیابان فیض و از جنوب به کوچه تکیه میر منتهی می شود.

بزرگان مدفون تکیه

۱ - حاج محمدجعفر آباده ای: فرزند محمد صافی صغادی، متوفی ۱۲۸۰ هجری مجتهدی عالیقدر، دانا و زیرک. بی نظیر در هوش و فراست و دارای شمّ اجتهاد و قضاوت بوده است. زهد و تقوی و علم او به حدی بود که گروه بی شماری در داخل و خارج اصفهان به وی ارادت می ورزیدند و از او تقلید می کردند.

با این حال بعد از وصول به درجه ی اجتهاد همیشه جانب کوچکی و شاگردی اساتیدش حاجی کرباسی و سید حجهالاسلام شفتی را حفظ می نمود. تألیفات وی بسیار محققانه و خوش سلیقه نوشته شده است. از تألیفاتش الف) «فقه جعفری» به فارسی ب) «نقود المسایل» در فقه استدلالی ج) مرایا (در اصول فقه) د) حاشیه بر نقد الرجال ه) شرح اسماء الحسنی و... را می توان نام برد. ماده تاریخ فوت او را پرتو اصفهانی چنین سرود: «اللهم نور مضجعه» ۱۲۸۰ ه. ق. (۱).

حکایت از اوصاف حاج محمدجعفر آباده ای

ص: ۱۴۳

گویند در هر علمی کتاب مختصر را حفظ داشت و بزرگان علما در نزد وی خویشتن را خُرد می شمردند و بزرگان دین نامش را به احترام تمام می آورند. در بلندی مقام فقاہت و زهد و عبادت همه ی معاصرین بر وی غبطه می خوردند. در ادبیات، علم رجال و درایه کم نظیر بود. (۱)

نقل است که در امور قضاوت بسیار عاقلانه تصمیم می گرفت. گویند معامله ای را یک روز درباره ی آن حکم و نظر داده بود در مدّت عمرش فراموش نمی کرد و هر وقت چشمش به سؤال و جواب یا حکمی می افتاد سابقه ی آنرا بدون کم و زیاد بیان می کرد. درجه ی زهد و تقوای ایشان به حدّی بود که در خارج از اصفهان نیز از او تقلید می کردند. در زمان او فتنه ی بابیه آغاز شده بود و ایشان آمرانه به مخالفت با آن فرقه می پرداخت. درباره ی امر به معروف و نهی از منکر می گفت: «بهترین امر به معروف و نهی از منکر آن است که این طایفه در اصلاح اعمال و تهذیب اخلاق بکوشند و عملاً مردم را هدایت کنند». (۲)

بدله های شیرینی از آن مرحوم نقل گردیده است که می توان نمونه ای از این حکایات را در کتاب تاریخ اصفهان نوشته استاد همایی مطالعه کرد. (۳)

۲ - ملّا نجفعلی خراسانی: متوفی ۱۲۸۴ ه. ق. عالم عارف پرهیزگار.

۳ - ملّا حسن ریزی: متوفی ۱۲۹۱ ه. ق. از علمای بزرگواری که در ترویج دین کوشا بود و او را با القاب عالی و بلندمرتبه ستوده اند.

۴ - شیخ محمدحسن یزدی: متوفی ۱۲۸۶ ه. ق. عالم فاضل و از وعّاظ دانشمند که آثار ارزشمندی چون «سیف الواعظین والذّاکرین» در غزوات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را نگاشت.

۵ - میرزا محمود صدرالمحدّثین: متوفی ۱۳۳۲ ه. ق. فرزند ملّا عبدالله خوانساری، از وعّاظ معروف اصفهان و از آزادیخواهان مشروطیت که از همراهان ملک المتکلمین و سیّد جمال واعظ شمرده می شد. (۴)

۶ - ملّا عبدالله خوانساری صدرالمحدّثین: متوفی ۱۲۹۳ ه. ق. وی نیز از وعّاظ مشهور به شمار

ص: ۱۴۴

۱- ۲۰۲. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: المآثر و الآثار، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲- ۲۰۳. مهدوی: بیان المفاخر، ج ۱، ص ۲۵۸.

۳- ۲۰۴. همایی: تاریخ اصفهان (مجلد ابنیه و عمارات)، صص ۲۹۶ تا ۳۰۵.

۴- ۲۰۵. عقیلی، سیّد احمد: مشروطه خواهان مدفون در تخت فولاد، ص ۳۷.

می رفت. از شدت ارادتش به اهل بیت علیهم السلام آنکه در ایام عاشورا وفات یافت. و نقل است که در حال شدت مرض، ترک ذکر مصیبت نمود و ماده تاریخش را نیز چنین آورده اند:

از پی تاریخ آن پرتو سرود

یا حسینی گفت و پس دم در کشید. (۱)

۷ - ملّا حسین کُز بکُنْدی: متوفی ۱۳۲۳ ه. ق. معروف به «عمادالواعظین» از مشاهیر اهل منبر اصفهان و نویسنده چندین مجموعه در مواعظ و مصائب.

۸ - میرزا اسدالله اشتری: متوفی ۱۳۹۵ ه. ق. شاعر فرزانه و نویسنده آثاری چون الف) تاریخ عشق، ب) دیوان اشعار، ج) طوفان روح و آثار دیگر. سبک نگارش وی بسیار متین و دلچسب بود و علاقه مندان فراوان داشت. از اشعار اوست:

.... منم آن مرغ که گر بند مرا برداری

نروم جایی و بر بام تو خواهم پرواز

محفلی نیست که نام تو در آنجا نبرم

شمع را بیهده هر شب نبود سوز و گداز

بنما قبله ی ابرو که مسلمانی نیست

بعد از این گر بسوی کعبه بندیم نماز

.... خودپرستی نبود شیوه عشاق جهان

اشتری رو بدر دوست بنه روی نیاز (۲)

۹ - حاج سید احمد مرندی: فرزند سید حسین حسینی. متوفی ۱۲۹۸ ه. ق. عالم فقیه. از محضر حاجی کلباسی و سید حجهالاسلام کسب علم نمود. (۳) روی سنگ قبرش حک شده است:

بنده ی یزدان شناس

مرگ و حیاتش یکیست

۱۰ - حاج ملّا اسماعیل نُقْنَه ای: متوفی ۱۳۵۰ ه. ق. عالم فقیه.

۱۱ - میرزا محمد موسوی منجم: متوفی ۱۲۸۹ ه. ق. منجم، ریاضی دان و شاعر.

۱۲ حاج میرزا احمد عمادالواعظین: فرزند ملا حسین کربکندی. متوفی ۱۳۸۳ ه. ق. خطیب معروف. عمر خویش را به ارشاد و هدایت و ذکر مناقب خاندان عصمت و طهارت گذرانید و

سرانجام در صبح جمعه پس از فرود آمدن از منبر موعظه در مجلس عزاداری حضرت زهرا علیها السلام به مرض سکنه وفات یافت. (۴) وی پدر دانشمند فقید حسین عمادزاده است.

ص: ۱۴۵

۱- ۲۰۶. گزی، عبدالکریم: همان منبع، ص ۳۱.

۲- ۲۰۷. مهدوی: تذکره شعرای اصفهان، ص ۳۸.

۳- ۲۰۸. مهدوی: بیان المفاخر، ج ۱، ص ۲۵۸. در آنجا داستانی از ایشان نقل شده است.

۴- ۲۰۹. مهدوی: اعلام اصفهان، ج ۱، ص ۴۰۸.



- ۱- حاج محمد جعفر اباده ای
- ۲- ملا عبدالله خوانساری
- ۳- میرزا محمد موسوی منجم
- ۴- نجف علی خوانساری
- ۵- میرزا اسدالله اشتری
- ۶- سید احمد مرندی

این تکیه در سال ۱۲۸۲ توسط شهرداری اصفهان با همکاری و مدیریت توابع مسجد رکن الملک پس از بازسازی و مرمت با حفظ کاربری تکیه ، به حوزه علمیه برادران نقییر عمکرده داده است .

اشاره

چنین بود اقبال و فرجام او

چه نیک آمد آخر سرانجام او

چو لطف خدا با جهانگیر شد

جهانگیر نامش جهانگیر شد

بنازم به آن ساقی مه لقا

که با جام می بخشد عمر بقا

چو سحر رُخش دلربایی کند

یکی تارزن را خدایی کند

«دکتر احمد فاضل»^(۱)

این تکیه هم به تکیه ی سید محمد تُرک و هم به تکیه ی جهانگیر خان قشقایی معروف است. سید محمد حسینی خویی معروف به «آقا سید محمد ترک» عالم فاضل و فقیه بلندمرتبه ای بود که پس از فوتش وی را در مزار تخت فولاد قسمت لسان الارض مدفون نمودند. اما این تکیه همچنان متروک بود تا آنکه پس از فوت و دفن جهانگیر خان قشقایی^(۲) کم کم مورد توجه علماء و مردم قرار گرفت و شهرت و اعتبار زیادی پیدا کرد.

تا چندی پیش قبر جهانگیر خان روی سکویی برجسته در قسمت شرقی تکیه به صورت کاملاً ساده قرار داشت. در سال ۱۳۷۸ شمسی، مجموعه تاریخی فرهنگی مذهبی تخت فولاد به منظور بزرگداشت و تجلیل مقام والای این فیلسوف بزرگ یک بنای آرامگاهی به شکل هشت ضلعی به سبک معماری نوین بر مزار این فیلسوف و دانشمند بزرگ ایجاد نمود. کتیبه ای به خط بنایی با کاشی فیروزه ای رنگ بر سردر بقعه نصب شد که نام جهانگیر خان و تاریخ فوت وی بر آن حک شده است.

در انتهای ضلع شرقی تکیه بقعه کوچک و زیبایی دیگری وجود دارد که بر سر مزار روزنامه نگار و دانشمند اصفهانی احمد عرفان فرزند عبدالصمد متوفی ۱۳۷۱ ق. مدیر روزنامه عرفان بنا

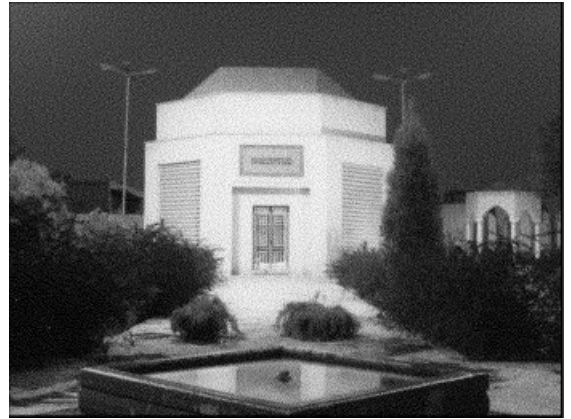
گردیده است. معماری این بقعه با گنبد زیبای آن و با ستون های سنگی گنبد آن یادآور آرامگاه حافظ شیرازی

۱- ۲۱۰. به مناسبت چهلمین سالگرد رحلت جهانگیرخان چهل بیت توسط دکتر احمد فاضل «گرسیوز» سروده شده که چهار بیت از آن در کتاب زندگی نامه حکیم جهانگیرخان نقل شده است. ر. ک: قرقانی، مهدی: زندگی حکیم جهانگیرخان قشقای، ص ۲۱۱.

۲- ۲۱۱. شرح احوال و شاگردان این شخصیت بزرگوار به طور کامل در کتاب قرقانی: زندگانی حکیم جهانگیرخان قشقای ذکر شده است.

می باشد.

از وجوه تاریخی این تکیه مربوط به افراد مدفون در آن است. قبر سید محمد ترک و اولاد و اعقابش در ابتدای ورودی تکیه قرار گرفته و مدفونین اطراف مزار جهانگیر خان را نیز قبور شاگردان جهانگیر خان تشکیل داده که وصیت کرده بودند بعد از مرگشان کنار استاد عالم و مهربانشان دفن شوند.



بقعه تکیه جهانگیر خان قشقایی

بزرگان مدفون در این تکیه

۱ - آقا سید محمد حسینی خویی: معروف به «آقا سید محمد ترک» فرزند سید محمد حسین، متوفی ۱۲۶۶ ق. عالم فاضل و فقیه عالیقدر، که سنگ نوشته اش عالمانه بر مزار وی موجود است. نقل است که فاتحه خواندن بر سر قبر وی جهت رفع بعضی امراض بسیار مؤثر است. (۱) از آثارش: الف) حاشیه بر شرح لمعه ب) حاشیه بر ریاض را می توان نام برد.

۲ - جهانگیر خان قشقایی: فرزند محمد خان درّه شویی، متوفی ۱۳۲۸ ق. حکیم و عارف ربّانی. از

ص: ۱۴۸

۱- ۲۱۲. گزی: تذکرها لقبور، ص ۳۱.

فلاسفه و مدرسین حکمت در عصر قاجار است. معروفترین استاد وی حکیم نامی محمدرضا صهبا قمشه ای از حکما و عرفای بزرگ اصفهان بود. بسیاری از بزرگان و علمای اصفهان شاگردان وی بوده اند. از جمله شاگردان وی شهید سید حسن مدرس بود. آن شهید بزرگوار می نویسد: «زمانی که تحصیل می کردم، حکیم بزرگ جهانگیرخان قشقایی به من گفت: سید حسن! سر سلامت به گور نمی بری، ولی شفای تاریخ را موجب می گردی. با شنیدن این سخن جانی تازه گرفتم» (۱). ظاهراً مرحوم جهانگیرخان شرحی بر نهج البلاغه داشته است که اکنون اثری از آن در دست نیست. در ماده تاریخ وفاتش آمده است: «جهانگیر نزد خدای جهان شد» (۲).

پاره ای از اوصاف جهانگیرخان قشقایی جهانگیرخان در جوانی از شاهنامه خوان های ممتاز طایفه ی خود محسوب می شد. از سن چهل سالگی در اثر تغییر احوال باطنی به راه تحصیل علم افتاد و یکی از بزرگترین اساتید فلسفه در شرق شد.

در یک فرصتی که به اصفهان آمد و با بزرگانی چون همای شیرازی (متوفی ۱۲۹۰ ق) و میرزا عبدالجواد حکیم (متوفی ۱۲۸۱ ق) تماس گرفت، صفای باطن و لیاقت ذاتی وی موجب گردید که به تحصیل علم و معرفت پردازد. معلوم نیست در سفری که به اصفهان داشت چه گفتند و چه شنید شوریده حال شد و ترک وطن و دیار کرد و در مدرسه ی صدر بازار اصفهان به تحصیل علم و تهذیب اخلاق پرداخت و طولی نکشید که جامع علوم عقلی و نقلی و بزرگترین استاد فلسفه ی کلام، فقه و اصول گردید. وی در سن ۸۶ سالگی وفات یافت و بر جنازه وی آیت الله شیخ محمدتقی نجفی نماز خواند.

از شیخ محمود مفید «ره» [از مدفونین تکیه بیدآبادی] نقل است که: جهانگیرخان با چند نفر از شاگردانش وارد قیصریه شدند. در آن جا در یکی از حجرات، سر و صدای ساز و آواز به گوششان خورد. یکی از شاگردانش گفت: اجازه بدهید من الآن می روم و اینها را به هم می زنم. خان فرمود: قدری تأمل کنید، این طریق امر به معروف و نهی از منکر نیست. شما الآن اگر بروید و این کار را بکنید، اینها أتباع ظل السلطان اند و بالاخره فردا مؤاخذه می کنند و اسباب توهین به اهل علم می شوند

ص: ۱۴۹

۱- ۲۱۳. درس های مدرس، ص ۹.

۲- ۲۱۴. جابری انصاری: تاریخ اصفهان، ص ۳۲۶.

و ممکن است شما را تحت فشار و ناراحتی قرار بدهند. حالا- بیائید همراه من که طریقه ی امر به معروف و نهی از منکر را نشانتان بدهم. آنگاه خان با شاگردانش به داخل آن حجره رفته و پرده را عقب زده و فرمود: آقایان سلام علیکم! میهمان می خواهید؟! چند نفر از افراد داخل حجره، دست پاچه شدند و رنگ از رخسارشان پرید و نگران شدند. خان فرمود: نه من نیامده ام مزاحم شما بشوم... حالا طلبه ها و شاگردان خان هم همینطور مات و مبهوت ایستاده اند و تماشا می کنند. جهانگیرخان به افراد مذکور گفت: خوب آقایان داشتند فلان دستگاه موسیقی را می زدند، بزیند بینم! آنها هم شروع کردند به نواختن. جهانگیرخان شروع کرد به ایراد گرفتن و اینکه شما این دستگاه را دارید اشتباه می زنید. رو به آن دیگری کرد و فرمود شما بزیند بینم و همینطور یک یک همه ی افراد داخل حجره آن دستگاه را زدند و خان هم یک یک ایرادشان را گفت. اهل حجره و آقایان طلاب همه مات و مبهوت گشتند و از مهارت و استادی خان در موسیقی شگفت زده شدند. آنگاه جناب خان رو به همه ی آنها کرد و فرمود: من هم مثل شما یک وقتی با این آلات سر و کار داشتم و چنگی می نواختم و نسبت به همه ی انواع دستگاههای موسیقی مسلط بودم. اما در نهایت به این نتیجه رسیدم که عمر خود را تلف کرده ام. آیا حیف این عمر نیست که آدم، خود را صرف این هرزه گی ها و امور لغو بیهوده نماید و شروع کرد به خواندن آیه و حدیث و آنقدر گفت و گفت تا این که مجلس طرب و ساز و آواز، مبذل

به مجلس عزا شد و همه سخت گریستند. آنگاه افراد داخل حجره، شیشه های شراب را شکستند و اساس ضرب و ساز و آواز را نیز در هم ریختند و مجلس، یک مجلس روحانی گشت. آنگاه جهانگیرخان در حقشان دعا کرد و فرمود: خداوند، شما را به توبه ای که کردید، بخشید و خدا ان شاءالله شما را موفق و مؤید گرداند؛ همانگونه که من هم از گذشته ی خود توبه کردم و به حمدالله موفق گشتم. (۱)

در مورد اخلاق شخصی جهانگیرخان نقل است که هیچکس در تمام عمر او حالت تندی و خشم از وی ندید و یک سخن زشت ناهنجار از زبانش نشنید. روحیات جوانی خویش را هرگز فراموش نکرده بود و در ایام کهولت نیز به سوارکاری، تیراندازی و نشانه زنی علاقه داشت. برای حفظ سلامتش همه روزه مقداری پیاده راه می رفت و در اواخر عمر که بیرون رفتن از مدرسه برای وی

ص: ۱۵۰

مشکل بود اطراف مدرسه مدّتی قدم می زد. عموم طلاب مدرسه صدر او را چون پدری مهربان دوست داشتند و در مرگ وی به شدّت گریستند زیرا که پدری دلسوز و مهربان را از دست داده بودند؛ چنانکه گفته اند بیشتر آنان وصیت کردند که بعد از مرگشان کنار استادشان دفن شوند.

بزرگترین تأثیر علمی جهانگیرخان آن بود که فلسفه را از تهمت، ضلالت و الحاد رها کنید و همان کاری را انجام داد که مدّتها قبل فقیه نامدار آقا حسین خوانساری انجام داده بود.

مقام دیانت، تقوی و عفاف جهانگیرخان چنان مسلّم و آشکار بود که پیشوایان بزرگ روحانی مانند آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله سیّد جمال الدین گلپایگانی به تحصیل فلسفه و حکمت در اصفهان در خدمت جهانگیرخان و آخوند کاشی افتخار می کردند و مایل بودند که در شرح حال خویش به این قسمت از زندگانی شان اشاره شود. (۱)

وی در شعر نیز دستی توانا داشت. این شعر به وی منسوب است:

دوش عشقت برد آرام از دل و از چشم خواب

یاد رویت بود کارم تا برآید آفتاب

دل گرفت از مدرسه یاران کجا کوی حبیب

جان فِسرَد از وسوسه، ساقی بده جام شراب

حکیم جهانگیرخان با حکیم ربانی و مدرّس معروف آخوند کاشی (۲) هم عصر بودند. هردو بزرگوار در مدرسه ی صدر ساکن و حوزه ی علمی اصفهان در تحصیل فلسفه و حکمت به وجود ایشان استوار بود. هردو استاد نیز یکدیگر را برادرانه دوست داشتند و رابطه ی اخوّت بین ایشان برقرار بود. چنانکه هردو رفیق با یکدیگر شوخی هایی نیز داشتند. هردو آنان نیز تا آخر عمر مجرّد زیستند. حق رفاقت بین دو استاد تا آخر عمر نیز باقی ماند. چنانکه نقل است جهانگیرخان زودتر از آخوند کاشی درگذشت. وقتی جهانگیرخان درگذشت آخوند کاشی در گوشه ای از

مدرسه صدر نشسته بود و آه می کشید و ناله می کرد و می گفت: «کمرم شکست». در این زمان آخوند کاشی به قدری مریض احوال بود که نمی توانست راه برود. امّا وقتی جنازه ی مرحوم خان را داخل «مدرسه صدر» آوردند که بر او نماز بخوانند. آخوند کاشی بسیار بی تابی می نمود. ایشان به شاگردانش اشاره می کند

ص: ۱۵۱

۱- ۲۱۶. همایی: تاریخ اصفهان، صص ۲۷۹ - ۲۵۸.

۲- ۲۱۷. از ایشان در مدفونین تکیه ملّک سخن خواهیم گفت.

که زیر بغل های او را بگیرند تا وی نیز چند قدمی به مشایعت جنازه ی دوست عزیزش برود. اما بیشتر از چند قدم نتوانست جلو تر برود. سه شب از ماجرا نگذشته بود که یکی از شاگردان حکیم جهانگیرخان، او را در خواب می بیند که به وی می گوید: از آخوند تشکر کن که به مشایعت جنازه ی من آمد. زیرا در چند قدمی که آمدند اذکاری را دنبال جنازه ام گفت که این اذکار سبب شد من از برزخ نجات پیدا کنم. برو از او تشکر کن و به او بگو: «الحق که حق رفاقت را بجا آوردی».(۱)

۳ - سید محمدجواد مسائلی: فرزند آقا سید محمد ترک. متوفی ۱۳۴۰ ق. عالم و فقیه فاضل.

۴ - سید محمد نجم اصفهانی: متوفی ۱۳۴۷ ق. عالم فقیه و مفسر قرآن. از آثارش: الف) تفسیر منظوم قرآن (در ۳۰ جلد) ب) مصابیح الاعجاز (شرح گلشن راز) ج) دیوان اشعار.(۲)

۵ - سید فخرالدین موسوی خوانساری: فرزند سید محمدرضا. متوفی ۱۳۴۸ ق. عالم بزرگوار و برجسته و از شاگردان آقا سید محمدمباقر درچه ای، حکیم جهانگیرخان و آخوند کاشی بود و در مدرسه صدر تدریس می نمود. ماده تاریخ فوتش اینست:

آه همایی کشید از دل و با صد فسوس

از پی تاریخ گفت: «شد بجنان فخر دین»(۳)

۶ - سید محمدرضا رضوی خوانساری: متوفی ۱۳۳۹ ق. عالم فاضل فقیه

۷ - نورالله نور شرق: فرزند علی محمد دهاقانی. متوفی ۱۳۳۱ ش. دانشمند فال وارسته، صاحب روزنامه ی نور شرق. پدرش از روحانیون و خودش از اول جوانی وارد جرگه طلاب علوم دینی شد و ادبیات و فقه و اصول را به کمال رسانید و به درجه ی اجتهاد رسید. به مدت دو سال روزنامه ی نور شرق را به مساعدت حاج آقا نورالله نجفی منتشر کرد. در نوشته هایش با فساد و بی دینی مبارزه می کرد و در عقاید خود ثابت قدم بود. در تاریخ فوتش سروده شد:

گفت آزاد بهر تاریخش

که «شده نور شرق پنهان، حیف»(۴)

۸ - سید محمد بن محمود گلستانه: متوفی ۱۳۵۱ ق. خوشنویس و استاد خط که نستعلیق را در نهایت استادی می نوشت. وی مدرسه ی علوم را در اصفهان تأسیس نمود. از این رو به «علوم»

ص: ۱۵۲

۱- ۲۱۸. میرخلف زاده، علی: داستان هایی از مردان خدا، صص ۱۳۸ و ۱۳۹.

۲- ۲۱۹. قاسمی، رحیم: خبرنگار همایش اهل قلم، دی ماه ۸۴؛ و عقیلی و خلیلیان: جلوه قرآن در خاک تابان، ص ۷۰.

۳- ۲۲۰. نصرالهی، غلامرضا: جزوه تخت فولاد سرزمین جاویدان (تکیه جهانگیرخان).

۹ - احمد عرفان: فرزند عبدالصمد. متوفی ۱۳۷۱ ق. نویسنده، ادیب و روزنامه نگار برجسته. صاحب روزنامه ی عرفان. علاوه بر این وی از دبیران برجسته ی اصفهان بود. هور در تاریخ فوتش سرود:

هزار رحمت حق بر روان احمد عرفان

ز ما درود و تحیت بجان احمد عرفان

نوشت خامه ی هور از برای سال وفاتش

بسوی قرب کند رو روان احمد عرفان (۲)

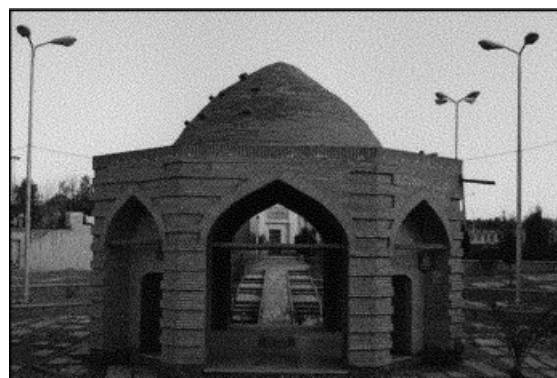
ص: ۱۵۳

۱- ۲۲۲. مهدوی، همان، ص ۴۳۱.

۲- ۲۲۳. همان، ص ۴۲۸.

این تکیه از تکیه های عهد قاجار است که پس از وفات آقا میر سید محمد شهشانی (متوفی ۱۲۸۷ق.) از فقهاء و مجتهدین بزرگ اصفهان در ابتدای محدوده ی لسان الارض تخت فولاد شکل گرفت.

شکل و نمای تکیه از نمونه های جالب تکایای تخت فولاد است زیرا نمای بیرون تکیه چهارضلعی به نظر می رسد ولی از درون هشت ضلعی مشاهده می شود. که در نوع خود در تکایای تخت فولاد بی نظیر است. بقعه به شکل هشت ضلعی در وسط تکیه قرار گرفته است و هر دهانه ی آن با یکی از اتاق های تکیه ارتباط دارد.



بقعه تکیه شهشانی

به لحاظ تاریخی این تکیه نیز همانند تکیه ی جهانگیرخان در مسیر دروازه ی تخت فولاد قرار داشته؛ اما بنا به گزارشی که از منابع عصر قاجار (۱) حدود تقریبی این دروازه مابین تکیه ی جهانگیرخان و تکیه ی شهشانی از یک سو و مسجد رکن الملک در سمت دیگر آن ذکر شده است. از

ص: ۱۵۴

این رو بناهای قابل توجهی همچون کاروانسرا، مسجد، آب انبار را در این قسمت تأسیس کرده

بودند. به این ترتیب آخرین مکانی که کاروان ها پیش از ورود به اصفهان در آن توقف می کردند همین نقطه بوده است.

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه از شرق با تکیه ی جهانگیرخان قشقایی، از غرب با خیابان فیض محدود است. در واقع این تکیه روبروی مسجد رکن الملک قرار دارد.

بزرگان مدفون در تکیه

۱ - آقا میر سید محمد حسینی شهشهانی: فرزند عبدالصمد. متوفی ۱۲۸۷ ق. علامه فقیه، زاهد محقق. از مراجع بزرگ تقلید که در علم و تقوی زبانزد علماء و مردم بود. استاد برجسته اش حاجی کلباسی (متوفی ۱۲۶۱ ق.) و شیخ محمدتقی رازی (متوفی ۱۲۴۸ ق.) بود. پس از درگذشت حاجی کرباسی ریاست تدریس و فتوای اصفهان به او اختصاص یافت. نقل است که وی از اول تا آخر عمرش را به گوشه نشینی و نگارش کتاب هایی در فقه و اصول و غیره گذراند. صاحب روضات در باره ی وی می گوید: «احدی را در اشتغال به امر علم و تعلیم و دوری از اتلاف عمر مانند وی ندیدم». از تألیفاتش الف) «العروها لوثقی» در فقه استدلالی است که سید محمد کاظم یزدی طباطبایی مرجع تقلید معروف نام کتابش در فقه را از این کتاب گرفته است. ب) «الغایه القصوی» در اصول فقه، ج) «انوار الریاض» که کتابی بسیار ارزشمند و علمی است، د) «جنه المأوی» که دوره ی فقه را به شعر عربی در آورده و کتابی مفصل است. و دیگر آثارش هریک بیانگر مقام علمی این عالم بزرگوار می باشد.

بزرگانی چون حاج میرزا حسن شیرازی، سید محمدباقر خوانساری (صاحب روضات) و فاضل اردکانی از شاگردان او بوده اند. (۱)

ص: ۱۵۵

۱- ۲۲۵. جهت آشنایی با احوال و آثار و کتابشناسی آثار وی ر. ک: مجله میراث جاویدان، سال پنجم، شماره ۳ و ۴، صص ۸۶ - ۹۷.

۲ - حاج میرزا بدیع موسوی درب امامی:

ای دل بر دوست،، ترک گله کن

یا عشق مَورز،، یا حوصله کن

چون خواسته او،، هجران تو را

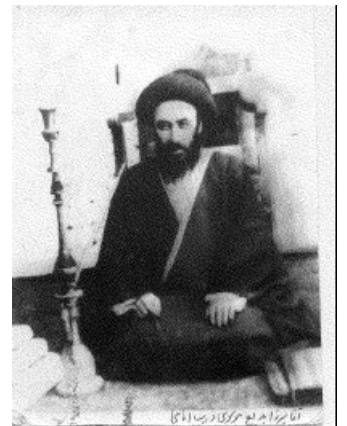
در روز وصال،، ترک گله کن

در کعبه عشق،، مُحَرِّم چو شدی

بام و در دوست پر ولوله کن

«میرزا بدیع درب امامی» (۱)

فرزند سید مصطفی موسوی، متوفی ۱۳۱۸ ق. از سادات صحیح النسب بوده و حکایتی در مورد نسب ایشان ذکر شده است. به این صورت که عارف برجسته حاج محمدجواد سر جویی نقل می کند که هنگام عبادت در حالت خواب یا خلسه به خدمت روح مقدس حضرت صدیقه علیها السلام شرفیاب شدم و عرض حال میرزا نصرالله انصاری (از مستوفیان قاجاری) را به پیشگاه آن بزرگوار مطرح کردم. حضرت صدیقه علیها السلام فرمودند: «این فرد با اولاد من هم بد می کند». عارف سر جویی می گوید: زمانی که میرزا نصرالله آمد، گفتم: دیگر به اولاد پیمبر چه کرده ای که حضرت صدیقه علیها السلام از تو بیزار است؟ گفت: دیروز پسر حاج میرزا بدیع مستمری دیوانی داشت، ندادم و مایوسش نمودم. (۲) عالم ادیب، فقیه مجتهد، شاعر خطاط از مدرّسین مشهور اصفهان در فقه و اصول. وی واقعاً بدیع الزمان بود. چنانکه آقا سید محمد شهشهبانی (استاد وی) در موردش گوید: «در اصفهان یک مجتهد است که خودم باشم و نصف مجتهد یعنی میرزا بدیع». (۳) مردی خوش اخلاق و پاکیزه لباس که با کمال فقر در نهایت عزّت نفس روزگار گذرانید. شیرین زبانی و نکته سنجی های وی باعث می شد که هیچ کس از



- ۱- ۲۲۶. موسوی، کمال: (مقاله هور هنرمندان تاریخیه سرا)، فرهنگ اصفهان، شماره ۱۷ و ۱۸، زمستان ۷۹، ص ۶۸.
- ۲- ۲۲۷. جابری انصاری: تاریخ اصفهان، ص ۱۷۲.
- ۳- ۲۲۸. همان، ص ۳۱۷.

صحبت با وی سیر نشود. از شاگردان برجسته ی آقا سید ابوالحسن اصفهانی بود. از جمله تألیفاتش الف) رساله در خراج و مقاسمه ب) حاشیه بر قوانین ج) دیوان آثار و... را می توان نام برد.

حافظه ای قوی در نقل روایات، قصص و تواریخ داشت. علاوه بر آن از طبع شعر نیز بهره مند بود. از اشعار اوست:

هزار خنده به جام شراب ناب زده

کسی که از لب میگون تو شراب زده

غلام طلعت آن مهوشم که زیر نقاب

هزار طعنه به خورشید بی نقاب زده(۱)

۳ - میرزا حسن عراقی اصفهانی: فرزند میرزا ابراهیم متوفی ۱۳۲۳ ق. عالم فاضل و فقیه زاهد عابد وی در کمک و دستگیری از مستمندان و امر به معروف و نهی از منکر اهتمام بسیار داشت. در مسجد سلام اقامه ی جماعت می کرد. و در نهایت زهد و تقوی می زیست.(۲)

۴ - سید محسن میرشمسی: فرزند سید ابوالحسن. متوفی ۱۳۶۸ ق. واعظ جلیل و پرهیزگار که نفس وی را شفا بخش می دانستند. در تاریخ فوتش شاعری سروده است: «رفت پیش حسین، محسن من».(۳)

۵ - ملا مهدی شاه طوری: فرزند ملا عبدالرزاق. متوفی ۱۳۱۹ ق. عالم فاضل متقی از شاگردان مر سید محمد شهشانی.

۶ - سید محمد جزایری: فرزند سید محمد شفیع جزایری(مدفون در تکیه خوانساری). عالم فاضل و ادیب اواخر دوره ی قاجاریه. متوفی ۱۳۲۳ ق.

۷ - میرزا عبدالحسین صنیع همایون: فرزند آقا محمد کاظم نقاش. متوفی ۱۳۴۱ ق. از هنرمندان خوش ذوق اصفهان که در نقاشی و قلمدان سازی استاد بود. وی در منظره سازی تبحر داشت و شاگردان بسیاری را تربیت کرد.(۴)

۸ - سید ابوالقاسم سیدالاسلام: فرزند سید ابراهیم. متوفی ۱۳۵۷ ق. عالم فقیه و از علمای عالیقدر خاندان شهشانی.

ص: ۱۵۷

۱- ۲۲۹. روضاتی، محمدعلی: زندگانی آیت الله چهارسوقی، صص ۱۷۵ - ۱۷۱.

۲- ۲۳۰. طهرانی، شیخ آقابرگ: نباء البشر، ص ۳۷۸.

۳- ۲۳۱. مهدوی: دانشمندان و بزرگان، ص ۴۷۲.

۴- ۲۳۲. همایی: تاریخ اصفهان(مجلد هنر و هنرمندان)، ص ۳۳۵.

برای مدفن خود ساخت این نکو بقعه

که چون بهشت نشان آمد و سپهر مثال

نوشت خامه طلعت برای سال که باد

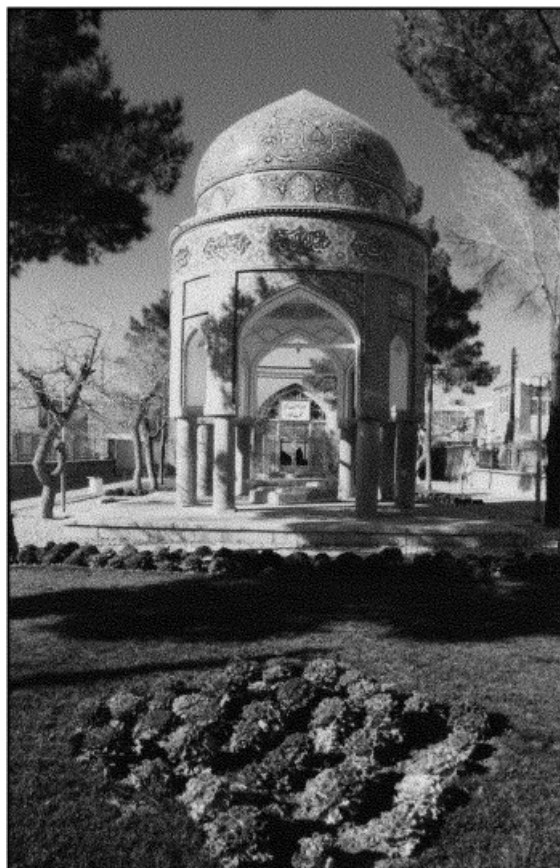
در این سپهر نهان آفتاب اوج و کمال

این تکیه از تکیه های زیبا و هنری دوره ی قاجاریه است. قسمتی از چهارباغ های بزرگ صفوی در تخت فولاد به نام «باغ نگارستان» می باشد که محدوده ی آن علاوه بر این تکیه، مسجد رکن الملک و تکیه ی حاج محمدجعفر آواده ای را نیز شامل می شده است.

این تکیه را میرزا محمدحسین خان صدر اصفهانی حاکم شایسته ی اصفهانی برای آقا محمدکاظم واله (متوفی ۱۲۲۹ هجری قمری) شاعر بزرگ، خوشنویس برجسته، به جهت علاقه ی بسیاری که به وی داشت بنا نمود و «باغ والهیه» نام نهاد. از آن پس آقا محمدکاظم واله روزگار خود را در این باغ سپری نمود و آنجا را به مکانی جهت اجتماع دوستان شاعر و هنرمند خویش تبدیل نمود. روحیه ی شاعرانه اش را با ایجاد یک بنای تاریخی زیبا جاودانه نمود به این صورت که برای خود آرامگاهی ترتیب داد و سنگ قبرش را به خط زیبای خودش آماده نمود. وقتی که درگذشت وی را در همان مکانی که خودش آماده نموده بود دفن کردند و همان سنگ قبر را نیز بر مزارش گذاردند.

آرامگاه درست در وسط تکیه بر روی یک سکوی سنگی هشت ضلعی بنا گردیده است. بنای بقعه ی زیبای آن عبارت از گنبدی آجری بوده که در حوالی ۱۳۵۰ شمسی با کاشی فیروزه ای تزیین شده است. گنبد بر روی هشت ستون سنگی با نقوش اسلیمی پیچ در پیچ و با مهارت و ظرافت بسیار ترسیم شده است. در گردنبند داخلی گنبد اشعاری از طلعت اصفهانی در مرثیه واله اصفهانی و خط آن با قلم استاد فضایی گچ بری شده است.

سنگ قبر وی تنها سنگ قبر به خط تعلیق (ترکیبی از خط نسخ، نستعلیق شکسته) در تخت فولاد می باشد که از زیباترین سنگ نوشته های تخت فولاد می باشد. در قسمت غربی تکیه نیز اتاق هایی وجود دارد که محل اقامت و عبادت واله بود.



بقعه ی واله

ص: ۱۵۹

این تکیه در حاشیه ی خیابان فیض روبروی تکیه ی فاضل سراب قرار دارد که از جنوب به مسجد رکن الملک، از شرق به خیابان فیض، و از غرب به منازل مسکونی و از شمال به مغازه های تجاری محدود می شود.

شخصیت مدفون در تکیه

آقا محمد کاظم واله: ادیب فاضل و شاعر خوشنویس معاصر با فتحعلی شاه قاجار. عموم مردم و بزرگان به وی احترام می گذاشتند و به او ارادت داشتند وی علاوه بر فن شاعری در نوشتن خط نسخ، شکسته و رقاع استاد بود و نمونه های متعدّد از نسخه های خطی وی در مجموعه های عمومی و خصوصی وجود دارد. از او «دیوان اشعار» به یادگار مانده که نشان می دهد در شعر طبیعی متمایل به حکمت و عرفان داشته است. او بر سنگ قبر خود چنین نگاه داشته است:

«ترا خواهم نخواهم رحمتت گر امتحان خواهی

در رحمت برویم بند و درهای بلا بگشا»^(۱)

وی از بزرگانی بود که به اوضاع سیاسی روزگار خویش نیز مطلع بود. نقل است که سر جان ملکم سفیر کبیر معروف انگلیس و مؤلف تاریخ ایران که با آقا محمد کاظم واله دوستی داشته در یادداشت های خود در باب ایران راجع به واله چنین می نویسد:

«روزی صبح که به مدرسه به دیدن آقا محمد کاظم واله اصفهانی که استاد و شاعر و حکیم و در باب مسایل سیاسی کنجکاو بود، رفته بودم، به من گفت که بناپارت مرد عجیبی است چه او با سرنوشت ممالک - مثل اینکه آنها را کلوپ قمار تصوّر می کند - بازی می نماید، بعد از آنکه با عثمانی کنار آمد، حالا می خواهد که پادشاهان ما به ساز او برقصند و ایران شلاقی باشد در دست او بر سر روسیه، بعد هر دو را برای سلب نفوذ شما از هندوستان به کار ببرد. به هر حال این مرد نامجو چنگیزخان فرنگی کاملی است»^(۲)

از اشعار اوست:

ص: ۱۶۰

۱- ۲۳۳. حکایتی شنیدنی در مورد این بیت که واله سروده بود ذکر گردیده است. ر. ک: همایی: تاریخ اصفهان (مجلد ابنیه و عمارات)، صص ۲۰۵ - ۱۹۰.

۲- ۲۳۴. دیوان واله، ص ۸۴.

من نکردم به خدا از درش آهنگ جدایی

که خدا کرد و جداگانه بود کار خدایی

با من چو جفاست کار یارم چه کنم

با یار وفاست چون شعارم چه کنم

چون نیست جفا به اختیارش چه کند

چون نیست وفا به اختیارم چه کنم (۱)

ص: ۱۶۱

۱- ۲۳۵. دیوان واله، ص ۴۴.

اشاره

چو رخت بست از ایندار سوی خلد برین

به مسلمین همه زین غصه تلخ آمد کام

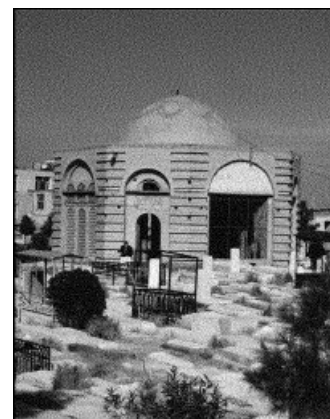
این تکیه پس از فوت علامه ی جلیل، فقیه کامل، محقق اصولی، رجالی برجسته، مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمدباقر چهارسوقی در سال ۱۳۱۳ ق. در قسمت جنوب مصلی ایجاد گردید.

بقعه از آثار دوره ی قاجاریه است که در وسط تکیه به صورت آجری بنا گردیده و قبر آقا میرزا محمدباقر به شکل یک سنگ بلند در وسط بقعه قرار گرفته است.

آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی صاحب کتاب بسیار ارزشمند «روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات» می باشد. شهرت کتاب به حدی است که پس از نشر آن اولاد و اعقاب او به «روضاتی» معروف شدند. بقعه به صورت هشت ضلعی با استفاده از آجر ساخته شده است. معماری داخلی بقعه نیز عبارت از یک گنبد بزرگ بر روی هشت ستون سنگی است که وظیفه تحمل بار سنگین این گنبد بزرگ را دارد.

امیاً مهمترین امتیاز این تکیه وجود قبور بسیاری از بزرگان و مشاهیر موجود در آن است. بعد از دفن صاحب روضات تمامی اولاد و اعقاب وی در کنارش دفن شدند.

نسب این خاندان به امام موسی کاظم علیه السلام می رسد. بسیاری از قبور داخل و خارج بقعه را قبور خاندان چهارسوقی تشکیل می دهد. اجداد آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی نیز در این تکیه مدفونند



و یکی از علل دفن این عالم بزرگوار نیز وصیت ایشان مبنی بر دفنشان در نزدیکی قبور خاندان بزرگوارش می باشد. بر این اساس می توان قدمت این تکیه را به دوره ی صفوی نیز رسانید. زیرا اجداد این عالم بزرگوار، از علمای دوره ی صفوی بوده اند.

از عوامل دیگری که موجب علاقه و توجه مردم به این تکیه شده است وجود قبر «میرزا حسین کشیکچی» در ضلع شمالی تکیه می باشد که اهل سیر و سلوک بوده و با امام زمان علیه السلام مکرر ارتباط داشته است و امروزه مردم اعتقاد زیادی در توسل به وی جهت برآورده شدن حاجاتشان دارند و نکته ی جالب اینکه آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی نیز با آنکه از علمای بزرگ عصر خویش و مورد توجه و علاقه ی مردم بوده است در اواخر عمر به جهت واقعه ای وصیت می کند در مجاورت وی دفن گردد. (۱)

به جهت موقعیت جغرافیایی بسته ی این تکیه، حالت قبرستان را بیشتر حفظ نموده و فرد با حضور در این تکیه توجه به عالم دیگر را به خوبی احساس می کند.

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه از شمال به مصلای تخت فولاد و از جنوب شرق به تکیه آقا سید رضی محدود می شود. تنها راه ورودی به تکیه از جانب شرق تکیه صورت می گیرد.

ورودی این تکیه از خیابان آیت الله خوانساری و روبروی تکیه خوانساری است که در آخر کوچه ی روبروی تکیه ی خوانساری قرار دارد.

بزرگان مدفون در این تکیه

۱ - آقا میرزا سید محمدباقر موسوی چهارسوقی: فرزند آقا میرزا سید زین العابدین موسوی، متوفی ۱۳۱۳ ق. مشهور به «صاحب روضات». ادیب زاهد، مورخ و عالم علم رجال، مجتهد برجسته. نزد اساتید بزرگی چون میر سید محمد شهبهانی و شیخ محمدتقی رازی، سید حجهالاسلام شفتی، حاجی کلباسی و سید صدرالدین عاملی کسب علم نمود. وی صاحب بیش از بیست اثر علمی است

ص: ۱۶۳

۱- ۲۳۶. در کتاب شیخ علی اکبر نهاوندی: عبقری الحسان، جلد دوم، ص ۱۰۴. حکایت جالبی در این خصوص نقل شده است.

که معروفترین آنها کتاب «روضات الجنات» می باشد. بیش از ده سال از عمرش را صرف نگارش این کتاب نمود. به جرأت می توان گفت که در قرن سیزدهم تنها کتابی که به خوبی شرح حال کلیه علمای اسلام بدون توجه به فرقه و مرام آنها نوشته شده، همین کتاب است. با توجه به در نظر گرفتن موقعیت زمانی و نبودن وسایل تحقیق و نبودن کتابخانه جامع و منظم در اصفهان که بتوان از کتابهای آن استفاده نمود، اهمیت این اثر ارزشمند آشکار می شود. از آثار دیگرش الف) احسن العطیه ب) تسلیها لاختزان ج) رساله در ضروریات دین د) رساله در امر به معروف و نهی از منکر می باشد. در عهد خود مرجعیت قضا و فتوی را داشت و در مسجدی که در محله ی چهارسوق به نام وی نام گذاری شد امام جماعت بود. در تقوی و دیانت مورد تأیید تمامی علما و مردم زمانش بود. در مقام عرفانی او آورده اند *ظُلُّ السُّلْطَانِ* می خواست مالی را به آقا میرزا محمدباقر واگذار کند، صاحب روضات گفته بود قریه توکل آباد من برای کفاف مخارج خود و خاندانم کافی است. *ظَلَّ السُّلْطَانُ* ابتدا تصوّر کرد که واقعاً توکل آباد یکی از روستاهای آباد اصفهان است وقتی پرس و جو کرد فهمید که مقصود او توکل به خداوند است و بسیار تعجب نمود. (۱)

فرازی از وصیت نامه این مجتهد عالیقدر چنین است:

«عزیز من! نماز را به وقت بکن، اذان در خانه را بلند بگو که باعث رفع همه ناخوشی هاست. دعاها را صبح و مساء را بلند بخوان و به جمیع اهل خانه امر کن بخوانند. با والده و برادران و همشیرگان خود بسیار سلوک خوش کن. دل هریک را به دست آور که هم خدا و هم پدر و هم استاد تو که پدر تو باشد، از تو راضی باشند... هر روز یک حزب از قرآن تلاوت نما که باعث صلاح امر معاش و رسیدن به مراد باشد و در شب ها و روزهای جمعه، اموات خود را سیما اهل حقوق از ایشان را به قرائت سوره یس و الزّحمن و یا غیر آن شاد نما که خدا تو را شاد کند... در دهه عاشورا لامحاله، ده مجلس روضه و مصیبت داری جناب سیدالشهداء علیه التحیه و الثناء برپا نما. پدر و مادر خود را از یاد خود بیرون مکن، اگرچه در قنوت نماز باشد و صبح را زودتر برخیز که وقت اذان لامحاله بیدار باشی تا خداوند وسعت روزی به تو دهد.» (۲)

ماده تاریخ فوتش را میرزا سلیمان خان رکن الملک که بانی ساخت این بقعه بوده است، بر روی

ص: ۱۶۴

۱- ۲۳۷. همایی، جلال الدین: تاریخ اصفهان (مجلد ابنیه و عمارات)، ص ۳۹۹.

۲- ۲۳۸. روضاتی، سید محمدعلی: زندگی آیت الله چهارسوقی، ص ۸۶ و ۸۷.

سنگ قبر صاحب روضات چنین نگاشته است:

جهان نداشت چو او یاد در فنون و علوم

زمان ندید چو او مرد در بیان و کلام

ستوده باقر علم محمدی که چو او

به روزگار عقیم است مادر ایام

نبیره ی بنی هاشم رسول امم

نتیجه ی علی مرتضی امام انام

چو رخت بست از این دار سوی خلد برین

به مسلمین همه زین غصه تلخ آمد کام

خلف سرود بتاریخ فوتش این مصراع

مقام برد بفردوس حجهالاسلام

۲ - میرزا عطاءالله چهارسوقی: فرزند آقا میرزا محمدباقر متوفی ۱۳۳۵ ق. عالم فاضل و فقیه زاهد وی مؤلف «مفتاح الروضات» است که فهرست و خلاصه ای از کتاب «روضات الجنات» پدر بزرگوارش می باشد. (۱)

۳ - میرزا محمد مهدی چهارسوقی: فرزند ارشد آقا میرزا محمدباقر متوفی ۱۳۲۴ ه. ق. عالم فاضل، فقیه بزرگوار. آثارش: الف) «ترجمه ی الفیه» فقه به فارسی که آن را «الفرایض الیومیه» می نامند ب) رساله ی عملیه به فارسی به نام «دلیل المصلین».

۴ - آقا میرزا مسیح چهارسوقی: فرزند آقا میرزا محمدباقر، متوفی ۱۳۲۵ ق. عالم و فقیه بزرگوار. همچون پدر در علم و زهد و اخلاق شهرت داشت. (۲) عالمی خوش اخلاق و با سیاست و محبوب اجتماعی عصرش محسوب می شد و در خدمت به خلق سعی تمام داشت و به سبب یاری مستمندان و فقرا و صفات بارزه اخلاقی اش بود که پدرش صاحب روضات او را از همه فرزندان دیگرش بیشتر دوست می داشت. ایشان یار و معین پدرش در امور مختلف بود و عمده کار در مرتب کردن کتاب روضات الجنات بر عهده وی بود. به همین جهت در علم رجال مهارت تمام داشت. دو سال قبل از فوتش کتاب «عشریه» تألیف نمود که در بیان آیاتی چند از قرآن کریم و احادیث اهل بیت عصمت علیهم السلام بود. (۳)

۵ - میرزا محمدابراهیم چهارسوقی: فرزند عالم فاضل سید محمدصادق خوانساری (مدفون در تکیه مادرشاهزاده) متوفی ۱۳۳۱ ق. عالم فاضل محقق که از محضر علمای بزرگ اصفهان و نجف

- ۱- ۲۳۹. مکارم الآثار، ج ۵، صص ۱۸۲۱ - ۱۸۱۹ .
- ۲- ۲۴۰. زندگانی آیت الله چهارسوقی، ص ۷۹ .
- ۳- ۲۴۱. منهاج المعارف، ص دویست و پنجاه و چهار و دویست و پنجاه و پنج.

کسب علم نمود. وی کتابخانه ای نفیس داشت و بسیار پرکار و پر مطالعه بود. منبر سخنرانی او علاقمندان زیادی داشت. چنانکه نقل شده مرحوم شیخ محمدتقی (آقا نجفی) مکرر در ایام ماه مبارک رمضان به خانه آن مرحوم می رفت و پای منبرش می نشست. (۱) وی با علماء مسیحی در منزل خود مباحثات و مناظراتی در اثبات نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشته، و چون

آنها زیر بار منطق و استدلال نمی رفتند، ایشان را به مباحثه دعوت نموده، و دعوت نامه به چاپ رسانید، و در اصفهان و اطراف منتشر کرد، مع هذا کشیشان مسیحی به مباحثه حاضر نشدند، و بدین طریق، بطلان گفتار آنان ثابت گردید. از آثار ایشان رساله عملیه و تعلیقات علمی بر کتاب های فقهی و اصولی است. (۲)

۶ - ملا حسن گیلانی لنبانی: عالم فاضل، حکیم بزرگوار عصر صفویه، متوفی ۱۰۹۴ ق. جدّ اعلاّی مادری صاحب روضات و معاصر مجلسی اوّل و آقا حسین خوانساری. وی در حکمت و عرفان استاد کامل بود و فقه و شریعت را با آن درآمیخته بود. طبعش به مولانا بسیار مایل بود و شرح مبسوطی بر مثنوی مولوی نوشت. از آثارش الف) شرح فارسی اصول کافی ب) شرح مثنوی ج) حاشیه بر اشارات می باشد. صاحب روضات وصیت کرده بود که نزد جدّ بزرگوارش دفن شود.

۷ - آقا حسین جیلانی لنبانی: فرزند ملا حسن لنبانی، متوفی ۱۱۲۹ ق. عالم فاضل، فقیه و محدّث موثق عهد صفویه. وی نیز از اجداد صاحب روضات بوده و مورد توجه مردم است، چنانکه حکایات کرامت آمیزی از وی نقل می کنند. فقه و حدیث را نزد علامه مجلسی فراگرفته بود و در مسجد لبنان تدریس می کرد. معروفترین آثارش «شرح صحیفه ی سجّادیه» به فارسی است. وی در کنار پدرش دفن گردید و قبر فرزندش، ملا محمدتقی لنبانی از علمای بافضیلت عصر صفویه نیز در بیرون بقعه قرار دارد.

۸ - ملا محمدحسین تفلّیسی: عالم پرهیزگار دانا و صاحب کرامت. بسیاری از اهل علم و کمال توّسل به او را اعتقاد و اعتماد دارند. حکایت است که هرکس به زیارت قبر آخوند تفلّیسی رود و نذر کند که هرگاه موفق به زیارت کربلا شود در حرم حضرت و قریب آن یک ختم قرآن کریم برای این عالم بخواند بزودی اسباب سفر زیارت او به کربلا فراهم آید.

قبر وی ابتدا در قبرستان آب بخشان (آبخشگان) بوده که پس از تخریب این قبرستان استخوان های

ص: ۱۶۶

۱- ۲۴۲. مکارم الآثار، ج ۶، ص ۱۹۲۳.

۲- ۲۴۳. مهدوی: اعلام اصفهان، ج ۱، ص ۱۰۸.

او را به تکیه صاحب روضات آورده و در این تکیه مدفون ساخته اند.^(۱) (رحمه‌الله علیه).

۹ - ملا محراب گیلانی: متوفی ۱۲۱۷ ق. عالم و عارف وارسته که در تهذیب و محاسبه‌ی نفس بی نظیر بود. حکمت و عرفان را نزد آقا محمد بیدآبادی و ملا اسماعیل خواجویی و سید قطب الدین نیریزی کسب نمود. در تصوف و عرفان استاد بود و ارادتمندانش درباره‌ی او حکایاتی نقل کرده اند. از جمله آنها ملا محمد تنکابنی مؤلف کتاب قصص العلماء است که این حکایت را در مورد ملا محراب نقل می کند که زمانی ملا محراب به زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام مشرف شد، بعد از نماز صبح فردی را دید که حکماء صوفیه را لعن می کند. یک تسبیح ملاصدر را لعن کرد. بعد یک تسبیح ملا محسن فیض کاشانی و بعد یک تسبیح ملا محراب را لعن نمود. ملا محراب از او پرسید که چرا محراب را لعن می کنی؟ گفت: به جهت اینکه او به «وحدت واجب الوجود» قائل است. ملا محراب به او گفت: پس او را لعن کن تا چنین اعتقادی پیدا

نکند (واقعیت ماجرا این بود که آن فرد شنیده بود که صوفیه به وحدت وجود قائلند. ولی او فرق میان «وحدت وجود» و «وحدت واجب الوجود» را در نیافته بود). یک حکایت دیگر در مورد ملا محراب در مورد تعبیرهای خواب وی می باشد. مؤلف قصص العلماء می گوید که پدرم در خواب دید که داخل بهشت شده و از نهر آنجا یک عدد در برداشت. پس خواب را برای ملا محراب نقل نمود. ملا محراب خواب را چنین تعبیر نمود که «تو را ازدواج زنی از طایفه سادات مقدر است، و از آن زن برای تو پسری خواهد شد که از مشاهیر علمای آن عصر و از اولیاء خدا خواهد بود».^(۲)

وی از جمله حکمایی است که در اصفهان میراث فلسفی ملاصدر را حفظ کرد و به اخلاف رسانید. از شاگردانش می توان به ملا حسن نائینی (مدفون در تکیه بابا رکن الدین) اشاره نمود. سنگ قبری بسیار عالمانه دارد که امروز به صورت ایستاده بر مزارش موجود است.

۱۰ - سید محمد روضاتی: فرزند میرزا جعفر. متوفی ۱۳۹۶ ق. عالم فاضل متقی. از بارزترین خصوصیات ایشان یکی توکل و دیگر مهمان دوستی بود. با آنکه عائله‌ای سنگین داشت، اما حدود پنجاه سال ظهر و شب در خانه او به روی همه باز بود. مهمان را عامل خیر و برکت زندگی اش می دانست. نقل است شب آخر عمرش در بستر رو به قبله خوابیده بود. تنی چند از دوستان و

ص: ۱۶۷

۱- ۲۴۴. گزی، عبدالکریم، تذکره‌القبور، ص ۷۹.

۲- ۲۴۵. قصص العلماء، صص ۷۴ و ۷۵.

ارادتمندانش در کنار بستر نشسته بودند. با اشاره به حضار گفته بود از خودتان پذیرایی کنید. نزدیک نیمه شب روی به دوستان و فرزندان می کند و با دو انگشت خود که صدایی از آن بیرون می آورد روی به همگان می فرماید: ما که رفتیم یا حق! چشمهایش را فرو می بندد و جان به جان آفرین تسلیم می کند. (۱)

۱۱ - عباسعلی خرم لنبانی: فرزند هالو کاظم، متوفی ۱۳۲۴ ق. از شاعران نامدار اصفهان در دوره قاجاریه، متخلص به «خرم». از اشعار اوست:

ساقیا امشب به غیر از من مده کس را شراب

یک ده آباد به باشد ز صد شهر خراب (۲)

۱۲ - میرزا حسین کشیکچی: متوفی قبل از ۱۳۱۳ ق. از مریدان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که با آن امام بزرگوار در ارتباط بوده و در این باره این داستان نقل است:

جناب حجهالاسلام حاج آقا جمال اصفهانی رحمهالله علیه (مدفون در تکیه مادر شاهزاده) به نقل از یکی از تاجران صالح و مورد اعتماد اصفهان چنین نقل فرموده است:

در مسیر مسافرتم به بیت الله الحرام، چون به نزدیکی کربلا رسیدم، آن بسته ای را که همه ی پول و مخارج سفر باقی اثاثیه و لوازم من در آن بود، دزد برد و در کربلا هم هیچ آشنایی نداشتم که از او پول قرض کنم. تصور آن که با آن همه دارایی تا آنجا رسیده باشم و از حج محروم شوم، بی اندازه مرا غمگین و افسرده کرده بود. حیران و سرگردان مانده بودم که به

ذهنم رسید شب را به مسجد کوفه بروم. در بین راه که تنها از غم و غصه سرم را پایین انداخته بودم، دیدم سواری با کمال هیبت و اوصافی که در وجود مبارک حضرت صاحب الأمر علیه السلام بدان توصیف شده است، در برابرم پیدا شد و فرمود: «چرا این چنین افسرده حالی؟» عرض کردم: «مسافرم و در طول مسیر خسته شده ام.» فرمودند: «اگر علتی غیر از این دارد، بگو!» شرح حال را عرض کردم. در این حال صدا زدند: «هالو!» به ناگاه دیدم که شخصی با لباس نمادی، در قیافه ی حمال ها و کشیکچی های بازار اصفهان، ظاهر شد. در نزدیکی حجره ی ما در بازار اصفهان یک کشیکچی (محافظ و نگهبان مغازه ها) به نام هالو بود. در آن لحظه که آن شخص حاضر شد، خوب نگاه کردم، دیدم همان هالوی اصفهان است. حضرت به او

ص: ۱۶۸

۱- ۲۴۶. خلیل رفاهی: گردش ایام، ص ۲۸۳.

۲- ۲۴۷. مهدوی: مزارات اصفهان، ص ۵۹ و ۶۰، دیوان شعر این شاعر تحت عنوان «دشت خرم» توسط مجموعه فرهنگی - مذهبی تخت فولاد به چاپ رسیده است.

فرمودند: «اثاثیه ای را که دزد از او برده است، به او برسان! و او را به مکه ببر!» و به ناگاه ناپدید شدند. آن شخص به من گفت: «در فلان ساعت از شب به فلان جا بیا تا اثاثیه ات را به تو برسانم!» وقتی آنجا حاضر شدم، او هم تشریف آورد و بسته ی پول و اثاثیه ام را به دستم داد و فرمود: «درست نگاه کن و ببین اموال و اثاثیه ات تمام است؟» بسته را باز کردم و دیدم چیزی از آنها کم نشده است. فرمود: «برو اثاثیه ی خود را به کسی بسپار! و فلان زمان در فلان مکان حاضر باش تا تو را به مکه برسانم!»



مقبره میرزا حسین کشیکچی

من سر موعد حاضر شدم و او هم حاضر شد. فرمود: «پشت سر من بیا!» به دنبال او راه افتادم. مقدار کمی از مسافت که طی شد، به ناگاه خود را در مکه دیدم. فرمود: «بعد از اعمال حج، در فلان مکان حاضر شو تا تو را برگردانم و به رفقای خود بگو: با شخصی دیگر از راه نزدیک تر آمده ام، تا متوجه نشوند.»

پس از اعمال حج در موعد مقرر حاضر شدم و جناب هالو مرا به همان طریق به کربلا باز گردانید. آن جناب در مسیر رفت و برگشت به ملایمت با من سخن می گفت، اما هر وقت می خواستم بیرسم که آیا شما همان هالوی بازار اصفهان هستید، هیبت او مانع از پرسیدن می شد.

هنگامی که به کربلای معلّی رسیدیم، رو به من کرد و فرمود: «آیا حق محبت من بر گردن تو ثابت شد؟» گفتم: «بلی» فرمود: «تقاضایی دارم که به وقتش از تو خواهم خواست تا برایم انجام بدهی.» و آن گاه از من جدا شد.

.... به اصفهان آمدم و برای رفت و آمد مردم در خانه نشستم. روز اول، دیدم جناب هالو وارد شد. خواستم از جای خویش برخیزم و به خاطر مقامی که از او دیده ام، او را اکرام و احترام نمایم که با اشاره از من خواست در جایم بنشینم و چیزی نگویم. آن گاه به قهوه خانه رفت و پیش خادم ها نشست و در آنجا مانند خدمتکاران چای خورد و قلیانی کشید. بعد از آن، وقتی خواست برود، نزد من آمد و آهسته فرمود: «آن تقاضایی که از تو داشتم، این است که روز پنج شنبه، دو ساعت به ظهر مانده، به منزل بیایی تا کارم را به تو بگویم! آن گاه آدرس منزلش را داد و تأکید فرمود سر ساعتی که گفتم، به این آدرس بیا! نه زودتر و نه دیرتر».

در روز موعود، با خود گفتم: «چه خوب است ساعتی زودتر بروم تا فرصتی بیابم در کنار هالو بنشینم و احوال امام زمانم را از او بپرسم. شاید به برکت همنشینی با هالو من هم آدم بشوم!» به آدرسی که فرموده بود، رفتم؛ اما هرچه گشتم، خانه ی او را پیدا نکردم. ساعتی گذشت تا آن که رأس ساعتی که فرموده بود، به ناگاه خانه اش را یافتم. آمدم در بزنم، دیدم در باز شد و سید بزرگواری غرق نور، عمامه ی سبزی به سر و شالی مشکی به کمر، از خانه ی هالو خارج شد. به ناگاه دیدم که هالو نیز به دنبال آن سید نورانی از خانه خارج و با تواضع و احترام فوق العاده ای به دنبال آن جناب روان شد. در آن هنگام شنیدم که هالو خطاب به آن بزرگواری می گفت: «سیدی و مولای! خوش آمدی! لطف فرمودید به خانه ی این حقیر تشریف آوردید!!» هالو تا انتهای کوچه او را بدرقه کرد و باز گشت. در هاله ای از تعجب و حیرت پرسیدم: «هالو! او که بود؟!» پاسخ داد: «وای بر تو! مولای خود را نشناختی؟! او حجت بن الحسن علیه السلام بود که در آخرین روز عمرم لطف فرموده، به دیدارم آمده بود. و اما از تو می خواهم که فردا صبح به ابتدای بازار بروی و حمال ها و کشیکچی ها را با خود به این خانه بیاوری! در این خانه باز خواهد بود و وقتی به آن وارد می شوی، من از دنیا رفته ام. کفنم را به همراه ۸ تومان پول آماده کرده ام و در گوشه ی اتاق گذاشته ام. آن را بردار و با کمک دیگران بدنم را غسل بده و کفن کن و در قبرستان تخت فولاد به خاک بسپار!!».

.... صبح جمعه، غریبانه جنازه ی او را برداشتیم و پس از غسل و کفن، در گوشه ای از قبرستان

تخت فولاد به خاک سپردیم. وقتی خاک ها را روی بدن مطهرش ریختند غرق اشک و آه فریاد زدم: «مردم! هیچ کدام از شما او را نشناختید! او یکی از اولیای خدا و امام زمان علیه السلام بود».

آن گاه به سراغ همسفران مکه ام رفتم و همه را جمع کرده، به خانه ی آیت الله روضاتی رضوان الله تعالی علیه بردم و خطاب به آن جناب گفتم: «آقا! همه ی همسفرانم شاهدند که در طول سفر حج از آنها جدا شدم.... عاقبت امام زمان علیه السلام مرا نجات داد و کسی که به دستور حضرت، اموال و اثاثیه ام را به من بازگرداند و مرا به مسجدالحرام و از آن جا دوباره به کربلا رسانید، هالو بود».

آیت الله سید محمد باقر چهارسوقی، به محض شنیدن این کلام، سراسیمه و گریان به سوی تخت فولاد حرکت کرد و موجی از مردم نیز به همراه او روان شدند. به سرعت خود را به قبر هالو رسانید و بر روی قبر او انداخت و گریه ها کرد. وقتی از روی قبر برخاست، رو به جمعیت کرد و فرمود: «مردم اصفهان! در همین جا به شما وصیت می کنم که وقتی من مُردم، مرا در این جا در کنار قبر هالو دفن کنید! می خواهم وقتی امام زمان علیه السلام به زیارت قبر هالو تشریف می آورند، از روی قبر من عبور کنند و نگاهی هم به من بیندازند».

آری، صاحب کتاب شریف روضات الجنات، معروف به آیت الله چهارسوقی، همواره در طول حیات پربرکت خویش، با اشاره به گوشه ای دورافتاده از قبرستان تخت فولاد، تأکید اکید و توصیه ی شدید می فرمود که مرا در این زمین دفن نمایید و چون از علّت آن می پرسیدند، می فرمود: «این جا مدفن یکی از اولیای مکرم الهی است و من می خواهم که در جوار او دفن شوم» (۱).

قبور علمای بسیار دیگری از خاندان روضاتی و یا علمای دیگر در این تکیه موجود است. (۲)

ص: ۱۷۱

۱- ۲۴۸. ر. ک: نهانندی: شیخ علی اکبر، العبقری الحسان، ج ۲، جزء ۴، ص ۱۰۵؛ معلم، سید جواد: برکات حضرت ولی عصر(عج) (حکایات العبقری الحسان)، ص ۱۲۷ - ۱۲۵. مطالب این قست از کتاب سالنامه ۱۳۸۴ ش. (ویژه نامه راهکارهای ارتباط معنوی با امام زمان(عج)) نقل شد.

۲- ۲۴۹. برای اطلاع از علمای مدفون این تکیه ر. ک: گزی، عبدالکریم: تذکرها لقبور، صص ۵۶ و ۷۹؛ مهدوی: سیری در تخت فولاد، صص ۸۲ - ۷۷؛ همایی: تاریخ اصفهان (مجلد ابنیه و عمارات)، صص ۳۷۸ - ۳۵۰؛ مهدوی: بزرگان و دانشمندان اصفهان؛ روضاتی، آیت الله حاج سید محمد علی: زندگانی آیت الله چهارسوقی؛ معلّم حبیب آبادی، کتاب مکارم الآثار.

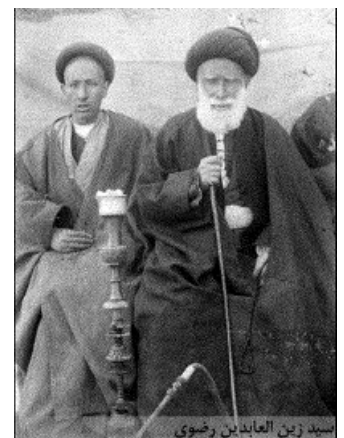
این تکیه مربوط به دوره ی قاجاری بعد از وفات علّامه فقیه آقا میرزا ابوالمعالی محمّد (متوفّی ۱۳۱۵ ق) کوچکترین فرزند علّامه جلیل محمّد ابراهیم کلباسی، توسط میرزا احمد ملّاباشی، داماد میرزا ابوالمعالی به سبک معمول دوره ی قاجاری به شکل هشت ضلعی ایجاد گردید.

از لحاظ معماری مانند سایر بقعه های تخت فولاد می باشد، با این تفاوت که در ساخت پنجره های شبکه ای آجری آن نهایت زیبایی و ظرافت به کار گرفته شده است.

پس از وفات میرزا ابوالمعالی پیکر او در نزدیکی قبر جدّ بزرگوارش حاج محمّد حسن کلباسی (مدفون در تکیه خواجهویی) دفن کردند.

کمی پایین تر از این تکیه به سمت تکیه ملّک یک محدوده کوچکی قرار داشت که در آن مقبره ی چند تن از سادات بزرگوار رضوی قرار داشت. که از علمای برجسته روزگار خویش بودند. دو نفر از علمای برجسته این خاندان عبارت بودند از:

۱ - سیّد زین العابدین رضوی خوانساری: متوفّی ۱۳۰۷ ق. عالم فقیه و بزرگوار و مؤلف کتاب «حسام الشیعه». وی از جمله افرادی بود که شرف ملاقات امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را درک نموده و صاحب کرامت و مستجاب الدعوه بود. (۱)



ص: ۱۷۲

۲ - سید محمد رضوی خوانساری: متوفی ۱۳۷۴ ق. مجتهد بزرگوار، که پس از رسیدن به درجه اجتهاد تا آخر عمر دقیقه ای از تألیف و تصنیف و ارشاد و هدایت غافل نبود. وی صاحب بیش از سی اثر می باشد. (۱) فرزندش سید بهاءالدین رضوی متخلص به «جهدی» که از آزادیخواهان مشروطه بود، کنار وی دفن شد. (۲)

موقعیت جغرافیایی تکیه

تکیه ابوالمعالی از جنوب به تکیه ملا اسماعیل خواجویی با فاصله کوچکی لسان الارض و از غرب با تکیه جهانگیر خان قشقایی محدود می باشد.

بزرگان و مدفونین در تکیه

۱ - میرزا ابوالمعالی کلباسی: فرزند علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی، متوفی ۱۳۱۵ ق. عالم محقق، مدقق، از فقهاء و علمایی که در تقوی و علم بی نظیر بوده است. چنانکه نقل است در همه اوقات به تفکر و نوشتن مشغول بود. حتی اگر در حمام به یک مسئله علمی می رسید، به رخت کن آمده آن را می نوشت و دوباره به حمام برمی گشت، تا آنکه از زیادی تفکر و مطالعه به خصوص در علم اصول، به ضعف قلب مبتلا شد و تا آخر به این درد مبتلا بود. وی حدود هفتاد کتاب و رساله در موضوعات فقهی، اصولی، رجالی و غیره دارد که برخی از آنها به چاپ رسیده است. از آن جمله: الف) رساله در استشفاء به تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام تاریخ نگارش این رساله را ۱۲۵۸ ق. ذکر کرده اند. اگر این تاریخ صحیح باشد کتاب را به سن یازده سالگی و در زمان پدر تألیف و چاپ کرده است. ب) رساله در کیفیت زیارت عاشورا

ج) مجموعه ی الرسائل: شامل پانزده رساله در موضوعات فقهی، اصولی، رجالی د) بشارات در علم اصول (سه جلد) و رساله های متعدد دیگر. (۳)

سخنی در فضایل اخلاقی میرزا ابوالمعالی کلباسی وی در نماز واجبش تعقیبات را با تأکید بسیار اقامه می نمود. بسیار اتفاق می افتاد که بعد از نماز مغرب و عشا به تعقیب و زیارت و سجده می پرداخت. بعد از نماز صبح تا دو ساعت بعد از آفتاب مشغول به تعقیبات بود. به سادات فوق العاده احترام می کرد و حتی شاگرد خود را هنگام داخل و

ص: ۱۷۳

۱- ۲۵۱. در مورد ایشان کرامتی در کتاب ناگفته های عارفان نوشته محمدجواد نورمحمدی صفحه ۱۱۵ نقل شده است.

۲- ۲۵۲. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۴۹ و ۳۵۰.

۳- ۲۵۳. ر. ک: گزی، شیخ عبدالکریم: تذکره القبور، ص ۳۳ و ۳۴.

خارج شدن از منزل بر خود مقدم می داشت.



شیخ عبدالکریم گزی می نویسد: «نقل است که مجلس آن مرحوم، مصداق حدیث حواریین و عیسی علیه السلام بود که عرض کردند: با که مجالست کنیم؟ پیامبر فرمودند: با کسی که دیدار او، شما را به یاد خدا اندازد، گفتار او در علم شما افزاید، کردار او شما را مایل به آخرت نماید»^(۱).

مشهور است هر کس سر قبر آقا میرزا ابوالمعالی برود و چهل بار سوره ی حمد بخواند به حاجت و مطلبش می رسد. مرحوم آیت الله صافی نقل کرده اند که حاج آقا منیر احمدآبادی قرض زیادی داشت که از پرداخت آن ناتوان بود. از این رو به تخت فولاد سر قبر مرحوم ابوالمعالی می رود و برای ادای دینش آنجا توسل پیدا می کند و ختمی برمی دارد. پس از مدتی می بیند که درشکه ای درب تکیه ایستاد و وی را سوار نمود و نزد حاجی ابراهیم ملک التجار (از ثروتمندان نیکوکار اصفهان) برد. آن مرد تاجر قرض وی را پرداخت نمود. حاج آقا منیر می پرسد که چگونه از مشکلم مطلع شدی؟ گفت:

ص: ۱۷۴

هرگز عادت به خواب قبل از ظهر نداشتیم، امروز ناگهان خوابم گرفت. در خواب ابوالمعالی به من گفت: «حاج آقا منیر بدهکاری دارد و سر قبر من آمده توسل جسته است. قرض او را اداء کن».^(۱)

۲ - میرزا ابوالهدی کلباسی: فرزند ابوالمعالی، متوفی ۱۳۵۶ ق. از فقها و علمای برجسته ی اصفهان به ویژه در علم رجال و رایه استاد کم نظیری بود. مؤلف آثار ارزشمندی چون بدرالتمام و سماءالمقال در علم رجال که سی سال برای تألیف آن زحمت کشید. وی به مکاشفات و حالات روحانی نیز دست یافته بود. چنانکه در جایی می نویسد: «مدتی برای این که در معارف یقین بیشتر پیدا کنم تردید داشتم آیا مقام توحید را دارم یا خیر؟ به پیشگاه خدا تضرع می کردم تا این که روز چهارشنبه ۲۷ صفر ۱۳۵۳ ق. پس از ادای فریضه ی صبح مشغول به خواندن برخی از اذکار بودم، از جمله «لا اله الا الله الملك الحق المبين» حالت عجیبی برایم رخ داد و دیدم گویا این معارف روی آئینه شفاف نوشته شده و آن آئینه هم قلب من است. از این رو احساس مسرت عجیبی می کردم...».

ابوالهدی عقیده داشت ثبت و ضبط معجزات و کرامات اهل بیت علیهم السلام ثواب دارد. از این رو آنچه را می شنید با حفظ سند جمع آوری می کرد.^(۲)

۳ - میرزا جمال الدین کلباسی: فرزند ابوالمعالی، متوفی ۱۳۵۰ ق. فقیه و مجتهد کامل و جلیل القدر مؤلف آثار: الف) تلخیص الهیه ب) اصول فقه و آثار دیگر. وی و برادرش در اصفهان از لحاظ زهد و تقوی به سلمان و ابوذر زمان معروف بودند. ایشان نیز مانند پدر فردی گوشه نشین بود و در تمام مدت عمر دقیقه ای از تألیف و تدریس و عبادت غافل نبود. نماز ایشان از زبده ترین جماعات اصفهان محسوب می شد.^(۳)

ص: ۱۷۵

۱- ۲۵۵. رحیمی اصفهانی، وارثان انبیاء، ج ۱، ص ۱۷۶.

۲- ۲۵۶. گلی زواره ای: ناصح صالح، ص ۹۳ به نقل از مجله حوزه، سال چهارم، شماره ۸۳، ص ۳۸.

۳- ۲۵۷. مهدوی: دانشمندان و بزرگان، ص ۱۰۸.

۴ - حاج شیخ محمدحسین آشنی: متوفی ۱۳۷۵ ق. مجتهد برجسته و فقیه زاهد. ایشان به تهجد و نماز شب تأکید بسیار داشت و در این خصوص کرامتی از ایشان نقل شده است. وی صاحب آثار ارزشمندی می باشد. (۱)



۵ - شیخ نورالدین فرزند محمدحسین آشنی: عالم فاضل حکیم واعظ دانشمند، متوفی ۱۳۹۸ ق. از علمایی که مقام علمی او حتی نزد بسیاری از اهل علم و کمال نیز مجهول بود. وی در رفع حوایج مردم می کوشید و عالمی جلیل و واعظی شیرین زبان بود. (۲)

از قول مرحوم آقا نور آشنی نقل است که: پدرم مرحوم آقا شیخ محمدحسین آشنی در تهجد و نماز شب خود مقید بود که هر شب در قنوت وترش نام چهل مؤمن را ذکر کند و نام تمام اساتیدی را که نزد آنان درس خوانده بود و یا علما و صاحبان تراجم را که دیده بود، یک یک با

ذکر نام پدر هر کدام در قنوت می آورد. من از این وضعیت خسته شدم و پیش خود گفتم بجای این همه زحمت و گرفته شدن وقت، خوب است همین طور فقط بگوئید: اللهم اغفر للماضین، و خلاصه یک شب از پدرم پرسیدم که این چه زحمتی است که شما به خودتان می دهید؟ در جواب فرمود: آری پسر من هم یک بار چنین فکر کردم. حقیقتش، من مدتها این کار را می کردم تا اینکه یک بار به ذهنم رسید که این چه کاری است که من می کنم و مدتی این کار را ترک کردم. تا این که شبی در عالم رؤیا خدمت یکی از بزرگان رسیدم و سلام کردم. ایشان با کراحت جواب سلام مرا دادند. گفتم: آقا من چه کار کرده ام که اینگونه از من ناراحتید؟ ایشان فرمود: برو، تو که مرسوم ما را قطع کردی! و خلاصه فهمیدم که ارواح اموات منتظرند و از ما توقع دارند؛ لذا دوبرتبه همان کار خود را شروع کردم. (۳)

ص: ۱۷۶

۱- ۲۵۸. کرباسی زاده: مشاهیر مزار ابوالمعالی کلباسی، ص ۲۰۵.

۲- ۲۵۹. مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۲، ص ۳۵۳.

۳- ۲۶۰. کرباسی زاده: نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی، ص ۱۱۸.

۶ - میرزا عبدالرحیم کلباسی: پدر آیت الله محمّد رضا کلباسی، متوفی ۱۳۳۵ ق. عالم فاضل و فقیه برجسته صاحب آثار ارزشمند علمی چون الف) تفسیر و معنی قرآن ب) تعلیقه بر رسائل شیخ انصاری و آثار دیگر. داستان ترغیب آیت الله آقا سید ابوالحسن مدیسه ای به تحصیل علم توسط ایشان(۱) و یا منبر رفتن ایشان و خطابه جذاب فرزند وی جهت آنکه مردم را برای انجام نماز باران آماده نمود و همین امر مقدمه ای برای بنای مسجد رکن الملک شد از حکایات جالب در مورد ایشان است.(۲)



۷ - سید حسن کاشانی: متوفی ۱۳۲۰ ق. ملقب به «سلطان الواعظین»، ادیب و سخنور برجسته ی دوره ی قاجاری که در قدرت بیان و صراحت کلام بی نظیر بود. و صاحب آثاری چون الف) مواعظ حسنه ب) رساله در امر به معروف و نهی از منکر و رساله های دیگر است.

۸ - رضا فلسفی: متوفی ۱۳۵۸ هجری شمسی ادیب و روزنامه نگار.(۳)

۹ - آقا جان کاشی پز: متوفی ۱۳۳۶ ق. معمار و هنرمند.(۴)

۱۰ - استاد علی بدیع الصنائع: متوفی ۱۳۸۲ ق. معمار آثار تاریخی.(۵)

۱۱ - مهدی نوایی: متوفی ۱۳۲۶ هجری شمسی، شاعر و موسیقی دان بزرگ که آثار ارزنده از خود به جای گذاشته است. وی از شاگردان برجسته مرحوم نایب اسدالله اصفهانی بود.(۶)

۱۲ - مصطفی شریفیان: متوفی ۱۳۵۷ هجری شمسی نقاش و مینیاتورست برجسته ی دوره ی

ص: ۱۷۷

۱- ۲۶۱. کرباسی زاده: همان، ص ۱۹۱ .

۲- ۲۶۲. یادداشت های حجت الاسلام حاج آقا احمد کلباسی.

۳- ۲۶۳. نصرالهی: جزوه تخت فولاد سرزمین جاویدان، مشاهیر تکیه ی ابوالمعالی کلباسی.

۴- ۲۶۴. همان.

۵- ۲۶۵. همان.

۶-۲۶۶. نیکونژاد، حسین: چهره افروختگان خطّه ی زنده رود، ص ۱۲۲.

۱۳ - میرزا موسی خان انصاری: متوفی ۱۳۶۰ ق. مشهور به «شیخ الانصار» شاعر و ادیب برجسته و صاحب «دیوان اشعار» از اشعار اوست:

در حریم خلوت دل جای هر بیگانه نیست

جز خیال دوست کس را راه در این خانه نیست

بوسه از یاقوت لعل او طلب کردم بجان

گفت نقد جان بهای گوهر یکدانه نیست (۲)

۱۴ - باقرخان عراقی: متوفی ۱۳۵۴ ق. آزادیخواه و مبارز عصر مشروطیت.

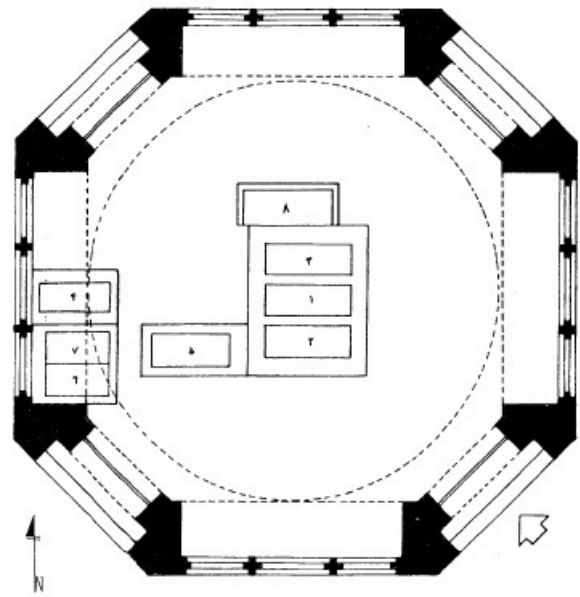
۱۵ - محمود مقتدایی خوراسگانی: متوفی ۱۳۸۴ ه. ق. عالم و فقیه عالیقدر اصفهان و داماد شیخ جمال الدین کلباسی بوده است. (۳)

ص: ۱۷۸

۱- ۲۶۷. نصرالهی: جزوه تخت فولاد سرزمین جاویدان، مشاهیر تکیه ابوالمعالی کلباسی.

۲- ۲۶۸. بهشتیان، عباس: بخشی از گنجینه آثار ملی، ص ۷۳.

۳- ۲۶۹. کرباسی زاده: همان، ص ۱۱۳ - ۱۰۹.



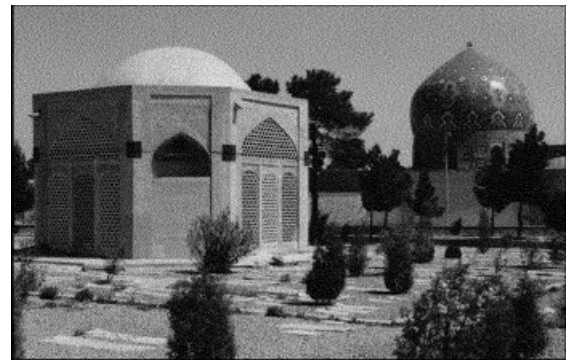
(٥) شيخ محمد باقر كلياسي
(٦) شيخ محمد مسيرن اشقري
(٧) شيخ نور الدين اشقري
(٨) شاه ميرزا محمود مقتدائي

(١) آقا ميرزا ابوالفضل كلياسي
(٢) شاه ميرزا جمال الدين كلياسي
(٣) شاه ميرزا ابوالهدى كلياسي (كمال الدين)
(٤) شيخ موسى كلياسي

اشاره

این تکیه از آثار دوره ی قاجاریه است و در وسط تکیه، بقعه ی آجری، بر مزار علّامه جلیل و فقیه بزرگوار مرحوم آیت الله عبدالغفار تویسرکانی از علمای بزرگ اصفهان (متوفّی به سال ۱۳۱۹ هجری قمری) قرار دارد.

بنای بقعه عبارت از بنای هشت ضلعی با پنجره های مشبک آجری است. از ویژگی های این بقعه کاشیکاری کف بقعه می باشد. از دیگر ویژگی های بارز این تکیه دفن یکی از خاندان های علمی معروف اصفهان «خاندان قُدسی» و قبور شعرای معروف اصفهانی است.



بقعه تکیه تویسرکانی

موقعیت جغرافیایی تکیه

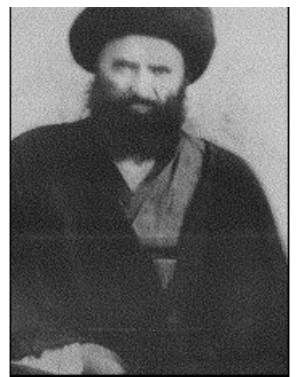
این تکیه درست در پشت گنبد مسجد رکن الملک و اولین تکیه دست چپ در کوچه ی تکیه ی میر است، که از طرف شرق به کاروانسرای ملک و از شمال به کوچه تکیه ی میر و از طرف غرب به کلانتری شانزده و از طرف جنوب به تکیه ی گلزار منتهی می شود.

۱ - حاج میرزا عبدالغفار حسینی تویسرکانی:

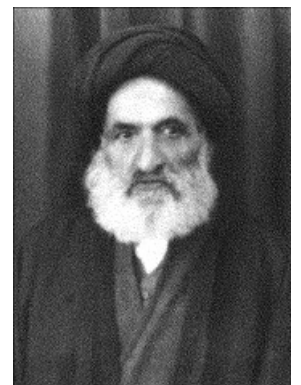
که مدّاح شوشتر ز غفّار ذنب

مرا سال تاریخ شد (بالغفور) (۱)

فرزند سید محمدحسین حسینی. متوفی ۱۳۱۹ ق. علّامه جلیل، فقیه و مجتهد عالی مقام جامع علوم معقول و منقول. وی از شاگردان ملا حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سید محمد شهشهرانی بوده است و صاحب آثاری چون الف (حواشی بر اسفار ب) حاشیه بر شرح اشارات ج) حاشیه بر شرایع و.... می باشد. (۲)



۲ - میر سید علی آیت نجف آبادی: متوفی ۱۳۶۲ ق. عالم فاضل، فقیه برجسته و مجتهد ژرف اندیش که در اواخر عمر کمتر فقیهی به جامعیت او بود. در فقه و اصول و حکمت و خصوصاً کلام بسیار ماهر بود. در نهایت قناعت و ساده زیستی زندگی می کرد. بیشتر منابرش را به ولایت ائمه اطهار صلوات الله علیهم برگزار می نمود. با اینکه مجتهدی بزرگ و فقیهی عالیقدر بود با مردم نشست و برخاست بسیار داشت و منبر زیاد می رفت و مکرر در منبرهایش می فرمود که باید ترجمه نماز را به مردم آموخت تا موقع نماز



ص: ۱۸۱

خواندن متوجه باشند، با که سخن می گویند و چه می گویند؛ در این صورت کسی که نماز می خواند حضور قلب پیدا خواهد کرد. (۱)

وی در زمان مشروطیت در یکی از زندان های روسیه در ایران زندانی شد و در آن جا به قتل محکوم شد. خودش می گفت که در زندان یقین پیدا کردم که کشته خواهم شد. به همین دلیل نذر کردم که اگر خداوند مرا از زندان نجات داد و آزاد شدم، در مراسم امام حسین علیه السلام منبر روم و مردم را موعظه و ارشاد و مصائب آل الله عليهم السلام را بیان کنم. (۲)

کمی بعد با این توسل بود که به طور معجزه آسایی از مرگ رهایی می یابد و به واسطه این توجهات نذر می کند که تا آخر عمر خویش، منبر و روضه خوانی را ترک نکند. درباره صلوات بر اهل بیت عليهم السلام نیز معتقد بودند که صلوات و سلام و تحیات بر آن بزرگواران موجب رفعت و مزید مقام آنها نیست. زیرا که آنان در مقام قاب قوسین و نورالانوارند ولی صلوات بر آنها تعظیم و تجلیل

آنهاست و نتیجه رفعت مقام و زیادت عائد شود از طرف خدا به شیعیان و تابعان و رعایای آنها. (۳)

همه ساله در ماه رمضان در مدرسه ی صدر جلسه ی تفسیر قرآن برگزار می نمود. و نکته ی مهم درس های ایشان آن بود که اجتهادی درس می داد و بسیاری از علما از محضر او کسب علم می نمودند. وی معتقد بود مجتهد نباید ناقل صرف باشد بلکه باید استدلالی درس بدهد.

از آثارش حاشیه بر حاشیه آقا ضیاءالدین عراقی بر کفایه را می توان نام برد. از شاگردان ایشان می توان به: حاج میرزا علی آقا شیرازی، میر سید علی علامه فانی، بانو امین و شهید سید ابوالحسن شمس آبادی اشاره نمود. (۴)

عالم عالیقدر آیت الله عالم نجف آبادی (مدفون در تکیه کازرونی) این حکایت در مورد آیت الله آقا سید علی نجف آبادی را نقل فرموده اند که در یکی از ایام در مدرسه جدّه کوچک اصفهان بودم، با خودم گفتم: خدایا اولیای تو از دست تو جام می نوشند ما از دست تو جرعه ای ننوشیدیم، پس لااقل از دست یکی از اولیای خودت جرعه ای به ما بنوشان. پس از چند وقت آیت الله حاج آقا سید علی

ص: ۱۸۲

۱- ۲۷۲. نورمحمدی: شرح حال مجتهد نجف آبادی، ص ۴۱.

۲- ۲۷۳. همان منبع، ص ۵۷.

۳- ۲۷۴. همان منبع، ص ۹۳ و ۹۳.

۴- ۲۷۵. نورمحمدی، محمدجواد: حکایت پارسایی، صص ۱۲۸ - ۱۲۰.

نجف آبادی را در خواب دیدم و در عالم رؤیا به من شربتی دادند و چون شربت را در عالم رؤیا از دست ایشان خوردم در فهم درس ها موفق تر بودم و قدرت در کم قوی تر شد. (۱)

۳- حاج سید محمدعلی مبارکه ای: عالم فرزانه و ادیب بزرگوار و واعظ شهیر متوفی ۱۳۶۵ ق. آثار او حدود سی اثر ارزشمند است که از آن جمله: الف) تاریخ اصفهان در پنج جلد ب) دانشوران اصفهان در شش جلد ج) دیوان اشعار د) صراط المستقیم ه) نورالقدس (در شرح احوال علامه مجلسی) و) ثمرات العلوم ز) کشف المهلکات درباره سموم مسکرات است. مطابق کشفیات پزشکی و ادیان آسمانی آیات عبرانی و سریانی و عربی از تورات و انجیل و قرآن مجید. قابل ذکر است. (۲)



وی اهل سیر و سیاحت بود و از طریق افغانستان راهی هندوستان شده و تمامی بلاد هند را تا سرحد هندوچین و شانگهای دیده و سپس از آنجا عازم سنگاپور شده و پس از سیاحت و تحقیق مجدداً به کلکته مراجعه و مشاهدات خود را در روزنامه جبل المتین منتشر نمود که مورد توجه قرار گرفت.

وی از مراجع تقلید عصر از قبیل مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت الله میرزای نائینی و آیت الله آقا ضیاءالدین عراق استفاده نموده و به تصدیق مراتب علمی و اجتهاد نایل گشت. وی به عشق فراگیری علم از نجف به جانب شام و مصر و ممالک غرب و از آنجا به طرف آفریقا

ص: ۱۸۳

۱- ۲۷۶. نورمحمدی: ناگفته های عارفان، ص ۱۵۸.

۲- ۲۷۷. جهت شرح حال وی به کتاب واعظ خیابانی: علمای معاصر، صص ۴۴۴ - ۴۴۲؛ و کتاب مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت اصفهان ویژه اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام به کوشش فضل الله صلواتی مراجعه نمائید (مقاله شرح حال مرحوم آیت الله حاج سید علی مبارکه ای نوشته رضا موسوی نسب).

مسافرت نموده و در سامراء از محضر آقابزرگ طهرانی استفاده کامل نموده و در جامع الازهر خدمت شیخ طنطاوی جوهری و در شام نیز خدمت سید محسن عاملی رسید.

مرحوم مبارکه ای به دلیل روشن گویی و صراحت لهجه و نیز افشاگری علیه حکومت زمانه دستگیر و به زندان افتاد. در مدت نه ماهی که در زندان به سر می برد به نوشتن رسالات مذهبی و نیز ارشاد زندانیان می پردازد. وی مباحثاتی با کسروی در ردّ نوآوری ها و بدعت های او داشته که در نشریه های آن عصر و از جمله روزنامه نقش جهان برای اطلاع عموم به چاپ می رسید. در آثار قلمی وی تسلط بر بیان و قدرت در کلام و احاطه وی بر معلومات به صورت توأمان دیده می شد. (۱)

در بین بزرگان اهل منبر معاصرش کمتر کسی قدرت بیان او را داشته است. وی از طبع شعر سرشاری برخوردار بود و «صفایی» تخلّص می کرد. از اشعار اوست:

مرا یاری است که نامش گفتنی نیست

لب لعلش عقیق سفتنی نیست

بدو گفتم که شب آیی بخوابم

بگفتا چشم عاشق خفتنی نیست (۲)

۴ - حاج میرزا محمّدباقر تویسرکانی: فرزند حاج میرزا عبدالغفار. متوفی ۱۳۷۴ ق. وی نیز مانند پدر بزرگوارش از فقهاء و علمای پرهیزگار و صاحب علم و کمال بود و صاحب آثار ارزشمندی چون الف) حواشی بر تفسیر روح البیان ب) روض الجنان فی حالات صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ج) مشکاه الضیاء (در احوال حضرت زهرا علیها السلام) می باشد. از علمای بزرگی چون میرزا بدیع درب امامی و آخوند کاشی کسب علم نمود. (۳)

در این تکیه همچنین خاندان قدسی از خاندان های با فضل و هنر در زمینه ادب و هنر و چند شاعر برجسته دیگر مدفون هستند که عبارتند از:

۵ - میرزا عبدالحسین قدسی: فرزند میرزا محمّدعلی خوشنویس، متوفی ۱۳۶۶ ق. عالم فاضل، شاعر ادیب و خطاط. وی مؤسس مدرسه ی قدسیّه از مدارس نوین است. در نگارش خط ثلث و رقاع استاد و در نوشتن خط خوش استادی بی نظیر بود. از هنرنمایی های وی یکی آن بوده که سوره ی اخلاص را بر روی یک دانه برنج می نگاشت. وی از شاگردان آخوند کاشی بود. از آثار او کتاب

ص: ۱۸۴

۱- ۲۷۸. همان.

۲- ۲۷۹. مهدوی: رجال اصفهان، ص ۳۷.

۳- ۲۸۰. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۸۱؛ عقلی و خلیلیان: جلوه قرآن در خاک تابان، ص ۱۰۰.

«تحفهالفاطمیه» (در مناقب حضرت زهرا علیها السلام) به چاپ رسیده است. از اشعار اوست:

هر دام نهادم نشد او رام بجز اشک

قربان دل نازک و دُردانه پسندش

ترسم شکند موی میانش ز لطافت

آویخته دل بس که به هر تار سمنندش

گردیده اسیر سر زلفش همه عالم

قدسی عجیبی نیست گر افتاد به بندش (۱)

۶ - میرزا حسن قدسی: فرزند محمدعلی، متوفی ۱۳۷۷ ق. مؤلف «شرح صمدیه» از اساتید خوشنویس خط نسخ که در علوم عربی و ادبی مقام برجسته داشت.

۷ - مرحوم آقا جمال الدین قدسی: فرزند مرحوم آقا عبدالحسین، متوفی ۱۳۹۴ ق. ادیب فاضل خطاط.

۸ - میرزا مهدی قدسی: فرزند محمدعلی خوشنویس، متوفی ۱۳۷۸ ق. خطاط و خوشنویس. به این ترتیب محمدعلی خوشنویس و فرزندانش همگی از خطاطان و خوشنویسان معروف اصفهان بودند. (۲)

۹ - حاج میرزا حبیب الله تیر: فرزند حاج شیخ محمدباقر واثق. متوفی ۱۳۷۹ ق. از شعرا و ادبای معروف. مؤلف کتاب «معادن الافادات» در سه جلد که به چاپ رسیده است. وی از محضر علمای بزرگی چون شیخ مرتضی ریزی و آخوند کاشی کسب علم نمود. در فنون ادب، ریاضی، شعر، تجوید و خط صاحب نظر بود. عمده ی برجستگی وی سرودن شعر به زبان عربی و فارسی بود. بخصوص در فن ماده تاریخ گویی مهارت داشت، و برای اکثر علمای زمانش مرثیه و ماده تاریخ گفته است. وی قرآن هایی به خط خویش نگاشت. همچنین وی ارادت خالصانه ای به اهل بیت علیهم السلام داشت. از اشعار اوست:

عمر من گشت خزان، کاش نسیم رحمت

بر نهالم وزد و برگ گناهم ریزد



-
- ۱- ۲۸۱. مهدوی: رجال اصفهان، صص ۳۷ و ۳۸. جهت اطلاع بیشتر مکارم الآثار، ج ۸، ص ۲۸۲۳.
- ۲- ۲۸۲. راجع به خاندان علمی و هنری قدسی، ر. ک: همایی: تاریخ اصفهان (مجلد هنر و هنرمندان)، صص ۱۲۴ - ۱۱۱.

در تاریخ فوتش سروده شد: «بهشتی شد حبیب الله نیر».(۱)

۱۰ - شیخ محمدباقر واثق همدانی: پدر حبیب الله نیر. متوفی ۱۳۳۶ ق. فاضل و ادیب برجسته. از آثارش نُصح الحیب (دیوان اشعار) که در پند و نصیحت به فرزندش سروده است. چنانکه می سراید:

اولین پند من این است ای پسر

غصه از روزی برای خود مخور

منت روزی مبر از آن و این

رو بخوان والله خیرالرازمین

.... این نصایح را به دقت گوش کن

همچو آب زندگانی نوش کن (۲)

۱۱ - سید علی بدیع زادگان: فرزند حاج عبدالحسین درب امامی، متوفی ۱۳۸۷. شاعر و ادیب متخلص به «هور». صاحب دیوان اشعار. وی نواده ی دختری عالم جلیل حاج میرزا بدیع درب امامی بود. وی به سبب حفظ آیات الهی و احادیث دینی گاه یک آیه را تماماً و گاه بخشی از آن را در اشعار خویش درج می کند و با این گونه تضمینات به شعر خود لطافت و ظرافت خاص می بخشد. پاره ای از اشعار او یا ترجمه ای صریح از آیات قرآن و حدیث است و یا آنکه به طریق ایما و اشاره ناظر بر گفته های خدا و رسول است. چنانچه می سراید:

مثال الیوم اکملتُ دینکم (۳) افزود

به قدر و آبروی نسل شیعیان امروز

وی در نگارش انواع خط از نستعلیق و ثلث گرفته تا نگارش خط لاتین صاحب ذوق بوده و از سوی دیگر در سرودن ماده تاریخ مهارتی بسیار داشت. وی به دو زبان فارسی و عربی شعر می سرود. تاریخ فوت وی چنین است: «هور منزل گرفت بر مینو».(۱۳۴۶) ۲۸۶ ش. چند مصرع از اشعار اوست:

مرا جز به سوی تو راهی نباشد

که جز آستان پناهی نباشد

گدا را امیدی که نا امیدی

به جز بر در تو شاهی نباشد... (۴)

-
- ۱- ۲۸۳. جهت اطلاع کامل از احوال و آثار ایشان به مقاله ی «تیر الادباء و کتاب معادن» نوشته ابن الرسول، در مجله ی آئینه پژوهش، سال چهاردهم، شماره پنجم، صص ۶۰ - ۵۰ رجوع شود.
- ۲- ۲۸۴. همان مأخذ
- ۳- ۲۸۵. الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي.... ، (سوره مائده، آیه ۳)
- ۴- ۲۸۷. متن کامل این شعر در دیوان هور اصفهانی، ص ۳۸.

بانوی نیکو خصال، آن اسوه فضل و کمال

اهل تقوی، آیت حق، صاحب علم یقین (۱)

این تکیه متعلق به دوره ی قاجاریه و توسط سید محمدعلی امین التجار (پدر بانو امین) ایجاد گردید. بانو امین در سال ۱۳۰۸ هجری قمری در خانه یکی از تجار سرشناس اصفهان به نام سید محمدعلی امین التجار (۲) متولد گردید. در سن چهار سالگی به خواندن قرآن پرداخت و در دوازده، سیزده سالگی زبان عربی را یاد گرفت و پیش اساتید بزرگی چون آقا سید ابوالقاسم دهکردی به تعلیم علوم اسلامی پرداخت. در سن چهل سالگی از سوی فقهای بزرگی چون آیت الله شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه ی علمیه قم، و آیات عظام آقا شیخ محمدکاظم شیرازی، آقا شیخ محمدرضا نجفی، مرعشی نجفی به اخذ اجازه ی اجتهاد نایل آمد. وی علاوه بر فقه و اصول در حکمت و فلسفه و علوم عقلی نیز مهارت کامل داشت. در اصفهان مدرسه ای برای بانوان تأسیس نمود و در آنجا به تعلیم و تربیت دختران و بانوان اصفهانی پرداخت. وقتی از بانو امین درباره ی علم آموزی و کسب کمالات معنوی سؤال شد ایشان اظهار داشتند «اغلب معنویات و

معارف را از استادان فرا نگرفته ام و غالب نوشته هایم با ارشاد خدا و کمک او بوده است». این بانوی جلیل الشان همواره تأکید داشت ناشناخته بماند و به همین دلیل کتابهایش با نام «بانوی ایرانی» به چاپ می رسید.

بنای زیبای بقعه ی بانو امین متعلق به عصر انقلاب اسلامی است و پس از درگذشت بزرگ مجتهدی جهان تشیع حاجیه خانم نصرت السادات امین ملقب به «بانوی ایرانی» متوفی ۱۳۶۲ هجری شمسی بر مزار وی ایجاد گردید. در بین بناهای موجود در تکایای تخت فولاد معماری این بقعه منحصر به فرد و استثنایی است. زیرا به بهترین نحوی الگوی معماری اسلامی و معماری مدرن به خوبی با یکدیگر تلفیق گردیده است. شکل بقعه برگرفته از حجاب اسلامی و حجاب یک بانوی مسلمان را نشان می دهد. علاوه بر آن سردر بقعه که با مقرنس کاری زیبا و کتیبه های کاشی کاری هفت

ص: ۱۸۷

۱- ۲۸۸. ر. ک: طیبی، ناهید: زندگانی بانوی ایرانی، ص ۱۵۴.

۲- ۲۸۹. خاندان امین التجار از سادات خاتون آبادی می باشند.

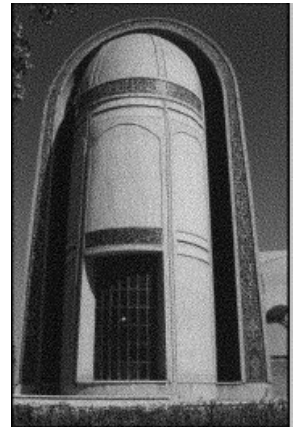
رنگ مزین با آیات قرآن مجید نظر بینندگان را به خود معطوف می‌دارد. در فضای داخلی بقعه نیز از همین کاشیکاری سنتی در تزیین دیوار داخلی بقعه استفاده گردیده است. مقبره ی بانو امین در زیر این گنبد بلند و رفیع قرار دارد.

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه در کنار خیابان سعادت آباد قرار گرفته است. از غرب با تکیه حاج آقا مجلس، از شرق با تکیه آقا محمد بیدآبادی و از جنوب به خیابان سعادت آباد منتهی می‌شود.

بزرگان مدفون در این تکیه

۱ - بانو حاجیه نصرت السادات امین: معروف به «بانو امین» و ملقب به «بانوی ایرانی» فرزند محمدعلی امین التجار (بانی تکیه) و متوفی ۱۴۰۳ هجری قمری و افتخار زنان ایران و اسلام. وی از شاگردان آیه‌الله میر سید علی نجف آبادی بود و صاحب کتاب‌های ارزشمند می‌باشد. برخی از مهمترین کتاب‌های ایشان عبارت است از:



الف) اربعین هاشمیه: اولین تألیف ایشان به زبان عربی است که با مطالعه این کتاب می‌توان به جامعیت این بانو آگاه شد. تمام اربعین را با اسنادهای متصل به شیخ صدوق یا شیخ کلینی نقل کرده است.

ب) یک دوره کامل تفسیر قرآن: تحت عنوان «مخزن العرفان» در پانزده جلد که مباحث عرفانی و فلسفی را به زبان ساده در این کتاب به نگارش درآورده است. اصلی‌ترین اثر ارزشمند ایشان همین تفسیر می‌باشد.

ج) روش خوشبختی: که در آن به بانوان ایرانی توصیه به اخلاق اسلامی را سفارش می‌کند بانو

امین در این کتاب راههای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی خواهران مسلمان را با بیان ساده و روان نشان می دهد.

د) سیر و سلوک در روش اولیاء و... : این کتاب، بیان طریق سلوک الی الله، مراحل آن و چگونگی طی کردن این راه است. بانو امین صاحب آثار علمی و خدمات ارزشمند دیگری نیز می باشد. (۱)

۲ - حاج میرزا حبیب الله امین التجار: فرزند محمدعلی امین التجار متوفی ۱۳۶۹ ق. وی در زمان رضاخان پنج دوره نماینده ی مجلس بود. و توسط رضاخان مورد اذیت و آزار قرار گرفت و مدتی نیز به زندان افتاد. سرانجام در اصفهان وفات یافت و در این تکیه دفن گردید.

۳ - سیده عفت الحاجیه امین: فرزند حاج میرزا احمد افتخار امین، متوفی ۱۳۹۷ ق. عالمه فاضله و مؤلف کتاب «چهل حدیث امین» که کتابی ارزشمند و پرفایده است. (۲)

۴ - محمدعلی امین التجار: متوفی ۱۳۲۶ ه. ق. پدر بانو امین، وی از تجار معتبر و خوشنام اصفهان در اواخر عصر قاجار و صاحب و بانی این تکیه است. (۳)

در مقامات بانو امین ایشان در آموختن علوم و کسب معارف اسلامی جدیت کم نظیر داشت. یکی از اساتید بانو امین - مرحوم آیت الله حاج میر سید علی نجف آبادی - نقل کرده است: روزی شنیدم فرزند ایشان فوت شده است. فکر کردم خانم دیگر درس را تعطیل خواهد کرد، ولی باز به جلسه ی درس آمد. گفتم امروز را تعطیل کنید، مصیبت زده هستید. گفت: «نه، منعی نیست، او رفت به رحمت خدا، ما چرا تعطیل کنیم؟» (۴). به این حدیث شریف رسول خداصلی الله علیه وآله اهمیت بسیار می دادند: «علم و دانایی باید

ص: ۱۸۹

-
- ۱- ۲۹۰. جهت اطلاع از شرح حال و آثار وی ر. ک: دایرهالمعارف تشیع، ج ۲، ص ۵۲۷؛ و ریاحی، محمدحسین: مشاهیر زنان اصفهان، ص ۱۰۷ - ۷۵. همچنین یادنامه ها و بزرگداشت هایی از این عالمه فرزانه به چاپ رسیده است برای نمونه ر. ک: خواجه نوری، مینا: مجموعه مقالات و سخنرانی های اولین و دومین کنگره بزرگداشت بانو امین؛ باقری بید هندی، ناصر: بانوی مجتهد ایرانی و بسیاری از کتب و مقالات دیگر.
 - ۲- ۲۹۱. ریاحی: مشاهیر زنان اصفهان، ص ۷۲ و ۷۳.
 - ۳- ۲۹۲. مهدوی: سیری در تخت فولاد اصفهان، ص ۶۸.
 - ۴- ۲۹۳. واعظ خیابانی: علمای معاصر، ص ۴۵۴.

نوری باشد در قلب شما نه آنکه آنچه را می دانید تصور کنید مهم است. علم آن عبارتی نیست که در کتب جستجو می کنید، بلکه نور است». ایشان در سخنرانی و کتاب های خویش به تفصیل به شرح این حدیث و اهمیت دریافت نور الهی و کسب معرفت حضوری و شهودی بسیار تأکید داشت. (۱)

و یا در سئوالی از ایشان در مورد اینکه به نظر شما در عصر حاضر جهاد برای زنان در چیست؟ در جواب گفته بود: «بهترین جهاد حفظ پوشش است». و در پیامی که برای دختران جوان دارد چنین آورده است: «از صفات بارز همان پاکدامنی و عفت است. به طوری که علمای اخلاق گفته اند: عمده ی شرافت زن نزد عقلا، در جامعه، در عفت است». (۲)

بخصوص ایشان در زمینه حجاب از امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی نمی کرد. حتی به طور عملی به این فریضه اقدام می کرد. نقل شده در جشن ازدواج یکی از بستگان خود شرکت نکردند و این عدم حضور، به علت وجود برخی بانوان بدحجاب و بی حجاب در این محفل بود. در زمینه

ترویج علوم دینی با تأسیس اولین حوزه علمیه خواهران در اصفهان و ایران یک حرکت مدون علمی را انجام داد که جامعه زنان اصفهان را به شدت تکان داد. تأسیس مدرسه اسلامیة دختران نیز، در دوره پهلوی، یک حرکت بزرگ فرهنگی - اسلامی بود. (۳)

قسمتی از وصیت نامه این بانوی گرامی چنین است: «... اعمالتان را برای خدا خالص کنید و در آن فکر اجر و پاداش نباشید و آن را وسیله ی رسیدن به لقاءالله قرار دهید...»

مرحوم خانم سپیده کاشانی در رحلت ایشان سرود:

آن مرجع فضیلت و تقوا به راه علم

در راهوار عشق مدد از خدا گرفت

بانوی بانوان جهان شد شفیع او

گر در کنار کوثر میعاد جا گرفت (۴)

ص: ۱۹۰

۱- ۲۹۴. عموخلیلی: ص ۹۹.

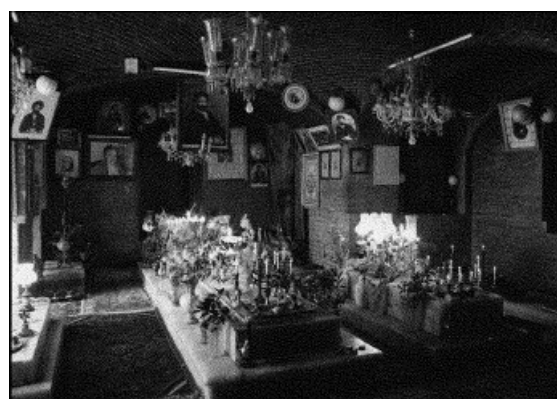
۲- ۲۹۵. ریاحی: (مقاله سیری در زندگی و آثار بانو امین)، آیین فرزاندگی، ج ۴، سال ۷۶، ص ۱۱۹ - ۱۰۷.

۳- ۲۹۶. عموخلیلی: کوکب دری، ص ۶۸ و ۶۹.

۴- ۲۹۷. همان مأخذ

اشاره

تکیه ی آغاباشی منسوب به میرزا سلیمان آغاباشی بانی تکیه و از بستگان دربار ظلُّ السُّلطان و از خواجه سرایان اواخر قاجاریه است. وی به صوفیان خاندان نعمت اللّهی خاتون آبادی اظهار ارادت می نمود و این تکیه را جهت عرفای این سلسله بنا نمود. تکیه از دو قسمت شمالی و جنوبی تشکیل شده است. در قسمت شمالی صوفیان و دراویش خاندان نعمت اللّهی و وابستگان این خاندان مدفون هستند وسط تکیه سردابی است که آرامگاه صوفیان سلسله نعمت اللّهی به شمار می آید.



بقعه تکیه آغاباشی

ساختمان وسط تکیه و سرداب و بالاخانه ی آن توسط میرزا عبدالحسین میرپنجه جرقویه ای یکی از فرماندهان قشون ظلُّ السُّلطان ساخته شده و خودش نیز در سرداب این ساختمان مدفون است. قبر آغاباشی در یکی از اتاق های صحن شمالی قرار دارد.

معماری ساختمان وسط تکیه آغاباشی عبارتست از بنای چهارگوش آرامگاهی بدون گنبد که این نوع معماری با سبک کاخ سازی در ایران سابقه ای دیرینه دارد.

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه از طرف شمال به کوچه تکیه ی میر، از طرف جنوب به قبرستان عمومی، از طرف شرق به تکیه ی سیدالعراقین و از طرف غرب به تکیه ی خاتون آبادی محدود می شود. دسترسی به این تکیه نیز از طریق دالانی از تکیه ی خاتون آبادی صورت می گیرد.

بزرگان مدفون در تکیه

الف) مدفونین در تکیه آغاباشی اول (قسمت جنوبی)

۱ - میرزا عباس صابر علی شاه: فرزند میر محمدهادی، متوفی ۱۳۵۰ ه. ق. از عرفای خاندان نعمت اللّهی که در خوش اخلاقی و فضایل برجسته ی معنوی معروف بود. در تاریخ فوتش نیز سروده شد:

عباس که بُد نوای او از نی عشق

شد مست و خموش و رفت اندر پی عشق

تاریخ سکوت جابری گفت: بین

عباس عجب آمده مست از می عشق. (۱)

۲ - میر محمدهادی نعمت اللّهی خاتون آبادی: ملقب به «هادی علیشاه»، متوفی ۱۳۱۱ ه. ق. فرزند حاج میرزا محمد حسینی خاتون آبادی. اول کس از سلسله ی سادات خاتون آبادی که متمایل به تصوّف و عرفان شد. از عرفای بزرگ سلسله ی نعمت اللّهی که آغاباشی این تکیه و سرداب و بالاخانه را جهت او بنا کرد. (۲)

۳ - میر محمد اسماعیل: مشهور به «صابر علی شاه دوم»، متوفی ۱۳۲۳ ه. ق. برادر کوچکتر میر محمدهادی. وی مراد سلسله ی نعمت اللّهی اصفهان بود.

۴ - دکتر ابراهیم نعمت اللّهی: فرزند حاج میرزا علی اکبر پاقلعه ای، متوفی ۱۴۰۱ ه. ق. استاد دانشکده پزشکی. وی صاحب آثار و تألیفات زیادی می باشد از جمله می توان به: الف) اصول تغذیه

ص: ۱۹۲

و ویتامین ها ب) فیزیولوژی و سایر کتب اشاره کرد. (۱)

۵ - باقر حمیدی: فرزند جعفر متوفی ۱۳۴۹ ه. ق. از شعرا و عرفای اصفهان که در مدح ائمه معصومین اشعاری خوب سروده است. از اشعار اوست:

مداحی علی ز ازل گشته کار من

این شیوه است به ابد افتخار من

چشم امید من بدر شاه اولیاست

نومید کی شود دل امیدوار من. (۲)

عده ای از مشاهیر در این قسمت عبارتند از:

۶ - میرزا زین العابدین نعمت اللّهی: متوفی ۱۴۰۲ ه. ق. (عارف و صوفی)

۷ - میر ابوطالب نعمت اللّهی: متوفی ۱۴۱۲ ه. (عارف)

۸ - حاج میرزا علی اکبر پاقلعه ای: متوفی ۱۳۵۲ ق. (عارف، شاعر)

ب) مدفونین در قسمت شمالی تکیه ی آغاباشی

۱ - میرزا سلیمان آغاباشی: از خواجه سرایان دستگاه ظلّ السلطان و خود مردی عارف پیشه و نیک نهاد بوده و نسبت به علماء و خصوصاً آقایان علمای خاتون آبادی اظهار ارادت می نمود. پس از درگذشت میر محمد اسماعیل خاتون آبادی مشهور به «صابر علیشاه دوم» در جنب تکیه خاتون آبادی بقعه ای برای او بنا کرد. (۳)

۲ - محمدرضا شکیب: فرزند محمّدحسین، متوفی ۱۴۰۳ ه. ق. از ادباء و شعرای برجسته، متخلّص به «شکیب». صاحب دیوان اشعار. (۴)

۳ - استاد شکرالله صنیع زاده: متوفی ۱۴۰۴ ه. ق. احیاء گر هنر میناسازی در ایران که هنر میناسازی را که بعد از صفویه در ایران متروک شده بود، احیاء کرد. آثار زیبایی او در بسیاری از اماکن مذهبی و مقدّسه مانند کربلا، نجف، کاظمین، سامراء،



۱- ۳۰۰. مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ص ۹۶.

۲- ۳۰۱. مهدوی: تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۱۶۵؛ و نصرالهی، غلامرضا: جزوه تخت فولاد سرزمین جاویدان، بخش مشاهیر تکیه آغاباشی.

۳- ۳۰۲. جهت اطلاع از شرح حال وی، ر. ک: جابری انصاری: تاریخ اصفهان، ص ۲۵۴.

۴- ۳۰۳. نمونه ای از اشعار وی در کتاب تذکره شعرای معاصر اصفهان، مرحوم مهدوی، ص ۲۷۴ ذکر شده است.

مشهد و قم دیده می شود. (۱)

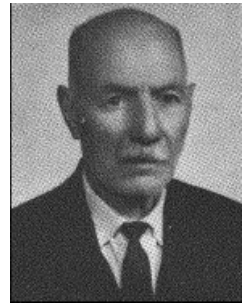
۴ - حسین شجره: متوفی ۱۴۰۲ ه. ق. فرزند سید عبدالرسول شجره (از شعرای مدفون در همین تکیه). از شعراء و نویسندگان و دانشمندان اصفهان در قرن چهاردهم. متخلص به «شیوا» از آثار ارزشمند او می توان به الف) تحقیق در رباعیات خیام ب) علم معاش ج) شخصیت مولوی د) مقدمه بر جغرافیای اقتصادی اشاره نمود. از اشعار اوست:

گر خاک شود وجود دانا

او راست حیات جاودانی

لیکن بمثل حیات نادان

مرگست بنام زندگانی (۲)



۵ - عباسعلی موزون: متوفی ۱۳۹۲ عارف شاعر. (۳)

۶ - استاد محمدابراهیم نعمت‌اللهی: مشهور به «نقاش باشی». متوفی ۱۳۳۴ ق. فرزند محمدحسین. از هنرمندان توانای اصفهان در نقاشی. وی با آمیختن سبک نقاشی ایرانی با سبک قفقازی شیوه ای تازه پدید آورد و ذوق و نبوغ خود را به نمایش گذاشت. (۴)

ص: ۱۹۴

۱- ۳۰۴. ابوعطاء: (مقاله مروری بر زندگانی هنرمند میناکار استاد شکرالله صنیع زاده)، فصلنامه فرهنگ اصفهان، سال اول، شماره ۲ و ۳.

۲- ۳۰۵. مهدوی: تذکره شعرای اصفهان، ص ۲۹۵.

۳- ۳۰۶. نمونه اشعارش در تذکره شعرای اصفهان مرحوم مهدوی صفحه ۴۷۵ آورده شده است.

۴- ۳۰۷. مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۱۹ و ۲۰، پاییز ۱۳۷۶.

در جنوبی ترین قسمت تخت فولاد تکیه ای از دوره ی قاجار وجود دارد که پس از فوت علامه فقیه شیخ مرتضی ریزی (متوفی ۱۳۲۹ ق.) توسط مرحوم حاج محمدحسین کازرونی بر مزار آن عالم بزرگوار ایجاد گردید.

تکیه مربعی شکل که در وسط آن بقعه ای هشت ضلعی به سبک معماری دوره ی قاجار، بر روی سکویی بنا شده است. فضای داخلی گنبد آن به شکل زیبایی با کاشی های سبز تزیین شده است.

دور تا دور تکیه حجره هایی بوده که اکنون برجیده شده و مجموعه تاریخی، فرهنگی - مذهبی تخت فولاد به مرمت و بازسازی تکیه پرداخته است.

در ضلع جنوبی پشت دیوار تکیه قبرستان کوچک دیگری وجود دارد که یک بقعه ی کوچک آجری متعلق به اواخر دوره ی قاجار که در زیر آن صاحب تکیه حاج میرزا احمدخان فاتح الملک، از آزادیخواهان مشروطیت دفن است.

موقعیت جغرافیایی تکیه

در کنار خیابان سعادت آباد قرار دارد. از شمال به خیابان سعادت آباد، از غرب به ساختمان اداری، از جنوب به آرامگاه فاتح الملک منتهی می شود.

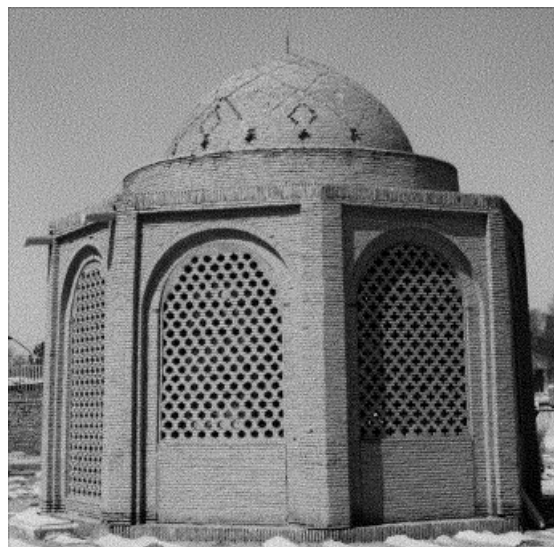
بزرگان مدفون در این تکیه

۱ - شیخ مرتضی ریزی: فرزند شیخ عبدالوهاب. متوفی ۱۳۲۹ ق. علامه فقیه و مجتهد پرهیزگار. او از شاگردان شیخ انصاری و نخستین کسی است که در اصفهان کتاب فراید مرحوم شیخ انصاری

را تدریس می نمود و مراسم احیای شب های جمعه و قرائت دعای کمیل ایشان در تخت فولاد بین مردم اصفهان معروف بود چنانکه نقل است جمعیتی متجاوز از ده هزار نفر در پای منبر او حاضر می شدند و چنان «الهی العفو» و «یا نور یا قدوس» می گفتند که صدای ایشان در اصفهان شنیده می شد. (۱)

ص: ۱۹۵

۱- ۳۰۸. حتی نقل شده که عارف ربانی آخوند کاشی نیز در یکی از مجالس دعای کمیل مرحوم ریزی شرکت نموده و آن مجلس را با شور و حال وصف می کند. ر. ک: میرخلف زاده: داستان هایی از مردان خدا، ص ۱۳۷ - ۱۳۶.

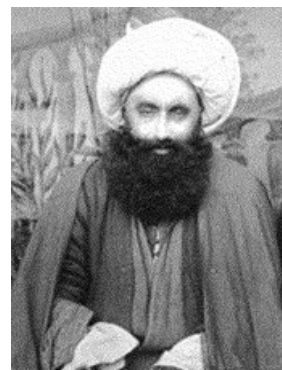


بقعه ی تکیه ریزی

در واقعه ای که برای ایشان اتفاق افتاده از خود ایشان نقل است که «قبل از ظهر تابستانی کار مهمی به قریه ای چهار فرسخی اصفهان پیش آمد و پس از صرف نان و آب، سوار و به مقصد رهسپار شدم. یک فرسنگ و نیم که طی شد تشنه شدم. چون چشمه آبی به دو فرسنگی در نظر بود به زحمت خود را رساندم. متأسفانه چشمه را خشک دیدم و عطش شدت کرده نزدیک به هلاکت گشتم. بعد از توسل به هر قسم بود فرسخ دیگر پیموده به آب رسیدم. بی اختیار افتادم که بنوشم. «فذکرت عطش الحسین علیه السلام» - یادم آمد ز لب خشک حسین علیه السلام» به امداد غیبی خودداری نموده و موقع را برای استشفاع مغنم دانستم، سه دعا کردم. آن گاه آب خوردم. یکی را که می توانم بگویم این که موفق

به ترویج شرع و هدایت مؤمنین شوم. و به فضل خدا هر سه مستجاب شد. (۱) قبرش در زیر بقعه ای است که در شب های جمعه محراب نمازش بود. ماده تاریخ وفاتش را چنین نگاهشته اند: «انهدمت ارکان زهد و الرشده». (۲)

۲ - آخوند ملا محمدحسین فشارکی: فرزند محمدجعفر. متوفی ۱۳۵۳ ق. عالم فقیه و از مجتهدین صاحب فتوی. در فقه و اصول استاد و در تقوی و زهد نزد مردم مشهور بود. او در اواخر عمر از علمای بانفوذ و معروف اصفهان گردید، از شاگردان برجسته ی او می توان به حاج میرزا ابوالحسن تویسرکانی، شیخ محمدباقر قزوینی، شیخ محمود مفید اشاره نمود. از آثار وی: حاشیه بر رسایل و حاشیه بر طهارت شیخ انصاری است. (۳)



۳ - ملا محمدجواد آدینه ای: متوفی ۱۳۳۹ ق. عالم جلیل و فیلسوف حکیم. از شاگردان حکیم جهانگیرخان قشقایی که پس از وی به تدریس فلسفه و ریاضیات و نجوم پرداخت. از شاگردان برجسته اش میرزا حسن خان جابری انصاری و استاد جلال الدین همایی بود. مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی او را از حکما و پیشگامان علمی در زمان خودش دانسته است. (۴)

۴ - شیخ ابوالفضل ریزی: برادر شیخ مرتضی ریزی، عالم فاضل، فقیه محقق و مجتهد اصولی که از بزرگانی چون میرزا فتح الله رشتی، آقا محمدکاظم یزدی، آخوند خراسانی، اجازه ی اجتهاد گرفت. (۵)

ص: ۱۹۷

۱- ۳۰۹. حبیب الله نیر: معادن الافادات، جلد سوم، ص ۷۲ به نقل از قاسمی: شرح مجموعه گل، ص ۲۶۲.

۲- ۳۱۰. مهدوی: رجال اصفهان، صص ۸۳ و ۸۴.

۳- ۳۱۱. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۸۵.

۴- ۳۱۲. نقباءالبشر، ج ۱، ص ۳۱۶.

۵- ۳۱۳. قرقانی: زندگانی حکیم جهانگیرخان قشقایی، ص ۱۲۹.

۵ - ملا لطف الله شمس الواعظین ریزی: فرزند عبدالحسین، متوفی ۱۳۵۶ ق. عالم واعظ جلیل از آثار وی «جواهر الحکم» در مواعظ منبری به یادگار مانده است. مواعظ منبری او شامل حدیث، اخبار، نصایح و اندرز بود و چون به آنچه که می گفت معتقد بود مواعظ او بیشتر در شنوندگان تأثیر می نمود. (۱)



۶ - محمدحسین میرزا خاقانی: متخلص به «فصیح». فرزند محمد ولی میرزا. متوفی ۱۳۳۳ ق. شاعر و ادیب توانا. (۲) در مدح حضرت علی علیه السلام چنین می سراید:

ای که با دام تعقل صید دلها کرده ای

عالمی را بهر خود نادیده رسوا کرده ای

از لب لعل تو کس نشنید حرفی این عجب

آفرینش را بوصف خویش گویا کرده ای

دوستان نادیده ات همواره می دارند دوست

بسکه خود را در خیال خلق زیبا کرده ای

دردمندان را مجال آن نه کای محبوب عام

از کجا این دلربایی را تو پیدا کرده ای (۳)

۷ - میرزا علی محمد ابریشمکار: متوفی ۱۳۶۸ ق. متخلص به فنایی، شاعر و ادیب.

۸ - سید عبدالعلی رندی: فرزند حاج سید احمد. متوفی ۱۳۵۴ ق. عالم جلیل که به زهد و پرهیزگاری شهرت داشت.

۹ - سید تقی راست قلم: فرزند سید مهدی. متوفی ۱۳۹۰ ق. از شعرای برجسته اصفهان متخلص به

- ۱- ۳۱۴. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۶۸.
- ۲- ۳۱۵. شرح حال جالبی از وی در کتاب دولت دیدار: منوچهر قدسی ص ۱۳۷ - ۱۲۷ آمده است.
- ۳- ۳۱۶. مهدوی: تذکره شعرای اصفهان، ص ۳۶۴.

«حقیقت» که اشعارش بیشتر جنبه اخلاقی و مذهبی داشته است.^(۱)

۱۰ - میر محمد مهدی خلیقی پور: فرزند سید عبدالوهاب طالقانی. متوفی ۱۳۷۱ ق. از خوشنویسان بزرگ اصفهان که آثار متعددی از خود به یادگار گذاشت. از بین شاگردان خطاط معروف عبدالرحیم افسر؛ هیچ یک به پایه ی خط خلیقی پور نبودند. مشهورترین شاگرد او مرحوم استاد حبیب الله فضایی بود. مرحوم نیر اصفهانی در تاریخ فوتش سرود: «آری به جنان بالدمهدی خلیقی پور».^(۲)

۱۱ - مصطفی فاتح: فرزند میرزا احمدخان فاتح الملک. متوفی ۱۳۹۸ ق. از نویسندگان معروف اصفهان و از صاحب منصبان مطلع به صنعت نفت. صاحب آثاری چون:

الف) پنجاه سال نفت ایران ب) پول و بانکداری و آثار دیگر.

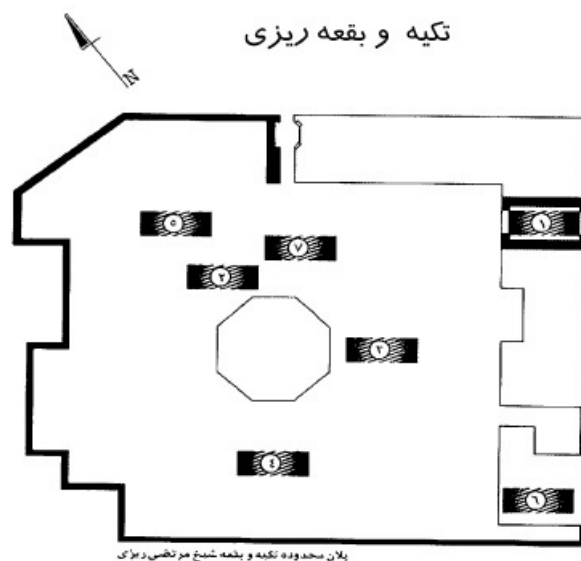
۱۲ - میرزا احمدخان فاتح الملک: از آزادیخواهان صدر مشروطیت و از اعضای انجمن ولایتی اصفهان و در دوره ی دوم مجلس شورای ملی و کیل مردم اصفهان بود.^(۳)

ص: ۱۹۹

۱- ۳۱۷. نصرالهی: جزوه تخت فولاد سرزمین جاویدان، بخش تکیه ریزی.

۲- ۳۱۸. قدسی، منوچهر: خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.

۳- ۳۱۹. مهدوی: همان مأخذ، صص ۱۶۰ و ۱۶۱.



- ۱- حاج شیخ محمد جواد آدینه ای
- ۲- ملا لطف الله شمس الواعظین
- ۳- سید مرتضی طباطبایی زفره ای
- ۴- محمد باقر انواری (لعمد)
- ۵- میرزا محمد حسین خاقانی (فصیح)
- ۶- سرهنگ عزیز الله شکبیا
- ۷- میر محمد خلیفی یور

اشاره

از تکیه های عصر قاجاریه که بر مزار عالم جلیل القدر آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه (متوفی ۱۳۲۴ ق) توسط فرزندش حاج آقا مجلس بنا گردید. به همین جهت این تکیه گاهی به نام فرزندش حاج آقا مجلس نیز خوانده می شود. اکنون نیمی از تکیه باقی و نیم دیگر در مسیر خیابان سعادت آباد است.

در وسط این تکیه بنایی آجری هشت ضلعی کوچک با پنجره های مشبک آجری تزیین گشته است. علاوه بر این بنا در ضلع غربی تکیه اتاق خاندان آقا میرزا محمد باقر حکیم باشی است، که از اطبای نامدار عصر قاجاریه محسوب می شود. در ضلع شمالی تکیه روی سکویی قبور خاندان شفیع قرار دارد که عالم فقیه میرزا یحیی مستوفی بیدآبادی در آن مدفون است.



بقعه تکیه خادم الشریعه

تکیه ی امین نیز جزئی پیوسته از همین تکیه محسوب می شد که با ایجاد بقعه بانو امین این قسمت از تکیه به نام بانو امین مشهور شده است.

این تکیه در جنوب خیابان سعادت آباد قرار دارد و از شرق به تکیه امین التجار و از غرب به خیابان آیت الله خوانساری محدود می شود.

بزرگان مدفون در این تکیه

۱ - آقا سید ابوجعفر خادم الشریعه: فرزند علامه آقا سید صدرالدین عاملی اصفهانی، نواده ی شیخ جعفر کاشف الغطاء. متوفی ۱۳۲۴ ق. فقیه شایسته و عالم بزرگوار. وی به زهد و عبادت و قناعت و پاکی ضمیر شهرت داشت. (۱)

۲ - میرزا یحیی مستوفی بیدآبادی: فرزند حاج میرزا شفیع. متوفی ۱۳۲۵ ق. عالم محقق، فقیه و مجتهد. جامع علوم معقول و منقول. از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و صاحب آثار علمی متعدد که بالغ بر ۳۰ جلد می شود. از جمله الف) رساله در خراج و مقاسمه ب) رساله در تعیین ثقل اکبر ج) رساله در خمس د) رسایلی در مباحث مختلف فقه و اصول. ه) رساله روح الایمان. (۲)

مراتب بذل و سخاوت و بسط ید ایشان فوق العاده مهم بود. چنانچه قسمت مهم دارایی پدر را که به ارث به ایشان رسیده بود در مدت عمر خود به ارحام فقیر از سلسله ی خود و به طلباب محصلین از اهل علم و مستحقین از اهل محل بذل و بخشش نمود. در اواخر عمر که نتیجه ی علم و عمل است، اختیار عزلت بر شهرت نموده و مشغول عبادات و طاعت الهی از واجبات و مستحبات، و تارک مکروهات، و قرائت دعوات بود، و غالباً اوقات خود را صرف مطالعه ی تفسیر و اخبار اهل بیت علیهم السلام می نمود. (۳)

۳ - حاج سید اسماعیل ریزی: متوفی ۱۳۳۸ ق. عالم فاضل. از شاگردان میرزای شیرازی و آقا سید محمد کاظم طباطبایی یزدی. ص: ۲۰۲

۱- ۳۲۰. مهدوی: بیان المفاخر، ج ۲، ص ۱۷۰.

۲- ۳۲۱. مهدوی: سیری در تخت فولاد، ص ۵۵.

۳- ۳۲۲. رجال اصفهان، جناب، ص ۳۱۱.

۴ - حاج میرزا محمدباقر حکیم باشی: فرزند میرزا عبدالجواد خراسانی. متوفی ۱۳۲۷ ق. از اطمینان نامدار عصر قاجاریه. از محضر بزرگانی چون سید محمد شهبهانی، ملا حسینعلی تویسرکانی و... کسب علم نمود. علاوه بر آن در علوم مختلف چون طب، فقه، حکمت و ادبیات اهل فضل بود. در مداوای بیماران نفسی عیسوی داشت و تدریس طب قدیم در زمان او به وی منحصر بود. از شاگردان برجسته اش می توان به حاج میرزا علی آقا شیرازی اشاره نمود. (۱)

از جمله کتاب های وی کتاب «وبا» است.



۵ - دکتر مرتضی حکمی: متوفی ۱۳۵۹ هجری شمسی. پزشک و جراح کم نظیر اصفهانی دوره معاصر، صاحب آثار ارزنده فراوان از جمله الف) انتقال خون (شانزده جلد) ب) بیماری و عوارض بعد از عمل جراحی و آثار دیگر. وی دارای مقامات علمی برجسته در داخل و خارج از کشور بود. همچنین در اخلاق شخصی نیز به کمک و دستگیری از بیماران و مستمندان نیز همت داشت. (۲)

۶ - سید محمد مهدی شفتی: نوه ی حاج سید محمدباقر حجهالاسلام، این عالم جلیل از ائمه ی جماعت مسجد سید و مؤلف کتاب «غرقاب» در علم رجال و متوفی سال ۱۳۲۶ ق. است. (۳)

۷ - حاج آقا سید شمس الدین خادمی: فرزند حاج سید ابوجعفر خادم الشریعه. متوفی ۱۳۹۹ ق. (عالم فاضل)

۸ - سید محمدباقر طباطبایی بروجردی: فرزند میر سید علی بروجردی (مدفون در تکیه خوانساری). متوفی ۱۳۴۰ ق (عالم فاضل)

۹ - حاج آقا حسن خادمی: متوفی ۱۳۷۹ ق. (عالم فاضل)

ص: ۲۰۳

۱- ۳۲۳. گلی زواره ای: ناصح صالح، ص ۹۸.

۲- ۳۲۴. حدیث مهربانی (ویژه نامه زندگی مرتضی حکمی)، تابستان ۱۳۸۱.

۳- ۳۲۵. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۹۷.

۱۰ - سید آقا جان خواجویی: متوفی ۱۳۴۰ ق. عالم فاضل و داماد آقا سید ابوجعفر خادم الشریعه.

۱۱ - رضا طلاکوب: متوفی ۱۳۷۲ ق. (شاعر ادیب و هنرمند)

۱۲ - میرزا هاشم مستوفی: متوفی ۱۳۵۱ ق. (عارف و خوشنویس) [\(۱\)](#)

ص: ۲۰۴

۱-۳۲۶. مهدوی: همان مأخذ، صص ۵۷ - ۵۵.

در کنار تکیه ی واله مسجدی بسیار بزرگ و زیبا را مرحوم سلیمان خان رکن الملک (متوفی ۱۳۳۱ ق.) از رجال نیکوکار و خوشنام عهد قاجاری از املاک شخصی خود

ساخته است. تاریخ شروع بنا از سال ۱۳۱۸ هجری قمری و اتمام آن در سال ۱۳۲۵ قمری می باشد. ماده تاریخ ابتدای ساختمان از مرحوم سید هاشم طوبی «عجلوا بالصلوه قبل الفوت»، (۱).

مسجد از دو قسمت تشکیل شده است: در صحن بزرگ گنبد و شبستان و صحن و حوض در آن قرار دارد و در صحن کوچک کنار آن آب انباری واقع است و سردر ورودی زیبایی دارد. در بقعه و آرامگاه مرحوم رکن الملک (متوفی سال ۱۳۳۱ ق.) نیز در اتاقی بین صحن کوچک و بزرگ مسجد واقع است. تاریخ اتمام بنای مسجد در کتیبه ی زیر گنبد بزرگ چنین آمده است:

سر برون آورد نور و بهر تاریخش سرود

از سلیمان شد بنای مسجد اقصی متین

آب انبار مشهور رکن الملک نیز در جنوب قسمت ورودی مسجد قرار دارد. مسجد صحن به شکل مستطیل و به شیوه چهار ایوانه بنا گردیده است. گنبد زیبا با کاشی های خشت با زمینه لاجوردی و نقوش زیبای اسلیمی در جنوب غربی آن قرار دارد.

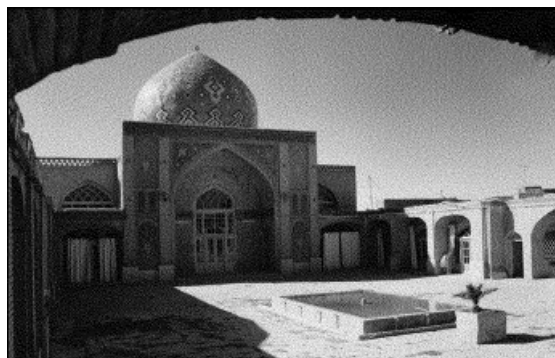
گنبد مسجد دپوش است و از کوچه واله به خوبی مشاهده می شود. در شمال غربی حیاط، شبستان بزرگی با ستون های سنگی زیبایی ساخته شده است.

به جرأت می توان گفت نخستین عمارت باشکوه تخت فولاد محسوب می شود. که با سردر کاشی کاری مجللش نظر هر بیننده ای را به سمت خود جلب می کند. در کتیبه ی سردر آیاتی از سوره اسری «سبحان الذی اسری بعبده...» با خط ثلث به صورت بسیار زیبا نوشته شده است. وقتی به صحن کوچک مسجد وارد می شویم، آب انبار در دست چپ قرار گرفته است، سپس در سمت چپ دالانی مقبره ی رکن الملک قرار دارد. که بر سردر آن تصویر رکن الملک نقاشی و کاشی کاری شده است. (۲).

این مسجد قسمتی از باغ بزرگ واله بوده که مرحوم رکن الملک آن را خریده و به احداث این بنای زیبا پرداخته است.

ص: ۲۰۵

۲-۳۲۸. همایی: تاریخ اصفهان (مجلد ابنیه و عمارات)، صص ۳۸۴ - ۳۷۹.



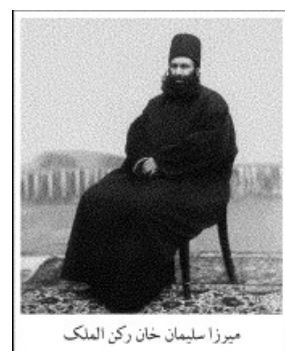
نمای داخلی مسجد رکن الملک

موقعیت جغرافیایی مسجد

از طرف شرق به خیابان فیض، از غرب به منازل مسکونی، از جنوب کوچه تکیه ی میر و از جنوب شرق به تکیه ی آواده ای متصل است.

مشاهیر مدفون در مسجد و تکیه

۱ - حاج میرزا سلیمان خان «رکن الملک شیرازی»: فرزند میرزا محمد کاظم. متوفی ۱۳۳۱ ق. از بزرگان سیاسی خوشنام و نیکوکار در دوره قاجاریه، ملقب به «رکن الملک» و متخلص به «خلف». به همت ایشان بسیاری از کتب دینی چاپ گردید. وی نسبت به علما، عرفا و مستمندان نهایت ارادت را ابراز می نمود. علاوه بر این در



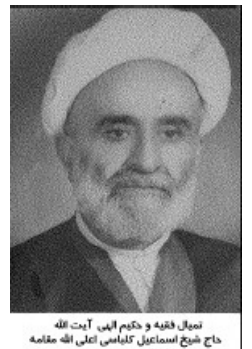
میرزا سلیمان خان رکن الملک

قضایای سیاسی عصر مشروطیت از رجال صاحب نفوذ و تأثیرگذار بود.^(۱)

او در خانه ی خود انجمن شعرا را برپا می داشت و خود نیز شعر می سرود. از وی آثار خیریه بسیاری به ویژه در تکایای تخت فولاد به یادگار مانده است.

گویند: «شبی مأمورین حکومتی جوانی را دستگیر و روانه ی زندان کرده بودند، مادر این جوان بعد از نیمه شب اطلاع پیدا می کند و همان وقت گریه کنان به خانه مرحوم آیت الله شیخ محمدتقی نجفی شکایت می برد. آقا نجفی در همان ساعت به درب خانه ی مرحوم رکن الملک می رود و از او می خواهد که این جوان همین امشب به نزد مادرش برگردد. او نیز شخصاً برای آزادی جوان اقدام می نماید و ساعتی بعد جوان را به مادرش تحویل می دهد. و از آن پس دستور می دهد همه شب درب خانه اش تا صبح باز باشد تا ضعفاء شب هنگام هم بتوانند پناهگاهی داشته باشند.»^(۲)

۲ - حاج شیخ اسماعیل کلباسی: فرزند حاج میرزا محمد رضا کلباسی. متوفی ۱۳۹۷ ق. صاحب آثار ارزشمندی همچون الف زیارتگاه اهواز (شرح حال علی بن مهزیار) ب) حاشیه بر کتاب انیس اللیل فی شرح دعای کمیل و آثار دیگر.

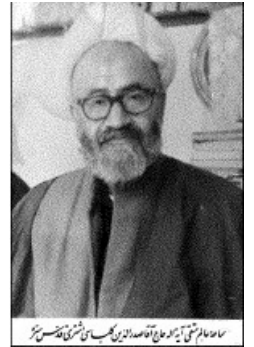


ص: ۲۰۷

۱ - ۳۲۹. راجع به نقش ایشان در وقایع عصر مشروطیت، ر. ک: عقیلی، سید احمد: مشروطه خواهان مدفون در تخت فولاد، صص ۴۹ - ۴۴.

۲ - ۳۳۰. یادداشت های شخصی حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا احمد کلباسی.

۳ - حاج آقا صدرالدین کلباسی: فرزند حاج میرزا محمد رضا کلباسی. متوفی ۱۴۱۱ ق. عالم فاضل زاهد و متقی. از نزد بزرگانی چون آیت الله العظمی مرعشی نجفی، آیت الله حاج آقا رحیم ارباب، آیت الله العظمی بروجردی کسب علم نمود. وی در مسجد رکن الملک عمری را به عبادت و ارشاد مردم در اخلاق و ترویج احکام شرع سپری نمود. (۱)



۴ - حاج آقا فخرالدین کلباسی: فرزند حاج میرزا محمد رضا کلباسی. متوفی ۱۴۰۷ ق. عالم فاضل و ادیب برجسته. واعظی شیرین سخن بود و مردم مواعظ او را دوست داشتند. وی یکی از مؤسسين ساختمان قائمیه و احمدیه ی اصفهان است. جلسه ی دعای ندبه ی ایشان در ساختمان احمدیه از جلسات پرشور و روحانی ایشان بود. (۲)

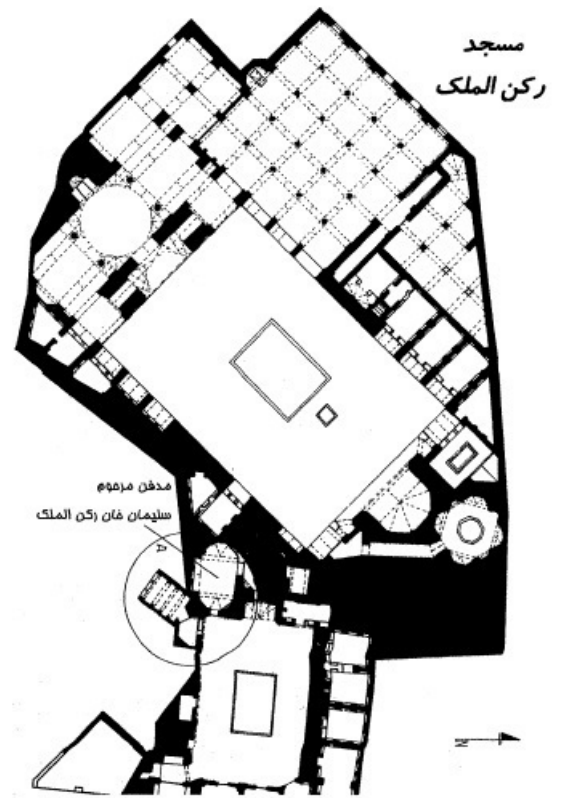
۵ - دکتر حسن کلباسی: فرزند حاج آقا فخر الدین کلباسی نامبرده دارای دکتری در رشته اقتصاد و مدیر گروه رشته اقتصاد دانشگاه اصفهان بود. (۳)

ص: ۲۰۸

۱- ۳۳۱. یادداشت های حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا احمد کلباسی؛ و خاندان کلباسی، ص ۲۲۲.

۲- ۳۳۲. مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۳، ص ۲۵۶.

۳- ۳۳۳. خاندان کلباسی، ص ۲۲۳.



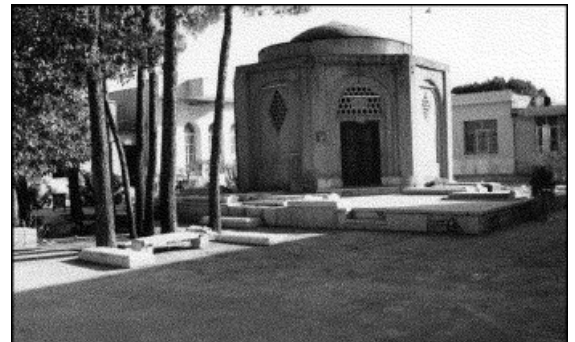
از صف علم الیقین آمد یکی بیرون و گفت:

باقر از علم الیقین شد جانب عین الیقین

«جابری انصاری»

از تکیه های زیبا و باصفای تخت فولاد مربوط به اواخر دوره ی قاجاریه است. این تکیه را تاجر خوشنام و نیکوکار حاج محمدحسین کازرونی احداث نمود و پس از وفات آخوند ملا عبدالکریم گزی در سال ۱۳۳۹ ق. و دفن او در این تکیه، بقعه ای بر فراز قبر وی بنا کرد. دور تا دور صحن تکیه ی کازرونی را اتاق ها و حجره هایی تشکیل داده و افرادی در آنها مدفونند. این تکیه از ابتدای تأسیس تا امروز محل عبادت و برگزاری مراسم مذهبی بوده است. این تکیه به معنای واقعی

کلمه همه گونه امکانات لازم رفاهی و عبادی را دارد و مظهر حدیث معروف الدنيا مزرعها لاخره را به خوبی می توان مشاهده کرد.



بقعه ی تکیه کازرونی

از بناهای قابل توجه در این تکیه وجود اتاقی هشت ضلعی در ضلع شمالی آن با کاربرد اجتماعی است که در سایر تکایای تخت فولاد وجود ندارد. سقاخانه ای در همین ضلع آب مورد نیاز افراد

تازه وارد را تأمین می نموده، است. در ضلع جنوب و جنوب غربی تکیه نیز مسجد تکیه کازرونی قرار دارد. سردر ورودی این مسجد با کاشی کاری بسیار زیبای هفت رنگ و با نقوش اسلیمی تزیین شده است.

مسجد تکیه با شبستانی وسیع و ستون های سنگی متعدّد فضای دلپذیر و جالبی را برای عبادت در تکیه فراهم نموده است. بقعه ی تکیه درست در وسط تکیه بر روی سکویی به شکل هشت ضلعی بنا گردیده و از هر طرف با پنجره های مشبک آجری تزیین گردیده است. در زیر بقعه علمای بزرگواری آرمیده اند. همچنین در ضلع جنوب شرقی تکیه اتاق مرحوم صدیقین قرار دارد که در آن قسمت نیز علمای بزرگی دفن شده اند. اتاق ها و حجره های این تکیه بر خلاف سایر تکایا سالم باقی مانده و کمتر مورد تخریب واقع شده است.

در تکیه ی کازرونی نمونه ی یکی از خانه های قدیمی اصفهان به خوبی جلوه گر است. بر این اساس می توان پیوند دین و دنیا را در تفکر یک مسلمان به خوبی مشاهده نمود.

خارج از تکیه در ضلع شمالی آن یک بنای آرامگاهی به شکل آرامگاه حافظ بر مزار حاج محمدجعفر کازرونی توسط پسرش برای یادبود پدر احداث شده است. علاوه بر این تکیه کازرونی دارای یک قبرستان عمومی دیگر نیز می باشد که در ضلع جنوبی آن قرار گرفته است.

در شمال غرب تکیه کازرونی بنای بارزش و هنرمندانه توسط حاج محمدحسین کازرونی بنا گردیده که در میان آثار و ابنیه موجود در تخت فولاد قابل توجه است. آب انبار با پلانی مربع

شکل شامل هشت ایوان و چهار مناره که مناره های آن از ویژگی های برجسته این آب انبار است. هدف از ایجاد این بنای ارزشمند تأمین آب مورد نیاز تکیه و همچنین مسافرینی بوده که از این مسیر عبور می کردند. آب این آب انبار از شعبه ای از نهر جوی سفید تأمین می شد که آب مصرفی تخت فولاد را تأمین می کرد. هشت ایوان موجود در بنای این آب انبار علاوه بر اینکه سایه بانی برای مسافرینی بود که از این مسیر می گذشتند و می توانستند از گرمای آفتاب در این مکان دمی بیسایند و دارای منافذی برای تهویه هوای داخل آب انبار می باشد تا از راکد ماندن آب و گنداب آن جلوگیری شود و روشنایی داخل آب انبار را نیز تأمین کنند.

در سال های اخیر مجموعه تاریخی، فرهنگی - مذهبی تخت فولاد به احیای این اثر ارزشمند تاریخی پرداخته است.



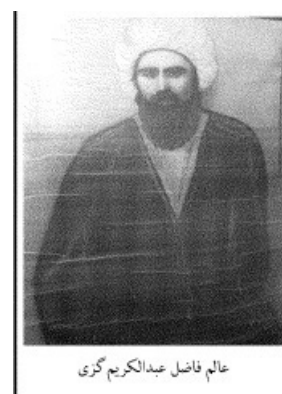
آب انبار کازرونی

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه از شمال و شرق به تکیه ی فیض، از جنوب به تکیه ی زنجانی و از غرب به خیابان بابا رکن الدین منتهی می شود.

بزرگان مدفون در این تکیه

۱ - ملا عبدالکریم گزی: فرزند ملا مهدی. متوفی ۱۳۳۹ ق. او عالمی جلیل و فقیه، دانشمند علم رجال، ادیب شاعر، صاحب آثار علمی متعدد که معروفترین این آثار کتاب «تذکره القبور» اوست که علی رغم حجمی کم حاوی مطالب بسیار مفید درباره ی علمای مدفون در تخت



عالم فاضل عبدالکریم گزی

فولاد و مزارات دیگر اصفهان است. وی عالمی خوش بیان و محبوب مردم بود. او را «شیخ بهایی» عصر خود لقب داده اند. در خصوص شخصیت و زندگانی وی نوشته اند با آنکه سی چهار سال تمام امور قضایی اصفهان در دست او بود. شبی که درگذشت خانواده او نفت چراغ و نان شب نداشتند و این بیانگر بزرگی و ساده زیستی اوست. (۱) وی از طبعی روان بهره داشت. از اشعار اوست:

از ریا آن کس بود خالی و دور

کز ثنای خلق ناید در سرور

کن کلاه خویش قاضی ای کیا

بین چسان هستی گرفتار ریا

.... از صدای رهرو مور سیاه

روی سنگی نرم اندر شامگاه

این ریا اندر شما مخفی تر است

کی به آسانی توان زو باز رست

۲ - آقا سید محمدباقر درچه ای: فرزند سید مرتضی. (۲) متوفی ۱۳۴۲ ق. علّامه فقیه استادالعلماء و از مراجع تقلید. صاحب یک دوره فقه و اصول در شانزده جلد. در خصوص ساده زیستی و زهد و تقوای وی حکایت ها نقل کرده اند. وی در مدرسه ی نیم آورد به مدت ۳۸ سال به تدریس و تألیف پرداخت. از شاگردان برجسته ی او می توان به شیخ اسماعیل معزی، آیت الله بروجردی، حاج آقا رحیم ارباب و بیش از پنجاه عالم برجسته دیگر اشاره کرد. (۳) میرزا حسن خان جابری انصاری در تاریخ فوت وی سروده است: «باقر از علم الیقین شد جانب عین الیقین».



آیت الله العظمی سید محمدباقر درچه ای

- ۱- ۳۳۴. کتابی، محمدباقر: رجال اصفهان، ص ۱۸۴.
- ۲- ۳۳۵. سلسله نسب ایشان در کتاب مکارم الآثار، ج ۵، ص ۱۷۶۶.
- ۳- ۳۳۶. ر. ک: موسوی درچه ای، سید تقی: ستاره ای از شرق (شرح احوال و وقایع عصر علامه درچه ای).

این عالم بزرگوار از چند بُعد شخصیت ممتاز زمان بود. یکی بُعد علمی، دیگر بُعد اعتقادی و سوم نظم و ترتیب در زندگی ایشان. در بُعد علمی چنان بود که هیچ واعظی جرأت نداشت در محضر ایشان مطلب سستی بگوید. زیرا آیت الله سریعاً فریاد می زد که از منبر پایین بیاید. فقط واعظی می توانست در حضور ایشان منبر برود که سخنانش مستند به آیات و اخبار صحیح باشد. در باب زهد و تقوای او نیز داستان های زیادی از ساده زیستی و قناعت وی نقل کرده اند. نظم و ترتیب او در زندگی نیز چنان بود که طلاب مدرسه ساعت های خود را با کارها و برنامه های او تنظیم می کردند.

در مقامات آیت الله آقا سید محمدباقر درجه ای مرحوم درجه ای سی و هشت سال تمام به تدریس اصل دین مشغول بود و هیچ گاه درس را دقیقه ای تأخیر و تعطیل روا نداشت.

اگر چیزی از این فقیه بزرگوار می پرسیدند و او نمی دانست، با صراحت اظهار می داشت نمی دانم و این لفظ را بلند می گفت تا شاگردان یاد بگیرند اگر چیزی را نمی دانند از اینکه بگویند نمی دانم عارشان نیاید. (۱) مرحوم استاد همایی که از نخستین روزهای ورود به مدرسه ی نیم آورد در محضر آیت الله العظمی درجه ای بود در مورد خصوصیات اخلاقی ایشان می نویسد: «در هنگام سلامت غذایش بسیار ساده و نان خورش شام و نهار او پیاز و سبزی بود.... در سادگی و صفای روح و بی اعتنایی به امور دنیوی، گویی فرشته ای بود که از عرش به فرش فرود آمده و برای تربیت خلائق با ایشان همنشین شده است. مکرر دیدم که سهم امام های کلان برای او آوردند، دیناری نپذیرفت. با این که می دانستم بیش از چهار پنج شاهی پول سیاه نداشت». (۲)

وی عالمی بود که به راستی نسبت به دنیا و امور دنیوی بی اعتنا بود و در معیشت به حداقل ممکن قناعت می کرد. نقل است که: «در شهر منزل نداشت، پنجشنبه و جمعه ها را به درجه می رفت، پس از بازگشت نان و ماست مصرفی خود را تا آخر هفته همراه می آورد و در مدرسه ی صدر مثل سایر طلبه ها زندگی می کرد». (۳)

گویند رضاخان با آن همه اختناق و وحشتی که در جامعه ایجاد کرده بود، موقعی که به اصفهان

ص: ۲۱۴

۱- ۳۳۷. مکارم الآثار، ج ۵، ص ۱۷۸۰ .

۲- ۳۳۸. همایی نامه به اهتمام مهدی محقق، ص ۱۸ .

۳- ۳۳۹. نجفی قوچانی: سیاحت شرق، ص ۱۶۳.

آمده و خواهان ملاقات با این عالم بود، علامه درچه ای تقاضای او را کاملاً نادیده گرفت و به وی بی اعتنایی نمود.^(۱)

۳ - سید مهدی درچه ای: متوفی ۱۳۶۴ ق. علامه، فقیه و زاهد از مراجع بزرگوار تقلید. وی پیوسته مورد اعتماد تمام طبقات مردم اصفهان بود و در مسایل فقهی به او مراجعه می کردند. حوزه درسی گرم و پررونق و پرجمعیتی در سطوح عالیه داشت و به قدری جمعیت زیاد بود که ناچار بالای منبر تدریس می کرد و در مدرسه نیم آورد تا وسط مدرسه جمعیت فضلا می نشستند و درسش شهرت داشت. در اواخر عمر مجتهد اعلم و جامع الشرایط اصفهان بود. وی علم اصول را نیکو تدریس می کرد و محفل درسی او را بزرگان علم تشکیل می دادند. در مورد ساده زیستی و صفای قلب او حکایت های غریبی را نقل کرده اند. از جمله از خود ایشان نقل شده است که شبی پس از نماز و مشاغل درسی به مدرسه آمدم و داخل حجره شدم دیدم هیچ چیزی حتی وسیله روشنایی و خوراکی در حجره نیست و اتفاقاً شب عید بود. بیرون آمدم و استخاره کردم یک سوره «اذا وقعت الواقعة» اطراف صحن مدرسه بخوانم. خوب آمد، خواندم. استخاره کردم تکرار کنم، خوب آمد و این عمل چند مرتبه تکرار شد. سپس استخاره کردم بروم داخل حجره بنشینم. خوب آمد و همان کردم. دیدم کسی آمد پشت درب و آنرا کوبید و صدا زد. درب را باز کردم. دیدم یکی از شخصیت های نجف است. مرا دعوت کرد برای مهمانی آن شب به خانه اش بروم.

قبول کردم و رفتم. برای خواب هم مرا نگه داشت. فردا مرا با خود به حمام برد. پس از بیرون شدن از حمام دیدم وسایل حمام تازه و لباس کامل نو و بسیار خوب از قبیل عبا و عمامه و قبا و پیراهن و غیره را تماماً گذارده تا بپوشم. بعداً که به مدرسه آمدم دیدم مقداری پول طلا هم در جیب قبا برای مخارج بعدی گذارده بود.^(۲) در تاریخ فوتش سروده شد: «رفت سید مهدی از دنیا وای آه».^(۳)

ص: ۲۱۵

۱- ۳۴۰. درچه ای، سید تقی: قصه های خواندنی از چهره ای ماندنی، صص ۷۹ و ۸۰.

۲- ۳۴۱. نگاهی کوتاه به خاندان و زندگی عالم جلیل القدر مرحوم آیت الله سید ابوتراب درچه ای، ص ۲۶.

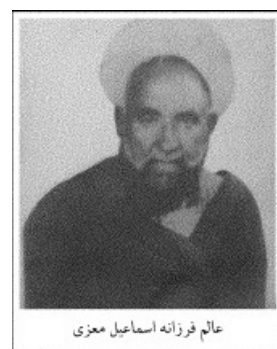
۳- ۳۴۲. کتابی: رجال اصفهان، ص ۲۱۸.

۴ - حاج محمدحسین کازرونی: فرزند حاج محمدجعفر. متوفی ۱۳۵۱ ق. وی از بازرگانان متدین و نیکوکار اصفهان بود که آثار خیریه بی شماری در شهر اصفهان و بخصوص در تخت فولاد از وی به یادگار مانده است. در نهضت مشروطه با علمای بزرگ اصفهان همچون حاج آقا نورالله اصفهانی همکاری داشت و به تأسیس شرکت اسلامی که به منظور تبلیغ و حمایت از کالاهای داخلی در برابر کالاهای خارجی با مراجع و علمای بزرگ آن دوره همراهی نمود. (۱)

یکی از آثار خیریه او این تکیه و آب انبار مجاور آن است. وی در سال ۱۳۵۱ ق. درگذشت و در این تکیه دفن شد. در سال ۱۳۶۳ ق. استخوان های او را به نجف اشرف منتقل کرده و در آن مزار مقدس دفن نمودند.



۵ - شیخ اسماعیل معزی: فرزند محمدحسن. متوفی ۱۳۶۳ ق. عالم فاضل و از پرهیزگاران کم نظیر روزگار خویش است. ایشان در مدّت اقامت در نجف با آقا سید ابوالحسن مدیسه ای هم مباحثه بودند. تعداد تألیفات ایشان را بالغ بر سی اثر نوشته اند. از خصوصیات اخلاقی ایشان سخن فراوان است. از جمله در مدّت اقامت در نجف اشرف به تشرّف به حرم مطهر حضرت علی علیه السلام اهتمام تمام داشت. و در اصفهان نیز حدود دو سال بطور مستمر برای درک فضیلت



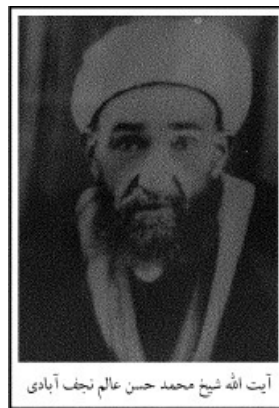
ص: ۲۱۶

شب قدر به احیا و شب زنده داری در مسجد سلام پرداخت. وی دارای مراتب عرفانی و کرامات اخلاقی برجسته ای بود. چنانکه او یکی از افراد تشرّف یافته به حضور حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. از آثارش: الف) شرح کفایها-اصول ب) اصول فقه (دوره کامل) ج) رساله در اصول دین د) مجالس المؤمنین (در مواعظ) را می توان نام برد. (۱) در ماده تاریخ فوتش واعظ چنین سروده است:

پی تاریخ آن سر کرد بیرون واعظ و گفتا

معزی یعنی اسماعیل زین دنیا بجنت شد

۶- شیخ محمدحسن عالم نجف آبادی: متوفی ۱۳۸۴ ق. عالم متقی، فقیه مجتهد، از مدرّسین مشهور حوزه علمیه اصفهان و معلّم اخلاق. چنانچه نقل است در منابرش موعظه و درس اخلاق می گفت و سخنانش در دل اثر می کرد و انسان را منقلب می نمود. گویند روزی در مدرسه جدّه بزرگ واقع در بازار اصفهان جلسه ای برقرار بود و حاج آقا رحیم ارباب و حاج میرزا علی آقا شیرازی در آن حاضر بودند. حاج شیخ محمدحسن عالم به منبر رفت و حاضران را به تقوی و صیانت نفس دعوت نمود و از قیامت، حساب بندگان و اوضاع برزخ و معاد سخن گفت. در این میان حاج میرزا علی آقا به همراه حاج آقا رحیم ارباب منقلب شده و اشک می ریختند. حالت این دو عالم تمامی طلاب مجلس را تحت تأثیر قرار داد. به هنگام درس نیز مرحوم عالم از لطافت روحی فراوان برخوردار بود. چنانچه در اثناء درس گاه منقلب می شد و گریه می کرد. این حالت آثار تربیتی فراوانی بر شاگردان داشت. ایشان همچنین با ایجاد تحریف و بدعت در روضه های عاشورا به شدت مخالف بود. (۲) یکی از برکاتی که خداوند به ایشان عطاء نمود شفای ایشان با تربت حضرت



ص: ۲۱۷

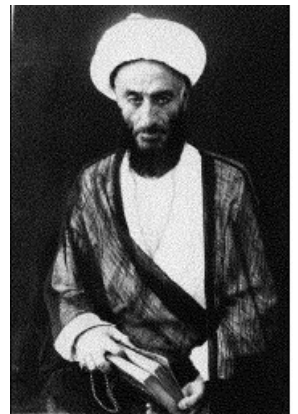
- ۱- ۳۴۴. نصرالهی، غلامرضا: مقاله شیخ اسماعیل معزی، هفته نامه نوید اصفهان، دوم شهریور ۱۳۷۰، سال چهارم، ص ۲.
- ۲- ۳۴۵. در کتاب ناصح صالح صفحه ۲۱۳ حکایت آموزنده ای در برخورد این عالم با تحریفات عاشورا نقل شده است.

سیدالشهداء علیه السلام بود. که در وقتی که اطباء از شفای وی ناامید شده بودند، با خوردن کمی از تربت حضرت شفا یافته بودند. (۱)

مهمترین کتاب ایشان «فضیله السیاده» (در فضیلت و برتری سادات) می باشد. خودشان می فرمود: «من این کتاب را نوشتم تا در آن دنیا به حضرت فاطمه علیها السلام عرض کنم من این مقدار توان داشتم به ذریه شما و خاندان شما خدمت کنم». (۲)

۷ - حاج ملا حسینعلی صدیقین: فرزند محمد اسماعیل متوفی ۱۳۶۸ ق. عالم فاضل، عارفی که دارای ضمیری صاف و روشن بود. عمرش را به تزکیه و تهذیب نفس گذراند.

مراتب عرفان و سلوک را خدمت حاج محمدجواد عارف بیدآبادی تکمیل نموده و سالها به ریاضت و تصفیه ی باطن گذرانیده تا اینکه جامع مراتب صوری و مقامات معنوی گشت.



وی سالها در مسجد تکیه ی گرگ یراقی ها و مسجد حاج اسدالله سمسار و سرانجام در مسجد در کوشک (باب القصر) اقامه ی جماعت می نمود و نماز جماعت ایشان از حیث کمیت و کیفیت از جماعات ممتاز اصفهان به شمار می رفته است. از جمله نقل می کنند که فقیه متشرع و حکیم و عارف متأله مرحوم آقا صدرالدین کوپایی [از مدفونین تکیه بروجردی] که خود از علما و زهاد و مدرسین بزرگ اصفهان به شمار می رفته، نماز خود را به مرحوم صدیقین اقتداء می کرده است و بویژه در ماه مبارک رمضان از اول تا آخر ماه نماز ظهر و عصر خود را به جماعت ایشان حاضر می شده است. هنگامی که از مرحوم کوپایی سؤال می کنند که شما که خود دارای مراتب بالای علمی و جامع

ص: ۲۱۸

۱- ۳۴۶. در کتاب سیمای دانشوران، ص ۱۳۲ - ۱۳۰ شرح این داستان ذکر شده است.

۲- ۳۴۷. آیت الله بروجردی طی نامه ای تشکر خود را از تلاش مرحوم عالم نجف آبادی در حرمت گذاری به سادات ابراز داشتند. ر. ک: نور محمدی، محمدجواد: حکایت پارسایی، ص ۱۱۴ و ۱۱۵.

محاسن اخلاقی هستید، به مرحوم صدیقین اقتداء می کنید؟! ایشان در پاسخ می فرماید که شما حاج ملا حسینعلی را نمی شناسید، او فرشته ای است بصورت انسان درآمده است. مرحوم صدیقین که نمایندگی تام الاختیار مرجع عظیم الشان مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی و سپس نیابت تام از سوی زعیم اعظم مرحوم حاج آقا حسین بروجردی را دارا بود، در شب جمعه دوم صفرالمظفر سال ۱۳۶۸ قمری به سن متجاوز از هفتاد وفات یافت و در یکی از حجرات تکیه ی کازرونی در سمت مشرق تکیه مدفون گردید. از جمله آثار آن مرحوم حواشی مختصری بر تذکره القبور آخوند گزی است. (۱)

۸ - حاج شیخ محمدباقر صدیقین: فرزند ملا حسینعلی. متوفی ۱۴۱۴ ق. عالم فاضل. از علمای محترم اصفهان که به خوش اخلاقی و تزکیه ی نفس در بین مردم شهرت داشت در علم تعبیر خواب و نیز گرفتن استخاره کم نظیر بود.

فرازهایی از وصیت نامه وی چنین است: ضروریات دین و مذهب و تنها راه نجات، ولایت معصومین است و هیچ عمل بدون ولایت مورد قبول نمی باشد و مخصوصاً شفاعت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و تنها چشم امید من به شفاعت حضرت زهرا سلام الله علیها می باشد. و این که بهشت و جهنم حق است و فرزندان عزیزم باید بدانند اگر سعادت دنیا و آخرت می خواهند تنها درب خانه ائمه علیهم السلام و حضرت مهدی آل محمد علیه السلام می باشد. (۲)



۹ - شیخ محمدباقر فقیه ایمانی: متوفی ۱۳۷۰ ق. عالم بزرگوار، مفسر، محدث و فقیه محقق، از دانشمندان معاصر اصفهان. وی بیش از هفتاد جلد کتاب تألیف نموده که موضوع بسیاری از آنها درباره ی زندگی و خصال حضرت مهدی علیه السلام می باشد. از جمله الف) فوز اکبر ب) شیوه های یاری

ص: ۲۱۹

۱- ۳۴۸. کرباسی زاده: نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس، ص ۹۰ و ۹۱.

۲- ۳۴۹. ریاحی: روضه رضوان، ص ۲۲۲.

قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (ج) سوز هجران به چاپ رسیده است.

علاقه و محبت وی ایشان را به فیض حضور محبوبش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نایل گردانید. (۱) در انتظار فراق حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دلی سوخته و اشکی ریزان داشت. در روزهای جمعه با حال گریه و شور چند مرتبه دعای ندبه را قرائت می کرد. تمام منبرهایش به شئون حیاتی و امامتی آن حضرت بزرگوار بر گزار می گردید.

در جنگ اشعار علامه جلیل مرحوم آقامیرزا محمدتقی بن عبدالرزاق موسوی احمدآبادی [مدفون در تکیه فقیه احمدآبادی] رؤیای ذیل به خط و امضای علامه ثقه جلیل و عالم زاهد

بی بدیل مرحوم آقا میرزا محمدباقر فقیه ایمانی امام جماعت مسجد امامزاده اسماعیل دیده شد که عیناً نقل می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم این رؤیایی است صادقه که وقوع یافت از برای این احقر ضعیف محمدباقر شریف در وقت سحر از شب دوشنبه هشتم شهر جمادی الاول از سنه هزار و سیصد و چهل و دو، و آن چنین است که دیدم در مسجد عظیمی هستم و مشغول نماز بودم و در مقابل من ده دوازده زرع دورتر جماعتی پشت به قبله نماز می کردند و در آن حال شخصی متصل صدا می زدند که چرا کسی اینها را منع نمی کند و خود رفتند برای منع آنها، پس چون در حال تشهد رسیدم آقای جلیلی که عمامه سیاه بر سر مبارکشان بود تشریف آوردند و در پهلوئی من طرف راست نشستند. چون سلام دادم دیدم لوحی را که مانند کتاب بود باز کردند و در صفحه ی طرف دست چپ، دست مبارک را روی خطی از آن گذاردند و فرمودند بخوان و من تقریباً دو سطر از آن را خواندم از خواب بیدار شدم و آن عبارات به عینها در نظرم بود و آنها چنین است:

«عن الشيخ ابی القاسم حسین بن روح لقد جرت عادة اهل بلدکم باحتمال الاذی و ترک الدعاء فی فرج مولاکم صاحب الامر علیه السلام فویل لکم و عظم مصیبتکم و اغفلناه فادعوا له و انتظروا فرج مولاکم.»

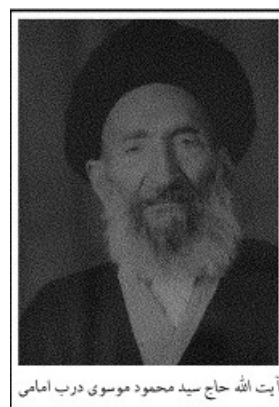
و چون بیدار شدم و در تفکر حفظ کردن عبارات مذکوره بودم که محو نشود پس دو مرتبه چشم من به هم رفت در آن حال دیدم مقابل دری ایستاده ام و پرده بر آن افتاده بود. پس کسی از عقب پرده، پرده را پس نمودند و فرمودند حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها اینجا تشریف دارند و تو را می طلبند. پس چون خواستم وارد شوم آن کس که اذن دخول دادند و بعد دانستم که حضرت فضه

ص: ۲۲۰

سلام الله عليها می باشند فرمودند از آداب رفتن خدمت ایشان آن است که صلوات و سلام بر ایشان بفرستی و دعا در فرج حضرت صاحب الامر علیه السلام کنید. پس من در حال رفتن در آن حجره چنین می خواندم و می رفتم «اللهم صل و سلم علی مولاتنا فاطمه الزهراء و عجل فی فرج مولانا صاحب الزمان علیه السلام» و آن حجره به قدری ظلمانی بود که هیچکس دیده نمی شد و چنین معلوم بود که اینجا بیت الاحزان است و رفتم تا به موقعی که فرمودند اینجا تشریف دارند و مشغول نمازند و سلام کن بر ایشان و اشاره فرمودند که به آن سلامی باشد که در نظر من بود و آن (را) در زادالمعاد علامه مجلسی قدس الله روحه الشریف روایت فرموده اند در اعمال ماه جمادی الثانیه و آن مختصر است و اولش «السلام علیک یا سیده نساء العالمین» است؛ پس من سلام نمودم به آن سلام و چون از نماز فارغ شدند جواب فرمودند. پس چنین فرمودند: «علیکم بموالاتنا و اتباع آثارنا و من اهمها الصلوه فی اوقاتها و الدعاء فی فرج القائم» و بعد هم فرمودند آن کس که کتاب را در خواب قبل به تو نشان دادند «کان ولدی العباس» [فرزندم

عباس بود] و در خواب اول هم آن جناب امر فرمودند به من که این رؤیا را نقل کن و التحریر فی الیوم الرابع عشر من الشهر المذكور ۱۳۴۳ انتهى نقل رؤیا. (۱)

۱۰ - سید محمود موسوی درب امامی: فرزند سید عبدالعلی موسوی، متوفی ۱۳۷۲ ق. عالم فاضل. محدث محقق و واعظ برجسته. وی کتاب «ثمرات الحیاه» را در سه جلد که در خصوص موعظه و تفسیر می باشد تألیف نمود. مواعظ منبری وی مورد توجه تمام طبقات آن زمان بویژه علما بوده چنانکه علمایی همچون آقا سید محمد باقر درجه ای که از مجتهدین بزرگ بود مستمع مواعظ وی بودند. زبردستی و تسلط عالی وی بر اخبار و روایات را از این کتابش می توان دریافت.



آیت الله حاج سید محمود موسوی درب امامی

ص: ۲۲۱

کتاب «ثمرات الحیاه» شامل یکصد و بیست منر در باب مقام و عظمت سیدالشهداء علیه السلام که با متنی بسیار دلنشین نوشته شده می باشد. در ضمن به احوالات سایر معصومین نیز اشاراتی دارد. (۱)

۱۱ - حاج میرزا هاشم کلباسی: فرزند حاج میرزا عبدالجواد. متوفی ۱۳۵۸ ق. عالم فاضل، فقیه زاهد. وی از نوادگان حاجی کلباسی محسوب می شود و در میان مردم به عبادت و زهد شهرت داشت. درباره شخصیت معنوی و زهد مرحوم کلباسی حکایت های متعددی نقل شده است. از جمله این که از حدود دوازده سالگی مقید به نماز شب بوده است. همچنین مراقبت و دقت وی در امور به گونه ای بوده است که به کوچک ترین و جزئی ترین مسایل و حقوق دیگران توجه داشت.

از دیگر خصوصیات این عالم جلیل اهتمام قابل توجه نسبت به ارحام و صله رحم بود. چنانکه صبح های پنجشنبه صله ی رحم می کردند و به فامیل سر می زدند. (۲)

۱۲ - شیخ بهالله هرنندی: فرزند شیخ محمدعلی. متوفی ۱۳۶۶ ق. عالم فاضل، فقیه و مدرّس معروف. وی فقه، اصول و ادبیات را در مدرسه ی صدر تدریس می کرد. عالمی محقق و دقیق بود و با همه سختی های زمان صبر و شکیبایی را از دست نداده و از جاده ی قناعت و زهد منحرف نگردید. (۳)

۱۳ - سید مرتضی خراسانی: متوفی ۱۳۵۷ ق. عالم فقیه و محقق که عمری را به زهد و عبادت و تدریس گذراند. جمعی از فضلا همچون آیت الله میر سید علی علامه فانی از درس او استفاده می نمودند. (۴)

۱۴ - آقا محمد نوری: متوفی ۱۳۷۳ ق. عالم، فاضل، واعظ و ادیب شاعر.

۱۵ - آیت الله سید محمدحسن روضاتی: فرزند میرزا احمد بن محمدباقر چهارسوقی. متوفی ۱۳۸۰ ق. عالم فاضل و فقیه زاهد. وی ارادت و عشق عجیبی نسبت به حضرت سیدالشهداء علیه السلام داشت و به همین خاطر سفارش کرد پس از درگذشتش مجلس تعزیت و ترحیمی برقرار نکنند. زیرا هیچ مصیبتی را با مصیبت جدش امام حسین علیه السلام قابل مقایسه نمی دانست و با توجه به این وصیت،

ص: ۲۲۲

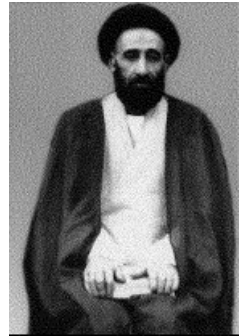
۱- ۳۵۲. امامی اصفهانی، سید محمود: ثمرات الحیات، ج ۱، ص ۱۶ و ۱۷.

۲- ۳۵۳. ریاحی: روضه رضوان، ص ۲۶۱.

۳- ۳۵۴. مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۲، ص ۳۵۴.

۴- ۳۵۵. کتابی: رجال اصفهان، ص ۲۱۰.

جهت ایشان هفت روز مجلس روضه برپا و در آن از مصائب سرور آزادگان و اهل بیتش سخن گفته شد. (۱) ماده تاریخ وفاتش را صغیر شاعر معاصر چنین سرود: «در جزا سید حسن محشور گردد با حسین علیه السلام». (۲)



مشاهیر مدفون خارج از تکیه کازرونی

۱ - آخوند ملا محمدصادق اردستانی: فرزند حاج محمد (متوفی ۱۱۳۴ ق) فیلسوف و عارف عهد صفویه به شمار می رود. این حکیم بزرگ در مدارس اصفهان به تدریس حکمت مشغول بود و بزرگانی همچون ملا حمزه گیلانی و شیخ محمدعلی حزین از محضر وی کسب علم نمودند. شیخ حزین از او به احترام فراوان نام می برد و می گوید که حق این استادش بیشتر از استادان دیگر است. (۳) پس از وفات جنازه ی او را در جنوب شرقی پل خواجه به خاک سپردند. قبر وی مدت ها به «قبر آخوند پُلی» و «آخوند پلویی» معروف بود پس از احداث خیابان در کنار پل خواجه استخوان های این عالم را به جهت اعتقادی که مردم به زیارت قبر وی داشتند در تخت فولاد کنار قبر درویش ناصر علی مقابل تکیه ی فیض به خاک سپردند. (۴)

از این حکیم عارف کتاب هایی باقی مانده است: الف) رساله در تفسیر آیه نور ب) حاشیه بر شفا و آثار دیگر.

ص: ۲۲۳

۱- ۳۵۶. ریاحی: روضه ضوان، ص ۳۲۲.

۲- ۳۵۷. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۱۶.

۳- ۳۵۸. شرح حال کامل وی در آتشکده اردستان از رفیعی مهرآبادی، جلد دوم، ص ۳۱۴ به بعد آمده است.

۴- ۳۵۹. گزی، عبدالکریم: تذکرها لقبور، صص ۲۳ و ۲۴.

آرامگاه او بر روی سکویی در قسمت شمالی بیرون تکیه ی کازرونی قرار گرفته است.

۲- درویش ناصرعلی گلکار: میرزا محمّد مشهور به «گلکار» و ملقب به «ناصرعلی» از عرفای قرن سیزدهم هجری است. وی از ملازمین کریم خان زند بود. پس از مدّتی مرید نورعلیشاه شد و در اثر تحوّل روحی که در او ایجاد شد دست از تعلقات دنیوی شست و عمرش را صرف عبادت و ریاضت نمود. کراماتی از او حکایت شده است.

تاریخ فوت او روشن نیست. حسینعلی شاه اصفهانی بر جنازه او نماز خواند و در تخت فولاد دفن شد. این بیت از اوست:

خراباتی که رندان را مقام است

برو صوفی که بر خامان حرام است(۱)

۳- میرزا عبدالجواد خطیب: فرزند شیخ عبداللّه. متوفی ۱۳۵۰ ه. ق. از خطیبان و شعرای معروف اصفهان که از جمیع فنون شعری، بویژه ماده تاریخ بهره مند بوده است. او برای اغلب علمای معاصر خویش ماده تاریخ سروده است. در خط نسخ و نستعلیق نیز از اساتید به شمار می آمد. از آثار ارزشمند وی علاوه بر کتیبه ی سردر مدرسه ی صدر بازار، کتیبه ی سردر آب انبار کازرونی می باشد. قبرش نیز در کنار آب انبار کازرونی قرار دارد.(۲)

۴- شیخ اسدالله ایزدگشسب: فرزند محمود. متوفی ۱۳۶۶ ق. (مزارش در ضلع غربی تکیه کازرونی در تکیه ای مستقل به نام خودش موجود است). عالم فاضل حکیم که حکمت را از بزرگانی چون حکیم جهانگیرخان قشقایی و آخوند کاشی و شیخ محمّدباقر اصطهباناتی فرا گرفت. در سال ۱۳۵۰ ق. از طرف صالح علیشاه ملقب به «درویش ناصرعلی» گردید. علاوه بر عرفان به تفسیر قرآن نیز پرداخته و چون دانشمندی شاعر و آشنا به فنون شعری بوده، سوره یوسف را به نظم تفسیر نموده که در آن به قدری روشن و عاشقانه قصه حضرت یوسف علیه السلام را تشریح کرده که روح خواننده را تکان می دهد و شور و حالی را در انسان پدید می آورد.(۳)

وی بیش از بیست رساله و کتاب تألیف نموده است. از اشعار اوست:

به خالش من خیالی خام کردم

دل دیوانه را در دام کردم

ص: ۲۲۴

۱- ۳۶۰. مهدوی، سید مصلح الدین: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۳۶.

۲- ۳۶۱. قدسی، منوچهر: خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، ص ۱۰۴ و ۱۰۵.

۳- ۳۶۲. ر. ک: ایزدگشسب، شیخ اسدالله: شمس التواریخ، (مقدمه کتاب)، صص ۱۲ - ۹.

چو دل را در محبت خام دیدم

شراب پخته اش در جام کردم

به میخانه کشیدم زاهدی را

مر او را همچو خود، بدنام کردم

.... چو دیدم شمس را نیست در بر

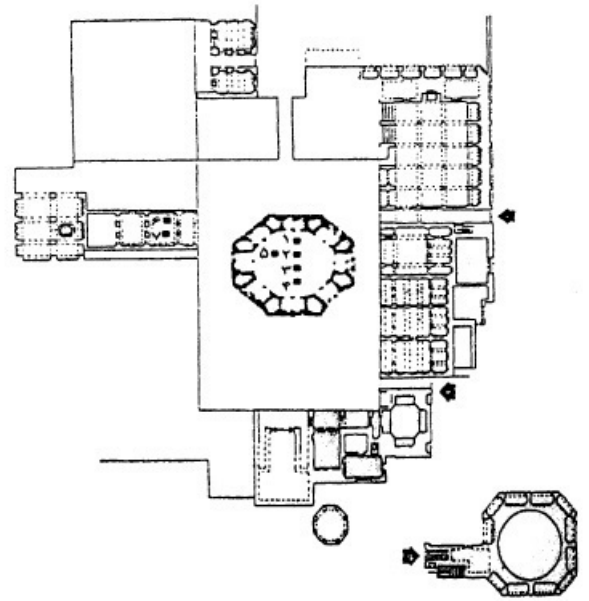
ز دلبر دل برایش وام کردم(۱)

ص: ۲۲۵

۱- ۳۶۳. کتابی، محمدباقر: رجال اصفهان، ص ۴۲۸ - ۴۲۳.

۵ شیخ اسماعیل معزی
۶ ملا حسین علی صدیقین
۷ ملا محمد باقر صدیقین

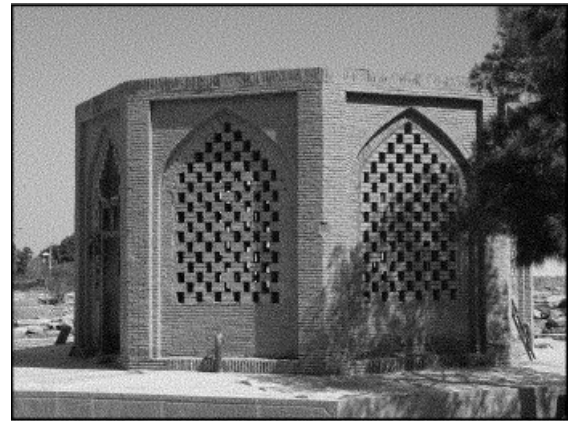
۱ سید یوسف خراسانی
۲ علامه سید محمد باقر درچه ای
۳ سید مهدی درچه ای
۴ ملا عبدالکریم گزی



آب انبار کازرونی

اشاره

در جنوبی ترین قسمت تخت فولاد تکیه ای مربوط به اواخر دوره ی قاجاریه قرار دارد. بقعه ی این تکیه پس از فوت حاج میرزا ابوالحسن بروجردی طباطبایی در سال ۱۳۴۸ ق. ایجاد گردید. او از علمای بزرگواری است که به دلیل سکونتش در محله درب کوشک اصفهان این تکیه به نام

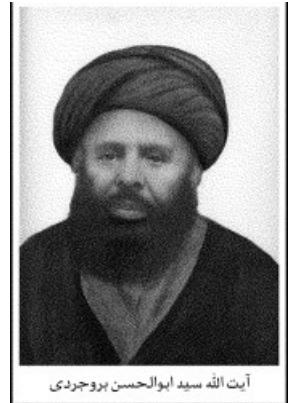


بقعه تکیه بروجردی

«درب کوشکی ها» نیز معروف است. بقعه در وسط تکیه قرار دارد و هر چهار طرف تکیه اتاق هایی وجود داشته که به مرور زمان از بین رفته است. عده ای از سادات قلمزن و نقاش که آثار هنری آنان را می توان در آستان قدس رضوی حضرت ثامن الحجج علیه السلام مشاهده نمود، در این تکیه مدفون هستند. به سبب دفن واعظ و منبری خوش مشرب اصفهانی «مرحوم صمصام» مردم به این تکیه توجه خاصی دارند. چنانکه هرگاه فردی به این تکیه وارد شود با گروهی از مردم که گرد قبر وی حلقه زده اند مواجه می شود.

بیش از چهل شخصیت علمی در این تکیه مدفون هستند که به اختصار به ذکر چند نمونه اشاره می شود:

۱ - آیت الله سید ابوالحسن طباطبایی بروجردی (درب کوشکی): فرزند میر سید علی بروجردی، متوفی ۱۳۴۸ ق. از فقها و مجتهدین برجسته اصفهان، که بسیار مورد علاقه و توجه مردم بود وی پس از وصول به مقام اجتهاد به تدریس فقه و اصول و امامت و ارشاد مردم پرداخت. (۱) پدر و برادر وی نیز از علمای بزرگ اصفهان محسوب می شوند. پدر بزرگوارشان در تکیه ی خوانساری و برادرشان در تکیه ی حاج آقا مجلس مدفون هستند.



آیت الله سید ابوالحسن بروجردی

۲ - شیخ احمد بیدآبادی: فرزند میرزا محمدجواد مجتهد حسین آبادی، متوفی ۱۳۵۷ ق. از فقها و مجتهدین برجسته اصفهان، که به زهد و پرهیزگاری نیز شهرت داشت. از نوایع علمی اصفهان. در بین علمای مدفون تخت فولاد وی نیز به مانند علامه فقیه فاضل هندی، قبل از رسیدن به سن بلوغ به مرتبه ی اجتهاد نایل گشته بود. وی برادر بزرگ آیت الله العظمی شیخ محمدعلی شاه آبادی (استاد عرفان امام خمینی رضوان الله



ص: ۲۲۸

علیه) می باشد. ایشان در چند خصلت برجسته و ممتاز بود: اول در حافظه و هوش که اعجوبه ی دهر بود. دوم در احاطه بر مسایل فقهی. سوم در اخلاص و ارادت به اهل بیت علیهم السلام. چهارم در جوانمردی و فرزاندگی زبانزد خاص و عام بود. نزدیک پنجاه سال در محله ی بیدآباد و اصفهان به اقامه ی جماعت و هدایت مردم مشغول بود و در ماه مبارک رمضان منبر و نماز جماعت وی اهمیت و رونق تمام داشت. (۱)

۳ - سید صدرالدین هاطلی کوپایی: فرزند سید حسین طباطبایی متوفی ۱۳۷۲ ق. فقیه و حکیم بزرگوار، عالم ربّانی مفسّر و ادیب، صاحب آثار ارزنده فراوان از جمله: الف) شروق الحکمه فی شرح الاسفار و المنظومه ب) شرح کفایها لاصول. او عارفی حقیقی بود که در نهایت وارستگی می زیست و حقیقت عرفان را درک کرده بود. وی در نهایت قناعت و عزّت نفس زندگی می کرد و با آنکه عمری را به سختی و تنگی معیشت گذرانید، ولی هرگز از جاده ی حق و حقیقت منحرف نشد. وی در نهایت گمنامی زندگی کرد و در مدّت هفتاد سال که در اصفهان بود به غیر از خواص، کسی او را نشناخت. در مدت چهل سال تدریس متجاوز از پانصد طلبه در محضر او حضور یافته و از علوم و کمالات و فضایل اخلاقی وی استفاده بردند. متجاوز از بیست مرتبه منظومه منطق را تدریس کرد و نکته دیگر اینکه تفسیر سوره نور و سوره بقره و سوره واقعه ملاصدرا را فقط او در اصفهان تدریس می نمود. شب های پنج شنبه و جمعه نیز در حجره خود در مدرسه صدر درس تفسیر داشت. (۲)

مرحوم مهدوی درباره ی او می نویسد: «ملکی بود در لباس بشر» نقل است که در مجلس ختم علّامه آقا سید محمّد کوه کمری حضور یافت و فرمود فردا نوبت من است و به همان کیفیت فردا وفات یافت و در همان مسجد مجلسی ختمی برای وی گرفتند. (۳)

۴ - حاج شیخ ابوالقاسم زفره ای: فرزند ملّا علی عرب، متوفی ۱۳۵۲ ق. معروف به «حاج آخوند» عالم فاضل و جامع علوم معقول و منقول. بسیاری از علمای بزرگ اصفهان از آن جمله: حاج سید عبدالحسین طیب، شهید حاج سید ابوالحسن شمس آبادی، ملّا احمد بیان الواعظین و بانو امین از شاگردان وی بوده اند. معروف بود که حاج آخوند به علوم غریبه آشناست و در جبر و اعداد و

ص: ۲۲۹

۱- ۳۶۵. بیدآبادی، ملّا احمد: خلد برین، ص ۱۳۵.

۲- ۳۶۶. جواهری، ابراهیم: علوم و عقاید، ص ۲۹ و ۳۳ و ۳۶.

۳- ۳۶۷. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۸۹.

طلسمات زحماتی کشیده و در این موارد کارهایی به او منسوب بود. (۱)

۵ - حاج ملا احمد بیان الواعظین: متوفی ۱۳۷۱ ق. فرزند ملا حسن ادهم (عالم فاضل ادیب مدفون در کنار پسر). عالم، واعظ و ادیب، مؤلف: الف) کتاب «خلد برین» در ده جلد درباره ی اسامی خطباء و واعظین ب) دیوان اشعار و چندین کتاب دیگر است.

۶ - آخوند ملا کاظم مروّج بیدآبادی: فرزند نصرالله، متوفی ۱۳۶۷ ق. عالم جلیل، ادیب و شاعر پرهیزگار. از صفات برجسته وی آن بود که هیچ گاه غیبت نمی کرد و حاضر به شنیدن آن هم نبود. به جهت ترویج دین به «مروّج الاحکام» ملقب گردیده بود. وی صاحب آثار ارزشمندی چون: الف) اربعین (چهل حدیث در فضایل حضرت علی علیه السلام ب) دیوان اشعار و.... می باشد. از اشعار اوست که در انتظار فرج (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سروده است:

کی شود ظاهر کنی یارب تو از لطف عمیم

سید ما را که دل شد از فراق او دو نیم

.... تا به کی در انتظارش شیعیان و دوستان

تا به کی از دوری آن شاه قلب ما الیم (۲)

۷ - شیخ علی یزدی: فرزند آقا محمّد، متوفی ۱۳۵۳ ق. عالم محقق و زاهد پرهیزگار، در مدرسه ی صدر شرح لمعه را بسیار متین و با آهنگ درس می داد. وی شاگردان بسیاری تربیت نمود.

این عالم بزرگوار در عین کمال علمی، از نظر مالی بسیار فقیر و تهیدست بود، عمری را با قناعت و زهد سپری نمود و از راه تصحیح کتب و نماز استیجاری روزگار می گذرانید. وی عالمی عابد و شب زنده دار بود و اکثر شب ها را به عبادت مشغول بود و به ندرت اتفاق می افتاد که نوافل شبش ترک شود. برادر مرحوم مهدوی (آقا معزالدین مهدوی) از قول استاد خویش عالم زاهد مرحوم آقا شیخ علی یزدی می گفتند که ایشان فرموده بودند در سال های اولیه ازدواج در اصفهان موقعی رسید که بسیار تنگدست شدم و از هیچ راهی گشایشی نشد. صبح که از خانه بیرون آمدم خانواده که چند ماهی بود بچه دار شده بود اظهار کرد جهت ظهر چیزی در خانه نداریم، به امید خدا از منزل خارج شدم به مدرسه صدر جهت درس و بحث روانه شدم تا ظهر مشغول بودم و در این بین به یکی دو نفر از طلاب که فی الجمله وضع مادّیشان بد نبود و گاهی هم از آنها قرض می کردم اظهار کردم و پولی خواستم گفتند فعلاً موجود نداریم. خلاصه آن روز و آن شب به همین نحو گذشت بدون آنکه چیزی داشته

ص: ۲۳۰

۲- ۳۶۹. مهدوی: تذکره شعرای اصفهان، ص ۳۸۴؛ و بیان المفاخر، ج ۲، ص ۲۳۳.

باشیم به خانه رفتیم. مادر بچه‌ها بدون آنکه اظهار نماید چون وضع مرا دید کمی مرا تسلی داد و اظهار بشاشت و خوشحالی کرد. روز دوم از خانه بیرون شدم و در این روز به چند نفر از کسبه جهت قرض کردن رجوع کردم. همه جواب یأس دادند و حتی خواستم از بقال و قصاب و نانوا چیزی قرض کنم، اظهار داشتند بدهی شما زیاد شده و تا حساب قبلی را تصفیه نکنید چیزی دیگر به شما نخواهیم داد. خلاصه این روز هم بدین

ترتیب سپری شد و خانواده از این بابت اظهاری نکرد و حال آنکه من و او دو روز بود که چیزی نخورده بودیم و او باید بچه را هم شیربدهد. در هر صورت صبح روز سوم موقعی که وارد مدرسه صدر شدم خواستم بروم به سمت جایگاه همیشگی خود که در آن درس می‌گفتم و آن مسجد پشت بازار نجارها بود. مرحوم آخوند کاشی را دیدم که به سمت من می‌آید. مرحوم آقا شیخ علی یزدی فرموده بودند به واسطه اختلاف مشرب و سلیقه، من نه تنها ارادتی به آخوند کاشانی نداشتم بلکه او را نیز بد می‌دانستم. چون وی مردی عارف و حکیم بود. نخواستم که با او روبرو شوم زیرا در این صورت جهت حفظ ظاهر مجبور بودم که به او احترام کنم و از روی عقیده قلبی او را بد و فاسق می‌دانستم، راه خود را برگرداندم او نیز راه خود را به سمت من برگرداند تا بالاخره روبه روی هم قرار گرفتیم. ناچار سلام کردم؛ ایشان پس از جواب فرمودند: آقا شیخ علی بیا. بدون اختیار دنبال ایشان روانه شدم، وارد حجره شد من نیز وارد شدم، در سر جای خود نشست مرا نیز دستور داد بنشین. نشستم. مبلغ پنجاه ریال پول نقد از زیر تشکچه خود خارج کرده و مقابل من گذارد. فرمود بردار و مصرف کن. من از روی عقیده خود که او را خوب نمی‌دانستم، نمی‌توانستم از او چیزی به عنوان هدیه یا هر عنوان دیگر که باشد قبول کنم، اظهار داشتم احتیاج ندارم. مجدداً فرمود بردار و جهت خانواده خود مصرف کن. من نیز اظهار عدم احتیاج و بی‌نیازی نمودم.

در این موقع آخوند متغیر شده به شدتی که رنگ رویش سیاه شد و اظهار فرمود شیخ علی یزدی و دروغ! شیخ علی یزدی و دروغ! (دو مرتبه). امروز سومین روزی است که شما و خانواده تان گرسنه هستید و باز می‌گویید احتیاج ندارم. بردارید مصرف کنید هر موقع دیگر هم که احتیاج پیدا کردید به من رجوع کنید. مرحوم آقا شیخ علی یزدی فرموده بود موضوع دو روز من و چیزی نخوردن مطلبی بود که فقط من و عیالم و خداوند که عالم السّر و الخفیات است از آن اطلاع داشتیم و مرحوم آخوند کاشانی [مدفون در تکیه ملک] از روی صفای باطن و ریاضت نفس بدین مقام رسیده بود که از باطن

من اطلاع به هم رسانیده بود. (۱)

۸ - میرزا علی اصغر شریف: متوفی ۱۳۸۴ق. عالم فاضل و مدرّس برجسته. از مدرّسین مشهور اصفهان که تا آخر عمر تدریس سطوح فقه و اصول می نمود و بسیاری از علمای اصفهان شاگرد وی بودند.

۹ - آقا محمّدحسن ساکت: فرزند محمد. متوفی ۱۳۵۶ ق. ادیب شاعر. دیوان اشعار او به چاپ رسیده است. (۲) از اشعار وی:

به کربلا دل سلطان دین ز غم خستند

دمی که آب به روی عیال او بستند

سکینه خواست ز عباس عم خود آبی

«جواب داد که آزادگان تهی دستند»

به نخل قامت اکبر به راستی بنگر

«که سروهای چمن پیش قامتش پستند»

فراز نیزه سر شاه و کودکان به فغان

«درخت غنچه برآورد و بلبلان مستند»

بیاری شه دین گفت حضرت عباس

به آن گروه که بر قتل او کمر بستند...

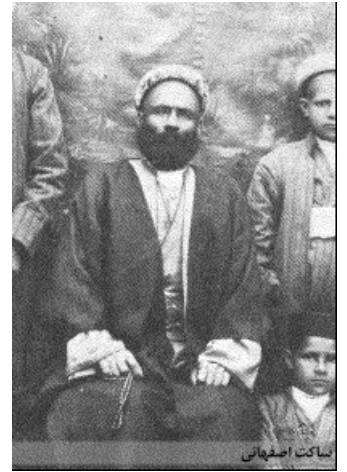
تا آنجا که می سراید:

شدند جمله حسینی و جان فدا کردند

که حق به غیر حسین علی ندانستند

ز جرم «ساکت» بیچاره در گذر یا رب

به تارکی که ز سنگ جفاش بشکستند. (۳)



ص: ۲۳۲

-
- ۱- ۳۷۰. نورمحمدی: ناگفته های عارفان، صص ۱۱۴ - ۱۱۲.
 - ۲- ۳۷۱. مرحوم مهدوی در تذکره شعرای اصفهان چند قطعه شعر زیبا از وی را نوشته است. ص ۲۳۱.
 - ۳- ۳۷۲. دیوان سماکت، صص ۴۵۴ - ۴۵۵.

۱۰ - شیخ عباسعلی سهیلیان: فرزند آقا ملا محمدعلی. متوفی ۱۳۸۵ ق. عالم فاضل شاعر متخلص به فائض. که از محضر علمای بزرگی چون حکیم جهانگیرخان قشقایی و آقا سید محمدباقر درچه ای کسب علم نمود. طبعی روان در شعر داشت و در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد. مرحوم آیت الله شیخ حیدرعلی محقق در مورد ایشان می فرمایند: هرگاه مرحوم فایض یکی از اشعاری که سروده بودند برای من قرائت می کردند، چنان اشک می ریختند که هرکس آنجا بود از حالت ایشان به گریه می افتد. به جرأت می توان گفت که اشعار ایشان از دل برآمده و امام حسین علیه السلام نمک خاصی به اشعار این مرد بزرگ زده است. (۱) در عزاداری بر حضرت سیدالشهداء علیه السلام چنین می سراید:

.... در آفتاب قیامت رود به سایه ی عرش

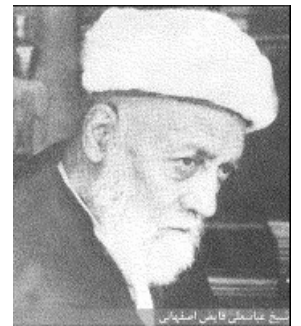
هرآنکه در غمت امروز نوحه سراسر است

چه کافران که مسلمان شدند تا دیدند

که بر فراز نی از صوت تو حق پیدا است

منه به بزم عزا پای بی ادب، فایض

به هوش باش که صاحب عزا رسول خداست (۲)



۱۱ - میرزا محمدتقی ادیب توسی: فرزند میرزا علی نقی ملاباشی، متوفی ۱۳۶۲ ق. فاضل و ادیب از آزادیخواهان مشروطه و مدیر روزنامه ی «صبح امید». وی نویسنده و گوینده ی ماهر و برجسته ای بود. (۳)

۱۲ - بانو ربابه الهی: فرزند میرزا محمدرضا الهی شهرکی، متوفی ۱۴۰۰ ق. عالمه فاضله، معلم قرآن و اخلاق. وی شاگرد بانو امین بود و مؤلف چند کتاب ارزشمند چون الف) (چهل حدیث ب) (کشکول الهی ج) (الجنه والرضوان و آثار دیگر است. پدر وی نیز از علما و فضلا بوده و کنار دخترش

ص: ۲۳۳

۱- ۳۷۳. گنج پنهان، ص ۱۰ و ۱۱.

۲- ۳۷۴. فایض اصفهانی: دیوان اشعار، مقدمه کتاب.

۳-۳۷۵. جهت اطلاع بیشتر، ر. ک: عقیلی: مشروطه خواهان مدفون در تخت فولاد، صص ۹۰-۸۸.

دفن است. (۱)

۱۳ - سید اسدالله رشتیان:

پای بوس هر ضریحی نام اوست

نزد آل عصمت او را آبروست

«شفیق»

فرزند سید هاشم نقاش، متوفی ۱۳۹۲ ق. وی نقاش مخصوص صحن مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام بود. پدرش نیز از هنرمندان و نقاشان بزرگ روزگار خود بود. از آثار پدرش می توان به نقاشی های موجود در تکیه خوانساری اشاره کرد.

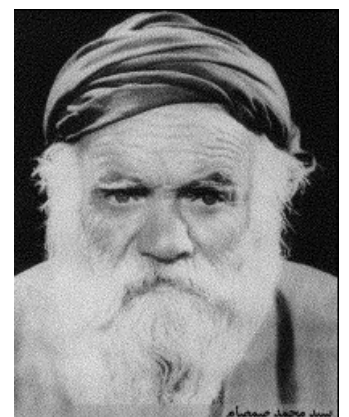
۱۴ - سید محمد صمصام: فرزند سید جعفر موسوی. متوفی ۱۳۵۹ هجری شمسی.

ای دریغ از مرگ «صمصام» دلیر

پیرو بهلول، آن فرزانه پیر

«شفیق»

از سادات موسوی قلمزن. مردی خوش باطن و از منبری های معروف اصفهان بود. منبرهای وی ظاهری فکاهی ولی باطنی انتقادی داشت. اکثر اصفهانی ها نام وی را شنیده اند. او را «بهلول اصفهان» لقب داده اند. معروف بود که افراد زیادی از ایتم و فقرای اصفهان را اداره می کرد. در زندگی شخصی او چیزی جز سادگی و ساده زیستی وجود نداشت. مرحوم صمصام با آن سادگی و محبوبیت، زبان برنده ای در برخورد با مسایل اجتماعی و سیاسی داشت و همین ویژگی بود که تأثیر عمیقی در نفوس مردم می گذاشت. عده ای



گمان می کردند صمصام مردی عامی است.

حال آنکه مردی بسیار عاقل و نکته سنج بود. وی گاهی پایش را از شوخی های عامیانه فراتر می نهاد و مردان سیاسی وقت را انتقاد می کرد. وی معمولاً بزرگترین و پرجمعیت ترین جلسات اصفهان را انتخاب می کرد و در مقابل در می ایستاد و مابین دو منبر سخنرانان بر منبر می رفت و

سخنران بعدی ناگزیر بود با دیدن صمصام کنار بنشیند تا صمصام منبرش را تمام کند. در حوادث مرتبط با امام و انقلاب اسلامی نیز نقش مؤثری را ایفاء کرد. گویند پس از ترور حسنعلی منصور در سال ۱۳۴۳ ش. در یکی از مجالس اصفهان برای شاه و پسرش و سلامتی و شفای منصور دعا کرده بودند، اتفاقاً صمصام در آن مجلس حاضر بود، وقتی سخنران نام شاه و دیگران را برای دعا می برد او ناگهان از کنار منبر برمی خیزد و می گوید، «آی فلانی به خر من دعا نکردی.» و مجلس با خنده ی حضار به هم می ریزد. وی با پیشه کردن روش بهلول با لباس قدیمی روحانی و دستار سبز رنگ، سوار بر اسبش حکایت های بسیاری را از خود به یادگار گذاشته است.^(۱)

حاج آقا ضیاء نقل کرده اند که روزی در تکیه «حسن خاکی» واقع در محله ی خواجه، روضه خوانی بود و من به اتفاق مرحوم صمصام وارد آن محفل شدیم. حاج آقا ظهیر و حاج آقا مشکوه از روضه خوانان آن محفل بودند. پس از پایان سخنرانی حاج آقا مشکوه آقای صمصام بلافاصله به منبر رفت و روضه ی بسیار جان سوزی خوانده و بعد از پایان روضه ی خود درخواست پانصد ریال پول نمود.

یکی از کارگردانان تکیه به او گفت بیاید پایین، من به شما خواهیم داد، صمصام گفت: من نقداً بالای منبر می خواهم. هرچه اصرار کردند نیامد، عاقبت شخصی جلو رفت و ایشان را از منبر پایین آورد. حاج آقا ضیاء می گوید من شاهد این قضیه بودم ناراحت شدم و از تکیه بیرون رفتم، در خارج تکیه دیدم بچه ها اطراف صمصام را گرفته اند و او را اذیت می کنند، بچه ها را با داد و بیداد عقب زدم و صمصام را از دست آنها رهایی دادم و برگشتم به طرف منزل، شب در عالم خواب دیدم که وارد خانه ی صمصام شده ام، مرحوم صمصام به استقبال من آمد و پس از سلام و احوالپرسی گرمی که از من کرد گفت: پسرم چرا از جریان تکیه ناراحت شدی، به اجداد طاهرین ما خیلی بیش از اینها توهین

ص: ۲۳۵

۱- ۳۷۷. برای اطلاع از بعضی از حکایات و داستان ها در مورد وی ر. ک: نوربخش، حسین: اصفهانی های شوخ و حاضر جواب، صص ۱۹۴ - ۱۶۳ .

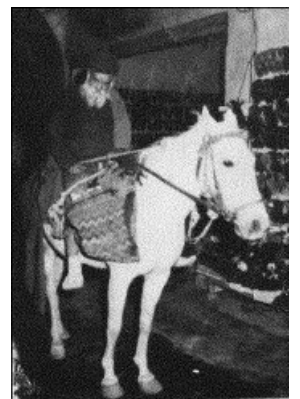
کردند. شما نباید برای این چیزهای کوچک ناراحت شوی، ولی حالا که شما برای من غصه خوردی و از من دفاع کردی، یکی از حیواناتم را به شما می‌دهم تا با خود ببری.

من دیدم انواع حیوانات در اطراف صمصام بودند، در بین آنها یک اسب سفید چاق نظرم را جلب کرد و همان را انتخاب کردم و صمصام گفت: بدون زین و برگ که برای شما فایده‌ای ندارد بیا زین و برگ آن را هم به تو بدهم. بعد زینی آورد و به پشت اسب گذاشت و لجام به دهان حیوان بست و زیر بغل و سپس پای راست مرا گرفت و سوار بر اسب کرد و دهانه‌ی اسب را به دست من داد و گفت برو. من از خواب بیدار شدم، فردای آن روز ساعت دو و نیم بعد از ظهر از خیابان آمادگاه وارد خیابان چهارباغ می‌شدم، ناگهان صدایی به گوشم رسید که می‌گفت: آهای با تو هستم، برگشتم نگاه کردم دیدم آقای صمصام است که سوار بر اسب می‌باشد.

صمصام به من گفت: اسبی را که دیشب به تو دادم داری یا نه؟! و بعد در میان بهت و حیرت من پا به رکاب فشرده و اسب را به جلو راند و از آنجا دور شد! (۱)

تهیه علوفه برای الاغ

یک شب علوفه برای الاغم نداشتم هرچه گشتم توی طویله و این طرف و آن طرف چیزی پیدا نکردم، بالاخره بلند شدم، دیدم حیوان گرسنه است و نمی‌شود گرسنه بخوابد، رفتم بیرون، آخر شب بود، دیدم دکانها همه بسته است. رفتم خیابان شیخ بهائی، چهارسو، پل فلزی، آن طرف چهارراه حکیم نظامی، همه بسته بودند، اما دیدم جایی چند تا دکان باز است، آنجا جلفا و محله‌ی ارمنی‌ها بود. رفتم دیدم چیزهایی آنجا هست، شیشه‌های گذاشته‌اند و دارند چیزهایی می‌فروشند به یکی از



ص: ۲۳۶

دکاندارها گفتیم آقا علفی، جویی، گندمی، چیزی ندارید برای الاغمان، دکاندار گفت: نه، جو نداریم ولی آب جو داریم. بعد متوجه شدم اینجا مشروب فروشی است، مال ارمنی هاست. با خود فکر کردم که این الاغ ما چون جو گیرش نیامده امشب آب جو بخورد. مثل کسی که پرتقال گیرش نمی آید آب پرتقال می خورد. گفتیم قدری از این آب جوها بده گرفتم آوردم جلوی الاغمان گذاشتیم. یک بویی کرد و سرش را بلند کرد. می خواست بگوید نمی خواهم. هرچه گفتیم بخور دیدم نخورد. این جریان را صمصام ظاهراً در یکی از جلسات منزل بنکدار، نقل می کند و بسیاری از مسؤولان شهر و طاغوتی ها و عده ای هم معمم و مردم عادی حضور داشتند و استاندار شهر و رئیس شهربانی و ساواک و فرماندار هم آنجا بوده اند. خلاصه، صمصام زیر چشمی به یک یک اینها نگاه می کرده و می گفته: به الاغم گفتیم الاغ عزیز بخور این آبجو است، این همان چیزی است که استاندار می خورد، رئیس شهربانی می خورد. به این ترتیب یکی یکی اسم مسؤولین شهر را که در آن جلسه بوده اند می برد و اینها را عملاً و مخصوصاً از الاغ خودش پست تر و پایین تر می آورد. این حرفها را صمصام زمانی می گفت که کسی جرأت نگاه کردن به یک پاسبان را نداشت و بسیار قابل تأمل بود که سیدی در جلسه ی مهمی، این چنین استاندار را پایین تر از الاغ خود بشمارد و موجب شکستن ابهت آنها شود. (۱)

عبادت و بندگی

هر اصفهانی داستانی، حکایتی و خاطره ای از او در سینه دارد، که حاکی از حاضر جوابی، انتقاد، فهم و درک او نسبت به اوضاع زمان بود، اما از همه مهمتر حال خوش او در عبادت و بندگی خدا بود.

در این مورد حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا مصطفی هرنندی می گوید:

«در یک سفری که به مشهد مقدس مشرف شده بودم روزی دیدم وسط مسجد گوهرشاد صمصام ایستاده و نگاه می کرد، نگاهش کردم، به من گفت جایی نرو بمان، نمازش را خواند و در ایوان مقصوره منبر رفت و شروع کرد به شوخی کردن، و گفت ما دو تا آلمان داریم یکی آلمان شرقی و یکی هم آلمان غربی، آلمان شرقی سه چیز نداشت، یکی روضه خوان یکی مرده شور و یکی هم امام

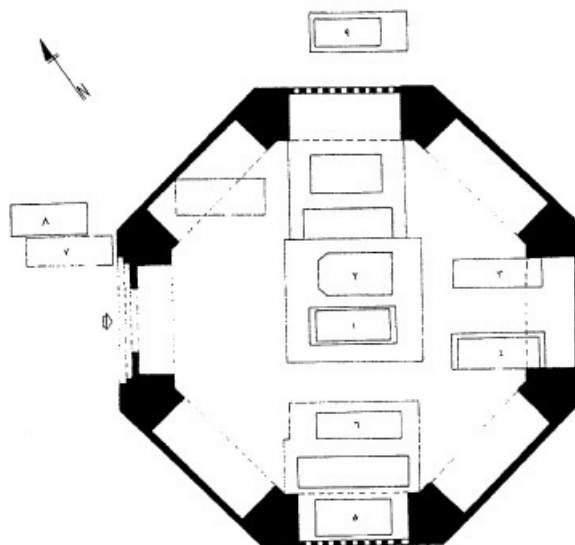
ص: ۲۳۷

جماعت حالا من امام جماعت آلمان شرقی هستم و کرایه می خواهم که بروم آلمان شرقی. مردم که ایشان را نمی شناختند باورشان آمده بود، از منبر پایین آمد و روی پله ی دوم نشست و مردم شروع به پول دادن کردند و مرحوم صمصام هم شروع به جمع آوری پولها کرد. بعد به من گفتم من سفر اولم است که به مشهد مقدس می آیم و راه را نمی دانم و بیا باهم حرم برویم. وقتی خواستیم وارد حرم شویم گفتم باید کفشهایمان را به کفشداری بدهیم. او گفت من کفشهایمان را نمی دهم چون این کفشدار را نمی شناسم نمی دانم اسمش چیست؟ پدرش کیست؟ خانه اش کجاست؟ و اگر رفتیم و آمدیم و او نبود کفشهایمان را از چه کسی بگیریم، گفتم شماره می دهند گفت اگر آمدیم و او نبود شماره را بپوشیم و بالاخره کفشهایمان را نداد و با آن همه پول وارد حرم شد داخل حرم که شد فقط یک سلام داد و گفت آقای هرنندی بیا برویم، گفتم بمان تا زیارت بخوانیم گفت نه، بیا برویم تو فکر کردی من آمده ام سر امام رضا(علیه السلام) را درد بیاورم.

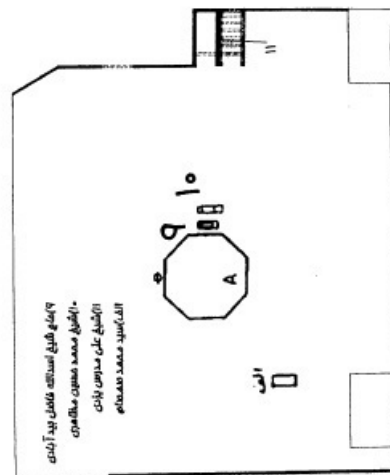
رفتیم حسینه اصفهانی ها که تازه ساخته شده بود و استراحت کردیم، شب از او پرسیدم که چه مدتی می مانی گفت نمی دانم تا زمانی که امام رضا(علیه السلام) حاجتم را بدهد. هر وقت به حرم می آمد هرچه در اتاق داشت همراه خود به حرم می آورد، می گفت می خواهم هر موقع که حاجتم را گرفتم از همان جا برگردم اصفهان، به او گفتم از کجا می فهمی که حاجت را امام رضا(علیه السلام) داده است. گفت: هر وقت که آمدم حرم و گریه افتادم می فهمم. حرم که می آمد زیارت جامعه را می خواند روز سوم یا چهارم بود که رفته بودیم حرم، سلام داد و افتاد به گریه، گریه های زیادی که شانه هایش تکان می خورد، زیارت را خواندیم و بیرون آمدیم و گفت: آقای هرنندی خداحافظ من دارم می روم به طرف اصفهان و حرکت کرد.^(۱)

ص: ۲۳۸

۱ - ۳۸۰. زاهد نجفی، محمّد: مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا مصطفی هرنندی، ۸۳/۱۲/۱۹ به نقل از کتاب بوستان فضیلت، تألیف حمید خلیلیان، صص ۲۳۸ و ۲۳۹.



- | | |
|----------------------------------------|-----------------------------|
| ۱) حاج میرزا ابوالحسن برهمردی طباطبائی | ۵) شیخ احمد بیدآبادی |
| ۲) حاج محمد برهمردی طباطبائی | ۶) شیخ عبدالصالح نمفی قدسی |
| ۳) میرزا علی واعظ شمس آبادی | ۷) حاج ملا احمد مشکوتی |
| ۴) حاج سید صدر الدین هاشمی | ۸) شیخ محمد حسین مهاجر واعظ |



و اینها برای استفاده کامل بود آید
- اینها بر روی زمین ساخته شده
از اینها برای کارهای دیگر
از اینها برای تعمیرات

محمد
محمد

اشاره

این تکیه از تکیه های زیبا و باصفای دوره ی معاصر، در ضلع شرقی تکیه خاتون آبادی واقع شده و به نام حاج سید عبدالحسین مدرس خاتون آبادی ملقب به «سیدالعراقین» است.

در وسط تکیه، بقعه ای زیبا بر مزار این عالم جلیل توسط فرزنداناش در سال ۱۳۷۳ ق. بنا گردید.

فضای داخلی بقعه چنان دلربا و زیباست که انسان را به آرامش قلبی و تفکر وافی دارد.

معماری گنبد زیبای آن شامل یک گنبد مرکزی و چند چشمه ی طاق ضربی زیبا است که با آجر تزیین گشته و بر زیبایی آن افزوده است.

تکیه ی سیدالعراقین پرتراکم ترین تکیه ی تخت فولاد هم از لحاظ بناهای موجود و هم از لحاظ بزرگان مدفون در آن است.



تکیه سید العراقین

به فاصله کمی از بقعه ی سیدالعراقین، چهارطاقی تازه احداث مرحوم جلال تاج قرار دارد که به سبک گنبدهای معماری اسلامی ساخته شده است. و نمای خارجی آن با کاشی فیروزه ای رنگ تزیین شده است. در ضلع جنوبی بقعه ی سیدالعراقین یک بنای آرامگاهی دیگر از خاندان نیک پی قرار دارد که با گنبدی هرمی شکل بزرگ و نمای بیرونی کاشی کاری با نقوش اسلیمی بسیار زیبا است. این بنا

در سال ۱۳۸۳ ش. به همت مجموعه تاریخی، فرهنگی - مذهبی تخت فولاد پس از تعمیر و بازسازی به موزه سنگ نوشته های تخت فولاد تبدیل شده است. هم اکنون این موزه برای عرضه آثار هنری تخت فولاد مورد استفاده قرار می گیرد.

در ضلع جنوب شرقی بقعه ی سیدالعراقین یک بنای آرامگاهی دیگر بر مزار عالم مجتهد شیخ محمدحسن داورپناه ایجاد شده است. که عبارت از یک گنبد هرمی شکل کوچک و زیبا بر روی چهار ستون سنگی است و با کاشی کاری و نقوش اسلیمی زیبا و اسمای متبرکه ی الهی بر گرداگرد گنبد و نمای داخلی آینه کاری تزیین شده است.

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه از شمال به کوچه ی تکیه ی میر، از شرق به تکیه ی امام جمعه، از غرب به تکیه ی خاتون آبادی، از جنوب به قبرستان عمومی منتهی می شود.

بزرگان مدفون در تکیه

در این تکیه بیش از شصت عالم و دانشمند مدفون هستند که برخی از آنها عبارتند از:

۱ - میر سید عبدالحسین سیدالعراقین: فرزند میر سید محمد مهدی خاتون آبادی متوفی ۱۳۵۰ ق. عالم جلیل و از فقهای برجسته اصفهان. وی در اصفهان از حامیان مشروطه بود. از جانب آخوند خراسانی به درجه ی اجتهاد نایل آمد، و از سوی وی به حمایت از نهضت مشروطه طلبی مردم اصفهان پرداخت. پس از فوت آقا نورالله نجفی نیز به عنوان عالم درجه اول اصفهان مطرح بود. (۱) ماده تاریخ فوتش چنین است:

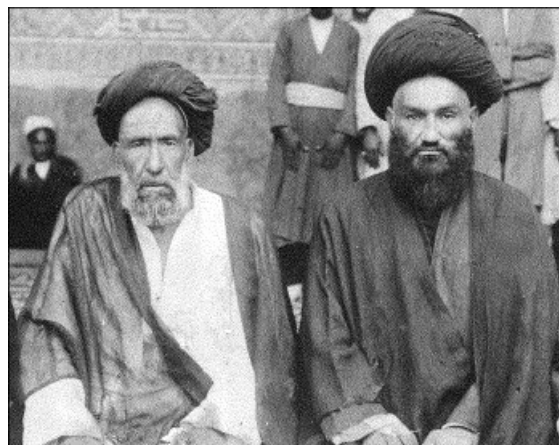
تو هم پا بکش از عراق و بگو

عراقین بی سید و سرور است (۲)

ص: ۲۴۲

۱- ۳۸۱. عقیلی، سید احمد: مشروطه خواهان مدفون در تخت فولاد، ص ۵ - ۱ .

۲- ۳۸۲. مهدوی: رجال اصفهان، ص ۱۰۸ .



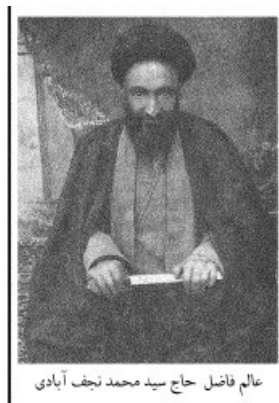
۲ - میر محمدصادق مدرس خاتون آبادی: فرزند مرحوم حاج میرزا حسین نایب الصدر (مدفون در تکیه خاتون آبادی). متوفی ۱۳۴۸ ق. عالم فقیه و مجتهد بزرگوار که در فقه و اصول دارای افق فکری بلندی بود. از شاگردان برجسته ی آخوند خراسانی که وی را در نگارش کتاب «کفایها لاصول» یاری نمود. بسیاری از علماء و مجتهدین اصفهان شاگردان وی بوده اند. از آن جمله: سید احمد خوانساری، سید عبدالحسین طیب، میرزا جلال الدین همایی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمدرضا خراسانی را می توان نام برد. سید مرتضی پسندیده



آیت الله میر سید محمد صادق خاتون آبادی

برادر بزرگوار حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در خاطرات خود می گوید: «حاج صادق در مدرسه جده بزرگ تدریس می کرد. ایشان درس خارج را به خوبی می گفت. علاوه بر آن بسیار مؤدب بود. به حدی که بعد از درس دادن نمی گفت که فهمیدید یا نه؟ بلکه می گفت: خوب درس دادم یا نه؟ و هر کس متوجه نشده دوباره درس بدهم» (۱). در مدتی که ایشان در قم تدریس می کرد گویند: حضرت امام خمینی (قدس سره) به قدری شیفته بیان و مقام علمی مرحوم خاتون آبادی بود که هنگام بازگشت استاد به اصفهان و تعطیلی درس پربارش، گریه می کرد و با دیده اشک بار استاد را بدرقه نمود (۲). ایشان تحصیل علم را واجب عینی می دانست و حتی در سفر و ایام تعطیلی حوزه به درس و بحث مشغول بود. حتی دختران او در آن زمان، سواد و سیاق آموخته بودند و برای تدریس آنان معلم استخدام کرده بود تا دروس قرآن، ریاضی و خط را بیاموزند. سرانجام بر اثر زیادی درس و بحث بیمار شد و در سن شصت و دو سالگی درگذشت. وی جدّ مادری شهید مظلوم بهشتی می باشد. در تاریخ فوتش گفته شد: «حجّت حقّ صادق آمد نزد جدّش مصطفی» (۳).

۳- میر سید محمد نجف آبادی: فرزند سید محمدحسین حسینی، متوفی ۱۳۵۸ ق. مشهور به «مدرس». عالم فاضل محقق، مجتهد اصولی و از علمای طراز اول اصفهان و از شاگردان آخوند خراسانی. از آثار ایشان: الف) تقریرات اصول آخوند خراسانی ب) رساله در قاعده ی لا ضرر و... می باشد. وی عالمی خوش اخلاق و وارسته بود. حوزه درسی وی مجمع فضلا و دانشمندان بود و بالغ بر یکصد نفر در حوزه درسی ایشان



عالم فاضل حاج سید محمد نجف آبادی

ص: ۲۴۴

- ۱- ۳۸۳. قاسمی، شرح مجموعه گل، ص ۵۵.
- ۲- ۳۸۴. قاسمی: شرح مجموعه گل، ص ۶۸.
- ۳- ۳۸۵. جابری انصاری: تاریخ اصفهان، ص ۳۴۷؛ و درباره مقام علمی وی نور محمدی: حکایت پارسایی، ص ۲۴.

شرکت می کردند. (۱) وی در علم اصول و تدریس کفایه مرحوم آخوند خراسانی مهارت کم نظیر داشت و بسیاری از فقهای اصفهان که به مقام علمی شهرت داشتند از محضر وی کسب علم نموده بودند. (۲)

وی در چند صفت اخلاقی ممتاز بود: اول: تواضع و فروتنی که با وجود مقام علمی بلند، کمتر نشانه ای از غرور علمی که غالباً ملازم بسیاری از اهل علم است در او مشاهده نمی شد. دوم: نرمش و گشاده رویی وی که هیچ گاه هنگام بحث عصبانیتی از ایشان دیده نمی شد. سوم: عدم شهرت طلبی و بلندپروازی به حدی که حتی از امامت جماعت هم گریزان بود. چهارم: زهد و بی اعتنایی او به دنیا که در این مورد تأسی به آخوندگزی (مدفون در تکیه کازرونی) می نمود. چنان که پس از فوت آخوند گزی مرجع حکمیت و دعاوی شرعی محسوب می شد ولی هیچ ملک و اموالی تهیه نکرد. پنجم: هیچ گاه مقدس مآب و عبوس نبود و در جلسات آنسی که با علمای همطراز خود داشت، با مزاح های متین و شیرین خود مجلس را گرم می کرد. (۳)

۴ - سید محمد عربضی: فرزند آقا سید عبدالحسین. متوفی ۱۳۸۸ ق. هنرمند نامدار هنر قلمزنی و استاد بی نظیر هنر حکاکی بر روی فلز است. نمونه ی آثار ایشان در حرم حضرت علی علیه السلام و حرم حضرت معصومه علیها السلام وجود دارد.

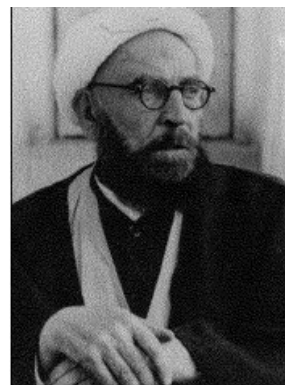


ص: ۲۴۵

-
- ۱- ۳۸۶. کرباسی زاده، علی: نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی، صص ۴۵ - ۴۲.
 - ۲- ۳۸۷. شریف رازی، محمد: گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۳۱۱. برای آشنایی با تقریرات و برخی از شاگردان ایشان، ر. ک: نورمحمدی، محمدجواد: حکایت پارسایی، صص ۱۱۲ - ۱۰۸.
 - ۳- ۳۸۸. قاسمی: شرح مجموعه گل، ص ۱۰۵ - ۱۰۷.

۵ - شیخ محمدرضا حسام الواعظین: فرزند محمّدعلی واعظ معروف به علاقه بند. متوفی ۱۳۸۱ ق. واعظ ادیب، شاعر خطاط. وی از منبریان مؤمن و مخلص اهل بیت علیهم السلام بود.

وی در منبر و خطابه نیز تسلط بسیار داشت و در این فن مورد توجه عام و خاص بود. شهرت وی در خطابه به طوری بالا گرفت که از تهران از وی دعوت به عمل آمد و او چند سالی در آنجا در مجالس عزاداری به منبر رفت. ایشان علاوه بر تسلط بر فقه و اصول در سه جنبه علمی دیگر نیز برجسته بود: اول در مسأله ولایت و تمسک به عترت طاهره نهایت اهتمام را داشت و اکثر مطالب منبرهای او پیرامون ولایت و مودت اهل بیت علیهم السلام دور می زد که در دوره طاغوت و تبلیغات ضد دینی آن رژیم تا حدی کم رنگ شده بود و ایشان در احیاء این فریضه بسیار کوشا بود. دوم در علم تاریخ که علاوه بر تاریخ صدر اسلام و احوالات ائمه علیهم السلام، در زمینه تاریخ صفویه و قاجاریه نیز تسلط داشت. سوم آگاهی از علم انساب که در آن به حدی تسلط داشت که خاندان های دو شهر اصفهان و تهران را با تمام ویژگی های هریک می شناخت. (۱)



وی ارادت زایدالوصفی نسبت به سادات و فرزندان حضرت زهرا علیها السلام داشت و نهایت احترام به آنها ابراز می کرد. نقل است پیرمردی از سادات، همه ساله در ایام عاشورا در خانه خود مجلس عزا برپا می داشت. شبی طبق معمول مرحوم حسام الواعظین پس از انجام منبرهایی که در سطح شهر داشت برای حضور در آن مجلس و ذکر مصیبت حرکت کرد. مسیر رسیدن به آن محل چند نفر در دفعات متوالی به او می رسیدند و می گفتند: جناب آقای حسام تشریف نبرید، مستمعین وقتی از آمدن شما مأیوس شدند متفرق شدند و اکنون کسی در جلسه نیست. من هر قدر جلوتر رفتم این

ص: ۲۴۶

سخن را از عده ای دیگر شنیدم و ناچار به منزل خود بازگشتم. در آن حال به خواب رفتم و در خواب حضرت صدیقه کبری علیها السلام را دیدم که به لحنی توأم با گلابیه و ملامت به من خطاب فرمودند که چرا امشب در خانه آن سید ذکر مصیبت نکردی؟ گفتم: بی بی جان! مستمعی نبود. فرمودند: من که بودم؟ من خجالت زده از خواب پریدم. ولی خوشحال بودم که آن جلسه بی ریا و ذکر مصیبت من مورد توجه خاص حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قرار گرفته است. (۱)

همچنین در جای دیگری نقل شده است: «در مجلسی سیدی فقیر در پای منبر ایشان نشست و روضه خواند. مرحوم حسام از منبر پایین آمد و در پهلویش نشست و از او تفقد و دلجویی نمود و مردم را به کمک کردن و اعانت او تشویق نموده و گفت: آقا! من از حضرت زهرا علیها السلام شرم دارم که بالای منبر نشسته باشم و اولادش پایین تر از من نشسته باشد». (۲)

سقاوت و بخشش از خصوصیات برجسته دیگر او بود. چه بسیار شب‌ها که وقتی به منزل باز می‌گشت، از اهل خانه می‌خواست که آن چه برای غذای شب آماده کرده اند، همراه با ظرف آن به فلان ناشناس که پشت در منزل بود، برسانند. و یا وقتی که به منزل می‌آمد و اهل خانه می‌دیدند که قبای خود را بر تن ندارد، می‌فهمیدند که به شخص محتاجی بخشیده است.

خطوط زیبای سنگ قبر مرحوم سیدالعراقین به خط ثلث از آثار هنری وی است. وی در ثلث نویسی از اساتید ممتاز بود.

۶ - شیخ عباسعلی معین الواعظین: فرزند ملاً علی محمد واعظ. متوفی ۱۳۶۰ ق. ادیب شاعر، فاضل کامل و صاحب چندین کتاب و رساله است که اسامی تعدادی از کتابهایش بر سنگ قبر وی حک شده است. از جمله آثارش: الف) علائم الظهور (ب) وقایع الظهور (ج) هدیه الوالدین (در بیان حقوق والدین و احسان و اطاعت از اوامر و نواهی ایشان) و غیره. (۳) یک نمونه از اشعار اوست:

ای امام عصر، ای سلطان دین

ای که هستی عسکری را جانشین

ای امام عصر، سلطان جهان

ای جهان را جان و ای جان جهان

ص: ۲۴۷

۱- ۳۹۰. قاسمی: شرح مجموعه گل، ص ۲۶۳.

۲- ۳۹۱. مهدوی: سیری در تخت فولاد اصفهان، ص ۱۴۸.

۳- ۳۹۲. مکارم الآثار، ج ۸، ص ۲۸۵۲.

الغیاث ای حامی دین الغیاث... (۱)

۷ - حاج سید محمّد صدرالدّاکرین: فرزند مرحوم سید محمدرضا صدرالدّاکرین طباطبایی. متوفی ۱۳۵۸ ق. واعظ کامل و مورد احترام و ستایش عموم طبقات مردم اصفهان بود. چنانکه به وی ارادت خاصی داشتند و نفس او و خاندانش را در استجابت دعا مؤثر می دانستند. چون با خلوص و عقیده ی استوار سخن می گفت سخنانش در شنندگان بی اندازه مؤثر واقع می شد. (۲)

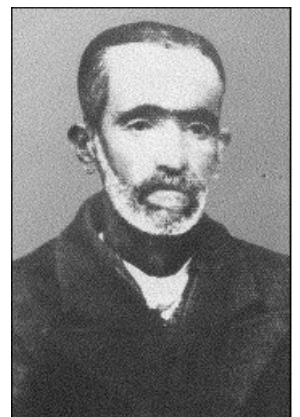
۸ - مرحوم عباس خان شیدا: فرزند اسحاق. متوفی ۱۳۶۹ ق. شاعر ادیب، متخلّص به «شیدا». مؤسس انجمن ادبی شیدا و صاحب «دیوان اشعار». وی به صداقت و دوستی، علم و دانش، فضیلت و تقوی معروف بود. شیدا در اصفهان از محضر بزرگانی چون آخوند کاشی، شیخ مرتضی ریزی و علمای بزرگ دیگر فقه، اصول، کلام، حدیث و تفسیر را کسب علم نمود. سال ها در اصفهان در انجمن ادبی که تأسیس کرده بود، شعرا را دور هم جمع می کرد و به ترویج شعر و ادب می پرداخت. وی مدیر مجله ی «دانشکده» بود. در خط نیز از شاگردان میرزا فتح الله جلالی و آخرین چراغ از مکتب خوشنویسی نستعلیق بود که در اصفهان در گذشت. (۳) در مصیبت حضرت سید الشهدا علیه السلام چنین می سراید:

اوفتاد آن شه چو از زین بر زمین

آفرین گفتش بسی عشق آفرین

عرش همچون فرش بی آرام شد

در حقیقت رستخیز عام شد



ص: ۲۴۸

۱- ۳۹۳. قاسمی: شرح مجموعه گل، ص ۲۹۷.

۲- ۳۹۴. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۳۱.

سرنگون گردید چرخ بی سکون

چونکه بی شه گشت زین واژگون

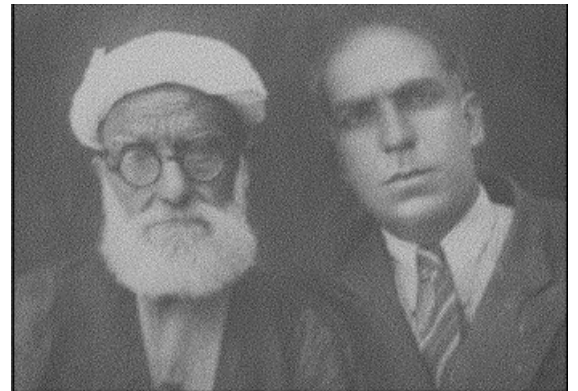
منشی تقدیر خونین خامه شد

لوح سر تا پا مصیبت نامه شد

هفت باب و چار مام از کار ماند

چرخ کج رفتار از رفتار ماند...[\(۱\)](#)

۹ - شیخ اسماعیل تاج الواعظین: متوفی ۱۳۲۶ ق. عالم فاضل و از منبریان خوش سخن که از ایشان کتابی در تفسیر قرآن و مواعظ منبری به یادگار مانده است. وی دارای صدای خوش و از مداحین برجسته اصفهان و در بخشش و کرم نیز زبانزد خاص و عام بود.[\(۲\)](#)



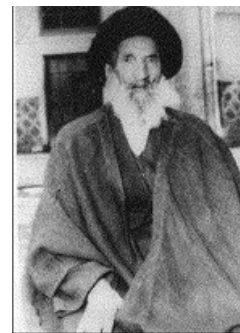
شیخ اسماعیل تاج الواعظین و فرزند وی جلال تاج

ص: ۲۴۹

۱- ۳۹۶. عارفچه، محمدعلی: تذکره الشعراء، ص ۱۱۹ .

۲- ۳۹۷. در کتاب گردش ایام نوشته خلیل رفاهی داستانی جالب از ایشان نقل شده است، ص ۲۸۴ و ۲۸۵ .

۱۰ - سید عباس صفی دهکردی: فرزند سید علی. متوفی ۱۳۹۴ ق. عالم عابد مدرّس و مجتهد جلیل القدر. از محضر علمای بزرگ اصفهان و نجف علوم گوناگون فقه، اصول، طب و حکمت را فرا گرفت و به دریافت اجازاتی نایل شد. (۱)



۱۱ - سید آقا جان نوربخش: متوفی ۱۳۶۴ ق. عالم فاضل واعظ. در تدریس مغنی و مطول به گواهی عموم روحانیون اصفهان منحصر به فرد و درجه اول بود. عده ی زیادی از فضلا در درس وی حاضر می شدند. علاوه بر مقام علمی و تسلط بر مطالب، دارای قدرت زیادی در فن خطابه بود و از بزرگان اهل منبر محسوب می شد. (۲) حاج میرزا علی آقا شیرازی و حاج عبدالحسین طیب از شاگردان وی بودند. (۳)

۱۲ - شیخ محمد رضا جرقویه ای: فرزند ملا علی حسین آبادی. متوفی ۱۳۷۲ ق. عالم فاضل جلیل القدر که نزد بزرگانی چون آقا سید محمد باقر درجه ای، آخوند کاشی کسب علم نمود و در نجف اشرف از بزرگان علمی آنجا به درجه ی اجتهاد نایل آمد. در پرتو عشق به اهل بیت علیهم

السلام مورد عنایت و الطاف خاصه آن بزرگواران بود. چنانکه در مشهد مقدس هنگامی که به بیماری سختی گرفتار شد و همه از حیات او قطع امید کردند، مشمول عنایت امام رضا علیه السلام قرار گرفته سلامتی خود را باز می یابد. (۴) در جریانات ملی شدن صنعت نفت از طرفداران آیت الله کاشانی بود که در

ص: ۲۵۰

۱- ۳۹۸. مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۲، ص ۳۲۱.

۲- ۳۹۹. موحد ابطحی: ریشه ها و جلوه های تشیع، ج ۲، ص ۴۵۴.

۳- ۴۰۰. قاسمی: شرح مجموعه گل، ص ۲۸۲.

۴- ۴۰۱. قاسمی: همان مأخذ، ص ۲۰۳.

درگیری‌ها مجروح شد و بر اثر آن درگذشت.

در یک خاطره از ایشان نقل است که چهار ماه قبل از فوتشان بود، ایشان عادت نداشتند ماه رمضان را بخوابند و هر شب احیا می‌گرفتند. در شب بیست و سوم ماه رمضان مشغول دعا خواندن بودند که خوابشان می‌برد و کمی بعد از خواب بیدار شده و خوابش را چنین برای خانواده اش می‌گوید که در خواب دیدم در ایوان طلایی حضرت امیرعلیه السلام ایستاده بودم و جمعیت زیادی هم بودند و همه دست راستشان به سمت آسمان بلند بود و هر کسی یک نامه از آسمان می‌آمد توی دستش. یکی از آن نامه‌ها هم آمد توی دست من، وقتی نامه را باز کردم دیدم برات آزادی از آتش جهنم است که به خاطر زیارت حضرت سیدالشهداء به من عطاء شده است و می‌دانم که زیاد زنده نیستم. (۱) از آثارش الف) رساله در قبله ب) رساله در اختلاف متعاقدین را می‌توان نام برد. (۲)

۱۳ - شیخ محمدعلی مدرّس دزفولی: متوفی ۱۳۵۸ ق. عالم فاضل فقیه و صاحب اثر ارزشمند. (۳) وی در دزفول به تحصیل پرداخت و به تهذیب نفس همت گماشت و به مقامات بلند علم و معرفت دست یافت و پس از چند سال به اصفهان آمد و به تدریس در مدرسه جدّه کوچک مشغول شد. در کیفیت ریاضت و سلوک شرعی او گفته شده که به این امور مراقبت داشت: اول پس از واجبات هیچ نافله‌ای از ایشان ترک نمی‌شد. دوم روزه‌های مستحبی روزه‌های مخصوص او ترک نمی‌شد و اکثراً روزه دار بود. سوم روزی سه بار زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام می‌خواند. چهارم در احوالاتش گفته شده که شانزده سال در رختخواب نخوابیده و بعد از مطالعه تا نصف شب، در حالت سجده خواب و استراحت



ص: ۲۵۱

۱- ۴۰۲. قاسمی: همان مأخذ، ص ۲۱۰.

۲- ۴۰۳. سید تقی درچه‌ای: ستاره‌ای از شرق، ص ۶۷۹.

۳- ۴۰۴. مکارم الآثار، ج ۶، ص ۱۹۹۸.

می نمود تا زودتر بیدار شود و به عبادت بپردازد. (۱)

۱۴ - شیخ محمدحسن داورپناه خوانساری: متوفی ۱۳۸۲ ق. عالم جلیل، جامع علوم معقول و منقول. مرحوم شهید آیت الله شمس آبادی از جامعیت در علوم و فضایل اخلاقی این عالم تجلیل می نمود. این فقیه عالم سال ها به عنوان «قاضی عسگر» در ارتش خدمت نمود. (۲)

۱۵ - نصرالله خان شاه ناصر: فرزند عبدالله خان لله باشی. متوفی ۱۳۸۴ ه. ق. شاعر و ادیب. از سخنوران قرن چهاردهم هجری. در اشعارش «شه ناصر» تخلص می کرد. از اشعار او که در مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام سرود:

غریب کرب و بلا کیست سیدالشهداست

شهید راه خدا کیست سیدالشهداست

شهی که هستی خود را نهاد در کف دست

تصدقی بسزا داد سیدالشهداست

علی اکبر و عباس و قاسم و اصغر

بمهر دوست فدا داد سیدالشهداست

شهی که گلشن دین را ز اشک تشنه لبان

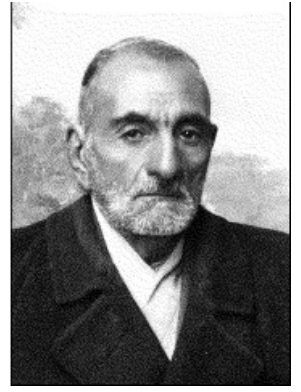
بداد آب صفا داد سیدالشهداست

.... سرش بطشت طلا در بر یزید پلید

ز لب کلام خدا داد سیدالشهداست

به روز حشر تو را شاه ناصری دانی

ز آتش آنکه رها داد سیدالشهداست (۳)



ص: ۲۵۲

-
- ۱- ۴۰۵. قاسمی: شرح مجموعه گل، ص ۱۶۰.
 - ۲- ۴۰۶. مهدوی: سیری در تخت فولاد، ص ۱۰۷.
 - ۳- ۴۰۷. عارفچه، میرزا محمدعلی: تذکرهالشعراء، ص ۱۵۱.

۱۶ - جلال تاج اصفهانی: فرزند شیخ اسماعیل تاج الواعظین. متوفی ۱۳۶۰ ش. هنرمند بلندآوازه موسیقی ایرانی. وی به راهنمایی پدرش و استاد برجسته ای چون سید عبدالرحیم اصفهانی، آوازه خوانی را فرا گرفت. وی بر خلاف این که استادان انگشت شماری داشت، شاگردانش فراوان بودند. او با خضوع و خشوع فراوان تعلیم می داد و با روحیه ای که داشت از شاگردانش با عنوان شاگرد نام نمی برد و آنان را به نام دوست و رفیق یاد می کرد. به دلیل صدای خوش و حسن سلیقه در انتخاب اشعار آواز در محافل هنری محبوبیت پیدا کرد. از شاگردان او علیرضا افتخاری و حسین شاه زیدی شهرت دارند. از میان آثار فراوان تاج، صفحه اذان و نیز تصنیف «به اصفهان رو» سروده ملک الشعرا بهار شهرت دارد. وی نمونه شاخص آوازه خوانی در مکتب اصفهان است.

جلال تاج فردی مذهبی و پایبند به اصول اخلاقی و آراسته به ارزش های انسانی بود. (۱) داستان محبت و احترام فوق العاده وی به پدر و مادرش و یا نوازش حیوانات ضعیف و ناتوان توسط وی نشان از صفات اخلاقی ارزشمند وی دارد. (۲) بر مزارش به درستی نوشته اند: «مردی که نبوغ هنری را با فضیلت اخلاقی به هم آمیخته داشت».

خود وی خواندن در مجالس مردم عادی و فقرا را بر مجالس اعیان و متمولین ترجیح می داد و چنان که در خاطراتش که به این نکته مهم رسیده بود، چنین اشاره می کند: یک روز در اصفهان کنسرتی داشتم، وقتی در خیابان می رفتم، می دیدم که همه متمولین با عجله خود را به کنسرت می رسانند. اتومبیل های سواری آنان جلوی در سالن صف کشیده بود و خودشان منتظر من بودند؛ اما همین که کنسرت تمام شد همه سوار شدند و رفتند، من با پای پیاده در نیمه شب به طرف خانه به راه افتادم و در راه سگ ها به طرف من حمله ور شدند و لباس مرا پاره کردند. (۳)

ماده تاریخ فوتش را مرحوم قدسی چنین سرود: «همراه بلبلان ز چمن تاج پر گشود». (۴)

۱۷ - علی عبدالرسولی: متوفی ۱۳۲۲ ش. ادیب شاعر خوشنویس متخلص به ثابت. در اسلوب کلام پیرو سبک شعرای کهن بود. در غزل پیرو مکتب سعدی و در قصیده متمایل به سبک فرّخی بود.

ص: ۲۵۳

۱- ۴۰۸. دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۳۹.

۲- ۴۰۹. در خصوص ویژگی های اخلاقی وی ر. ک: قدسی، منوچهر: دولت دیدار، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

۳- ۴۱۰. اتحاد، هوشنگ: پژوهشگران معاصر ایران، ج ۸، ص ۴۸۱.

۴- ۴۱۱. همان، ص ۱۲۶.

علاوه بر استادی در ادبیات، در نسخ، رقاع، نستعلیق و شکسته تحریری نیز تسلط تمام داشت. چاپ و تصحیح دیوان های «خاقانی شروانی، فزخی سیستانی، منوچهری، عنصری، سروش اصفهانی، جلوه، صبا، ادیب پیشاوری» از اقدامات اوست. (۱)

۱۸ - عبدالحسین مشفق: متوفی ۱۳۶۲ قمری. شاعر برجسته که در شعر و ادب دارای طبعی روان و ذوقی سرشار بود. دیوان اشعاری بالغ بر چهار هزار بیت شعر از قصیده و مرثیه و غزل داشت که هنوز به چاپ نرسیده است. (۲)

بخشی از قصاید او در چاپ سوم «مصیبت نامه» صغیر اصفهانی و بخشی دیگر در کتاب «خزائن شکن» برادرش مرحوم علی مشفق (مدفون در تکیه گلزار) به چاپ رسیده است.

وی به حدّ افراط به خانواده عصمت علاقمند و همیشه در مناقب و مصائب اهل بیت علیهم السلام اشعار آبداری می سرود. در شرح شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام می سراید:

روز عاشورا پی یاری شاه تشنه لب

اکبر آمد، کرد از شه رخصت میدان طلب

تا نماید جان نثار آن شه عالی نسب

داد بر او اذن جنگ آن خسرو ملک عرب

چون روان گشتی خرد گفتا به صد آه و فغان:

داد از بیداد توای بی مروّت آسمان

آسمان بنگر که از جسم جهان جان می رود

یا ذبیح اندر منای قرب جانان می رود

نی غلط گفتم به سوی کفر ایمان می رود

یا علی اکبر برای جنگ میدان می رود

حیف از این قامت که روی خاک غلطان می شود

حیف از این عارض که زیر خاک پنهان می شود

- ۱-۴۱۲. قاسمی: شرح مجموعہ گل، ص ۴۴۰ بہ بعد.
- ۲-۴۱۳. مہدوی: تذکرہ شعراي معاصر اصفهان، ص ۴۵۲.

تا چو یوسف شد جدا اکبر ز باب ممتحن
شاه چون یعقوب گریان، خیمه شد بیت الحزن
کرد لیلا همچو مجنون چاک بر تن پیرهن
زد به سر دست و ز پا افتاد می گفت این سخن
کای خدا آرام جانم رو به میدان کرد و رفت
همچو موی خود دل زارم پریشان کرد و رفت
شد به پا شور و نوا اندر حریم شاه دین
از فراق اکبر نسرین عذار مه جبین
و در آخر مرثیه را چنین پایان می دهد:
بارالها حرمت خون حسین و اکبرش
هم به حقّ خون حلق شیر خواره اصغرش
هم به حقّ قاسم و عباس و عون و جعفرش
حرمت موی پریشانِ عیالِ مضطرش
شیعیان مرتضی را در دو عالم شاد کن
«مشفق» غمدیده را از قید غم آزاد کن(۱)

۱۹ - میرزا محمدحسن خاکیا: متوفی ۱۳۵۵ ش، از اساتید فن شعر و ادب اصفهان. وی پس از تعطیلی انجمن ادبی شیدا، چندین سال این انجمن را در منزل خود برگزار می کرد. وی شاعری قوی و خطاطی ماهر بود. از نمونه اشعار اوست:

ما را به جز ابروی تو محراب دعا نیست
در مذهب عشاق جز این قبله روا نیست
می گفت شبی پیر خرابات که هر کس

می بی رخ ساقی خورد البتّه ز ما نیست

ص: ۲۵۵

۱-۴۱۴. مصیبت نامه صغیر، صص ۲۲۷-۲۲۴ به نقل از قاسمی: شرح مجموعه گل، صص ۴۶۵-۴۶۲.

در طَرّه دهی ره ز چه رو باد صبا را

جای دل ما مسکن این بی سر و پا نیست

با این که تو پیوسته جدایی کنی از ما

از یاد تو یک لحظه دل خسته جدا نیست

غیر از تو مرا نیست به کس چشم عنایت

جز جانب شه دیده امید گدا نیست

دانم نبود خوی تو جز جور ولیکن

زین بیش جفا بر من دلداده روا نیست

«خاکی» مزن از چون و چرا دم که به تحقیق

در مذهب رندان جهان چون و چرا نیست

گویند در زمان وفاتش با حالتی عارفانه سه بار ذکر مبارک یاعلی را بر زبان جاری کرد و روح پاکش به ملکوت اعلی پیوست. بر سنگ مزارش نوشته اند:

از بعد مرگ خاک مرا هر که بو کند

یا خشت خام بسازد از آن یا سبو کند

شاد آن روان مست که بعد از حیات او

مست دگر که باده خورد یاد از او کند

گنج مراد در دل ویرانه است لیک

باید کسی که در پی آن جستجو کند

آلوده خرّقه تو به زهد است «خاکیا»

پیر مغان مگر به می اش شستشو کند(۱)

۱-۴۱۵. قاسمی: شرح مجموعہ گل، ص ۴۶۹.



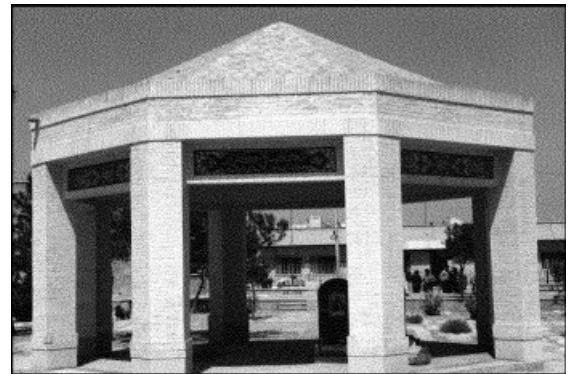
خفته در هر سوی این بیت الحزن

شاعری در بستر خاک محن

«شفیق»

تکیه ی گلزار از تکیه های دوره ی معاصر است که پس از دفن شاعر مشهور «رجبعلی گلزار» (متوفی ۱۳۶۶ هجری قمری) ساخته شد. بنای آرامگاهی بر مزار دو عالم فقیه آقا سید علی حسینی برزانی (متوفی ۱۳۶۹ هجری قمری) و حاج میرزا حبیب الله روضاتی (متوفی ۱۳۷۹ هجری قمری) بنا گردیده است. بقعه ی آن به شکل هشت ضلعی شامل هشت ستون آجری و گنبدی هرمی شکل کاملاً ساده است. قبر گلزار در ضلع شمالی تکیه و قبر خاندان بدری در ضلع شرقی تکیه قرار دارد.

یکی از ویژگیهای برجسته ی این تکیه دفن تعدادی از شهدای انقلاب اسلامی بر روی سکویی در ضلع غربی تکیه می باشد که بر اهمیت معنوی این تکیه افزوده است.

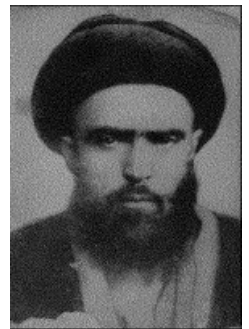


بقعه تکیه گلزار

این تکیه از شمال به تکیه ی تویسرکانی، از شرق به تکیه ی یزدخواستی ها، از جنوب به تکیه مقدّس و از غرب به کلانتری شانزده محدود می شود.

بزرگان مدفون در تکیه

۱ - آقا سید علی حسینی برزانی: فرزند سید محمد حسین متوفی ۱۳۶۹ ق. عالم ربّانی و فقیه پرهیزگار. که دعای کمیل را در بقعه ی بابا رکن الدین با شور و حال خاصی برپا می داشت. از آثارش رساله فی حکم الفرار من الحقوق را می توان نام برد.



۲ - حاج میرزا حبیب الله روضاتی: فرزند هدایت الله بن محمدباقر چهارسوقی. متوفی ۱۳۷۹ ق. عالم فاضل کامل. از خاندان بزرگ روضاتی. وی در تکیه ی کازرونی دعای کمیل را برگزار می کرد. وی مردی متواضع و خوش اخلاق بود و از جمله کارهای ایشان توجه دادن مردم به دعا و تضرع و توبه به درگاه پروردگار در شبهای جمعه به وسیله خواندن دعای کمیل بود که جمع کثیری در پای منبر او جمع می شدند و تا به صبح به احیاء و دعا مشغول بود. به این ترتیب مکتب دعای کمیل در تخت فولاد را که ابتدا مرحوم ملا محمدباقر فشارکی (مدفون در تکیه خوانساری) تأسیس کرد و سپس مرحوم شیخ مرتضی ریزی ادامه داد و سپس مرحوم محمدرضا کلباسی ترویج کرد؛ مرحوم حبیب الله روضاتی با بیانات ذوقی و عرفانی خود تکمیل کرد. (۱)



۳ - حاج سید مهدی حسینی بدری سینی: فرزند سید محمدعلی. متوفی ۱۳۷۷ ق. عالم فاضل متقی که مورد توجه و اعتقاد و عنایت مؤمنین بود.

ص: ۲۵۹

۴ - شیخ علی فقیه فریدنی: فرزند ملا محمد باقر. متوفی ۱۳۷۳ ق. مدرّس فقه و اصول و کلام.

۵ - حاج سید مرتضی ظهیرالاسلام: فرزند حاج سید علی. متوفی ۱۴۰۳ ق. واعظ معروف و ادیب فاضل. سنگ قبری عالمانه به خط استاد فضائلی بر مزارش نصب شده است. (۱)



۶ - سید جعفر خاکشیر: فرزند سید اسماعیل. از سادات موسوی اصفهان. متوفی ۱۳۷۵ ق. شاعر. وی در اشعارش به هزل بیشتر رغبت داشت تا به جد. وی با وجودی که اشعار هزل می سرود ولی در اخلاق شخصی اش مردی محجوب و باحیا بود و شیوه ی شعر او ارتباطی به اخلاق و کردار او نداشت.

چنانکه می سراید:

یارب من اگر گناه کردم چه کنم

ور نامه ی خود سیاه کردم چه کنم

گفتند بمن که از خط راست برو

چپ رفتم و اشتباه کردم چه کنم (۲)

مرحوم عبدالحسین سپنتا در مرگ او چنین سرود:

آن جثه صغیر که دل داشت همچو شیر

در انتقاد جامعه چون شیر بُد دلیر

گر شیر خوانمش سزد امروز زیر خاک

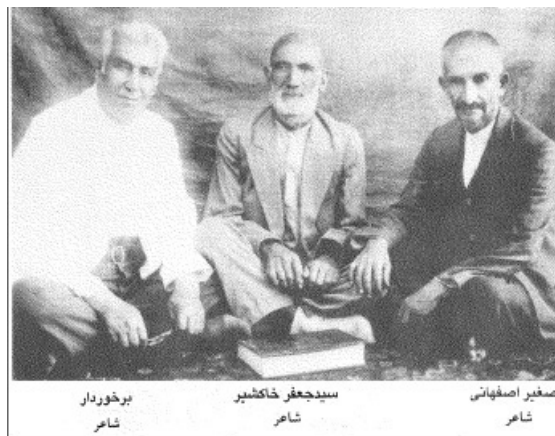
گویی بخاک شیر فروشد نه خاکشیر (۳)

۱-۴۱۷. شرح حال ظهیر الاسلام، مخطوط

۲-۴۱۸. هادوی، مصطفی: تذکره شعرای استان اصفهان، ص ۲۲۸، راجع به خصوصیات اخلاقی وی ر. ک: قدسی، منوچهر:

دولت دیدار، ص ۱۸۵-۱۹۲.

۳-۴۱۹. نامه سخنوران سپاهان، ج ۲، ص ۹۷.



۷ - میرزا علی مشفق: متوفی ۱۳۵۷ ه. ش. در کودکی پدر را از دست داد و باتحمل مشکلات فراوان به کسب علم پرداخت و در حکمت و ریاضی، هیئت و نجوم تبخّر پیدا کرد. او از علاقمندان آیت الله حاج آقا رحیم ارباب بود و از محضر ایشان بهره مند می گردید. آیت الله حاج آقا رحیم توجه خاصی به او داشت و او را به لقب «معلم اصفهانی» ملقب نمود. وی در حجره ای در مسجد حکیم سکونت داشت. نظم، تقوا، سادگی و صفای روح از ویژگی های او بود. وی شاعری توانا بود و در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد. کتاب «خزائن شکن» که قسمتی از اشعار اوست به چاپ رسیده است.

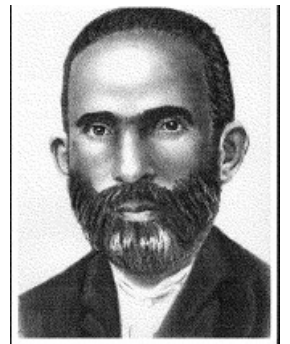
۸ - رجبعلی گلزار: فرزند ملاّ حسین. متوفی ۱۳۶۶ ق. از اساتید فن شعر و ادب و شاعر مشهور اصفهانی و صاحب دیوان اشعار.

بر روی سنگ قبرش غزلی بامطلع زیر حک شده است:

چو بلبل این همه افغان و آه از آن دارم

که مرغ قدسم و در خاک آشیان دارم

علمای دیگری نیز در این تکیه مدفون می باشند. (۱)



ص: ۲۶۲

۱- ۴۲۰. مهدوی: سیری در تخت فولاد، صص ۱۸۳ - ۱۸۰.

اشاره

از تکیه های نوین که پس از درگذشت عالم و فقیه معروف اصفهانی آقا سید محمّد مقدّس (متوفّی ۱۳۷۸ ق.) بنا شده تکیه ی مقدّس است. بقعه ای هشت ضلعی با مصالح آهن، سیمان و آجر بر مزار آن مرحوم است که معماری عمده ی آن شامل هشت ستون آجری و گنبدی هرمی شکل است که تا حدودی شباهت به بقعه ی تکیه ی گلزار دارد.



بقعه ی تکیه مقدّس

موقعیت جغرافیایی تکیه

تکیه از غرب با تکیه ی خلیلیان، از شرق با آب انبار کازرونی، از شمال با تکیه ی گلزار، و از جنوب با تکیه ی ایزدگشسب مجاور است.

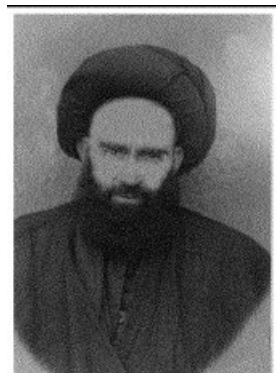
بزرگان مدفون تکیه

۱ - حاج سید محمّد مقدّس: فرزند سید عبدالحسین حسینی. متوفّی ۱۳۷۸ ق. عالم و فقیه عالیقدر

ص: ۲۶۳

اصفهان که پس از اخذ درجه ی اجتهاد، در اصفهان به تدریس علوم و ترویج معارف دینی پرداخت. وی به دعوت آیت الله بروجردی به قم مهاجرت نمود و از افراد مورد اعتماد او قرار گرفت. وی کتابخانه ای مهم و معتبر از کتب خطی و چاپی فراهم آورده بود که پس از درگذشت ایشان به کتابخانه مسجد اعظم قم انتقال یافت. از آثار اوست: الف) کتاب الاوائل ب) تقریرات فقهی ج) کتاب الاواخر د) نصایح لقمان. (۱)

در تاریخ فوتش سروده شد: «شدی روان مقدس روان بعالم قدس».



آیت الله حاج سید محمد مقدس

۲ - سید اسدالله مستجاب الدعواتی: فرزند آ میرزا مهدی و نوه سید صدرالدین جبل عاملی، عالم فاضل کامل، متوفی ۱۳۴۲ ش.؛ وی اجازه روایت را از آیت الله محمدرضانجفی گرفته است؛ بنیانگذار مدرسه صدریه در اصفهان و در ردیف اولین کسانی قرار دارد که در اصفهان مدرسه تأسیس نمودند. (۲)

۳ - ملا علی مارینی: فرزند ملا ابوتراب. متوفی ۱۴۰۲ ق. عالم فاضل که از محضر اساتیدی چون سید ابوالقاسم دهکردی، سید محمدباقر درچه ای، سید علی نجف آبادی و بزرگان دیگر کسب علم نمود. عمر خود را در تحصیل علم و دانش و نشر معارف اسلام و بیان مسایل و مواعظ و ذکر مناقب و مصائب اهل بیت علیهم السلام گذراند و تا آخرین سالیان حیات در تحصیل علم و تعلیم آن کوتاهی ننمود. (۳)

۴ - میرزا محمدعلی پروانه: فرزند عبدالوهاب. متوفی ۱۳۵۵ هجری شمسی. شاعر و

ص: ۲۶۴

۱- ۴۲۱. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص ۴۸۷ - ۴۸۴ .

۲- ۴۲۲. مصاحبه با فرزند ایشان آیت الله حاج سید مرتضی مستجاب الدعواتی

۳- ۴۲۳. قاسمی: شرح مجموعه گل، ص ۹۸.

روزنامه نگار. متخلص به «پروانه». وی انجمن ادبی پروانه را اداره می کرد و مدیر روزنامه ی «شمع حقیقت» در اصفهان بود. (۱) از اشعار اوست:

.... ز جان و دل فرو رفتم به دریای غم عشقت

چو غواصی که در دریا بجان دُردانه می جوید

نظر بر دولت قارون ندارد عاشق بیدل

که او گنج مراد اندر دل ویرانه می جوید

نیابد زاهد خودبین بقاف قرب تو راهی

ولی عاشق در آنجا همچو عنقالانه می جوید

.... به گرد شمع جانبازی نباشد کار هر بیدل

مگر آنکس که کام خویش چون پروانه می جوید (۲)

۵ - میر سید علی مهدوی کرمانی: فرزند سید مهدی موسوی. متوفی ۱۳۷۸ ق. عالم باتقوا و پرهیزگار.

۶ - میرزا عبدالله ارباب: فرزند علی پناه. متوفی ۱۳۷۹ ق. عالم فاضل و خوشنویس در انواع خطوط. وی برادر حاج آقا رحیم ارباب است. (۳)

۷ - سید ابوالقاسم شاه کرمی: عالم فاضل، متوفی ۱۳۸۴ ه. ق.

۸ - ملا محمددهاقانی: فرزند محمدخلیل. عالم فاضل، متوفی ۱۳۸۹

ه. ق. از محضر جمعی از بزرگان کسب علم نمود و اجازه ی روایتی و اجتهادی گرفت. وی یک دوره کامل فقه نوشت. (۴)

ص: ۲۶۵

۱- ۴۲۴. مهدوی: تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۱۰۸.

۲- ۴۲۵. مهدوی: تذکره شعرای اصفهان، ص ۱۰۹.

۳- ۴۲۶. مهدوی: سیری در تخت فولاد، صص ۲۰۰ و ۲۲۷؛ و نصرالهی: همان مأخذ.

۴- ۴۲۷. مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۳، ص ۳۷۰.

اشاره

تکیه ی آقا سید محمد لطیف خواجویی از تکایای دوره ی معاصر است که پس از وفات در وسط تکیه ای که خود آن مرحوم بنا کرده بود، دفن گردید. آرامگاه او بقعه ی کاملاً ساده و بدون هیچ گونه تزئینات هنری می باشد.

در کنار بقعه ی آقا سید محمد لطیف گنبدی کوچک با کاشیکاری هفت رنگ بر سر قبر یک جوان ناکام دیده می شود که بر روی چهار ستون فلزی ایجاد گردیده است.

موقعیت جغرافیایی تکیه

تکیه از شمال شرقی به تکیه ی ایزد گشسب، از جنوب به قبرستان عمومی، از مشرق به کوچه ی تکیه ی کازرونی و از مغرب به تکیه ی صدری ها محدود است.

بزرگان مدفون در تکیه

۱- آقا سید محمد لطیف طباطبایی خواجویی: فرزند سید محمد شفیع، متوفی ۱۳۷۸ ق. عالم فاضل که در زهد و تقوی و عبادت معروف بود. وی کوشش بسیاری در امر به معروف و نهی از منکر داشت. او در روز اربعین (بیست صفر) وفات یافت.



۲- حاج شیخ ابوالقاسم نورایی سدهی: فرزند شیخ کمال الدین متوفی ۱۳۹۰ ق. عالم فاضل و مروج احکام اسلامی. وی علاوه بر تدریس در مدرسه ی چهارباغ دبستانی به نام «نور» دایر نمود و عده ای از کودکان را طبق برنامه ی اداره آموزش و پرورش و زیر نظر مستقیم خود تعلیمات دینی و اسلامی می آموخت. (۱)

ص: ۲۶۶

۳ - شیخ محمدجواد فریدنی: فرزند شیخ علی اصغر، متوفی ۱۳۷۵ ق. فقیه، عالم و ادیب، از وی کراماتی را یاد می کنند.

۴ - شیخ بهاءالدین برهانی: فرزند ملاعلی معلم، متوفی ۱۳۹۳ ق. عالم فاضل ادیب، و از وعاظ ممتاز اصفهان که چندین سال بیمار و خانه نشین بود اما با همه ی بیماری ها صابر و شاکر خداوند بود و از جاده صبر و شکیبایی خارج نشد. (۱)

۵ - شیخ محمود سالک: فرزند حاج محمداسماعیل. متوفی ۱۳۸۹ ق. عالم صالح، واعظ پرهیزگار. از محضر بزرگانی چون شیخ عبدالکریم حائری کسب علم نمود. به گفته ی مرحوم مهدوی، «سالک راه حق بود و الحق می توان او را مسلمان حقیقی دانست». (۲)



۶ - حسن قوامی زاده: متوفی ۱۳۸۴ ق. از دبیران فاضل اصفهان و مدیر روزنامه ی پازهر.

۷ - مصطفی ستاریان: فرزند حاج محمدصادق، متوفی ۱۳۹۱ ق. دارای مدرک دکترا در فلسفه و علوم تربیتی. وی معلمی مهربان و خدمتگزار، نویسنده ی کتابی در فلسفه و اخلاق برای دوره ی دبیرستان بود. (۳)

۸ - میرزا محمدعلی مکرّم حبیب آبادی: متوفی ۱۳۸۴ ق. شاعر، روزنامه نویس و فکاهی سرای معروف اصفهان. اشعار «هارون ولایت» و «سینه زنی» وی جنجال برانگیز بود. می گویند صارم الدوله

ص: ۲۶۷

۱- ۴۲۹. مهدوی: سیری در تخت فولاد، ص ۱۹۱.

۲- ۴۳۰. مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۲، ص ۲۸۵.

۳- ۴۳۱. مهدوی: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، صص ۱۹۱ و ۱۹۲.

پسر ظلُّ السلطان به مُکرم گفته بود: «من و تو هر دو هم سالیم» مُکرم گفته بود: «ای کاش هم مال بودیم». در ترکیب دو کلمه هم و مال، دو میم پهلوی هم دارد که در تلفظ به قیاس عربی درهم ادغام، و مشدّد تلفظ می گردد و ایهام گونه تداعی «حَمال» می کند. (۱) ماده تاریخ فوتش را بُرنا گوید: «خصم او هام و ریا بود بدینا مکرم». (۲)

۹ - میرزا اسدالله رجالی: فرزند عبدالجواد، متوفی ۱۳۷۲ ق. خطاط معروف و از شاگردان عبدالرحیم افسر که از آثار او میتوان به کتیبه های در ورودی مسجد سید اصفهان اشاره نمود. (۳)

۱۰ - حبیب الله یوزباشی: فرزند یوسف جبلی. متوفی ۱۳۵۱ ش. از بذله گوین معروف اصفهان که شوخ طبعی و حاضر جوابی وی معروف بود. بر سنگ مزارش این بیت حک شده است:

جان من پاک بیا منزل ناپاکان نیست

هر که پاک است بسر منزل ما می آید (۴)

ص: ۲۶۸

۱- ۴۳۲. قدسی، منوچهر: دولت دیدار، ص ۱۷۹ .

۲- ۴۳۳. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۹۲.

۳- ۴۳۴. قدسی، منوچهر: خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

۴- ۴۳۵. نوربخش، حسین: اصفهانی های شوخ و حاضر جواب، ص ۱۵۴.

اشاره

این تکیه منسوب به حاج آقا باقر قزوینی از علمای قرن چهاردهم فرزند عالم فاضل آقا محمدجواد قزوینی ساکن محله ی دردشت است. وی در سال ۱۳۶۳ ه. ق. وفات یافته و علمت شهرت این تکیه به خلیلیان از آن روست که مدتی پس از درگذشت حاج آقا باقر دردشتی عده ای از افراد خاندان خلیلیان که از خانواده های مشهور اصفهان بودند در آنجا دفن کردند. قبر صاحب تکیه در وسط آن بر روی سکویی بدون سنگ نوشته قرار دارد. در اطراف تکیه اطاق هایی ساده و فاقد تزئینات هنری قرار داشت که اکنون جهت پاکسازی برچیده شده و در ضلع شمالی آن کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ایجاد شده است.

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه از شرق با تکیه ی مقدّس، از غرب با پیاده رو شرقی تکیه ی سیدالعراقین، از شمال با تکیه ی امام جمعه و از جنوب با پیاده رو شمالی تکیه ی صدری ها و محمد لطیف خواجویی مجاور است.

بزرگان مدفون در تکیه

۱ - حاج آقا باقر قزوینی دردشتی: فرزند حاج محمدجواد، متوفی ۱۳۶۳ ق. وی عالمی فاضل و داماد آقا جلال الدین بن شیخ محمدتقی آقاجنقی بود. جدّ ایشان حاج محمد ابراهیم قزوینی عالم فقیه و برجسته ای بود که سید حجهالاسلام شفتی وی را بسیار دوست می داشت و تصدیق به اجتهاد نموده بود. حاج محمدجعفر آواده ای نیز با آن مقام علمی و تقوی اش به دلبستگی سید حجهالاسلام به حاج محمد ابراهیم غبطه می خورد. (۱)

۲ - آقا شیخ محمدحسین مقدّس مشکینی: فرزند آقا شیخ علی، متوفی ۱۳۶۸ ق. وی از اعقاب

ص: ۲۶۹

شهید ثانی و عالمی فاضل و مدرّس فقه، اصول و حکمت بود. وی از علمای گمنام و منزوی بود که عمری را به زهد و قناعت و اعراض از مردم به سر برد. و در مدرسه جدّه کوچک فقه و اصول و حکمت تدریس می نمود.

۳ - شیخ حیدرعلی صلواتی: فرزند حاج قدیرعلی سدهی، متوفی ۱۳۹۲ ق. عالم و عارف پرهیزگار و صاحب کتاب ارزشمند «نجم السهیل» در شرح دعای کمیل (منظوم) است که با مطالعه ی این کتاب به احوال روحانی وی می توان پی برد. او شعری برای سنگ قبرش سروده که بر آن حک شده است:

ای محبّان ز اسیران لحد یاد کنید

خانه قبر به دل جُستنی، آباد کنید

ما که ماندیم شما باز نماید ز کار

به ادای صلواتی دل ماشاد کنید(۱)



۴ - عبدالمحمود محزون اصفهانی: متخلص به «محزون» متوفی ۱۳۷۷ ق. از شعرای خوش سخن و صاحب کتب و رسایلی همچون: الف) جنگل که دیوان اشعار اوست ب)

عروج النبی صلی الله علیه وآله ج) گنج العیش (مجموعه غزل) و آثار دیگر است. از اشعار اوست:

ای خوش خصال دلبر انصاف ده خدا را

با دوستان یکدل از حد مبر جفا را

آندم که رخ نمایی بعد از غم جدایی

بهرتر ز ملک شاهی این کمترین گدا را(۲)

سایر مشاهیر مدفون در تکیه عبارتند از:

۵ - ملّا فرج الله دُرّی: متوفی ۱۳۸۲ ق. عالم فاضل. از شاگردان سید محمدباقر درچه ای، خوند

-
- ۱- ۴۳۷. جهت آشنایی با شرح حال ایشان ر. ک: صلواتی، حاج شیخ حیدرعلی، راز و نیاز علی علیه السلام با خدا، صص ۷۲ - ۶۴.
- ۲- ۴۳۸. مهدوی: تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۱۵ و ۴۱۶؛ نصرالهی: جزوه تخت فولاد سرزمین جاویدان، مشاهیر تکیه قزوینی دردشتی.

کاشی و جهانگیرخان بود. استاد همایی در تاریخ فوتش سرود: «دُزّی دَری ز مخزن علم و کمال بود».(۱)

۶ - یدالله برخوردار: متوفی ۱۳۸۰ ق. شاعر متخلص به تائب.

۷ - حاج آقا کمال الدین قزوینی: متوفی ۱۳۹۴ ق. عالم جلیل.

۸ - منکوقاآن ذوالخیر: متوفی ۱۳۹۰ ق. روزنامه نگار.(۲)

۹ - رسول بهروان: متوفی ۱۳۸۴ ق. شاعر.

۱۰ - سید ابراهیم میرشفیعی: فرزند سید ابراهیم. متوفی ۱۳۷۰ ق. عالم، فاضل، متقی، مدرس مدرسه شفیعیه اصفهان، که از محضر درسی آخوند ملا محمدحسین فشارکی و میرزا علی آقا شیرازی کسب علم کرد. عمر خود را به زهد و تقوا و بندگی حق گذراند.(۳)

۱۱ - سید محمدعلی میرشفیعی: متوفی ۱۳۹۰ ق. عالم جلیل.

۱۲ - سید خلیل مبارکه ای: متوفی ۱۳۹۶ ق. واعظ.(۴)

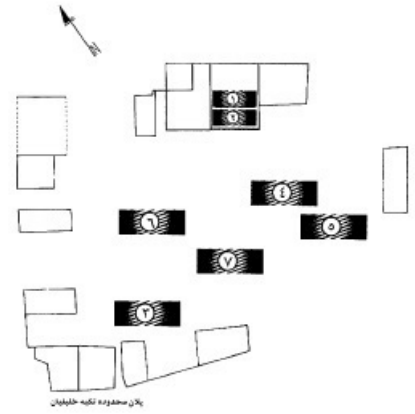
ص: ۲۷۱

۱- ۴۳۹. موحد ابطحی: ریشه ها و جلوه های تشیع، ج ۲، ص ۲۷۷.

۲- ۴۴۰. راجع به شخصیت این چهره ر. ک: رفاهی، خلیل: گردش ایام، صص ۲۷۱ - ۲۶۹.

۳- ۴۴۱. مهدوی: اعلام اصفهان، ص ۱۱۶.

۴- ۴۴۲. مهدوی: سیری در تخت فولاد، ص ۷۶.



پلان محدوده کعبه خلیفیان

- ۱- حاج سید محمد ابراهیم میر شفیعیان
- ۲- سید محمد علی میر شفیعیان
- ۳- حاج شیخ فرج الله نری
- ۴- بدالله بر خوردار
- ۵- حاج سید خلیل موسوی
- ۶- حاج آقا باقر قزوینی بردستی
- ۷- شیخ حیدر علی صلوانی

اشاره

در قسمتی از محدوده ی لسان الارض تخت فولاد، مزار کوچکی وجود دارد که قدیمی ترین قبر موجود در آن متعلق به تاریخ ۱۳۱۹ هجری قمری مربوط به عالم جلیل آقا میرزا عبدالرزاق بن سید عبدالجواد موسوی می باشد که نَسَبشان به میر محمدتقی موسوی وزیر شاه سلیمان صفوی می رسد. پس از وی پسر بزرگوارش علامه فقیه آقا سید محمدتقی فقیه احمدآبادی متوفی ۱۳۴۸ هجری قمری در این محل مدفون شد. وی از فقهای بزرگ ساکن محله ی احمدآباد بود. پس از دفن این عالم بزرگوار این تکیه به «سادات احمدآبادی» و یا «فقیه احمدآبادی» نامیده شد. تا چند سال اخیر هیچ بنا و بقعه ای در این تکیه وجود نداشت. در حدود سال ۱۳۷۹ هجری شمسی مریدان و علاقمندان به این عالم فقیه و آثار ارزشمندش جهت بزرگداشت مقام وی بقعه ای بر سر مزارش بنا نمودند.

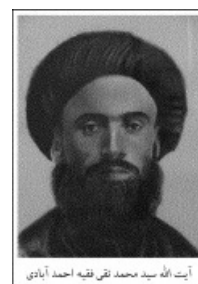
موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه در شرقی ترین قسمت تخت فولاد و در شمال لسان الارض و تقریباً در انتهای کوچه ی لسان الارض، روبروی سالن اجتماعات گلستان شهداء (شمع) قرار گرفته است.

بزرگان مدفون در تکیه

۱ - آقا میرزا عبدالرزاق موسوی: فرزند سید عبدالجواد، متوفی ۱۳۱۹ ق. عالم جلیل و امام جماعت امامزاده اسماعیل.

۲ - آقا سید محمدتقی موسوی احمدآبادی (فقیه احمدآبادی): فرزند آقا سید عبدالرزاق. متوفی ۱۳۴۸ ق. معروف به «فقیه احمدآبادی» فقیه بزرگوار، محدث مفسر و ادیب شاعر، که نزد اساتید بزرگی چون آقا سید ابوالقاسم دهکردی، آخوند ملا محمد کاشانی و بزرگان دیگر کسب علم



نمود. وی بیش از بیست جلد کتاب تألیف نموده است که بیشتر آنها درباره ی امام زمان علیه السلام می باشد. وی از عاشقان و خدمتگزاران واقعی صاحب الزمان علیه السلام بود. از جمله کتاب های وی می توان به الف) مکیال المکارم: در فواید دعا برای آن امام بزرگوار در دو جلد به چاپ رسیده است. ب) آیین جمعه ج) نورالابصار در فضیلت انتظار اشاره نمود. از اشعار اوست:

ز دوری رُخت ای پادشاه حُسن و جمال

رسیده جان به لب عاشقان تعال تعال(۱)

در مقامات آیت الله فقیه احمدآبادی

کتاب مکیال المکارم به توصیه امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) نوشته شد. انگیزه ی نگارش کتاب این گونه بود که ایشان در عالم رویا به ملاقات آن حضرت نایل شده و دستور نوشتن کتاب را از حضرتش شنید که: «این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام او را بگذار مکیال المکارم فوائد الدعاء القائم». محقق بزرگ حضرت آیت الله حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی در خصوص این کتاب می نویسد: «این کتاب گویای حوصله ی فراوان مؤلف و گستردگی تحقیق و تفکر و تلاش اوست. در موضوع خود بی نظیر است و جز این کتابی که در موضوع مهدویت و آداب دعای بر حضرت مهدی علیه السلام و فواید آن باشد، سراغ ندارم». (۲) و در ساعات فراغتش شعر هم می گفته و در عظمت اهل بیت علیهم السلام و بویژه امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم گفته است. چنان گوید:

یارب فرجی که ما اسیریم

یارب کرمی که ما فقیریم

ماییم لئیم و تو کریمی

ما غرق گناه و تو رحیمی(۳)

وی در سن ۴۷ سالگی به دوره رضاخان پهلوی(که در تضعیف روحانیت می کوشید) به شهادت رسید.(۴)

۳- شیخ فضل الله اعضادی: متوفی ۱۳۶۰ ق. عالم فاضل، از مجتهدین بزرگی که عمری را به عزلت و کناره گیری از مردم دنیا به سر برد و فقط جمعی از افاضل طلاب از محضرش بهره مند شدند.(۵)

ص: ۲۷۴

۱- ۴۴۳. مهدوی: رجال اصفهان، ص ۴۶.

۲- ۴۴۴. قرقانی: زندگانی جهانگیر خان قشقایی، ص ۱۸۱.

۳-۴۴۵. قرقانی: زندگانی جهانگیرخان قشقایی، ص ۱۸۰.

۴-۴۴۶. در مورد کیفیت شهادت و احوال ایشان در آخرین لحظات عمر شریفش، ر. ک: ربانی خلخالی، علی: شهدای روحانیت در یکصد سال اخیر، ج ۲، ص ۶۴-۵۷.

۵-۴۴۷. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۶.

اشاره

از تکیه های معاصر تخت فولاد که به خاطر دفن عالم فقیه و مجتهد مرحوم آقا شیخ محمدباقر زند کرمانی (متوفی ۱۳۸۹ هجری قمری) به این نام معروف است. در گذشته دارای محدوده ای مشخص بود، اما در حال حاضر هیچ نوع بنا و عمارتی در این تکیه وجود ندارد. از آنجا که مرحوم زند کرمانی نیز وصیت کرده بود که بر سر قبر او بقعه و بنایی نسازند؛ قبر ایشان تنها بر سکویی وسط تکیه قرار دارد.

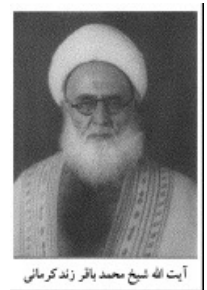
موقعیت جغرافیایی تکیه

از جنوب به تکیه ی زرگرها، از شمال به تکیه ی صیرفیان (اکنون به نام باغ طوبی است). از شرق به قبرستان عمومی محدود می شود.

بزرگان مدفون تکیه

۱ - شیخ محمدباقر زند کرمانی: متوفی ۱۳۸۹ هجری قمری. عالم فاضل، فقیه واعظ، مجتهد برجسته از شاگردان عبدالکریم حائری مؤسس حوزه ی علمیه ی قم و از روحانیون آگاه به علوم جدید و آشنا به چند زبان خارجی بود. وی نماز عید فطر را با جمعیت زیادی از نمازگزاران در مصلاهی تخت فولاد برگزار می نمود.

ایشان باعث و بانی خدمات اجتماعی ارزشمندی همچون تأسیس بیمارستان در شهر اصفهان است. از جمله آثار او می توان به: الف) رساله فقه استدلالی در احکام آبها



آیت الله شیخ محمد باقر زند کرمانی

ب) الفیوضات اللامعه ج) اماره الولایه د) رساله در تاریخچه ی نفت اشاره نمود. (۱)

۲ - شیخ عبدالکریم مصدق خواه: متوفی ۱۳۹۰ ق. عالم فاضل، مشهور به «مسأله گو» او صاحب آثاری همچون، الف) مخزن گل ب) یاد آوری بعضی از گوهرهای اسلامی است. (۲)

۳ - شیخ محمدجواد اصولی: متوفی ۱۳۵۹ ش. عالم فاضل زاهد و مدرّس حوزه ی علمیه ی شهرکرد و اصفهان. وی سال ها با فقر شدید به تحصیل علوم دینی پرداخت و از محضر اساتیدی همچون سید محمد نجف آبادی، سید مهدی درچه ای، سید علی نجف آبادی و شیخ محمد حکیم خراسانی کسب علم نمود. وی در هیئت و نجوم تبحر خاصی داشت و در مدرسه صدر به تدریس ادبیات، فقه و اصول می پرداخت. او مردی فاضل، بی ریا، و بسیار وارسته بود. (۳)

در مقامات آیت الله زند کرمانی

ایشان در نزد اساتید بزرگ قم و اصفهان کسب علم نمود و به اجازه ی اجتهاد نایل آمد. وی از امتیازات ویژه ای برخوردار بود. از جمله به علوم جدید و اطلاعات روز و زبان انگلیسی آگاهی کامل داشت. در علوم فقه، اصول و فلسفه نیز دارای ابتکارات جالب بود. چون به دو رشته ی علوم جدید و حوزوی مسلط بود، منابرش کاملاً چشم گیر و پرمحتوی و جذاب بود. او می کوشید با مطالعه کتب و تحقیق درباره مسائل مختلف خصوصاً در مورد ادیان و مذاهب، باورهای دینی ادیان مختلف را از دیدگاه عقل و منطق مورد بازنگری قرار دهد. در این راستا تنها به مطالعه کتب ادیان اکتفا نمی کرد بلکه با دانشمندان آن ادیان نیز بحث و مناظره می کرد که در زندگی نامه خود به چند مورد اشاره کرده است. از جمله مناظره و گفتگوی او با دانشمندان مسیحی، یهودی، زرتشتی و بودایی جالب و خواندنی است. (۴) به مسایل اجتماعی و سیاسی روز نیز آگاهی کامل داشت و گاه از سیاست روز رنج می برد. به طلاب نصیحت می کردند که باید مصداق این سخن گهربار باشند که: [دانشمندی که به زمان خویش آگاه باشد هیچ گاه مورد تهاجم تاریکی ها قرار نمی گیرد]. در حکایتی در مورد ایشان

ص: ۲۷۶

۱- ۴۴۸. جهت آشنایی با احوال و آثار این عالم ر. ک: زاهد نجفی، محمد: فطرت بیدار زمان.

۲- ۴۴۹. مهدوی: سیری در تخت فولاد، ص ۱۷۷.

۳- ۴۵۰. قاسمی: شرح مجموعه گل، ص ۹۹.

۴- ۴۵۱. زند کرمانی: نشانه های ولایت، صص ۴۵ - ۴۳.

نقل است که شب آخر دهه محرم وقتی زمان ذکر مصیبت فرا رسید، مرحوم زند کرمانی دست در جیب بغل خود کردند و یک بسته دارو شامل مقداری قرص بیرون آوردند و فرمودند: «امشب می خواهم مصیبت خود شما را برای خودتان بخوانم تا شما به حال خودتان گریه کنید. امام حسین علیه السلام نیازی به گریه شما ندارد. آن گاه بسته های دارو را به مردم نشان دادند و گفتند: مصیبت شما این است که اگر این دارو از کشورهای بیگانه و استعمارگر که احتمالاً دشمن شما هستند به کشور شما نرسد، روحانی شهر شما خواهد مُرد. من مریض هستم و فقط به این داروها می توانم زنده بمانم» (۱).

از خدمات ارزنده ی وی آن که مسجد جامع اصفهان که در دوره ی خفقان رضاخان به روی نمازگزاران بسته شده بود و فقط محل تماشای توریست های غیرمسلمان بود با تلاش ایشان

افتتاح و خود در آن به اقامه جماعت پرداخت. همچنین در روزهای عید سعید فطر با هزاران نفر مرد و زن با حرکت از مسجد جامع به سوی مصلاّی تخت فولاد با خواندن تکبیرات و تهلیلات همه مسلمانان را به این شعائر اسلامی ترغیب می نمود و خود خطبه های نماز را می خواند (۲).

مرحوم زند کرمانی در یکی از منابرش به نقل و تشریح این حدیث می پرداختند که: «روز قیامت حضرت زهرا علیها السلام دوستانشان را شفاعت می نمایند و سپس دوستان دوستانشان را و همین طور تا هفت واسطه مورد شفاعت قرار می گیرند». ایشان فرمود: «فکر نکنید کار خدا بی حساب است، شما الساعه یک آهن ربا را بردارید و بزنید به یک سوزن؛ سوزن را جذب می کند. همان سوزنی که جذب شده سوزن دومی را جذب می کند و همین طور تا آن موقع که دیگر از حالت آهن ربایی خارج شود.

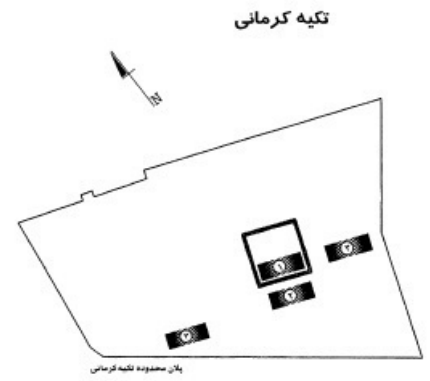
در قیامت هم جاذبه حضرت زهرا علیها السلام به تمام دوستان و واسطه ها تأثیر می کند و یکی یکی را بهشتی می کند» (۳).

ص: ۲۷۷

۱- ۴۵۲. زند کرمانی: فطرت بیدار زمان، ص ۷۶.

۲- ۴۵۳. ستاره ای از شرق، ص ۷۰۰.

۳- ۴۵۴. فطرت بیدار زمان، ص ۹۴.



- ۱- شیخ محمد باقر زند کرمانی
- ۲- شیخ عبدالکریم مصدق خواجه
- ۳- شیخ محمد جواد اصولی
- ۴- سید مصطفی موحّد محمدی

اشاره

تکیه ی متعلق به دوره ی معاصر است و در سال ۱۳۶۳ ه. ق. ایجاد شده و بر مزار حاج سید احمد حسینی بهشتی بقعه ای به سبک جدید بنا گردیده است.

همچنین یک چهارطاقی بتونی با تزینات کاشیکاری بر سر قبر شاهنامه خوان مشهور اصفهانی مرشد عباس زریری ساخته است. وجه تسمیه تکیه زرگرا این است که عده ای از خانواده مشهور «زرگر» در این تکیه مدفون هستند.

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه در ضلع شرقی مصلی واقع شده و از شرق به تکیه ی زند کرمانی محدود می شود.

بزرگان مدفون در تکیه

۱- سید محمدتقی بهشتی: فرزند سید جعفر حسینی. متوفی ۱۳۸۴ ق. عالم زاهد که در مصلای تخت فولاد مراسم نیایش و دعا برگزار می کرد.

۲- سید احمد لبنانی (بهشتی): فرزند سید محمدحسن. عالم و فقیه بزرگوار متوفی ۱۳۶۲ ق. وی به زهد و پارسایی و صداقت معروف بود.

۳- مرشد عباس زریری: متوفی ۱۳۵۰ ش. از آخرین شاهنامه خوانان معروف اصفهان. که با بیان جذّاب خود به نقل وقایع شاهنامه می پرداخت و در پایان هر مجلس به وقایع صحرای کربلا نیز اشاره می کرد. (۱)

۴- حسن اهتمام: فرزند غلامحسین. متوفی ۱۳۷۹ ق. شاعر و ادیب. الف) منظومه ی لیلی و مجنون ب) دیوان اهتمام از آثار اوست.

۵- حاج شیخ محمداسماعیل حیرانی: فرزند شیخ محمود قمشه ای متوفی ۱۴۰۳ ق. عالم، شاعر و ادیب. از آثار اوست: الف) اشعار انقلابی حیرانی ب) هشت بهشت. (۲)

ص: ۲۷۹

۱- ۴۵۵. نصرالهی، غلامرضا: جزوه تخت فولاد سرزمین جاویدان، تکیه زرگرا.

۲- ۴۵۶. مهدوی: اعلام اصفهان، ص ۵۸۲.

۶ - شیخ احمد اهتمام: متوفی ۱۳۸۷ ق. عالم فاضل فقیه. صاحب آثاری چون الف (فلسفه احکام ب) دوره فقه استدلالی در بیست و شش جلد. وی نکات زیبا، جذّاب و عارفانه ای در مورد نماز بیان کرده است که هر خواننده ای را مجذوب معنویت نماز می کند. (۱) این بیت از اوست:

مژده ای دل که شب هجر سرآمد به وصال

یار بی پرده به کف ساغر می مالا مال (۲)



۷ - شیخ یوسف آل ابراهیم دهکردی: فرزند ملا حسن. متوفی ۱۳۸۶ ق. عالم فاضل ادیب.

۸ - دکتر محمّد ریاحی: فرزند حاج عبدالوهاب. متوفی ۱۳۸۹ ق. پزشک و فاضل برجسته اصفهانی. که به طبابت و جراحی و تدریس طب در دانشکده ی پزشکی می پرداخت و بیماران مستمند را با نهایت بزرگواری و احسان درمان می کرد. علاوه بر این در علوم مختلف ادبی و تاریخی نیز صاحب نظر بود. (۳)

۹ - آقا سید اسدالله دادخواه (بهشتی): فرزند سید محمّد جعفر. متوفی ۱۳۶۳ ق. عالم فاضل و فقیه مجتهد. در اصفهان به رسیدگی امور مردم و یاری آنان زبانزد خاص و عام بود. در دوره ی مشروطه از نمایندگان مورد اطمینان مردم اصفهان بوده و به «وکیل» شهرت داشت. (۴)



ص: ۲۸۰

۱- ۴۵۷. ر. ک: اهتمام، شیخ احمد: حکمت ها و اسرار نماز، ص ۱۱.

۲- ۴۵۸. مهدوی: اعلام اصفهان، ص ۴۹۴.

۳- ۴۵۹. کتابی: رجال اصفهان، ص ۵۴۷.

۴- ۴۶۰. برای اطلاع بیشتر ر. ک: عقیلی: مشروطه خواهان مدفون در تخت فولاد، ص ۶۰ و ۶۱.

اشاره

نام همدانیان به نیکی ببرند

آنان که در این بقعه گذارند نماز

این تکیه پس از دفن یکی از خیرین برجسته ی اصفهان به نام علی همدانیان در سال ۱۳۴۲ شمسی ایجاد گردید. وی و برادرش حسین همدانیان از تجار بزرگ اصفهان بودند که با ایجاد کارخانجات صنعتی در اصفهان در استحکام پایه های صنعت کشور نقش مهمی ایفاء کرده اند. تمامی ثروت خاندان همدانیان در قالب مؤسسه خیریه علی و حسین همدانیان وقف دستگیری از مستمندان می شود. این سنت حسنه هم اکنون نیز انجام می گیرد.

موقعیت جغرافیایی تکیه

در قسمت غربی تکیه ی بابا رکن الدین قرار گرفته و راه دسترسی به آن از خیابان سعادت آباد از کنار تکیه ی بابا رکن الدین صورت می گیرد.

بزرگان مدفون در تکیه

- ۱- علی همدانیان: فرزند حاج محمدرضا. متوفی ۱۳۴۲ ش. از بنیانگذاران صنایع نساجی و سیمان و خیرین اصفهان.
- ۲- حسین همدانیان: فرزند حاج محمدرضا. متوفی ۱۳۵۷ ش. یار و همفکر برادر و بنیانگذار مؤسسه ی خیریه ی همدانیان که تمام ثروت این خانواده را وقف امور خیریه نمود.
- ۳- سید علی نوربخش: فرزند سید محمود نوربخش. متوفی ۱۴۰۱ ق. عالم فاضل جلیل القدر.

اشاره

تکیه ی خانوادگی صدرهاشمی از تکیه های کوچک تخت فولاد است که چند تن از بزرگان خاندان صدرالعلما در آن به خاک سپرده شده اند. این تکیه در ضلع جنوب غربی تکیه ی خوانساری قرار دارد.

بزرگان مدفون در تکیه

۱ - سید محمد صدرهاشمی: فرزند سید مهدی بن میر سید عبدالوهاب صدرالعلماء. متوفی ۱۳۸۴ ق. ادیب فاضل، مورخ و روزنامه نگار. از جمله آثار وی: الف) تاریخ جراید و مجلات ایران در چهار جلد ب) ترجمه تاریخ تمدن اسلامی - جرجی زیدان ج) شعر و شاعری در عصر صفوی و آثار متعدد دیگر است.

وی به دو سبب در تاریخ علمی اصفهان و بلکه ایران مشهور شده است: اول نگارش مقالات مفید و محققانه ای در باب حوادث و ابنیه اصفهان که اغلب مقالاتش در مجله نفیس یادگار و یغما درج

شده است و دیگر آنکه کتابی ارزشمند به نام تاریخ جراید و مجلات ایران نوشت که در چهار جلد در اصفهان به چاپ رسید. این کتاب از مراجع معتبر در معرفی جراید و مجلات فارسی است.

بعد از وفات او کتابخانه نفیس و ارزشمند وی به دانشگاه اصفهان اهداء شد.



۲ - سید محمدهادی صدرالعلماء: فرزند سید عبدالوهاب صدرالعلماء. متوفی ۱۳۶۱ ق. از علمای منتفذ اصفهان که پس از فوت پدر لقب صدرالعلمایی یافت. (۱)

ص: ۲۸۲

اشاره

از تکایای نواحداث تخت فولاد به شمار می رود که توسط میر محمد مهدی سلطان العلمایی (متوفی ۱۳۹۵ ق) خریداری و احداث شده بود. وی آخرین امام جمعه ی اصفهان در خاندان امام جمعه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بود، که وصیت کرد پس از فوت، جنازه ی او را در این تکیه به خاک سپارند، اما چون فوت وی مقارن با ورود یکی از مقامات سیاسی رژیم پهلوی به اصفهان شد، از بیم ازدحام مردم، شهربانی از دفن وی در این تکیه جلوگیری کردند و او را در بقعه ی علامه مجلسی دفن کردند.

موقعیت جغرافیایی تکیه

این تکیه در مجاورت کوچه ی تکیه ی میر قرار گرفته و به آسانی قابل دسترسی است.

از شرق به کلانتری شانزده، از غرب به تکیه سیدالعراقین، و از جنوب با تکیه ی حاج باقر دردشتی (خلیلیان) مجاور است.

بزرگان مدفون در این تکیه

۱ - شیخ ابوالقاسم اشراقی قمشه ای: متوفی ۱۳۸۹ ق. فاضل ادیب واعظ ارجمند، که علاوه بر تدریس در آموزش و پرورش، به ارشاد و هدایت مردم نیز می پرداخت. (۱)

۲ - میرزا آقا فرد اصفهانی: فرزند مرحوم صادق، متوفی ۱۳۴۷ ش. ادیب و خوشنویس اصفهانی. (۲)

ص: ۲۸۳

۱- ۴۶۲. مهدوی: سیری در تخت فولاد، صص ۶۷ و ۶۸.

۲- ۴۶۳. همان مأخذ، ص ۲۲۹.

اشاره

یادی از احساس آن استاد کن

خفته در این خاک، روحش شاد کن

«شفیق»

معرفی تکیه

از تکیه های جدید تخت فولاد است که در دوره ی معاصر به وجود آمده است. در قسمتی از تکیه مسجدی توسط مرحوم معارفی ساخته و در اطاق های تکیه افرادی به خاک سپرده شده اند.

در وسط تکیه ی مرحوم معارفی معمار اداره ی باستانشناسی اصفهان متوفی ۱۳۵۴ شمسی به خاک سپرده شده است. تکیه ی معارفی از لحاظ وسعت از تکیه های کوچک تخت فولاد به شمار می رود.

موقعیت جغرافیایی

در ضلع جنوبی تکیه ی زنجانی و شرق تکیه ی آقا سید محمد لطیف خواجویی قرار دارد.

مشاهیر مدفون در تکیه

۱ - استاد حسین معارفی: فرزند مرحوم غلامعلی. متوفی ۱۳۹۵ هجری قمری از اساتید ماهر و خلاق اصفهانی که احیای بسیاری از بناهای تاریخی مانند منارجنبان، سردر مسجد امام، مدرسه ی مریم بیگم، مسجد جامع اصفهان، مدیون تلاش های خستگی ناپذیر اوست. عشق و علاقه ی بی حد او به آثار تاریخی و میراث فرهنگی کشور به اندازه ای بود که برای تعمیر برخی بناهای تاریخی منزل مسکونی خود را فروخت. (۱)

۲ - حاج میرزا حسن معین زاده: فرزند حاج عباس علی معین الواعظین (مدفون در تکیه سیدالعراقین) متوفی ۱۳۹۹ ق. عالم فاضل. عمر خود را به تدریس، وعظ و تألیف گذراند.

ص: ۲۸۴

۱- ۴۶۴. سجادی نائینی، سید مهدی: استاد حسین معارفی فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره نوزدهم، بهار ۱۳۸۰، صص ۹۶ -

۳- شیخ داود مصاحبی: فرزند ملا علی اکبر مصاحبی. متوفی ۱۴۰۱. وی عالمی متواضع و پرهیزگار، عاشق اهل بیت علیهم السلام به خصوص حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه شریف) بود از آثار او «تنقیح در مسئله ی تلقیح» می باشد. وی در مدرسه محمدعلی ثقهالاسلام حجره داشت و در این حجره که عموماً روزها در آن به مطالعه و تدریس مشغول بود، شمشیری داشت و آن را بدان امید نگاه داشته بود که در هنگام ظهر حضرت بقیهالله الاعظم (روحی و ارواح العالمین له الفداء) به وسیله آن شمشیر با دشمنان خدا بجنگد. (۱)

۲۹- آرامگاه هاشمی طالخونچه

اشاره

در سمت شمال تکیه ی بابا رکن الدین در قبرستان عمومی مدفن یکی از علمای معاصر به نام سید علی اکبر هاشمی طالخونچه ای قرار دارد که به جهت دفن این عالم به قبرستان هاشمی طالخونچه نیز معروف است.

موقعیت جغرافیایی

در ضلع جنوب شرقی مجموعه فرهنگی باغ طوبی و شمال تکیه ی بابا رکن الدین این قبرستان قرار گرفته است.

بزرگان مدفون در این قسمت

۱- سید علی اکبر هاشمی طالخونچه: فرزند سید محمدحسن موسوی متوفی ۱۳۸۸ هجری قمری، از علمای گرانقدر که به زهد و پارسایی معروف بود و خط نستعلیق را زیبا می نوشت. وی امامت جماعت مسجد سلمان در خیابان صارمیه (جهاد) را بر عهده داشت. (۲) از جمله نکات برجسته ای که در مورد حالات و خصوصیات ایشان نقل شده است این حکایت می باشد که در تمام دوره رضاشاه پهلوی با وجود آنکه بر اساس قانون لباس متحدالشکل اجازه نمی دادند روحانیان با لباس روحانیت بیرون بیایند، این عالم بزرگوار بدون توجه به این محدودیت های رژیم، همیشه با

ص: ۲۸۵

۱- ۴۶۵. مهدوی: سیری در تخت فولاد اصفهان، صص ۱۹۸ و ۱۹۹.

۲- ۴۶۶. مهدوی: بزرگان و دانشمندان اصفهان، ص ۴۴۰.

لباس روحانیت بیرون می آمد. مادرشان نگران بودند که پلیس و نیروهای امنیتی رژیم پهلوی در خیابان عمامه از سر ایشان بردارند. آیت الله هاشمی به مادرشان می فرمود: من تا به حال به عمامه ام خیانت نکرده ام تا حالا کسی بخواهد عمامه ام را از سرم بردارد و با این سخن تصمیم جدی خود را در ماندن در لباس روحانیت بیان داشتند. (۱)



ردیف نشسته نفر سوم: سید علی اکبر هاشمی طالخونچه

۲ - شیخ محمدرضا بیان الحق: فرزند شیخ زین العابدین واعظ، متوفی ۱۳۹۰ ه. ق. از وعظ معتبر قرن چهاردهم.

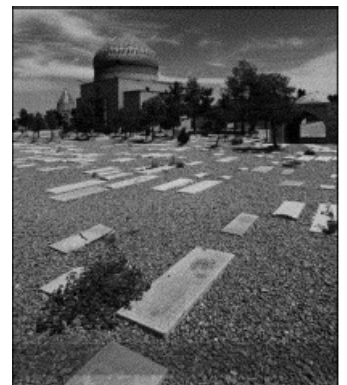
ص: ۲۸۶

۱- ۴۶۷. ناگفته های عارفان، ص ۱۳۸.

اشاره

از بناها و تکایای تازه احداث شده تخت فولاد است. که گنبد بزرگ آن به سبک معماری گنبد مساجد قدیم توسط فرزندان شیخ مرتضی نجفی متوفی ۱۳۸۶ ق. و مشهور به «حجت نجفی» بنا گردیده است.

دورنمای گنبد بزرگ و ایوان باز جلوی آن با کاشی های هفت رنگ دلنواز هر بیننده را به سمت خود جلب می کند. علت دفن این عالم جلیل در این محل مجاورت با مدفن بزرگ این خاندان (شیخ محمّد تقی رازی) و پدر بزرگوارش شیخ جمال الدین نجفی است. فرزندان او برای بزرگداشت یاد پدر این بنا را بر مزار وی بنا نموده اند.



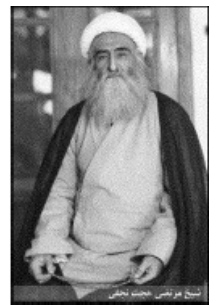
بقعه تکیه حجت نجفی

این تکیه از جنوب به تکیه ی شیخ محمدتقی رازی (مادر شاهزاده)، از شمال به مدرسه ی شهید ردّانی پور، از مشرق به خیابان سعادت آباد محدود می شود.

عالم مدفون در این تکیه

شیخ مرتضی حجت نجفی: فرزند آیت الله شیخ جمال الدین نجفی، و داماد شیخ محمدتقی نجف (آقا نجفی)، متوفی ۱۳۸۶ ق. ملقب به «عمادالاسلام» عالم فاضل، محبوب و خوش اخلاق که مورد علاقه و احترام مردم بود. نزد علمای بزرگ اصفهان از جمله حاج آقا منیرالدین بروجردی،

حاج میر محمدصادق خاتون آبادی، حاج آقا نورالله نجفی و پدر بزرگوار خویش شیخ جمال الدین نجفی کسب علم نمود. وی در تمام طول عمر مردم را با اخلاق فاضله و سخنان دلشینش موعظه می نمود. مردم از هر طبقه و گروهی به او و سخناش علاقه داشتند. (۱)



ص: ۲۸۸

تاز تو یاد آورند، آیندگان

یاد کن از رفتگان این جهان

«شفیق»

آقا سید محمود کلشادی فرزند سید محمدحسین بن حاج میرزا محمدصادق حسینی (متوفی ۱۳۲۴ ه. ق.)، عالم جلیل و ادیب بزرگوار بود که بسیاری از علمای بزرگ اصفهان چون: حاج آقارحیم ارباب، حاج میر سید حسن چهارسوقی، آقا سید حسن مدرس اسفه ای، میرزا محمدحسین روضاتی، حاج میرزا احمد عمادالواعظین، شیخ محمدرضا حسام الواعظین و میرزا حبیب الله روضاتی از مباحث و درس مکتب او بهره ی وافر برده اند.

از وی نزدیک به ده اثر در موضوعات ادبی و اخلاقی و عبادی به جای مانده است. که از این میان می توان به: الف) جُنک: مجموعه ای از مطالب متنوع از نظم، نثر، تفسیر و حدیث در چهار مجلد بزرگ می باشد ب) ناصریه منظومه در نحو ج) مختصر غرر و دُرر سید مرتضی د) مختصر اکسیر السعادات تألیف مرحوم آخوند ملا آقا دربندی اشاره نمود.

وی از مدرّسین نامدار ادبیات در مدرسه ی شاهزاده ها بود که به سبب تخصّص در تدریس کتاب «مغنی اللیب» به سید محمود مغنی گو شهرت یافته است. (۱)

از این عالم بزرگوار نقل است که: «برای روضه خوانی عازم تهران شدم. به قم که رسیدم خبر دادند که در مسیر، شیر درنده ای به حیوانات و آدمیان حمله ور شده و تاکنون گروهی را کشته است. من علیرغم این موضوع به راه افتادم. در مسیر به طرف تهران که می رفتم پروانه ای را دیدم و نظر به این که پروانه در جلوی شیر حرکت می کند، فهمیدم که به شیر رسیده ام. شیری بسیار قوی و تنومند و ترسناک از دور نمایان شد و به طرف من می آمد. من که متحیر شده بودم، متوسل به پروردگار و ائمه اطهار علیهم السلام شدم و همین که شیر به نزدیکی من رسید، با صدای هرچه بلند یک «یاعلی» گفتم. شیر تکانی خورد و به آرامی تمام مجدداً به سوی من آمد. نزدیک من که رسید، دو مرتبه با صدای بسیار

ص: ۲۸۹

۱- ۴۶۹. جهت اطلاع بیشتر ر. ک: کرباسی زاده، علی: نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرّس اصفهانی، ص ۱۱۳؛ و نصرالهی: جزوه تخت فولاد سرزمین جاویدان، (تکیه سید محمود مغنی گو).

بلندی نعره کشیدم «یا علی». شیر سرش را زیر انداخت و من دست به یال او می کشیدم و ملهم شدم که روضه بخوانم و به زبانم این جملات جاری شد که: «لیت کم فی یوم عاشورا جمیعاً تنظرونی» که ناگاه شیر با صدای عجیب شروع به گریه کردن نمود و اشک از چشمانش جاری بود و تا زمانی که اشعار مصیبت را تمام

کردم، او گریه می کرد. پس از اتمام روضه، راه خود را ادامه داد و رفت؛ و من نیز راه خود را در پیش گرفتم و هر چند لحظه به آرامی پشت سر خود را نگاه می کردم که مبادا شیر برگردد تا این که بالاخره به تهران رسیدم. هنگامی که مردم ماجرا را از من شنیدند، لباسهایم را به عنوان نظر کرده بردند و به هنگام بازگشت با لباسهای فاخر و وجوه زیاد به اصفهان مراجعت نمودم». (۱)

موقعیت آرامگاه

یک فضای مثلث شکل است که جنوب و شرق آن به کوچه شهید مهدی شاطر گلی و از غرب و شمال به خانه های مسکونی محدود می شود.

ص: ۲۹۰

اشاره

از خدا خواهیم توفیق عطاء

تا بیفزاید بتوفیق عطاء(۱)

از تکیه های خصوصی در شمالی ترین قسمت تخت فولاد که به شکل باغ مشجری بود که در آن چند قبر از خاندان عطاءالملک قرار داشت. در سال ۱۳۷۴ هجری شمسی توسط شهرداری اصفهان را مورد مرمت و بازسازی قرار داد و مجموعه تاریخی، فرهنگی، مذهبی تخت فولاد در آن ایجاد شد. و به منظور تجلیل از مقام عطاءالملک آرامگاهی شامل یک گنبد بزرگ و چند گنبد عرقچینی بر روی ستون های ساخته شده از بتون و سیمان ایجاد گردید. این تکیه را می توان جدا از قبرستان تخت فولاد و آخرین تکیه در محدوده ی آن به شمار آورد.

موقعیت جغرافیایی تکیه

در خیابان مصلی، در چهار راه دهش این تکیه قرار گرفته است. دفتر مجموعه تاریخی، فرهنگی - مذهبی تخت فولاد در این تکیه واقع شده است.

بزرگ مدفون در این تکیه

فضل الله دهش: متوفی ۱۳۳۸ هجری شمسی. فرزند حاج محمدحسین شیرازی معروف به «عطاءالملک» از مردمان نیکوکار و خدمتگزار شهر اصفهان و از پیشگامان صنعتی شدن شهر اصفهان. وی برای نخستین بار در اصفهان اقدام به تأسیس کارخانه ی برق نمود. او را بنیانگذار صنعت برق اصفهان می دانند. عطاءالملک پس از پایان جنگ جهانی دوم با خرید ماشین آلات نساجی اقدام به تأسیس کارخانجات نساجی وطن می نماید و اولین کارخانه ی نساجی مدرن در آن

زمان در اصفهان ایجاد می شود. به طور کلی مردی فعال و خدمتگزار مردم بود. علاوه بر او پنج نفر از خانواده ی دهش نیز در این تکیه مدفون می باشند.(۲)

ص: ۲۹۱

۱- ۴۷۱. در بایگانی مجموعه ی تاریخی، فرهنگی - مذهبی تخت فولاد شرح حال کامل ایشان با اشعاری که در تجلیل از وی سروده شده، موجود است.

۲- ۴۷۲. همان مأخذ

این تکیه از تکیه های خصوصی تخت فولاد است که به حاج میرزا کریم صیرفیان پور (متوفی ۱۳۴۹ ق.) از تجار معتبر و نیکوکار اصفهان تعلق دارد. بنای تکیه از بقعه ای با گنبدی همانند کلاه صفوی، بر روی چهار ستون از بتون و آهن می باشد. قدمت محدوده ی این قسمت از تخت فولاد به دوره ی صفویه می رسد. به جهت وجود قبر یکی از شاگردان برجسته علامه مجلسی در این قسمت به نام عالم فاضل «مولی محمد لاجین» می توان تاریخ این تکیه را به آن دوره منتسب نمود. در ضلع جنوبی این بقعه، یک بنای آرامگاهی شبیه به آرامگاه حافظ وجود دارد که در زیر آن رضا محتشمی (متوفی ۱۳۵۰ هجری شمسی) مدیر هتل کوثر در دوران پیش از انقلاب اسلامی مدفون است. بنای آرامگاهی وی عبارت از سکویی برجسته با هشت ستون سنگی که یک گنبد با مصالح جدید ساختمانی بر روی آن قرار گرفته است.



باغ طوبی (تکیه صیرفیان)

در ضلع شرقی بقعه صیرفیان آرامگاه حاج محمد شیخ زاده ی هراتی (متوفی ۱۳۸۸ ه. ق) وجود دارد. وی مؤسس مدرسه ی هراتی از نخستین مدارس جدید شهر اصفهان بود. در کنار این آرامگاه محل دفن خانوادگی مرحوم حاج محمدباقر ملک و سمسارزاده است.

جنوب آرامگاه خانوادگی ملک، آرامگاه استاد قاسم دشتی زاده رحمت آبادی یزدی قرار دارد. بقعه ای با پلان شش ضلعی که بنای آرامگاهی ساده ای بر آن ایجاد شده است.

این تکیه به همت مجموعه تاریخی فرهنگی، مذهبی تخت فولاد اکنون به یک تفرجگاه دینی تبدیل و به نام مجموعه فرهنگی «باغ طوبی» نام گذاری گردیده و کتابخانه تخصصی و امور فرهنگی تخت فولاد در آن قرار گرفته است.

مدفونین در این تکیه

مولی محمد فرزند مولی لاچین: متوفی ۱۱۲۳ ه. ق. عالم فاضل. از شاگردان علامه مجلسی و از معاصرین میرزا عبداللّه افندی. (۱) از مدرّسان حوزه ی اصفهان و پدرش امام جماعت مسجد جامع عباسی (مسجد امام فعلی) بود. وی نزد علامه مجلسی کتاب «کافی» را قرائت کرد. این عالم اهتمام شدیدی به تصحیح و نسخه برداری کتب دانشمندان داشت. از آثار باقی مانده وی نسخه ای از کتاب حقایق الایمان شهید اول است که آن را در سال ۱۰۱۶ ه. ق. به پایان برده و اکنون در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی به شماره ۵۸۴۲ موجود است. (۲)



ص: ۲۹۳

۱- ۴۷۳. افندی، میرزا عبداللّه: ریاض العلماء، ج ۴، صص ۴۱۵ و ۴۱۶

۲- ۴۷۴. حسینی، سید احمد: تلامذه العلامة المجلسی، ص ۶۸.

بخش سوم: گلستان شهداء

اشاره

ص: ۲۹۵

اشاره

گلستان شهدا از تکایای جدید تخت فولاد از چندین تکیه ی کهن تشکیل شده است و قدمت آنها به دوران پیش از انقلاب اسلامی می رسد. در این جا به صورت مختصر به معرفی آنها می پردازیم.

۱) تکیه ی لسان الارض

اشاره

با لسان الارض آن شو همزبان

تا بگوید با تو اسرار نهران

«شفیق»

این تکیه در شمال گلستان شهدای امروزی قرار گرفته است و می توان آن را کهن ترین مزار تخت فولاد دانست. کتب تاریخی قرن پنجم هجری مانند «ذکر اخبار اصفهان از حافظ ابونعیم» از این قسمت تخت فولاد نام برده اند. از دوره ی حکومت آل بویه در اصفهان (قرن چهارم هجری) دیواری در قبرستان لسان الارض وجود داشت که در چند دهه ی اخیر از بین رفته است. قبر منسوب به یوشع النبی (علیه السلام) و مسجد لسان الارض و نیز آب انباری کهن با گنبدی در غرب مسجد لسان الارض وجود دارد. این آب انبار هم اکنون به زورخانه ی گلستان شهدا تبدیل شده است. علاوه بر این در منابع به بقعه ی سکاکی که گنبدی دوازده ترک به شکل بقعه ی بابا رکن الدین در این محدوده اشاره شده که امروزه اثری از آن بقعه وجود ندارد. (۱)

برخی از بزرگان مدفون در این تکیه

۱ - یوشع نبی: مشهورترین و قدیمی ترین مقبره شناخته شده تخت فولاد است که از زندگی و احوال او اطلاعی در دست نیست. در کتاب ذکر اخبار اصفهان، حافظ ابونعیم اصفهانی در قرن پنجم هجری از این مقبره نام برده شده است.

ص: ۲۹۷



مقبره منسوب به یوشع نبی

۲ - حاج میرزا ابراهیم نواب: فرزند آقا میرزا محمدباقر نواب لاهیجی. متوفی ۱۳۶۱ ق. عالم جلیل و بزرگوار که امام جماعت مسجد ذوالفقار بود.

۳ - سید عبدالباقی طیب: فرزند میرزا محمد رحیم حکیم باشی. متوفی ۱۱۷۱ ق. از اطبا و شعرای اصفهان وی مدتی طیب نادر شاه و از پیشگامان سبک شعری بازگشت ادبی بود. این غزل مشهور از اوست:

غمت در نهانخانه ی دل نشیند

به نازی که لیلی به محمل نشیند

بدنبال محمل چنان زار گریم

که از گریه ام ناچه در گل نشیند(۱)

ماده تاریخ وفات وی که بر سنگ قبرش حک شده چنین است: «بزم جنت منزل آن زبده ی سادات باد».

ص: ۲۹۸

۱- ۴۷۶. صدرهاشمی، محمد: مقاله عبدالباقی طیب، مجله یغما، شماره دوم، ص ۳۱۵ و ۳۱۶.

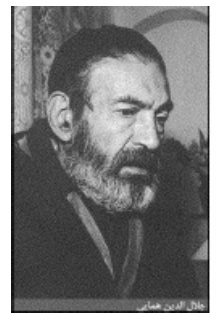
۴ - جلال الدین همایی: او فرزند میرزا ابوالقاسم محمد نصیر، متوفی ۱۴۰۰ ق. متخلص به «طرب» (از شعرای بزرگ روزگار خویش بود). دانشمند برجسته و ادیب شاعر. وی نزد پدر و استادان بزرگ حوزه ی اصفهان همچون سید محمدباقر درچه ای، ملا عبدالکریم گزی، حاج آقا رحیم ارباب و علمای دیگر کسب علم نمود. ایشان اجازه ی روایتی از آیت الله آقا شیخ مرتضی آشتیانی، شیخ محمدحسین فشارکی و اجازه ی اجتهادی از آخوند فشارکی و آقا سید محمد نجف آبادی و مرحوم سیدالعراقین داشت. (۱) در دبیرستان ها و دانشگاه به تدریس پرداخت و در سراسر زندگی جز به تدریس و تألیف پرداخت. پست و مناصبی که از سوی دستگاه حاکمه پیشنهاد می شد با صراحت کامل رد می کرد. این صراحت لهجه در دوری از دستگاه حکومتی پهلوی را از محضر اساتیدی چون آیت الله العظمی درچه ای و حاج میرزا علی آقا شیرازی کسب نموده بود. زمانی از وی خواستند ریاست دانشگاه تبریز یا شیراز را بپذیرد ضمن رد این پیشنهاد شعر طنزآمیز و گزنده ای نوشت و در آن ضمن انتقاد از دستگاه حاکمه، سیاست حاکم بر دانشگاهها را به باد تمسخر گرفت. (۲) وی کتاب های بسیاری به رشته ی تحریر آورد که از آن جمله می توان به الف) تاریخ ادبیات فارسی در پنج مجلد ب) تاریخ اصفهان در ده مجلد که دو جلد آن به چاپ رسیده است ج) دو رساله در فلسفه ی اسلامی د) غزالی نامه ه) دیوان اشعار، و) مولوی نامه ز) فنون بلاغت ح) صناعات ادبی اشاره نمود. از اشعار او که در روزهای آخر حیاتش می سرود:

پایان شب سخن سرایی

می گفت ز سوز دل «همایی»

فریاد کزین رباط کهگیل

جان می کنم و نمی کنم دل....



ص: ۲۹۹

۱- ۴۷۷. همایی: تاریخ اصفهان (مجلد هنر و هنرمندان)، مقدمه کتاب، صفحه سی و یک.

۲- ۴۷۸. گلی زواره ای: ناصح صالح، ص ۲۶۸.

بر سنگ مزارش این دو بیت از اشعار خود او حک شده است:

یارب به در تو آمدم شرمنده

از بار گناه سر بزیر افکنده

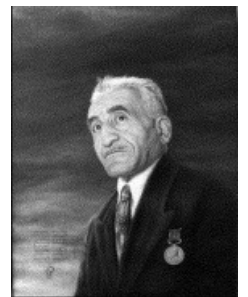
من بنده ی عاصیم تو مولای کریم

عفو از تو روا بود گناه از بنده (۱)

۵ - حاج آقامیرزا هاشمی: فرزند سید محمدتقی از اعقاب میرلوحی سبزواری. متوفی ۱۴۰۷ ق. عالم بزرگوار که پس از فوت در کنار دو پسر شهید خویش حسن و حسین هاشمی به خاک سپرده شد.

۶ - حاج سید محمد بهشتی نژاد: متوفی ۱۴۰۹ ق. عالمی مهربان. امام جماعت خوش اخلاق مسجد بهشتی در خیابان آیهاالله کاشانی بود. وی در فعالیت های اجتماعی خیریه مردم و انقلاب اسلامی نقش مؤثری داشت.

۷ - حاج محمدحسین مصورالملکی: فرزند محمدحسن نقاش (از قلمدان سازهای معروف و چیره دست). متوفی ۱۳۹۸ ق. هنرمند معروف و نقاش مینیاتورست. آثار هنری به جای مانده از او از شهرت بی نظیر برخوردار است. تابلوی تخت جمشید، تابلوی مسجد خیالی، تابلوی جنگ جهانی دوم وی از شهرت جهانی برخوردارند. (۲)

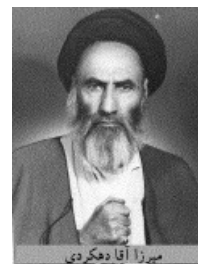


ص: ۳۰۰

۱- ۴۷۹. جهت اطلاع از شرح حال و آثار وی، ر. ک: نصری، عبدالله: پایان شب سخن سرایی.

۲- ۴۸۰. یوسفی، محسن: زندگی و آثار حاج مصورالملکی، مجله فرهنگ اصفهان، شماره چهاردهم، زمستان ۷۸، صص ۱۰۷ - ۱۰۰.

۸ - میرزا آقا دهکردی: متوفی ۱۴۰۰ ق. عالم و فقیه پارسا. وی پسر برادر و داماد آیت الله آقا سید ابوالقاسم دهکردی بود.



۹ - سید اسدالله صدرهاشمی: فرزند سید حسین. متوفی ۱۳۹۹ ق. از علما و مدرسین بزرگ کربلا که به مقام اجتهاد نایل آمده و سال ها به تدریس می پرداخت. وی صاحب آثار ارزشمندی است. مزار وی جنب مزار شهید شمس آبادی می باشد. (۱)

(۲) تکیه ی ملک

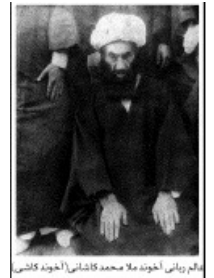
اشاره

مرحوم حاج محمدابراهیم ملک التجار اصفهانی، پس از وفات مرحوم آخوند ملا محمد کاشانی و دفن وی در لسان الارض به جهت احترام و ارادتی که به این عالم داشت، تکیه ای را برای وی بنا نهاد و کاروانسرای بزرگ ابتدای دروازه ی تخت فولاد را بر آن وقف نمود. به سبب وصیت ملا محمد کاشانی بنا و آرامگاهی برای وی نساخت. بعد از دفن این عالم، این تکیه مورد توجه علما و بزرگان قرار گرفت و عدّه ای از بزرگان و علماء در آن دفن شدند. مکان این تکیه در مرکز گلستان شهدا و همان سالن برگزاری مراسم شهداء و دعا است.

ص: ۳۰۱

۱ - آخوند ملا محمد کاشانی: متوفی ۱۳۳۳ ق. حکیم و عارف بزرگ عصر قاجار. وی در حکمت و فلسفه، فقه و اصول، ادبیات و ریاضی استاد مسلم بود. جمع بسیاری از علمای ایران از وی کسب علم نمودند. از جمله شاگردان او حاج آقا رحیم ارباب، شیخ محمد حکیم خراسانی، شهید بزرگوار سید حسن مدرس، حاج میرزا علی آقا شیرازی را می توان نام برد. وی در زهد و عبادت نیز بی نظیر بود. برای این عارف گرانقدر حالات غریب و مکاشفاتی نقل شده که همگی دلالت بر عظمت روحی آن بزرگوار می کند. چنانچه گویند در نماز صبح در سوره ی حمد عبارت «ایاک نعبد و ایاک نستعین» را گاه بیش از صد بار به حالت خضوع عاشقانه و عارفانه تکرار می کرد و آنقدر این را مکرر می گفت که به حالت بیهوشی نقش بر زمین می شد و هنگامی که به هوش می آمد، برمی خواست و دو رکعت نماز معمولی و ساده می خواند. (۱) از بزرگانی چون حاج آقا رحیم ارباب در احوال آخوند ملا محمد کاشانی نقل است: «هر نیم شب نمازی چنان با سوز و گداز می خواند و بدنش به لرزه می افتاد که از بیرون حجره صدای حرکت استخوان هایش احساس می شد.»

و باز از ایشان نقل است که «شبی مشغول تهیه غذا بودم، بادمجان ها را با روغن در تابه نهادم، آخوند به نماز ایستاد حالی پیدا کرده بود و نمازی خواند که گفتم تمام درختان مدرسه صدر با او همنا شده می خواندند: «سَبَّوحٌ قَدَّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ» و چنان غرق در عوالم خود بود که گویا در زمین نبود، و من مات و مبهوت آن صحنه ی ملکوتی بودم. ناگاه به خود آمد و من هم به خود آمدم



ص: ۳۰۲

در حالی که دودی غلیظ تمام حجره را گرفته بود و در آن عالم حیرت بادمجان‌ها هم سوخته و ذغال شده بود آخوند بدون اینکه چیزی به روی خود بیاورد فرمود: آقا رحیم بادمجان‌ها سوخت؟ طوری نیست امشب هم (حاضری) خودمان را می‌خوریم. (۱)

وی به دلیل صفای باطن و طهارت روح که از طریق عبادت، تقوا و اخلاص به دست آورده بود حالاتی را از خویشتن بروز می‌داد که برخی این خلق و خوی را حمل بر تندخویی او می‌نمودند. حال آنکه او باطن آدمیان را مشاهده می‌کرد و با دیدن بدن برزخی افراد و اوضاعی که بر اثر گناه و خطا به وجود آورده بودند عصبانی می‌شد. (۲)

گویند آخوند افراد را به صورت‌های برزخی‌شان مشاهده می‌کرد و از این رو به هنگام عبور از بازار عبا‌ی خود را بر سر می‌انداخت و از میان آدم‌نمایی که در اثر وجود صفات رذیله، صورت آدمی آنان مسخ شده بود به سرعت عبور می‌کرد.

شاگردانش چنان مجذوب نفس قدسی او بودند که گاه بر بام مدرسه می‌رفتند و به دربی که استادشان از آن داخل می‌شد می‌نگریستند. میرزای ارسطو [یکی از شاگردانش] تا آخوند نمی‌آمد به همان حال روی بام باقی می‌ماند، وی پس از ارتحال مرحوم کاشی به عزم شیراز، اصفهان را ترک نمود ولی این مفارقت را تحمل نکرد و در مسیر راه درگذشت. (۳)

برای این حکیم ربانی بیش از صد شاگرد ذکر کرده‌اند که همگی از علمای بزرگ روزگام خویش بودند. (۴) سخنان وی در شاگردانش چنان مؤثر بود که اکثر آنان را از تعلقات دنیوی دور و متوجه آخرت می‌نمود. چنانکه اکثر آنان را متمایل به شب‌زنده‌داری و تهجد می‌نمود. (۵) نقل است یکی از ارادتمندانش از آن مرحوم تقاضای پند و نصیحتی نمود. مرحوم آخوند کاشی فرمود: «اخلاق خود را تهذیب کن و خود را از اخلاق رذیله پاک و متخلّق به اخلاق حمیده نما، ولی بدان که به سعی و کوشش خود و تحصیلات صوری و مطالعه کتب اخلاقی این امر حاصل نمی‌شود، بلکه باید با استمداد از حضرت باریتعالی در صدد جستجوی طیب روحانی و عالم ربّانی بوده باشی، تا تو را

ص: ۳۰۳

۱- ۴۸۳. کتابی، محمدباقر: رجال اصفهان، صص ۴۰۶ - ۳۹۹.

۲- ۴۸۴. در این مورد حکایات فراوانی از وی نقل شده است.

۳- ۴۸۵. گلی زواره‌ای: ناصح صالح، ص ۷۸.

۴- ۴۸۶. صدوقی سها، منوچهر: تاریخ حکما و عرفای متأخر، صص ۴۲۴ - ۴۱۴.

۵- ۴۸۷. نجفی قوچانی: سیاحت شرق، ص ۱۶۱ و ۱۸۸.

اصلاح نماید و الا هرچه سعی و جدیت کنی بی ثمر خواهد بود» (۱) در هنگام فوت وصیت کرد که بر سنگ مزارش عبارت «فقیرالحق، اضعف خلق الله» آخوند ملا محمد کاشانی را بدون هیچ گونه القابی حک کنند (۲).

۲ - شیخ اسدالله حکیم قمشه ای: فرزند مشهدی جعفر. متوفی ۱۳۳۴ ق. متخلص به «دیوانه» از حکما، علما و شعرای بزرگ اصفهان بود. وی با وجود فراهم نبودن اسباب علم و تحصیل و اشتغال به زراعت، علوم منطق و ادب عربی را به حد کمال فرا گرفت. در علوم و حکمت الهی به طریقه ی اشراق و مشاء بخوبی آگاه بود و در اصفهان به تدریس حکمت و کلام می پرداخت. همچنین انواع علوم ریاضی را به سبک قدیم و جدید تدریس می کرد. لغت فرانسه را بدون مراجعه به استاد به قدر کفایت می دانست و خط شکسته را به خوبی می نوشت. ولی افسوس که در سن جوانی در سی و شش سالگی درگذشت (۳). وی از شاگردان آخوند کاشی بود (۴).

حکیم دارای طبع عاشقانه و اشعار وی بیشتر غزل های عارفانه با مضامین عمیق روحانی بود، از اشعار اوست:

خوشر ز روزگار جنون روزگار نیست

نیکوتر از دیار محبت دیار نیست

آن سر که نیست در ره پاکان عشق، خاک

شایسته ی نشیمن دامان یار نیست

منصور نیست هر که چو منصور پای دار

اندر گذشتن از سر و جان پایدار نیست

سود و زیان عشق به حکم ضرورت است

ما را در این معامله هیچ اختیار نیست

رو دل به عشق ده که به ویرانگی کشد

شهری که در قلمرو این شهریار نیست

آماجگاه تیر هلاک ار شود رواست

آن سینه کوز ناوک عشقی فکار نیست

عاقل اگرچه از جوی بگذرد

اَمَّا مَسْلَمٌ اسْتِ كِه دِيَوَانِه وَا ر نِيَسْت (٥)

٣ - شِيخ مَحْمَد حَكِيم خِرَاسَانِي: مَتَوَفَى ١٣٥٥ ق. عَالَم فَاضِل، حَكِيم مَحَقِّق. اَز عِلْمَاي بَزْرگ

ص: ٣٠٤

١- ٤٨٨. نَابِغِه عِلْم و عِرْفَان، ص ٥٣٠.

٢- ٤٨٩. مَهْدَوِي: رَجَال اَصْفَهَان، ص ٤٨.

٣- ٤٩٠. هِمَان، ص ٤٢١ و ٤٢٢.

٤- ٤٩١. دَر مَوْرِد اِرْتِبَاط حَكِيم قَمِشِه اِي بَا آخُونْد كَاشِي دَاسْتَان نَمَاز شَب آخُونْد كَاشِي كِه حَكِيم قَمِشِه اِي كِرَامَت آخُونْد

كَاشِي رَا بِه چِشْم مِي بِيْنْد رَجُوع كَنِيد بِه: مِيرْخَلْف زَادِه، عَلِي: دَاسْتَان هَايِي اَز مَرْدَان خَدَا، ص ١٣٤.

٥- ٤٩٢. كِتَابِي: ص ٤٠٨.

اصفهان و از مدرّسین حکمت بود. از شاگردان برجسته جهانگیرخان و آخوند کاشی بود. به مانند استادانش در مدرسه ی صدر تا آخر عمر مجرّد زیست. در مدرسه ی صدر به تدریس فلسفه ملاصدرا می پرداخت و حوزه ی درسش بعد از حوزه ی درس حکیم جهانگیرخان و آخوند کاشی، معروف ترین حوزه های درس فلسفه شمرده می شد. پس از فوت نیز در کنار استادش آخوند کاشی دفن شد. وی مردی زاهد و به تعلّقات دنیوی کاملاً بی اعتنا بود. نقل است در زمان رضاخان در سال ۱۳۱۲ ش. وقتی داور وزیر عدلیه، وزارت دادگستری را تأسیس کرد ریاست قضاوت وزارت دادگستری را برای حکیم خراسانی صادر و حقوق ایشان را نیز هر ماه یکصد تومان تعیین کرده بود نامه ای ضمیمه ی آن ابلاغ و حکم کرده و در آن از استاد خراسانی دعوت به کار می کند و آن را به مأموری داده که به اصفهان به محضر آقای خراسانی برساند. شخص فرستاده به اصفهان آمده در مدرسه ی صدر به حجره ی آیت الله خراسانی می رود و خود را معرفی می کند و نامه و حکم را به ایشان تقدیم می کند. استاد از آن شخص با همان نهار طلبگی پذیرایی می کند و بعد از ظهر زیر آن نامه می نویسد:

«با تشکر:

ما آبروی فقر و قناعت نمی بریم

با پادشه بگوی که روزی مقدر است»^(۱)

استاد همایی مدّت هیجده سال از محضر وی کسب علم نمود. به سبب جامعیت وی از نامبرده با القابی چون علامه ی زمان، خاتم مدرّسان فلسفه، شیخ المتألّهین و عارف صمدانی یاد کرده است و به یاد او غزل معروف «استادم برفت» را می سراید که بیت آخر آن چنین است:

.... از چه اندر پرده گویم غصه دل را سنا

فاش می گویم ز دنیا شیخ استادم برفت^(۲)

ماده تاریخ فوتش این است: «شمع دانش مُرد از مرگ حکیم».

۴ - حاج آقا منیرالدین بروجردی: فرزند آقا جمال الدین فرزند ملا علی متوفی ۱۳۴۲ ق. عالم فقیه برجسته، وی نواده ی دختری میرزای قمی بود و در علم رجال و درایه تخصص و تبخّر داشت. آثار و تألیفاتی نیز در این زمینه دارد.

۵ - سید محمّدعلی عریضی: فرزند حاج سید محمّدباقر. متوفی ۱۳۷۳ ق. عالم فاضل از اساتید

ص: ۳۰۵

۱- ۴۹۳. خلیل رفاهی: گردش ایام، صص ۲۲۸ - ۲۲۶.

۲- ۴۹۴. نصری، عبدالله: پایان شب سخن سرایی، صص ۶۵ - ۶۳.

قرائت و تجوید در اصفهان بود که از آثار او می توان به «حواشی تفسیری لغوی» اشاره کرد.

۶ - شیخ مرتضی قمشه ای: متوفی ۱۳۴۱ ق. عالم فاضل و فقیه جامع.

۷ - شیخ حسن اصطهباناتی: فرزند علامه ملامحمد. متوفی ۱۳۳۶ ق. عالم فاضل که ر مجاهده و ریاضت نفس معروف بود. (۱)

۸ - سید حسن فانی: متوفی ۱۳۳۸ ه. ق. عالم فاضل و واعظ شهیر، صاحب آثار فراوان، همچون الف) اکسیر الاخبار ب) بهجه الابراج) برهان المتقین است.

۹ - شیخ محمدعلی یزدی: متوفی ۱۳۵۱ ه. ق. عالم فاضل کامل، از آثارش الف) حاشیه بر مکاسب ب) حاشیه بر رسایل.

۱۰ - سید میرزا اردستانی: متوفی ۱۳۵۱ ه. ق. عالم زاهد وارسته از مدرّسین اصفهان. روزگارش را با فقر و تنگدستی سپری نمود. مردی فوق العاده پرهیزگار و باتقوی بود. حاج آقا رحیم ارباب مکرّر از مراتب خیر و تقوی و وارستگی او سخن می گفت. (۲)

۱۱ - میرزا یحیی فاضل هرنسی: متوفی ۱۳۶۹ ه. ق. عالم فقیه جلیل، از آثارش الف) شرح کفایها لاصول ب) شرح بر وقایها لاذهان.

۱۲ - میرزا مسیح تویسرکانی: معروف به «ناقور». متوفی ۱۳۵۱ ق. ادیب، آزادیخواه مشروطه و مدیر روزنامه ی «ناقور». به عقیده او «قوت دین بسته به قوت متدینین است و قوه ی متدینین نیز همان قوه سیاسی است که در این قرون از دایره ی فهم مسلمانان بیرون مانده، پس باید در عظمت از دست رفته کوشید». (۳)

۱۳ - حاج ملا حسن دّری: متوفی ۱۳۳۷ ق. عالم و فقیه برجسته ی زمان خود. وی در کمال زهد و قناعت و سادگی زندگی می کرد. مرحوم جابری انصاری می نویسد: «با قناعت، مناعتی داشت که بزرگان دنیا را به هیچ می انگاشت... چند سفر به حج و زیارت مشاهد پیاده رفت. به تواتر شنیده

شد، در سفر مشهدش، سه شب خدّام حرم؛ حضرت امام رضا علیه السلام را به خواب دیده بودند که: حاج ملا حسن به زیارت می آید، بروید استقبالش. شبی هم که فوت و دفن شد، پسر حاج ملا اسماعیل نقنه ای

ص: ۳۰۶

۱- ۴۹۵. برای نمونه ر. ک: کرباسی زاده، علی: نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرسی اصفهانی، ص ۱۱۵.

۲- ۴۹۶. کتابی: ص ۵۳۸.

۳- ۴۹۷. اخضری، علی: مشاهیر مطبوعاتی مدفون در تخت فولاد، ص ۹۷.

که قبلاً مرده بود، به خواب مادرش آمده که ما معذب بودیم، به برکت دفن حاج ملا حسن آزاد شدیم. وی به بسیاری از علمای دنیا طلب تندی می کرد. در تاریخ فوتش (۱۳۳۷ ه. ق) جابری انصاری سرود:

فقیه دُر، حسن آن دُر یکتا

که زندی گفت بر ابرو به مریخ

صدف بشکست و جست و جابری گفت:

«غیاب الکوکب الدرّی» به تاریخ (۱)

۳) تکیه ی میر محمدصادقی ها

اشاره

این تکیه در جنوب غربی خیمه ی حسینی گلستان شهدای فعلی (تکیه ملک سابق) قرار دارد و جمعی از علمای خاندان میر محمدصادقی دفن شده اند. یک چهار ستون و یک سقف سیمانی روی سکوی مدفن این خاندان ساخته شده است. در اطراف سکو قبور خاندان های نور صادقی، صفوی، مستوفی انصاری دیده می شود. آخرین عالم از خاندان میر محمدصادقی که در این تکیه دفن گردید آیت الله حاج سید محمد علی صادقی بود.

برخی از علمای مدفون در این تکیه

۱- آقا سید عبدالله ثقهالاسلام: متوفی ۱۳۸۲ ق. مشهور به «مدرّس صادقی» عالم فاضل مجتهد. وی صاحب بیش از بیست کتاب و رساله در فقه، اصول، عقاید، رجال و دیوان اشعار می باشد که از جمله آثار او می توان به الف) «ارشادالمسلمین الی اولاد امیرالمؤمنین» در شرح حال خاندان میر محمدصادقی، ب) انیس العارفين، ج) لؤلؤ الصدف فی تاریخ نجف اشاره نمود. (۲)



ص: ۳۰۷

۱- ۴۹۸. جابری انصاری، حسن: تاریخ اصفهان، ص ۳۲۸.

۲- ۴۹۹. شرح کامل وی در مکارم الآثار، ج ۷، صص ۲۶۸۵ - ۲۶۷۷.

۲ - حاج سید محمدعلی صادقی: فرزند سید محمدصادق. متوفی ۱۴۱۷ ق. از فقهای بزرگ و معاصر اصفهان. در اصفهان نزد علمای بزرگی چون آیت الله شمس آبادی، آیت الله دستغیب و علمای دیگر کسب علم نمود. در نجف از شاگردان برجسته آیهالله میر سید علی علمامه فانی بود. در مورد سخت کوشی وی در امر تحصیل یکی از روحانیون نقل می کرد: «زمانی که حضرت آیت الله صادقی در نجف مشغول تحصیل بودند، من برای ملاقات با ایشان و یکی از دوستان هم حجره ای وی، به حجره آن دو بزرگوار رفتم. به هنگام ورود من، هر دو، کتاب را کنار گذاشته

به استقبال من آمده و به گفتگوی با من پرداختند. لحظاتی بعد آیت الله صادقی به جای خود بازگشت و مشغول مطالعه شد. اما دوست دیگرم مدت زیادی با من به گفتگو مشغول شد و وقت گذرانی کرد. نتیجه این که سال ها، آیت الله صادقی به این مرتبه والای علمی رسید، در حالی که آن شخص تحصیل را رها کرد و به دنبال حرفه و کار دیگری رفت» (۱). پس از دریافت اجازه ی اجتهاد به اصفهان بازگشت و به تدریس اصول و فقه پرداخت. تلاش ایشان در کسب علم و خدمت به مردم از صفات برجسته وی بود. وی صاحب آثار و تألیفات نیز می باشد. کتاب «توحید ذات و صفات از دیدگاه اسلام» وی به چاپ رسیده است. وی در فعالیت های اجتماعی نیز حضور فعال داشت. از جمله شرکت در تأسیس و ساخت چهل و پنج مسجد در استان اصفهان، چهارمحال و بختیاری، استان کرمان، کهگیلویه و بویراحمد است. وی سال ها امامت جماعت مسجد شفیعی در دروازه تهران را بر عهده داشت. به ارادتمندانش می فرمود: «من دو کار انجام می دهم که مطمئن هستم به خاطر آن دو، مرگ آنی و بدون مقدمه سراغم نمی آید: «صله رحم زیاد و صدقه دادن». از جمله دستورالعمل های مهم ایشان «نماز اول وقت و



آیت الله حاج سید محمد علی صادقی

ص: ۳۰۸

۱- ۵۰۰. لقمانی: آینه آفتاب، ص ۵۷.

تلاوت قرآن مجید» بود. (۱)

۳ - میرزا محمدحسین خان ثمر انصاری: فرزند محمدعلی مستوفی انصاری اصفهانی. متوفی ۱۳۴۴ ق. شاعر ادیب و نویسنده ی محقق. متخلص به «ثمر». از آثار او می توان به «عبرهللناظرین در تاریخ زمان، جنگ روس و ژاپن، رعنا و زیبا، دیوان اشعار» اشاره نمود. (۲) از اشعار اوست:

گریزد صید وحشی هر کجا صیاد را بیند

دل من نیست صیدی کز پی صیاد برخیزد (۳)

۴ - حاج آقا رحیم ارباب:

آنکه بود «ارباب» اهل معرفت

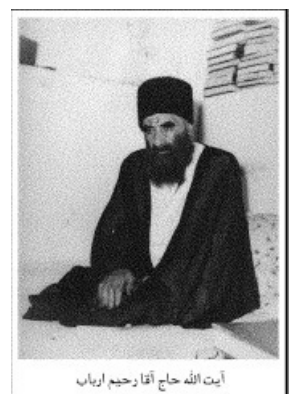
گوش دل بر حق سپرد از شش جهت

«شفیق»

فرزند حاج علی پناه. متوفی ۱۳۹۶ ق. عالم فقیه، حکیم عارف، در اصفهان نزد علمای بزرگی چون حاج میرزا بدیع درب امامی، سید محمد باقر درچه ای، آقا سید ابوالقاسم دهکردی، جهانگیرخان قشقایی و آخوند کاشی، کسب علم نموده و به مقام اجتهاد رسید. مراتب سیر و سلوک را نزد جهانگیرخان و آخوند کاشی فرا گرفت. ایشان شاگرد خاص آخوند کاشی بود و مدت بیست سال متوالی در خدمت وی بود و انواع علوم را از محضر او آموخت. ارادت وی به استادش چنان بود

که بعد از فوت استاد، هر هفته به زیارت قبر وی می رفت و هنگام فوت نیز وصیت نمود در مجاورت استادش دفن شود.

حوزه ی درسش نیز مجمع فضلا و دانشمندان روزگار بود. شاگردان بسیاری را تربیت نمود. از



- ۱- ۵۰۱. جهت آشنایی با شرح حال و اقدامات و آثار این فقیه فرزانه، ر. ک: لقمانی، احمد: آینه آفتاب.
- ۲- ۵۰۲. نصرالهی، غلامرضا: جزوه تخت فولاد سرزمین جاویدان، (بخش تکیه میر محمدصادقی).
- ۳- ۵۰۳. جناب: رجال و مشاهیر اصفهان، ص ۱۷۲ و ۱۷۳.

جمله شاگردان او می توان به: جلال الدین همایی، آیت الله سید روح الله خاتمی، محمّد علی معلّم حسیب آبادی، شیخ محمّدباقر صدیقین و بسیاری از بزرگان دیگر اشاره نمود. «وی در فقه بسیار خوش سلیقه و دارای استقلال فکری بود. اکثر متون عالی فقه را از بر داشت و در استحضار مسایل به کمال بود و اطراف و جوانب آن را به طوری استوار گردانید، که به بحث و تشکیک، تزلزلی بر خاطرش راه نمی یافت. لزوم بقای بر میت، وجوب عینی نماز جمعه، ارث بردن زن از اعیان ترکه شوهر، از جمله فتاوی او به شمار می رود. وی علاوه بر دارا بودن مقام استنباط، در آن ده علمی که مقدمه ی اجتهاد است و فقط دانستن قسمتی از آن لازم است، اجتهاد و مهارت کامل داشت و در ریاضیات، هیأت و نجوم به تصدیق اهل فن، استاد مسلم بود. بسیاری از خطب نهج البلاغه را از حفظ داشت و اشعار ابن ابی الحدید را در مناقب مولای متقیان علی علیه السلام مکرر می خواند و وی را می ستود. (۱)

اعتقاد و علاقه ی ارباب نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام به حدی بود که این عشق و ارادت با گوشت و خون او آمیخته شده بود و بسیاری مواقع احادیثی را از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که در فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده بودند می خواندند. هر سال در منزلش مراسم عزاداری برای امام حسین علیه السلام برپا می کرد. در مقابل درب منزل، شخصاً به استقبال عزاداران می رفت و آنان را مورد احترام قرار می داد و تا پایان مراسم سر پا می ایستاد. یکی از نظریات فقهی حاج آقا رحیم ارباب وجوب عینی نماز جمعه بود. شهید مطهری می گوید: «روزی در اصفهان به خدمت ایشان رسیدم و موضوع نماز جمعه به میان آمد، ایشان می گفتند: نمی دانم شیعه چه وقت می خواهد عار ترک نماز جمعه را از خود بردارد و جلوی شماتت سایر فرق اسلامی را که ما را به عنوان تارک جمعه ملامت می کنند بگیرد». (۲) در خطبه های نماز جمعه نیز به بیان فضایل و مناقب علی علیه السلام می پرداختند. همچنین ایشان آنقدر علاقه به حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها داشتند که در نمازهایشان سوره ی کوثر را قرائت می فرمودند و می گفتند: «من نمی توانم این سوره را در نماز نخوانم چون این سوره متعلق به وجود مقدّس حضرت زهرا سلام الله علیها است». (۳) هر

ص: ۳۱۰

-
- ۱- ۵۰۴. ضیاء نور، فضل الله: (مقاله حاج آقا رحیم ارباب)، مجله آموزش و پرورش استان اصفهان، ج ۱، سال ۷۱، ص ۶۲.
 - ۲- ۵۰۵. گلی زواره ای: ناصح صالح، ص ۲۴۱.
 - ۳- ۵۰۶. جهت شرح حال و خصوصیات اخلاقی برجسته این عالم فقیه، ر. ک: ریاحی، محمّدحسین: ارباب معرفت. (مجموعه مقالات بزرگداشت حاج آقا رحیم ارباب).

وقت شخصی برای کار مهمی به او مراجعه می کرد برای حل کار مهم او می گفت: «تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را بخوان».

حاج آقا رحیم دو سه سال آخر عمر نابینا شد. وقتی از ایشان پرسیدند پس از این همه عمر آیا ادعایی هم دارید یا نه؟ ایشان فرمودند: در مسایل علمی هیچ ادعایی ندارم. اما در مسایل

شخصی خود دو ادعا دارم: یکی آنکه به عمرم غیبت نگفتم و غیبت نشنیدم و دوم آنکه در طول عمرم چشمم به نامحرم نیفتاد. در احوال شخصی ایشان نقل است که فرموده بود: برادرم با همسرش چهل سال در منزل ما بودند، در این چهل سال یک بار همسر برادرم را ندیدم. (۱) وقتی راز طولانی بودن عمرش را از او پرسیده بودند گفته بود: «هیچ وقت بدخواه کسی نبودم». شاگردش استاد همایی در تاریخ فوتش سرود: «جان علم از تن جهان رفته».

۵ - پرفسور عبدالجواد فلاطوری: متوفی ۱۴۱۷ ق. عالم فرزانه و دانشمند. وی از نوادگان حکیم ملا اسماعیل اصفهانی بود. او نزد اساتید بزرگی چون آیت الله محمدعلی شاه آبادی، آیت الله خوانساری، شیخ محمدرضا کلباسی کسب علم نمود. پس از کسب علوم قدیمه و اخذ درجه اجتهاد، برای ادامه تحصیل در رشته فلسفه و علوم انسانی راهی آلمان شد و در رشته های فلسفه، روانشناسی، علم تطبیق ادیان و مذاهب درجه ی دکتری گرفت. وی چندین زبان از جمله آلمانی، یونانی، لاتین مسلط بود. در آلمان یک مرکز تحقیقات شیعه شناسی پایه گذاری کرد و مهم ترین منابع فقهی، اصولی، کلامی و فلسفی شیعه را در آن گرد آورد. در شناساندن دین اسلام به نحو صحیح در آن کشور اقدامات مؤثری انجام داد. شصت کتاب و مقاله به زبان آلمانی، پانزده مقاله به زبان فارسی، ترجمه کتاب های تاریخی از فعالیت های



ص: ۳۱۱

دیگر وی می باشد. (۱)

وی همواره به این حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأکید داشت که: «هر کس علم (علوم حقیقی و معارف واقعی) را، به جز در قرآن بجوید، خداوند او را به گمراهی افکند».

همچنین در مصاحبه های خویش به این نکته اشاره می نمود که موفقیتش در تبلیغ اسلام در غرب به این جهت بوده که به خود قرآن کریم استناد می کرده است. از جمله خدمات بسیار مهم فلاطوری، کاری بود که درباره ی اصلاح کتاب های درسی مدارس کشورهای غربی انجام داد. چنانکه کتاب های درسی ۱۷ کشور اروپایی را از پیش داوریهای مُغرضان و نادانان پاکسازی نمود. وی به استعمارشناسی توجه داشت و ضرورت آن را بخصوص برای شرق اسلامی درک می کرد. از این رو به افکار سید جمال الدین و تجربه های او ژرف می نگریست. به حق در مورد وی گفته شده که «فلاطوری غریب زیست و غریب مُرد». (۲)

۴) تکیه ی بروجنی ها

این تکیه در شمال غرب تکیه ملک و گلستان شهدای فعلی است. از تکیه های خانوادگی شمرده می شد که اعیان و بزرگان بروجن در آن دفن شده اند.

برخی از بزرگان مدفون در این تکیه عبارتند از:

۱ - حسینعلی مشفق ضرغام: متوفی ۱۳۹۳ ق. از شاعران توانای قرن چهاردهم که دیوان اشعار او تحت عنوان «اندیشه های رنگارنگ» به چاپ رسیده است.

۲ - آقا میرزا عباس نحوی: فرزند میرزا عبدالجواد هرنندی. متوفی ۱۳۷۱ ق. از اساتید هنر خوشنویسی و از بنیانگذاران مدارس جدید در اصفهان که مدرسه ی دیانت را تأسیس کرد و صاحب تألیفاتی نیز می باشد. (۳)

ص: ۳۱۲

۱- ۵۰۸. جهت آشنایی با آثار و احوال این دانشمند فرزانه، ر. ک: فلاطوری نامه (بزرگداشت پرفسور فلاطوری در دانشگاه کلن آلمان) به همت دوستان فلاطوری، صص ۲۵۹ به بعد.

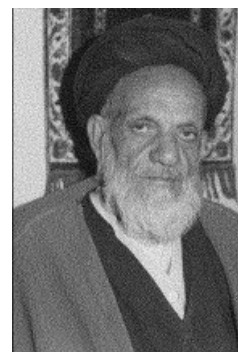
۲- ۵۰۹. رفیعی پور: فلاطوری، ج ۱، ص ۲۶ و ۳۰ و ۳۷.

۳- ۵۱۰. مهدوی: سیری در تخت فولاد، ص ۸۹.

۵) تکیه ی کوهی

این تکیه در نزدیک درب ورودی جنوبی گلستان شهدا قرار داشت که غرب مقبره ی آیت الله اشرفی اصفهانی را تشکیل می دهد. برخی از مدفونین در این تکیه عبارتند از:

۱ - سید محمدرضا حسینی هرنندی: متوفی ۱۴۰۲ ق. وی از جمله وعاظ مشهور اصفهان بود که صدای دلنشین وی مردم را مجذوب خود می کرد. ایشان یک بار توسط دشمنان دین (بهائیان) تهدید به مرگ شده بودند که توسط حضرت امام زمان علیه السلام نجات یافته بود. نزد اساتید بزرگی چون آیت الله سید علی نجف آبادی، آیت الله ابوالحسن اصفهانی کسب علم نمود. (۱)



۲ - میرزا عبدالوهاب کلانتر: فرزند حاج میرزا محمدعلی کلانتر اصفهانی. متوفی ۱۳۸۹ ق. وی از خاندان کلانتری و از سادات موسوی بود. از این خاندان عدّه ای از علماء، حکماء، طبیبان برخاسته اند. وی مردی فاضل و دارای اخلاق پسندیده بود.

به جز تکایایی که نام برده شده برخی از منابع از تکایای کوچک دیگری که در اطراف تکیه ی ملک بوده اند نام برده اند. که عبارتند از: تکیه ی حاج عبدالوهاب بدیعی، تکیه ی عبدالحسین حلیان، تکیه ی حاج محمدحسین ارباب و تکیه ی استکی می باشد.

۶) تکیه ی میرزا احمدخان مجیی

این تکیه در جنوب تکیه ی میر محمدصادقی ها قرار داشت که اکنون در جنوب گلستان شهدا و در پیاده رو شرق مقبره ی آیه الله ارباب می باشد. در شمال این تکیه اتاقی بود که مدفونین در آن عبارتند از:

ص: ۳۱۳

۱ - دکتر میرزا احمدخان محیی: فرزند میرزا حسین جراح. متوفی ۱۳۷۱ ق. وی بنیانگذار بیمارستان احمدیه است که هنوز در همان مکان پیشین خیابان طالقانی، کوی محله نو برقرار و دایر است.

۲ - دکتر حسین محیی: فرزند میرزا احمدخان. متوفی ۱۳۷۱ ق.

۳ - دکتر علی اصغر محیی: فرزند میرزا احمدخان. متوفی ۱۳۹۴ ق.

ص: ۳۱۴

خاک تو از خاک بهشت آمده است

لاله به خاک تو به کشت آمده است

«حامد اصفهانی»

گلستان شهدا مجموعه ای از چندین تکیه کهن می باشد که در محدوده لسان الارض تخت فولاد قرار دارد. پس از شهادت آیت الله سید ابوالحسن شمس آبادی در سال ۱۳۵۵ شمسی و دفن وی در این قسمت، تکیه ای مخصوص دفن قربانیان سیاسی رژیم پهلوی گردید و چند نفر از شهیدان حوادث انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی در این قسمت دفن شدند. پس از پیروزی انقلاب و با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، فراهم نمودن مکانی جهت دفن شهدای دفاع مقدس ضروری به نظر می رسید. بدین منظور اماکن تجاری و منازل مسکونی اطراف تکیه شهداء از صاحبان آنان خریداری گردید و مکانی وسیع بر دفن شهدای دفاع مقدس فراهم آمد. شهدای حوادث سیستان و بلوچستان و کردستان و سپس جنگ تحمیلی در این مکان دفن شدند.

پس از عملیات محرم در تاریخ ۱۳۶۱/۸/۱۱ شمسی تعداد ۳۳۰ نفر شهید به اصفهان آورده شدند و با تشییع باشکوه مردم اصفهان در این قسمت دفن شدند:

گفت خمینی به کجای جهان

هست به سان مردم اصفهان

سیصد و سی لاله ی بر روی دست

پشت ابر قدرت دنیا شکست (۱)

«حامد اصفهانی»

هر قطعه از گلستان شهدای اصفهان بر حسب نام عملیات و حادثه ای که بیشترین شهدای آن در هر قطعه دفن شده اند نام گذاری شده است. تعداد این قطعات تاکنون سی و پنج قطعه است. برخی از این شهدای این قطعه ها عبارتند از:

ص: ۳۱۵

۱- ۵۱۲. ر. ک: علیرضا لطفی (حامد اصفهانی): یاس نیلوفری، ص ۵۶. اشاره به سخن تاریخی امام خمینی (قدس سرّه) به جهت این واقعه در دوره دفاع مقدس در خصوص شهدای شهر اصفهان در آن سال.

۱ - شهید حجهالاسلام علی اکبر اژه ای: فرزند آیت الله حاج میرزا علی محمد اژه ای. در ۷ تیرماه ۱۳۶۰ ش. در واقعه بمب گذاری حزب جمهوری اسلامی در تهران به شهادت رسید. وی صاحب

تألیفاتی می باشد از جمله می توان: الف) انسان از دیدگاه قرآن ب) تقوا از نظر انسان و آثار دیگر اشاره کرد. (۱)



۲ - شهید آیت الله حاج سید ابوالحسن آل رسول: فرزند آقا سید محمد ابراهیم. مشهور به «شمس آبادی» فقیه ادیب و صاحب آثار ارزشمندی چون الف) شرح بر صحیفه سجادیه ب) موعظه حضرت ابراهیم علیه السلام و.... می باشد. وی توسط باند منحرف مهدی هاشمی در سال ۱۳۵۵ ش. به شهادت رسید.



ص: ۳۱۶

۱- ۵۱۳. ر. ک: ربانی، علی: شهدای روحانیت در یکصد ساله اخیر، ج اول، صص ۵۵۴ - ۵۵۲.



بقعه شهید آیت الله شمس آبادی

۳- مرحوم حاج شیخ علی مشکوه: فرزند زین العابدین. متوفی ۱۴۱۰ ق. فقیه مجتهد، از چهره های برجسته حوزه علمیه اصفهان، قم و نجف بود. وی در خمینی شهر مدرسه ای تأسیس نمود و به تربیت طلاب علوم دینی پرداخت. از ایشان نقل است که هرگاه در حل مطالب علمی درمی ماند و تلاشش به جایی نمی رسید به ائمه اطهار علیهم السلام و حتی ابوالفضل علیه السلام متوسل می شد و از این بزرگواران راهنمایی می خواست و بدین گونه مشکل وی به آسانی حل می شد. قدرت توکل قوی داشت و بساری از مشکلاتش به این طریق برطرف شده بود. (۱)

پس از فوت در کنار قبر دامادش شهید شمس آبادی دفن گردید.

۴- شهید آیت الله عطاءالله اشرفی اصفهانی: در تاریخ ۶۱/۷/۲۳ در مسجد جامع کرمانشاه به دست منافقین کوردل شهید شد و به آرزوی خود که چهارمین شهید محراب باشد، نایل آمد. وی پس از پیروزی انقلاب از سوی امام خمینی (قدس سره) نماینده ایشان در کرمانشاه و امام جمعه آن شهر گردید و سرانجام در نماز جمعه، آن شهر به شهادت رسید (۲). از آثارش الف (برهان قرآن ب) (جامع الشتات) ۷ جلد) را می توان نام برد. امام راحل رحمه الله علیه فرموده بودند: «من هروقت

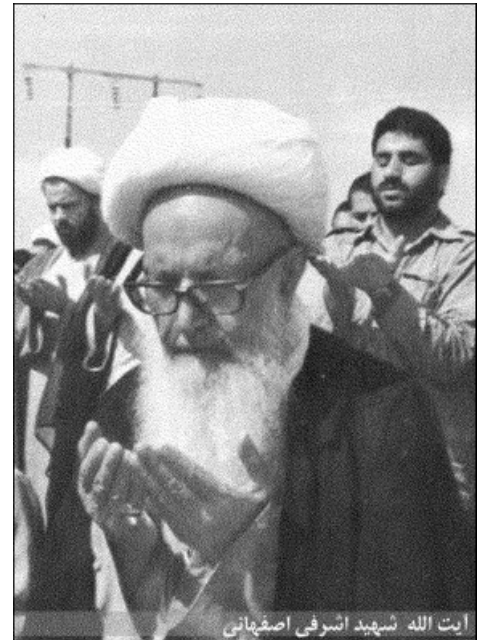
ص: ۳۱۷

۱- ۵۱۴. ناصح صالح، ص ۲۷۷.

۲- ۵۱۵. غروب خونین در محراب جمعه، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ص ۱۹.

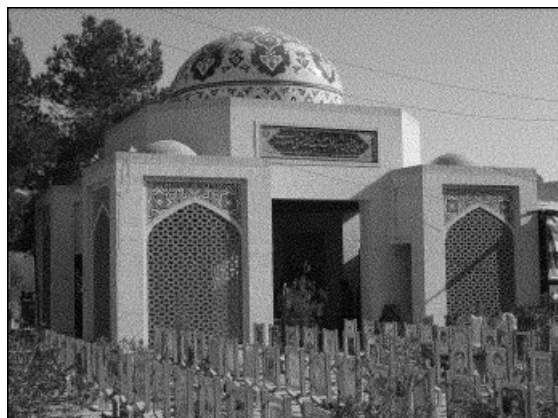
آقای اشرفی اصفهانی را می بینم به یاد خدا می افتم».

وی در مورد شهادت خود از خداوند چنین خواسته و گفته بود: «از خدا این درخواست را دارم که چهارمین شهید محراب باشم و در شهادتم اخلاص باشد، نه برای اینکه جزء شهداء قرار گرفته باشم».^(۱)



ص: ۳۱۸

۱- ۵۱۶. غروب آفتاب در محراب جمعه، صص ۲۲ - ۱۹ .



بقعه ی آیت الله شهید اشرفی اصفهانی

۵ - شهید مهندس ولی الله نیکبخت: فرزند ناصر. شهادت مردادماه ۵۸ شمسی. وی با اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته برق و الکترونیک با کسب رتبه ی اول در دانشگاه شیراز ادامه تحصیل داد. وی برخلاف فراهم بودن زمینه ی تحصیلات در آمریکا خدمت در یکی از مناطق محروم را ترجیح داد و به عضویت هیأت علمی در دانشگاه سیستان و بلوچستان درآمد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سه سنگر دانشگاه، جهاد سازندگی، کمیته انقلاب اسلامی فعالیت کرد. از مهمترین اقدامات وی: کوشش برای تأسیس سپاه، جهاد سازندگی و کمیته های انقلاب اسلامی در منطقه ی سیستان و بلوچستان بود. (۱) وی اولین شهید جهاد سازندگی است که در سیستان و بلوچستان به شهادت رسید.

به او گفتند: «بیا و در آمریکا تحصیل کن!» گفت:

علم و فضلی که به چل ساله به دست آوردم

ترسم آن نرگس مستانه به یغما ببرد

ص: ۳۱۹

گفتند: «به بلوچستان مرو که هوا گرگ و میش است و خطر در پیش!» گفت:

راه عشق ار چه کمین گاه کمانداران است

هر که دانسته رود، صرفه ز اعدا ببرد

گفتند: «بیا، این کرسی ریاست!» گفت:

غلام همّت آنم که زیر چرخ کبود

ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

گفتند: «پی تدریست باش!» گفت:

بشوی اوراق اگر همدرس مایی

که علم عشق در دفتر نباشد

گفتند: «کشته می شوی!»

گفت: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ».

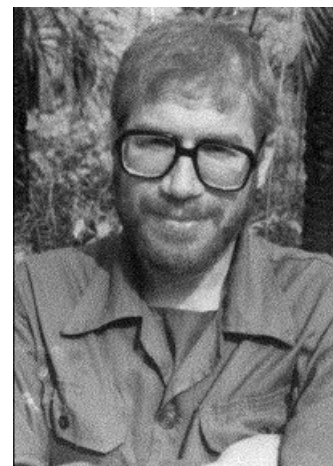
زندگی اش را وقف خدمت به انقلاب کرده بود و در این راه شب و روز نمی شناخت. هر وقت سخن از کار و خدمت به میان می آمد، آن دانشور درد آشنا مضمون گفتار امیر مؤمنان علی(ع)

را یادآور می شد و می گفت «خدا از انسان های آگاه و عالمان متعهد پیمان گرفته است که بر سیری ستمگر و گرسنگی ستمدیده ساکت ننشینند. من هم نمی توانم آرام بگیرم».(۱)

۶ - شهید سید احمد حجازی: فرزند حسین. شهادت ۶۰/۱۱/۵ ش. وی در دوران قبل از انقلاب نیز فعالیت های انقلابی زیادی بر ضد رژیم پهلوی نمود و بارها مورد شکنجه ساواک قرار گرفت. در جنوب لبنان نیز فعالیت های رزمی داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی وارد سپاه پاسداران اصفهان شد و مدت شش ماه نیز مسئول تدارکات سپاه کردستان بود. وی سرانجام در جبهه ی جنوب به شهادت رسید.

۷ - شهید حاج محسن صفوی: شهادت ۶۵/۱۱/۱۸ فرمانده قرارگاه مهندسی رزمی صراطالمستقیم. پس از پیروزی انقلاب به عنوان یک عنصر اصلی از بنیانگذاران سپاه در اصفهان وارد عمل گردید و به مدت سه ماه فرمانده سپاه پاسداران شهرضا و سمیرم بود که خود آنها را پایه گذاری نموده بود. پس از آن به عنوان مسئول دفتر فنی سپاه منطقه ۲ کشور ادامه ی خدمت داد و سپس به عنوان مسئول دفتر مهندسی وزارت سپاه خدمات فراوانی در امر پادگان سازی انجام داد.

۱-۵۱۸. ماهنامه امتداد، ش ۳۲، شهریور ۸۷، ص ۳۸ و ۳۹.



در سال ۶۳ با حفظ سمت به عنوان فرمانده کل قرارگاه مهندسی رزمی صراطالمستقیم منصوب گردید که در این دوران پایه ریزی مهندسی جبهه و جنگ را نمود و توانست جایگاه اصلی مهندسی را در جبهه مشخص نماید و با ایجاد قرارگاه مهندسی رزمی صراطالمستقیم عمده ی وزارتخانه های مختلف را وارد جنگ کرده و پروژه های مختلف را در جبهه ها بر عهده گرفت. عامل مهمی که همه ی مسئولین و دوستان شهید به آن اعتراف دارند خستگی ناپذیری ایشان بود.

در مورد استفاده و هدایت جوانان در دورانی که خوانین دوره پهلوی بر منطقه سمیرم حاکم بودند، می گفت: «جوان ها مثل آب زلاند و پراثری. نباید از دستشان داد. می خواست تقویتشان کند. می گفت: «در این کوه و کمر یک سری آدم، اسیر و برده زمان شده اند. دنبال روزنه اند. باید به فکرشان بود. باید مذهب را به این ها معرفی کرد. اینها تشنه اند. باید جام را نشانشان بدهیم.» (۱)

چه بسا شب ها خواب او از ۲ ساعت تجاوز نمی نمود. زیرا معتقد بود در این عمر کوتاه بایستی اندوخته ای گران برای آخرت تهیه کرد. تا در روز قیامت سرافراز و سربلند بتواند در کنار جد بزرگوارش حاضر شود. (۲)

وی روحیه شهادت طلبی قوی داشت. زمانی دست پسر بزرگش که چند سال بیشتر نداشت را گرفته و رفته بود جزیره مجنون. به او گفتم: دنبال شهادت می گردی چرا بچه ات را آوردی؟ جایی که

ص: ۳۲۱

۱- ۵۱۹. اصفهان زیبا، ۸۷/۷/۲۱.

۲- ۵۲۰. جهت آشنایی با خصوصیات و احوال این شهید بزرگوار به کتاب شمع صراط رجوع کنید.

محل بارش تیر و ترکش و بمباران است. ایشان خنده ای از سر شوق کرد و گفت: «بالاخره شهادت هم باید نصیب ما شود و هم نصیب فرزندان ما، بگذارید اینها از حالا به روحیه شهادت طلبی عادت کنند»^(۱).

۸- شهید احمد ترکان: شهادت ۵ مرداد ۱۳۶۶ ش. (عملیات والفجر دو). در سیره اخلاقی وی را فردی متواضع، باسجاوت، معرفی کرده اند که با قرآن و مفاتیح انس مخصوصی داشت. نقل است در یادگان محمد رسول الله صلی الله علیه و آله سنندج در هنگام سخنرانی بیش از همه از امام حسن علیه السلام یاد می کرد و ارادتی خاص به ایشان داشت و وقتی از آن امام نام می برد منقلب می شد. بارها سجایای امام حسن علیه السلام و مظلومیت ایشان از زبان وی در ضمن سخنرانی هایش شنیده شده بود. او در پایان اکثر سخنرانی هایش روضه امام حسن علیه السلام را می خواند و به شدت می گریست. موقع مجروحیت همه مجروحینی که در کنار او افتاده بودند مطمئن بودند که امام حسن علیه السلام از وی پرستاری می کند. در همان حالت اغماء در حالت مجروحیتش همچنان صحبت می کرد و همه مجروحین با دقت سعی می کردند به سخنان او گوش دهند. گویند در همان حالت لحن سخن ترکان تغییر می کرد، مثل وقتی که کسی از او سؤالی کرده باشد، گفت: خیر نخوانده ام، و لحظاتی بعد گفت: چشم الان می خوانم و بعد شروع به خواندن نماز کرد. در همان حال که خوابیده بود به سختی اذکار نماز را قرائت می کرد. گاهی در بین نماز خاموش می ماند و به نظر می آمد که کلمات را فراموش کرده است. اما لحظاتی بعد در حالی که سر خود را به نشانه تصدیق تکان می داد دوباره به قرائت نماز می پرداخت. مجروحین می گفتند که کسی کلمات نماز را به او تلقین می کند. ترکان در حالی که هیچ اراده ای از خود نداشت به طور دقیق و بدون غلط دو نماز دو رکعتی شکسته به جا آورد. حوالی ساعت چهار بعد از ظهر بود که ترکان گفت: چشم الان و سپس شهادتین را بر زبان آورد و آنگاه ذکر لا اله الا الله را به طور کامل مکرر بر زبان آورد و در این هنگام دست راستش را بر سر گذاشت و خاموش شد.^(۲)

ص: ۳۲۲

۱- ۵۲۱. ماهنامه طراوت، شماره ۱۴ و روزنامه اصفهان زیبا، ۱۳۸۷/۷/۲۱.

۲- ۵۲۲. قاسمی، رحیم: وفیات علمای معاصر، مخطوط.

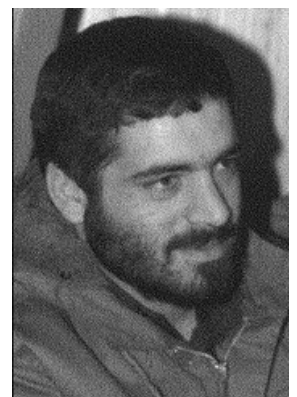
۹ - شهید جلال افشار: فرزند محمّد. شهادت ۶۱/۴/۲۴ ش. وی پیش از انقلاب اسلامی در مبارزات مردم علیه رژیم پهلوی شرکت داشت. وی اهل ایمان و یقین بود. عشق غیر قابل وصفی

به حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داشت. روی نماز جماعت و خمس بسیار حساس بود. خودش آخر هر سال خمسش را حتی اگر یک ریال بود حساب می کرد و می پرداخت. وقتی رفقایش علت خواندن این همه نماز را از وی می پرسیدند او می گفت: «این نمازها را به نیت پدرم می خوانم. بالاخره هرچه دارم از او دارم». وقتی دعای توسل را می خواند و به نام مقدس امام زمان (عج) می رسید باران اشکش سرازیر می شد و اشعاری در وصف امام بزرگوار زمزمه می کرد. در جنگ مدارج و مقامات معرفت و بصیرت را طی کرد. آیت الله بهاءالدین او را «ذاکر قریب البکاء» نامید. ایشان مکرر می گفت: «آنکه اذان را با معنا می گوید اذان بگوید». وقتی هم که پس از شهادت عکسش را به محضر آیت الله بهاءالدینی بردند، بی اختیار اشک از چشمان ایشان جاری شد، به طوری که قطرات اشک روی عکس جلال افتاد. در همین حین ایشان گفتند: «امام زمان (عج) از من یک سرباز خواستند. من هم صاحب این عکس را معرفی کردم اشک من اشک شوق است». مراسم ازدواج او بسیار ساده و دور از انتظار بود. همسرش می گوید: «روز سوم شعبان با تهیه ی یک حلقه، یک کلام الله مجید، نهج البلاغه، و یک سری کامل تفسیر المیزان با هم پیمان زندگی بستیم». هر سال شب های ماه رمضان به گلزار شهدا می رفت و تا سحر عبادت می کرد. بعضی رفقایش دیده بودند که گاهی در جای خلوتی از گلزار شهدا، روی قبری افتاده و گریه می کرد. وی از تعلّقات دنیوی دور بود و اوج سعادت را در شهادت می دانست و سرانجام به آرزویش رسید. به دخترش در آخرین وصیت نوشته بود «دخترم، عقیقه و محبوبه باش، مبادا جامعه فاسد تو را تغییر دهد. باید تو جامعه را تغییر دهی و به



۱۰ - شهید حاج اکبر آقابابایی: فرزند حسینعلی. وی پیش از انقلاب در فعالیت های سیاسی شرکت داشت. در دوران جنگ تحمیلی مسئولیت عملیات سپاه در سنندج، فرماندهی تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی، فرماندهی تیپ ۱۸ الغدیر یزد را به عهده داشت. پس از پایان جنگ به تحصیلات دانشگاهی پرداخت. از اقدامات بی نظیر وی در دوران جنگ، عملیات نامنظم در عمق خاک عراق و انهدام پالایشگاه کرکوک بود. وی سرانجام به علت مصدومیت شیمیایی در تاریخ پنجم شهریور ۱۳۷۵ ش. به شهادت رسید. به مادرش علاقه بسیار داشت و می گویند همیشه مادر دستهایش را پنهان می کرد. اما اکبر پاهایش را می بوسید و یا در جای دیگر در خصوصیات اخلاقی اش گفته اند هرگز دست کسی را که به سویش دراز می شد ناامید نمی ساخت و می گفت: «مطمئن باشید اگر نیاز نداشت دستش را دراز نمی کرد». (۲) لبخند رو لباش همیشگی بود. درست مثل وضوی همیشگی اش. صدای اذانش که بنا بود هر جا باشه سر وقت اذان بگه. آخه قبل از اونم تو ستاد فرماندهی چهار نفر بودن که عادت داشتن تو هر شرایطی اذان بگن. اون چهار نفر هم شهید

شده بودن! سر رسیدش هم قشنگ بود. همه کار را اول سال و ماه منظم نوشته بود طبق برنامه. هر کاری برای خودش وقت خاصی داشت. (۳)



ص: ۳۲۴

۱- ۵۲۳. اکبری زادگان، نوروز: جلوه ی جلال، ص ۹۰؛ و منتظرالقائم: بزم گاه دلبران، ص ۵۷ و ۵۸.

۲- ۵۲۴. ماهنامه طراوت، ش ۲۰، ص ۱۷.

۳- ۵۲۵. ماهنامه طراوت، همان مأخذ.

۱۱ - شهید قربانعلی عرب: فرزند محمد ابراهیم. تاریخ شهادت ۶۴/۲/۱۲. وقتی او مده بود جنگ، با یک خانواده جنگ زده اهوازی آشنا شده بود. قربانعلی وقتی فهمیده بود که آن خانواده خانه ندارند، خانواده خودش را به خانه پدری برده بود و خانه ۷۰ متری خودشان را به آنها داده بود. آخر، تو مراسم ایثار و گذشت حرف اول را می زد.

به نماز اول وقت خیلی حساس بود. دست به آسمان بلند کرده بود و گفته بود: «خدایا توفیق نماز اول وقت را از ما بگیر». یک روز وقتی امام جماعت او مده بود، بچه ها دیده بودند که امام جماعت نماز را شروع نمی کند. وقتی علت را سؤال کرده بودند، گفته بود: با وجود عرب من جلو نمی ایستم. هرچه باشد از من خالص تر و نورانی تر است. عرب هم که اهل شوخی بود گفته بود: «حاج آقا اینها شامپوست و الا من سیاه چهره چه نورانیتی دارم».

در یکی از عملیاتها صدای انفجار او را به خود آورد. متوجه شد که خمپاره شکمش را پاره کرده و روده هایش بیرون ریخته است. روده هایش را داده بود تو و راه افتاده بود به سمت بیمارستان. تو اطاق عمل در حال بیهوشی حضرت زهرا علیها السلام و امام حسین علیه السلام را دیده بود که به او گفته بودند: «ما بچه ها را دوست داریم». وقتی رفته بودند به بیمارستان که از او به عنوان یک فرمانده مصاحبه کنند. اون مرد بسیجی کنارش را نشان داده بود و گفته بود، همه کارها را این بچه ها می کنند. وی اصلاً اهل ریا و خودنمایی نبود. یک روز گفته بود می خواهم از لشکر بروم. علتش را پرسیده بودند، گفته بود: «اینجا همه مرا می شناسند و احترام خاصی برایم غائلند، می خواهم از اینجا به جایی برم که غریبه باشم». زمانی که همه دوستانش شهید شدند دیگر آرام و قرار نداشت و مدام در سجده نمازش می گفت: «خدا نکنه جنگ تموم بشه و ما شهید نشیم». بهش تو خواب گفته بودند: «تو هم یک روز شهید



می شی، آنهم روی آب» در عملیات بدر در شرق دجله به شهادت رسید.^(۱)

وی از آغاز جنگ تا شهادت در بسیاری از عملیات ها شرکت داشت. وی از فرماندهان محورهای عملیاتی لشکر ۱۴ امام حسین علیه السلام بود. و سرانجام در منطقه ی عملیاتی بدر به شهادت رسید.^(۲) قسمتی از وصیت نامه ی وی چنین است: «خداوندا، لذت عشق عبادت را به ما بچشان، خداوندا، مرگ مرا شهادت در راه خودت قرار بده». تکیه کلامش «آقای گل» بود. یعنی هر کس که اسمش را نمی دانست می شد: «آقای گل». آنقدر قشنگ و بااحترام این اسم را صدا می زد که

همه آرزو داشتند اسمشان را نداند.^(۳) دو سه روز از شهادت عرب می گذشت و حاج حسین خرازی هنوز آشفته بود. داد روی یک مقوا برایش قسمتی از خطبه ۱۸۱ نهج البلاغه را نوشتند و زد توی اتاقش. «... کجا هستند برادران من که بر راه حق رفتند و با حق در گذشتند؟ کجاست عمّار؟ و کجاست پسر تیهان؟ و کجاست ذوالشهادتین؟ و کجایند همانند آنان از برادرانشان که پیمان جانبازی بستند و سرهایشان را برای ستمگران فرستادند؟»^(۴)

۱۲ - شهید علی قوچانی: در عملیات والفجر ۸ به شهادت رسید. در سال ۴۲ در اراک متولد شد و در کودکی همراه خانواده به اصفهان آمد از کودکی بسیار جسور و چالاک و فعال بود با شروع درگیریهای کردستان با سن و سال کم به هر نحو ممکن به آنجا رفت و در طول جنگ ۱۲ بار زخمی شد. گردانش معروف بود به گردان خطشکن هر جا کسی نمی توانست عملیات کند قوچانی داوطلب می شد. اسم حاج علی همیشه در کنار اسم سردار عرب بود با هم غذا می خوردند، بیشتر وقتها با هم می رفتند مرخصی، نمی شد بیشتر از بیست و چهار ساعت یکدیگر را نبینند و یا از هم خبری نداشته باشند. وقتی هم که عرب شهید شد حاج علی فقط نه ماه تنها ماند. یک روز قبل از عملیات والفجر ۸ سال ۱۳۶۵ کنار جاده ایستاده بودم. سوارم کرد و با هم رفتیم فاو، داشت در مورد عملیات حرف می زد که یک دفعه زد روی ترمز پیاده شد و گفت: «آقا مهدی، آسمان را نگاه کن اون آیه هایی که نوشته شده را ببین. این یعنی تو عملیات فردا پیروزیم». وقتی گفتم چیزی نمی بینم، سه بار گفت «الله»

ص: ۳۲۶

۱- ۵۲۶. ستاره های آسمانی ۲، ص ۳۵ - ۳۳.

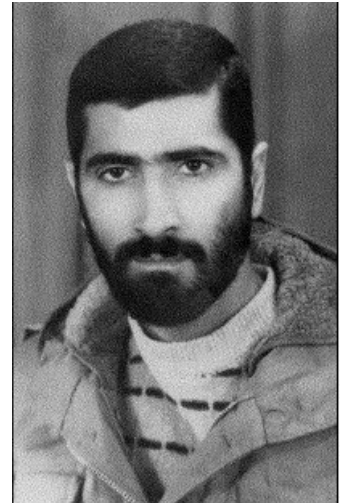
۲- ۵۲۷. منتظرالقائم، اصغر: بزم گاه دلبران، صص ۶۶ و ۶۷.

۳- ۵۲۸. ماهنامه طراوت، شماره ۲۱، ص ۸.

۴- ۵۲۹. روزنامه اصفهان زیبا، یکشنبه، ۸ اردیبهشت ۱۳۸۷.

اکبر» فردای آن روز هم شهید شد. (۱)

همیشه قرآن می خواند و خواندنش هم با همه فرق می کرد. پنج آیه می خواند. دوباره می رفت از اول یک آیه، یک آیه، می خواند با معنی. تا نمی فهمید از آن آیه رد نمی شد. بعضی وقتها یک آیه را دو سه بار تکرار می کرد. می گویند هر وقت مرخصی می آمد به مسئله امر به معروف و نهی از منکر در جامعه حساس بود. می گفت: «اگه رزمنده ها، هر موقع می آیند برای مرخصی، به مسأله امر به معروف و نهی از منکر حساس باشند، شهر ما که از لحاظ شهیدپروری و اعزام نیرو مشهور است از فساد و منکرات هم در امان می ماند».



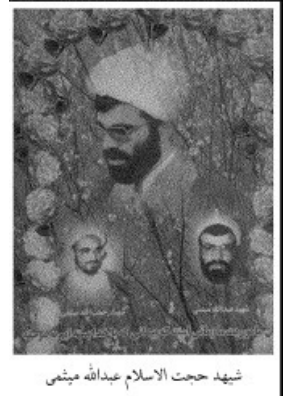
می گفت: «می خواهم مفقودالایر باشم تا خدا و امام از دستم راضی باشند و خجالت شهدا را نکشم». وقتی رفت مکه، کنار بقیع از حضرت زهرا علیها السلام خواست قبر نداشته باشد. همین طور هم شد، شش ماه بعد از ازدواجش شهید شد و هیچ وقت زینبش را ندید. وقتی که شهید شد. حاج حسین خرازی به مادرش گفته بود: «حسین خرازی، بدون قوچانی، حسین خرازی نیست. از وقتی علی رفته، ماندن برایم خیلی سخت شده است».

توی وصیت نامه اش نوشته بود: «مادرم، من شما را خیلی دوست داشتم، همچین پدر، همسر، برادر و خواهرم را. شما تنها کسانی بودید که در این دنیا به آنها علاقه داشتم. ولی مادر جان، من خدا را بیشتر از شما دوست دارم... هر موقع دلتان گرفت برای سرور همه مان آقا ابا عبدالله الحسین

ص: ۳۲۷

علیه السلام گریه کنید... (۱).

۱۳ - شهید حجه الاسلام شیخ عبدالله میثمی: فرزند علی اصغر. شهادت ۱۳۶۶/۱۱/۹ ش. این شهید عارف و زاهد در سال ۱۳۵۳ ش. به دلیل مبارزه با رژیم پهلوی دستگیر و زندانی شد، و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه ی یاسوج به تبلیغ پرداخت و سپس مسئولیت دفتر نمایندگی امام در منطقه ۹ سپاه و سپس مسئولیت نمایندگی حضرت امام (ره) در قرار گاه خاتم الانبیاء که هدایت فرماندهی کل جبهه ها را به عهده داشت، به وی سپرده شد. همواره می گفت: «وقتی انسان برای خدا کار کند، هرچند هم آن کار کوچک باشد چنان نمود دارد که اصلاً خودش هم باور نمی کند». (۲).



شهید حجت الاسلام عبدالله میثمی

از این شهید بزرگوار نقل است که می گفت «خلاف کارها از منافقین بهترند» و این خاطره را نقل می کرد: دو عاشورا را در زندان بودم. سال اول را با منافقین و در زندان سیاسی بودم. شب عاشورا از ترس سرم را به زیر پتو بردم و تا صبح در عزای آقا اباعبدالله الحسین علیه السلام اشک ریختم. سال بعد من را به زندان عادی و به جمع لائها منتقل نمودند. شب عاشورا همان خلاف کارها آنچنان نوحه خوانی کردند و سینه زدند که جگر مرا حال آوردند. من خلاف کارها را از منافقین بهتر می دانم. (۳).

ص: ۳۲۸

۱- ۵۳۱. اصفهان زیبا، ۸۷/۶/۳۱.

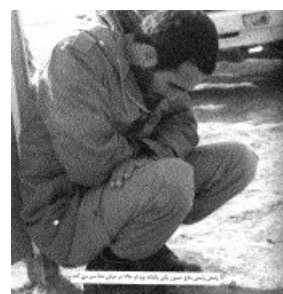
۲- ۵۳۲. شاهسنائی: گلستان شهدای اصفهان در گستره تاریخ، ج ۱، ص ۲۵۷.

۳- ۵۳۳. داستان هایی از علما، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

یک گل گلزار تو خرازی است

اسوه ی سرداری و جانبازی است

«حامد اصفهانی»



پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت سپاه پاسداران درآمده بود و در مأموریت های گوناگون از جمله: در آزادسازی شهر سنندج از دست نیروهای مخالف نقش مؤثری داشت. پس از شکست حصر آبادان، با ابلاغ ستاد عملیات جنوب تیپ امام حسین علیه السلام به فرماندهی این سردار بزرگ تشکیل شد. در عملیات طریق القدس و آزادسازی بستان شکست سنگینی به نیروهای عراق وارد کرد و بیش از ۲۰ تیپ زرهی، مکانیزه و پیاده عراق در این عملیات منهدم شد. وی در بسیاری از پیکارهای بزرگ همراه رزمندگان خود در لشکر ۱۴ امام حسین علیه السلام حضور داشت. در عملیات خیبر دست راست خود را تقدیم انقلاب اسلامی کرد. وی در این باره می گوید:

«خواستند ملائکه‌الله مرا به عالم بالا ببرند، هنوز دل از دنیا نکنده بودم، فقط همین اندازه لیاقت داشتم.»

پس از آن نیز در عملیات گوناگون شرکت داشت. چنانکه شکست سختی به نیروی ویژه گارد ریاست جمهوری عراق وارد آورد و تلاش رژیم بعث را در بازپس گیری فاو باطل نمود.

سرانجام در منطقه ی عملیاتی شلمچه و نهر جاسم به شهادت رسید. فرازی از وصیت نامه ایشان: «گواهی می دهم که ائمه ی معصومین علیهم السلام گفتارشان بر ما حجّت و امثال امر و اطاعت شان واجب و پیروی آنها موجب نجات و مخالفتشان موجب عذاب و آنها امامان و شفیعان روز جزا هستند.... خدایا امان از تاریکی و تنگی فشار قبر و سؤال نکیر و منکر در روز حشر و قیامت، به فریادم برس، خدایا من دلشکسته و مضطربم، صاحب موفقیت تو را می دانم و

شهید خرازی با قرآن و مفاهیم آن مأنوس بود و قرآن را با صدای بسیار خوب قرائت می کرد. روزهای عاشورا با پای برهنه به همراه برادران رزمنده خود در لشکر امام حسین علیه السلام در بیابان های خوزستان به سینه زنی و عزاداری می پرداخت. مقید بود که شخصاً در این روز زیارت عاشورا بخواند. یک انسان عاشورایی بود. اما مثل دیگران در جاهایی یک چیز دیگری می شد: هرکس می خواهد بماند و هرکس نخواست آزاد است که برود. این کلام حسین که بوی کربلا می دهد نشان دهنده ی سختی کار و حال و هوای شب عملیات خیبر است. آن شب، همه ی یاران ماندند.

وی حساسیت فوق العاده ای نسبت به مصرف بیت المال داشت. همیشه نیروها را به پرهیز از اسراف سفارش می کرد، آنچه می گفت خودش عمل می کرد و به همین جهت گفتارش در دل می نشست.

همچنین وی دقت فوق العاده ای در اجرای دستورات الهی داشت و همیشه لباس بسیجی می پوشید و در مقابل بسیجی ها فروتن بود. صفا، صداقت، سادگی و بی پیرایگی از ویژگی های او

بود. (۲) از جبهه که به شهر می آمد کارهایش را با دوچرخه انجام می داد. همین سادگی باعث شده بود که در قلب رزمندگان جای داشته باشد. یکی از بچه های بسیجی می گفت: پاهایم در اثر بالا رفتن از نخل های اروند زخم شده بود و تاول زده بود. یک روز در حالت خواب با اینکه خیلی خسته بودم متوجه شدم چیزی به پایم برخورد می کند. وقتی از خواب پریدم حاج حسین را دیدم که انگشتانم را می بوسید و مثل ابر گریه می کرد. به سرعت پایم را کشیدم با اعتراض و اصرار پیشانی او را بوسیدم».

۱۵ - شهید حجهالاسلام والمسلمین مصطفی ردّانی پور: فرزند محمّد باقر ۶۲/۵/۱۵ ش. وی از ابتدای تحصیل در قم عاشق امام زمان علیه السلام بود. هر هفته با پای پیاده به مسجد جمکران می رفت. تنگی معیشت وی را واداشته بود تا روزهای پنجشنبه و جمعه در کوره های آجرپزی اطراف قم خشت زنی کند.

پس از پیروزی انقلاب در جبهه های جنگ حضور یافت و در عملیات های گوناگون شرکت کرد تا سرانجام در عملیات والفجر (۳) جاویدالاثر گردید. این مرد عارف، عاشق اهل بیت علیهم السلام و

۱- ۵۳۴. بنی لوحی، سید علی: شور عاشقی، ص ۶۲ - ۵۶؛ و منتظرالقائم، اصغر: بزم گاه دلبران، صص ۷۸ - ۷۵.

۲- ۵۳۵. شاهسنایی: گلستان شهدا در گستره ی تاریخ، ج ۱، ص ۲۶۳.

۳- ۲. جامی: تحفهالابرار، ص ۶۵.

به ویژه علاقه عجیبی به حضرت زهرا سلام الله علیها داشت. کارت دعوت عروسی اش این گونه بود: «در سال روز آغاز زندگی پربار و پربرکت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه کبری علیها السلام که ارزشمندترین ثمره آن وجود مقدسه ی فاطمه زهرا علیها السلام می باشد تحت توجهات حضرت ولی عصر امام زمان (عج) زیر سایه رهبر کبیر انقلاب امام خمینی دامت برکاته نوکری از نوکران حضرت مهدی (عج) و کنیزی از کنیزان حضرت زهرا علیها السلام پیوند زندگی می بندند، شرکت شما در این مجلس با تکبیر و صلوات بر شکوه آن می افزاید.» (۱) می گویند وقتی رسول، برادر کوچک تر او شهید شد، به سنگر آمد و با دو دست به سر خود می زد و با خنده می گفت: «منو بگو که اونو نصیحت می کردم. بیچاره مادرم که فکر می کرد من آدم حسابی ام. حالا چطور برم دیدن او؟».

دو روز قبل از شهادتش گفت: «آن کسانی که مسئولیتی دارند و با خون شهدا و ایثار و استقامت و کار و تلاش سربازان گمنام، نام و عنوان پیدا کرده اند، مواظب خود باشند، اخلاق اسلامی را رعایت کنند و بدانند که هر که بامش بیش، برفش بیشتر.»

شب عروسی او دیدنی و به یاد ماندنی بود. آخر شب میکروفن را به دست گرفت و گریه کنان سخنانی گفت که عجیب و غریب تر از همه ی کارهایی بود که تا آن موقع از او دیده بودیم: «فکر نکنین من با ازدواج به دنیا چسبیده ام. این وظیفه ی من بود، حضور در جبهه هم وظیفه دیگه منه. فردا عازم جبهه هستم و بدانید که اینبار...» (۲) خودش گفته بود: دوست دارم وقتی شهید می شوم جسد من پیدا نشود. منطقه حاج عمران بود که خدا آرزویش را برآورده کرد. پیکرش

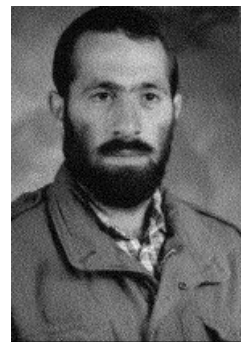
هیچ وقت پیدا نشد. وصیت کرده بود هنگام دفنش زیارت عاشورا و روضه حضرت زهرا علیها السلام خوانده شود.

ص: ۳۳۱

۱- ۵۳۶. ماهنامه طراوت، ش ۱۹، ص ۱۶.

۲- ۵۳۷. بنی لوحی، سید علی: بوی باران، صص ۹۰ و ۹۶ و ۱۲۴.

۱۶ - شهید علی موحد دوست: در سال ۱۳۳۷ متولد شد و مثل خیلی های دیگر زندگی کرد. ما خلق و خوی رندانه و بی شیله و پیله اش با همه فرق داشت. خیلی از کارها را می کرد که بقیه نمی کردند، اقتدار فرماندهی داشت، با نیروهایش شوخی می کرد، توی آموزشهای نظامیش جدی بود، از ماشین سپاه استفاده شخصی نمی کرد. خیلی از کارهای دیگر را هم می کرد که مختص خودش بود. با یک دست آموزش نظامی می داد، هم زمان فرمانده دو گردان بود (امام رضا و موسی بن جعفر علیهما السلام) هم رزم حاج حسین خرازی بود. طاقت دوری حاج حسین را نداشت. درست مثل برادرش جمال که ۵ ماه قبل از خودش پریده بود، پرید. سال ۶۴ توی خط پدافندی فاو. همه گفتند علی آهنی شهید شد. اینکه به او «آهنی» می گفتند شاید به دلیل اینکه بدنش پر از تیر و ترکش بود و یا به این جهت بود که با وجود آنکه بارها بدنش مجروح شده بود، لکن باز هم با بدن مجروح به جبهه برمی گشت و به خدمت مشغول می شد و یا شاید هم به این جهت بود که در او خستگی معنا و مفهومی نداشت. مزارش در گلستان شهدا، نزدیک شهید اشرفی اصفهانی و حوالی آنجاست. (۱)



۱۷ - سردار شهید حاج رضا کریمی: فرزند عبدالله شهادت ۸۱/۱۰/۱۳. وی در آخرین قطعه گلستان شهدا به نام «قطعه ی وداع» مدفون است.

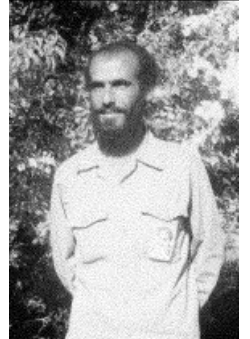
مهریه همسرش سری کامل کتابهای شهید مطهری و ده مثنیای طلا بود. همیشه حواسش به مهریه سختی بود که باید می پرداخت. می گفت: از کجا گیر بیاوریم همه این کتاب ها را. هر بار هم که از کتاب های شهید مطهری کتابی را می خرید، می گذاشت جلوی همسرش و می گفت: این هم مهریه شما. نقل است که در آخرین روز حیاتش او را به اصرار خودش به خانه اش بردند و در خانه غسل شهادت نمود و در خانه با نهایت عشق و عرفان به سوی معشوق پر کشید. (۲)

ص: ۳۳۲

۱- ۵۳۸. ماهنامه طراوت، ش ۲۳، ص ۲۲.

۲- ۵۳۹. ماهنامه طراوت، ش ۳۷، ص ۱۳.

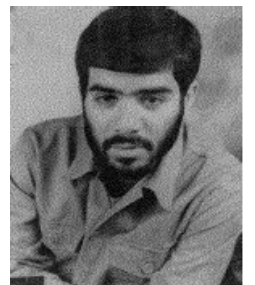
وی بر اثر جراحات شدید شیمیایی به درجه شهادت رسید. فرازی از وصیت نامه وی چنین است: «ای مسؤولین و دولتمردان مواظب باشید که مقام و منزلت دنیوی شما را نگیرد. چرا که اگر این مقام و منبرها ماندنی بود هرگز به من و شما نمی رسیدند. سعی کنید به درد ستمدیدگان و مستضعفین برسید و به خود افتخار کنید که خداوند این توفیق را به ما داد تا در این زمانه خدمتگذار مردم عزیز باشیم. چرا که این افتخار از برکت خون شهیدان به همه ی ما رسیده است.»^(۱)



۱۸ - محمدرضا تورجی زاده: فرزند حسن. فرمانده گردان یازهراء از لشکر امام حسین علیه السلام ، که در سن ۲۳ سالگی در تاریخ ۶۶/۲/۵ در بانه منطقه ی عملیاتی کربلای ده به درجه ی رفیع شهادت نایل گردید.

خیلی ها از روی نوارهای مداحی این شهید بزرگوار جذب حالات روحانی او می شدند. خودش می گفت: رمز موفقیت یازهراعلیها السلام است. با شنیدن نوارهای مداحی اش می توان فهمید سوز دل یعنی چه؟! از آن شهید بزرگوار نقل است که به شوخی به بچه ها گفته بود «من نمی خواهم توی مراسم هفته ام برای شام مردم را مجبور کنید بنشینند پای کمیل. اول شام را بدهید هر که می خواهد برود، بعد کمیل». خدا هم به شوخی هفته اش را انداخت توی ماه مبارک رمضان.

در دست نوشته ذیل از شهید تورجی زاده به روح بلند و عرفان والای او می توان آگاه گردید:



ص: ۳۳۳

«پاسخم را بدهید ای شهیدان، نگذارید سؤالهایم بی جواب بماند. البته که جوابها روشن است. می دانم چه گفتید. می دانم چه خواندید. می دانم چه دیدید. می دانم کجا رفتید. می دانم در کجائید...»

شما رفتید و ما را لیاقت رفتن نبود، عاشق کجا و عاشق نما کجا، بافتن کجا و یافتن کجا، شنیدن کجا و دیدن کجا.

شهیدان عزیز آخرین دعای کمیلی که خواندید در اشکهایتان نشانه عشق بود. در شوقتان نشانه شهادت. قطرات اشکتان آینه ای بود شهیدنما. جبهه در معنویت مدیون روح عرفانی شماست ای عارفان. شما به فرموده علی علیه السلام بصیرتهای خود را با سلاحهای خویش نشانید و باطل را نشانه رفتید. اگرچه ترکش کینه کین توزان بعضی سر و سینه تان را شکافت و درید. از نجوای شبانه تان معلوم بود که مسافرید. از التهاب مناجاتتان روشن بود که مهاجرید. از شوق شبهای حمله تان پیدا بود که شهیدید... شما شهادت طلب بودید... و برگه شهادت در دستتان... مانیز شوق

شهادت داشتیم اما ما را سعادت نبود و به آن محضر بار ندادند شاید هنوز به خلوص و اخلاص نرسیده بودیم. مگر نه اینکه در دعای کمیل می خواندید: «یا رب ارحم ضعف بدنی و رقه جلدی...» و گریه کردید و می خواندید: «و لا تؤاخذنی بالعقوبه علی ما عملت فی خلواتی...» و ... اشک می ریختید و می خواندید: «صبرت علی عذابک فکیف اصبر علی فراقک» و... دردمندانه و پرسوز ناله می کردید. حماسه شما دنباله حماسه حسین است حماسه علی اکبرهاست. (۱)

جوانی که چون سرو آزاده بود

محمدرضا تورجی زاده بود

دلی داشت روشن به نور امید

که جز بر خداوند نهاده بود

به گردان زهراءعلیها السلام به هنگام رزم

به رزمندگان یار و فرمانده بود

غرض کربلای دهم چون رسید

نمودند در جبهه او را شهید (۲)

۱۹ - عبدالرسول زرین: شهادت ۱۳۶۲ (عملیات خیبر). در دوران قبل از انقلاب در صف مبارزین قرار گرفت و بارها توسط ساواک مورد تعقیب قرار گرفت. با تحرکات غرب کشور به کردستان رفت و سپس در جبهه های جنوب به ایثارگری مشغول شد. چندین بار در عملیات های مختلف زخمی شد. می گویند وقتی جنگ شروع شد و وی برای ثبت نام رفته بود. مسئول ثبت نام گفته بود: «هفت تا

۱- ۵۴۱. ماهنامه طراوت، ش ۲۲، ص ۹.

۲- ۵۴۲. برگرفته از متن سنگ قبر

بچه داری نمی نویسم، اصرار نکن». عبدالرسول گفته بود: «اگر نویسی حوالت می کنم به حضرت رسول صلی الله علیه و آله

».



در بستان بود که تک تیرانداز عراقی به لاله گوش عبدالرسول بوسه زد و یک نیمه دایره از لاله گوش چپش را با خودش برده بود. امام عکسش را دیده بود وقتی به دیدن امام رفته بود، امام شناخته بودش و لبخند امام، مهمترین خاطره عمرش شد.

حاج حسین نیز به وی لقب «گردان تک نفره زرین» داده بود. زیرا وی یک تنه، یک تپه را که فقط از عهده یک گردان برمی آید از دست دشمن دریاورند، او یک نفره درآورده بود. بچه ها تپه را به اسم خودش گذاشته بودند: «تپه زرین».

بار آخر که به اصفهان آمده بود، مدام از حساب و کتاب زندگی حرف می زد. می گفت: «خجالت می کشم از خدا که نتوانستم کاری برایش انجام دهم. ظهر که به مسجد محل رفته بود و خمس مالش را حساب کرده بود و داده بود خوشحال بود. دست می کشید روی شکمش و می گفت: «های که راحت شدم». تو وصیتش به بچه هاش گفته بود: «ما به مولایمان حسین علیه السلام اقتدا کردیم و شما هم به

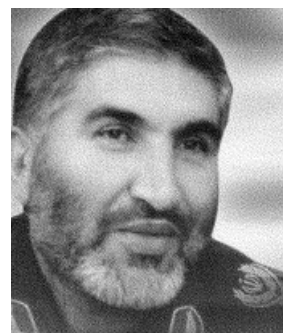
ص: ۳۳۵

زینب علیها السلام اقتدا کنید و وظیفه تان را انجام دهید»^(۱).

۲۰ - جانباز شهید محمدتقی طاهرزاده: در سن ۳۵ سالگی پس از ۱۸ سال که در آستانه دنیا و بهشت قرار داشت (در بی هوشی کامل بود) سرانجام در تاریخ ۸۴/۲/۴ به درجه ی رفیع شهادت نایل گردید. نقل است که در تمام مدت ۱۸ سال نمی شنید، تنها از طریق ارتباط قلبی با پدر و مادرش حرف می زد. وقتی پدر ذکر یا حسین، و یاعلی و یازها می گفت و یا نوار مداحی یا روضه اباعبدالله الحسین علیه السلام که می گذاشت، محمدتقی می شنید. پدر این طور وقت ها، اشک هایش را می دید، که از گوشه چشم هایش پایین می آید.^(۲)



۲۱ - سردار حاج احمد کاظمی: فرزند حاج عشقعلی. در سن ۲۰ سالگی به مبارزین فلسطین پیوست و در سن ۲۲ سالگی به فرماندهی لشکر نجف اشرف منسوب گردید. طراح و اجرای ۲۰ عملیات مهم جنگی تحت فرمان امام خمینی (قدس سرّه) منجر به آزادسازی پنج استان کشور و دهها شهر گردید. فرماندهی او در قرارگاه حمزه منجر به امتیّت کامل کردستان شد. در سال ۱۳۸۴ ش. به فرماندهی نیروی زمینی سپاه از سوی مقام معظم رهبری منصوب گردید. سرانجام در تاریخ ۸۴/۱۰/۱۹ پس از ۳۰ سال جهاد و مبارزه در سانحه ی هوایی در ارومیه به درجه ی رفیع شهادت نایل گردید.^(۳)

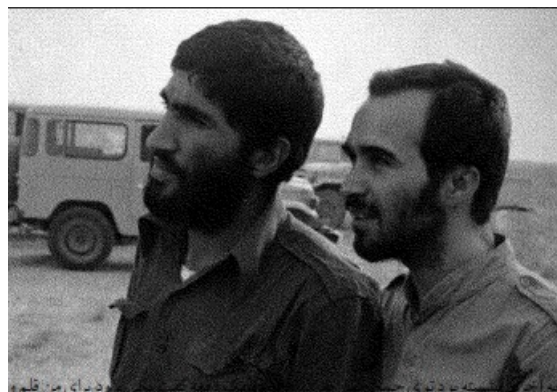


ص: ۳۳۶

۱- ۵۴۳. ستاره های آسمانی ۲، ص ۲۶ و ۲۷.

۲- ۵۴۴. ماهنامه طراوت، ش ۲۷، ص ۱۹.

۳- ۵۴۵. برگرفته از متن سنگ قبر



شهید خرازی و شهید کاظمی

جمعه آخری نشستہ بود توی جمع چهار نفری خانواده. یک دفعه گفت یکی برود برای من قلم و کاغذ بیاورد می خواهم وصیت نامه بنویسم. گفتند: بابا تو را به خدا این دفعه را کوتاه بیا. کاغذ و قلم نداریم. کوتاه نیامد.

یه روز جمعه رفتم گلستان شهدا، نزدیکی های مزار شهید خرازی که رسیدم، خنده ام گرفت. دیدم یکی آن جا نشستہ است. با خودم گفتم: این طرف از ما اهل حال تره. جلوتر که رفتم دیدم حاج احمد است. سرش را پایین انداخته و ذکر می گوید و اشک می ریزد. مرا که دید کنار قبر شهید خرازی را نشان داد و گفت اینجا را می بینی جای خوبیست. خدا قسمت کنه. خندیدم و به شوخی گفتم شما شهید بشوید، ما توی همین یک ذره جا از خجالتتون در می آییم. چشمانش برق زد و گفت: قول دادیا. توی وصیت نامه اش نوشته بود: «خدایا من شهادت را از تو زمانی می خواهم که از همه چیز خبری هست الا شهادت». اولین مطلبی که برای شهادتش نوشتند این بود:

اگر آه تو از جنس نیاز است

در باغ شهادت باز باز است (۱)

از شروع جنگ تحمیلی تا کنون حدود ۷۳۰۰ شهید در سی و پنج قطعه گلستان شهدا دفن شدند.

ص: ۳۳۷

بزرگترین تأثیر و نتیجه‌ی شهادت این مردان بااخلاص، پرهیزگار و عاشق را استاد شهید مطهری زیبا بیان کرده است:

«شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع، این شهدا هستند که به پیکر اجتماع و در رگ‌های اجتماع خون جدید وارد می‌کنند.»^(۱)

خاک تو آرامگه اولیاست

زین سبب امروز چنین باصفاست

ای شهدا جام حیاتم دهید

از غم ایام نجاتم دهید

چند به هجران شما سوختن؟

در دل خود شعله برافروختن

گرچه گرفتم ز شما فاصله؟

قول شفاعت بدهیدم صله^(۲)

ص: ۳۵۲

۱- ۵۴۷. مطهری، مرتضی: قیام و انقلاب مهدی (عج)، به ضمیمه شهید، ص ۱۰۳.

۲- ۵۴۸. علیرضا لطفی (حامد اصفهانی): یاس نیلوفری، ص ۵۸.

فهرست اعلام

آباده ای، محمّدجعفر، ۱۴۳ ۱۴۲

آتش، میرزا حسن، ۸۳

آدینه ای، محمّدجواد، ۱۹۷

آرندی نائینی، ملا حسن، ۳۸

آغاباشی، سلیمان، ۱۹۳

آغاباشی، میرزا سلیمان خان، ۱۹۱

آقابابایی، اکبر، ۳۲۴

آل ابراهیم، یوسف، ۲۸۰

آل رسول، سید ابوالحسن، ۳۱۶

آوازه خوان، سید رحیم، ۱۰۵

ابریشمکار، علی محمّد، ۱۹۸

ابن الحسن، عبدالله، ۹۹

ابوالحسن ابراهیم بن صالح، ۱۱۲

ادیب طوسی، محمّدتقی، ۲۳۳

ارباب، رحیم، ۳۰۹

ارباب، عبدالله، ۲۶۵

اردستانی، سید میرزا، ۳۰۶

اردستانی، محمّدصادق، ۲۲۳

اژه ای، عبدالله، ۹۸

اژه ای، علی اکبر، ۹۶ ۳۱۶

اژه ای، علی محمد، ۹۸

اشتری، اسدالله، ۱۴۵

اشراقی قمشه ای، ابوالقاسم، ۲۸۳

اشرف الکتّاب، ۲۸

اشرف الکتّاب، میرزا زین العابدین، ۶۶

اشرفی اصفهانی، عطاءالله، ۳۱۷

آشنی، محمدحسین، ۱۷۶

آشنی، نورالدین، ۱۷۶

اصطهباناتی، حسن، ۳۰۶

اصفهانی، محمدرضا، ۱۱۹

اصولی، محمدجواد، ۲۷۶

اعضادی، فضل الله، ۲۷۴

افسر بختیاری، داراب، ۴۸

افسرده، ویکتوریا، ۵۲

افسر، عبدالرحیم، ۲۸

افشار، جلال، ۳۲۳

الهی، ربابه، ۲۳۳

امام رضا(ع)، ۲۳۸

امامی العریضی، سید محمدحسین، ۸۲

امامی، سید محمدحسین، ۱۰۹

امامی، محمد مهدی، ۱۰۸

امامی، میرزا آقا، ۱۰۹ ۱۰۸

امین التجار، حبیب الله، ۱۸۹

امین التجار، محمد علی، ۱۸۹ ۱۸۷

امین، عفت الحاجیه، ۱۸۹

امین، نصرت السادات، ۱۸۹ ۱۸۸ ۱۸۷

انصاری، محمدحسین، ۳۰۹

انصاری، موسی خان، ۱۷۸

اهتمام، احمد، ۲۸۰

اهتمام، حسن، ۲۷۹

ایزد گشسب، اسدالله، ۲۲۴

ایلخانی، حسینقلی خان، ۵۱

بابایات، ۱۲۰

بابارکن الدین، ۳۵ ۳۳ ۱۸ ۱۷

بابافولاد، ۱۷۴۱

بختیاری ها، ۵۰

بدری، سید مهدی، ۲۵۹

بدیع الصنائع، علی، ۱۷۷

بدیع زادگان، سید علی، ۱۸۶

برخوردار، یدالله، ۲۷۱

بروجردی، منیرالدین، ۳۰۵

برهانی، بهاءالدین، ۲۶۷

بهروان، رسول، ۲۷۱

بهشتیان، عباس، ۴۶

بهشتی، سید اسدالله، ۱۰۷

بهشتی، سید فضل الله، ۱۰۷

بهشتی، سید محمد ابراهیم، ۱۰۷

بهشتی، سید محمد تقی، ۲۷۹

ص: ۳۳۹

- بهشتی، سید محمد هاشم، ۱۰۷
- بهشتی، میر محمد رضا، ۱۰۶ ۱۰۷
- بهشتی، میر محمد صادق، ۱۰۷
- بهشتی نژاد، سید طه، ۱۰۷
- بهشتی نژاد، سید محمد، ۳۰۰
- بهشتی نژاد، سید مصطفی، ۱۰۸
- بیان الحق، محمد رضا، ۲۸۶
- بیان الواعظین، شیخ احمد، ۲۳۰
- بیدآبادی، آقا محمد، ۱۱۴ ۱۱۵
- بیدآبادی، شیخ احمد، ۲۲۸
- پاقلعه ای، علی اکبر، ۱۹۳
- پروانه، محمد علی، ۲۶۴
- پیشماز، سید محمد باقر، ۷۰
- پیکانی، ملا محمد صادق، ۶۶
- تاج اصفهانی، جلال، ۲۵۳
- تاج الواعظین، اسماعیل، ۲۴۹
- تبریزچی، محمود، ۱۰۵
- تخت فولادی، محمد صادق، ۱۳۳
- ترکان، احمد، ۳۲۲
- ترک، سید محمد، ۱۴۷ ۱۴۸

تفلیسی، محمدحسین، ۱۶۶

تورجی زاده، محمدرضا، ۳۳۳

تویسرکانی، سید محمدطاهر، ۴۸

تویسرکانی، مسیح، ۳۰۶

تویسرکانی، ملا حسینعلی، ۶۴

تویسرکانی، میرزا عبدالغفار، ۱۸۰

تویسرکانی، میرزا محمدباقر، ۱۸۴

ثقهالاسلام، عبدالله، ۳۰۷

جابری انصاری، میرزا حسن، ۳۵

جدلی، محمدابراهیم، ۹۸

جرقویه ای، محمدرضا، ۲۵۰

جزایری، سید محمد، ۱۵۷

جزایری شوشتری، سید محمدشفیع، ۶۶

جلالی، فتح الله، ۲۷

جوباره ای، میرزا محمد مهدی، ۸۱

چهارسوقی، سید محمدصادق، ۱۲۹

چهارسوقی (صاحب روضات)، میرزا محمدباقر، ۱۶۲

چهارسوقی، عطاءالله، ۱۶۵

چهارسوقی، محمد مهدی، ۱۶۵

چهارسوقی، مسیح، ۱۶۵

چهارسوقی، میرزا سید محمدباقر، ۱۶۳

چهارسوقی، میرزا محمدابراهیم، ۱۶۵

حاجی کلباسی، ۱۸

حجازی، سید احمد، ۳۲۰

حسام الواعظین، محمدرضا، ۲۸ ۲۴۶

حسین آبادی، محمدجواد، ۱۳۲

حسینی برزانی، آقا سید علی اصغر، ۷۱

حسینی برزانی، سید علی، ۲۵۹

حسینی تویسرکانی، میرزا عبدالغفار، ۱۸۱

حسینی خویی، سید محمد، ۱۴۸

حسینی شیرازی، آقا سید رضی الدین، ۶۹

حسینی میر محمدصادقی، میر محمدحسین، ۸۹

حسینی هرنندی، سید محمدرضا، ۳۱۳

حکمت، ناصر، ۱۳۱

حکمی، مرتضی، ۲۰۳

حکیم باشی، محمدباقر، ۲۰۳ ۲۰۱

حکیم خراسانی، محمد، ۳۰۴

حکیم درکوشکی، اسماعیل، ۹۷

حکیم قمشه ای، اسدالله، ۳۰۴

حمیدی، باقر، ۱۹۳

حیرانی، اسماعیل، ۲۷۹

خاتون آبادی، سید محمدحسین، ۷۷

خاتون آبادی، میر عبدالحسین، ۱۱۷

خاتون آبادی، میر محمداسماعیل، ۷۴ ۷۶ ۷۷

خاتون آبادی، میر محمدباقر، ۷۶ ۷۸

خاتون آبادی، میر معصوم، ۱۱۸

خادم الشریعہ، سید ابو جعفر، ۲۰۱

خادم الشریعہ، سید ابو جعفر، ۲۰۲

خادمی، حسن، ۲۰۳

خادمی، سید شمس الدین، ۲۰۳

خاقانی، محمدحسین، ۱۹۸

ص: ۳۴۰

خاکشیر، سید جعفر، ۲۶۰

خاکیا، میرزا محمدحسن، ۲۵۵

خرازی، حسین، ۳۲۹

خراسانی، سید علی، ۹۰

خراسانی، سید محمدجواد، ۸۷

خراسانی، سید محمدرضا، ۸۸

خراسانی، سید مرتضی، ۲۲۲

خراسانی، سید هاشم، ۹۰

خراسانی، سید یوسف، ۸۷

خراسانی، نجفعلی، ۱۴۴

خرم لُنبانی، عباسعلی، ۱۶۸

خطایی، حسین، ۸۳

خطیب، عبدالجواد، ۲۲۴

خلیقی پور، محمد مهدی، ۱۹۹

خواجویی (ثانی)، محمد اسماعیل، ۹۶

خواجویی، سید آقا جان، ۲۰۴

خواجویی، ملا اسماعیل، ۹۴ ۹۵ ۹۹

خوانساری، آقا جمال، ۶۲ ۶۳

خوانساری، آقا حسین، ۶۰ ۶۱ ۶۳

خوانساری، سید زین العابدین، ۱۲۸

خوانساری، محمّد بن شیخ زین الدین، ۱۱۹

خوشنویس، محمّد هاشم، ۱۱۱

دادخواه، سیّد اسدالله، ۲۸۰

داورپناه، محمّد حسن، ۲۵۲

درب امامی، سیّد عطاءالله، ۸۲

درب امامی، سیّد محمود، ۲۲۱

درب امامی، میرزا بدیع، ۱۵۶

درب امامی، میر سیّد محمّد، ۷۰

درچه ای، سیّد محمّد باقر، ۲۱۳ ۲۱۴

درچه ای، سیّد محمّد حسین، ۹۸

درچه ای، سیّد مهدی، ۲۱۵

دُرّی، حسن، ۳۰۶

دُرّی، فرج الله، ۲۷۰

دهاقانی، محمّد، ۲۶۵

دهش، فضل الله، ۲۹۱

دهکردی، سیّد مرتضی، ۳۰۱

ذوالخیر، منکوقآن، ۲۷۱

رازی، محمّد تقی، ۱۲۷ ۱۲۵

راست قلم، سیّد تقی، ۱۹۸

راه نجات، ابراهیم، ۳۴ ۳۹

رجالی، اسداللہ، ۲۶۸

ردّانی پور، مصطفیٰ، ۳۳۰

رشتیان، سید اسداللہ، ۲۳۴

رضوی خوانساری، سید زین العابدین، ۱۷۲

رضوی خوانساری، سید محمد، ۱۷۳

رضوی خوانساری، سید محمدرضا، ۱۵۲

رضوی، سید بهاءالدین، ۱۷۳

رکن الملک، سلیمان خان، ۲۰۶ ۱۴۳ ۱۱۵

رکن الملک، میرزا سلیمان خان، ۲۰۵

روضاتی، حبیب اللہ، ۲۵۹

روضاتی، سید محمد، ۱۶۷

روضاتی، محمدحسن، ۲۲۲

ریاحی، محمد، ۲۸۰

ریزی، ابوالفضل، ۱۹۷

ریزی، حسن، ۱۴۴

ریزی، سید اسماعیل، ۲۰۲

ریزی، مرتضیٰ، ۱۹۵

زریری، مرشد عباس، ۲۷۹

زرین، عبدالرسول، ۳۳۴

زفرہ ای، شیخ ابوالقاسم، ۲۲۹

زنجانی، احمد، ۹۹

زند کرمانی، محمدباقر، ۲۷۵

ساکت، محمدحسن، ۲۳۲

سالک، محمود، ۲۶۷

ستاریان، مصطفی، ۲۶۷

سرتیپ حکیم باشی، میرزا تقی خان، ۴۹

سردار اسعد، جعفرقلی خان، ۵۲

سردار اسعد، علی قلی خان، ۵۲

سلطان الاطباء، ابوالحسن، ۱۲۸

سمسوری، محمدباقر، ۲۷ ۲۸

سُها، محمد، ۱۱۱

سهیلیان، عباسعلی (متخلص به فائض)، ۲۳۳

ص: ۳۴۱

سید الاسلام، سید ابوالقاسم، ۱۵۷

سید العراقین، سید عبدالحسین، ۲۴۱ ۲۴۲

سید العراقین، میرزا عبدالحسین، ۳۷

سید حسین، ۱۱۲

سید مصطفی، ۱۱۲

شاه طوری، مهدی، ۱۵۷

شاه کرمی، سید ابوالقاسم، ۲۶۵

شاه ناصر، نصرالله، ۲۵۲

شجره، حسین، ۱۹۴

شریف، میرزا علی اصغر، ۲۳۲

شریفیان، مصطفی، ۱۷۷

شفتی، سید محمد مهدی، ۲۰۳

شکیب، محمد رضا، ۱۹۳

شمس آبادی، سید ابوالحسن، ۳۱۵

شمس الکتاب، میرزا محمد، ۹۷

شمس الواعظین، لطف الله، ۱۹۸

شهشانی، سید محمد، ۱۵۴ ۱۵۵

شهشانی، سید محمد علی، ۹۱

شهناز، حسین، ۴۶

شیخ الاسلام، میرزا رحیم، ۶۵

شیخ بهایی، ۱۸۳۵

شیخ زاده هراتی، محمد، ۲۹۳

شیدا، عباس خان، ۲۴۸

شیرازی، سید احمد بن سید مرتضی، ۷۱

صابر علی شاه (اول)، عباس، ۱۹۲

صابر علی شاه دوم، میر محمد اسماعیل، ۱۹۲

صادقی، محمد علی، ۳۰۸

صالحی، بانو مریم، ۸۳

صخاف، محمد تقی، ۱۱۲

صدرالذاکرین، سید محمد، ۲۴۸

صدرالعلماء، محمد هادی، ۲۸۲

صدرالمحدثین، عبدالله، ۱۴۴

صدرالمحدثین، محمود، ۱۴۴

صدرعاملی، سید ابوالحسن، ۱۳۱

صدرعاملی، سید محمد جواد، ۱۳۲

صدرهاشمی، سید اسدالله، ۳۰۱

صدرهاشمی، سید محمد، ۲۸۲

صدیقین، حسینعلی، ۲۱۸

صدیقین، محمد باقر، ۲۱۹

صفوی، محسن، ۳۲۰

- صفی دھکردی، سید عباس، ۲۵۰
- صلواتی، حیدرعلی، ۲۷۰
- صمصام السلطنہ، نجفقلی خان، ۵۲
- صمصام، سید محمد، ۲۳۸ ۲۳۷ ۲۳۴
- صنیع زادہ، شکراللہ، ۱۹۳
- صنیع ہمایون، عبدالحسین، ۱۵۷
- ضیاء اصفہانی، محمدحسین، ۲۸ ۹۰
- طالقانی، درویش عبدالمجید، ۵۰
- طاہرزادہ، محمدتقی، ۳۳۶
- طباطبائی نائینی، میرزا محمدرفیع، ۵۵
- طباطبائی ابرقوی، سید زین العابدین، ۸۹
- طباطبائی بروجردی، سید محمدباقر، ۲۰۳
- طباطبائی بروجردی، میرزا ابوالحسن، ۲۲۸
- طباطبائی بروجردی، میر سید علی، ۶۶
- طباطبائی خواجوی، سید محمدلطیف، ۲۶۶
- طیب، عبدالباقی، ۲۹۸
- طلاکوب، رضا، ۲۰۴
- ظہیرالاسلام، سید مرتضیٰ، ۲۶۰
- عارفچہ، محمدعلی، ۷۰
- عارفچہ، میرزا حسین، ۷۰

عاشق آبادی، عبدالقادر، ۱۱۹

عالم نجف آبادی، محمدحسن، ۲۱۷

عاملی، زهرا بیگم، ۱۳۳

عبدالرسولی، علی، ۲۵۳

عراقی اصفهانی، میرزا حسن، ۱۵۷

عراقی، باقرخان، ۱۷۸

عرب، قربانعلی، ۳۲۵

عرفان، احمد، ۱۴۷ ۱۵۳

عریضی، سید محمد، ۲۴۵

عریضی، سید محمدعلی، ۳۰۵

علوی، سید عبدالحسیب بن سید احمد، ۷۲

علوی، میر سید احمد، ۷۲

ص: ۳۴۲

عمادالواعظین، احمد، ۱۴۵

عنقا، میرزا محمد حسین، ۴۷

فاتح الملک، احمد خان، ۱۹۵ ۱۹۹

فاتح، مصطفی، ۱۹۹

فاضل سراب، ملا محمد، ۸۰ ۸۱

فاضل کوهانی، شیخ محمد حسین، ۹۲

فاضل هرنندی، یحیی، ۳۰۶

فاضل هندی، بهاء الدین محمد، ۸۵ ۸۶

فانی، حسن، ۳۰۶

فرد اصفهانی، میرزا آقا، ۲۸۳

فریدنی، محمد جواد، ۲۶۷

فشارکی، محمد حسین، ۱۹۷

فشارکی، ملا محمد باقر، ۶۳

فقیه احمد آبادی، سید محمد تقی، ۲۷۳

فقیه ایمانی، محمد باقر، ۲۱۹

فقیه فریدنی، علی، ۲۶۰

فلاطوری، عبدالجواد، ۳۱۱

فلسفی، رضا، ۱۷۷

فندر سکی، میر ابوالقاسم، ۴۴

فهامی، شیخ اسدالله، ۶۶

فیض علیشاه، عبدالحسین، ۱۱۰

قاری، گدا علی، ۱۰۵

قاضی، عبدالوهاب، ۱۱۸

قدسی، جمال الدین، ۱۸۵

قدسی، حسن، ۱۸۵

قدسی، عبدالحسین، ۱۸۴

قدسی، مهدی، ۱۸۵

قزوینی دردشتی، باقر، ۲۶۹

قزوینی، کمال الدین، ۲۷۱

قشقای، جهانگیر خان، ۱۴۹ ۱۴۸ ۱۴۷

قُمبوانی، ملا مهدی، ۸۹

قمشه ای، محمدباقر، ۱۱۱

قمشه ای، مرتضی، ۳۰۶

قمشه ای، مصطفی، ۹۹

قوامی زاده، حسن، ۲۶۷

قوچانی، علی، ۳۲۶

کازرونی، محمدحسین، ۲۱۶ ۲۱۰

کازرونی، محمدحسین، ۱۹۵

کاشانی (آخوند کاشی)، محمد، ۳۰۲

کاشانی، سید حسن، ۱۷۷

کاشانی، ملا مسیح، ۶۳

کاشی پز، آقاجان، ۱۷۷

کاظمی، حاج احمد، ۳۳۶

کُزُبِکَنَدی، حسین، ۱۴۵

کریمی، رضا، ۳۳۲

کشفی، سید روح اللہ، ۴۶

کشمیری، سید عبدالکریم، ۱۸

کشیکچی، میرزا حسین، ۱۶۳ ۱۶۸

کلانتر، عبدالوہاب، ۳۱۳

کلباسی، ابوالمعالی، ۱۷۲

کلباسی، ابوالہدی، ۱۷۵

کلباسی، اسماعیل، ۲۰۷

کلباسی، جمال الدین، ۱۷۵

کلباسی، حسن، ۲۰۸

کلباسی، صدرالدین، ۲۰۸

کلباسی، عبدالرحیم، ۱۷۷

کلباسی، فخرالدین، ۲۰۸

کلباسی، محمد حسن، ۹۷

کلباسی، میرزا ابوالمعالی، ۱۷۳

کلباسی، ہاشم، ۲۲۲

کلیشادی، سید محمود، ۲۸۹

گزی، عبدالکریم، ۲۱۲

گلزار، رجبعلی، ۲۶۲

گلستانه، سید محمد، ۱۵۲

گلکار، ناصر علی، ۲۲۴

گیلانی، ملا محراب، ۱۶۷

گیلانی، ملا محمد رفیع، ۱۱۷

لاچین، مولی محمد، ۲۹۲ ۲۹۳

لبنانی، آقا حسین، ۱۶۶

لبنانی، سید احمد، ۲۷۹

لبنانی، ملا حسن، ۱۶۶

مارینی، علی، ۲۶۴

ص: ۳۴۳

مازندرانی، محمد صالح، ۱۲۸

مازندرانی، میرزا محمد مهدی، ۸۱

مبارکه ای، سید خلیل، ۲۷۱

مبارکه ای، سید محمد علی، ۱۸۳

مجتهد، سید محمد حسن، ۱۳۷

مجدزاده، جواد، ۳۹

مجلسی، کمال الدین، ۴۹

مجلسی، محمد تقی، ۱۸

مجلسی، ملا محمد تقی، ۳۵

مجلسی، میرزا حسن علی، ۶۶

مجلسی، میرزا حیدر علی، ۶۶

مجنون سیچانی، عباس، ۱۰۵

مجنونی، محمد کاظم، ۱۳۴

محتشمی، رضا، ۲۹۲

محزون، عبدالحمود، ۲۷۰

محلّاتی، عبدالحسین، ۸۹

محمد صادق، ملا، ۸۹

محبی، احمد، ۳۱۴

محبی، حسین، ۳۱۴

محبی، علی اصغر، ۳۱۴

مدرّس بيدآبادی، میرزا یحیی، ۵۶

مدرّس خاتون آبادی، میر محمدصادق، ۲۴۳

مدرّس دزفولی، محمدعلی، ۲۵۱

مدرّس کهنگی، حسین، ۱۰۴

مدرّس، محمدحسین، ۹۰

مذهب (هلال) محمدحسین، ۱۳۴

مرندی، سید احمد، ۱۴۵

مرندی، عبدالعلی، ۱۹۸

مروّج بيدآبادی، ۲۳۰

مریم بیگم، ۱۲۷

مسائلی، سید محمدجواد، ۱۵۲

مستجاب الدعواتی، اسدالله، ۲۶۴

مستجاب الدعوه، سید محمدتقی، ۱۳۷

مستوفی بيدآبادی، یحیی، ۲۰۲

مستوفی، هاشم، ۲۰۴

مشفق ضرغام، حسینعلی، ۳۱۲

مشفق، عبدالحسین، ۲۵۴

مشفق، علی، ۲۶۱

مشکوه، علی، ۳۱۷

مصاحبی، داود، ۲۸۵

مصدق خواه، عبدالکریم، ۲۷۶

مصورالملکی، محمدحسین، ۳۰۰

معارفی، حسین، ۲۸۴

معزی، اسماعیل، ۲۱۶

معین الواعظین، عباسعلی، ۲۴۷

معین زاده، حسن، ۲۸۴

مفید، شیخ علی، ۱۱۹

مفید، محمود، ۱۱۸

مقتدایی خوراسگانی، محمود، ۱۷۸

مقدس، سید محمد، ۲۶۳

مقدس مشکینی، محمدحسین، ۲۶۹

مکرم حبیب آبادی، محمدعلی، ۲۶۷

موحد دوست، علی، ۳۳۲

موزون، عباسعلی، ۱۹۴

موسوی خوانساری، سید فخرالدین، ۱۵۲

موسوی خوانساری، سید محمد، ۱۳۳

موسوی زنجانی، سید علی نقی، ۸۹

موسوی، عبدالرزاق، ۲۷۳

موسوی منجم، محمد، ۱۴۵

مولوی، محمدحسین، ۹۸

مهدوی، سید ریحان الدین، ۱۳۸

مهدوی، سید عبدالوہاب، ۱۳۸

مهدوی، سید مصلح الدین، ۱۳۸ ۱۳۷

مهدوی کرمانی، سید علی، ۲۶۵

میثمی، عبداللہ، ۳۲۸

میر پنجه جرقویہ ای، عبدالحسین، ۱۹۱

میرزا رفیعا، ۵۴ ۵۵

میر شفیعی، سید ابراہیم، ۲۷۱

میر شفیعی، سید محمد علی، ۲۷۱

میر شمسی، سید محسن، ۱۵۷

میر عماد، ۲۷ ۴۲

میر فندر سکی، ابوالقاسم، ۴۲ ۴۵

ص: ۳۴۴

میر محمد صادق، سید محسن، ۹۰

نائینی، ملا محمد، ۸۷

نایب الصدر، حاج میرزا حسین، ۷۶

نایب الصدر، محمد مهدی، ۷۲

نایب الصدر، میر محمد مهدی، ۷۰

نجف آبادی، سید علی، ۱۸۱

نجف آبادی، سید محمد، ۳۷

نجف آبادی، میر سید محمد، ۲۴۴

نجفی (امام نجفی)، محمد حسین، ۱۳۰

نجفی سدهی، محمد حسین، ۹۸

نجفی، شیخ جمال الدین، ۱۲۹

نجفی، محمدرضا، ۱۳۰

نجفی، مرتضی، ۲۸۸

نجم اصفهانی، سید محمد، ۱۵۲

نحوی، سید شهاب الدین، ۱۴۰

نحوی، سید محمد باقر، ۱۳۸

نحوی، سید محمد حسن، ۱۳۸

نحوی، سید مهدی، ۱۳۷

نحوی، عباس، ۳۱۲

نعمت اللہی، ابراہیم، ۱۹۲

نعمت اللّهي، ابوطالب، ۱۹۳

نعمت اللّهي، زين العابدين، ۱۹۳

نعمت اللّهي، محمّد ابراهيم، ۱۹۴

نعمت اللّهي، محمّد هادي، ۱۹۲

نقاش باشي، محمّد باقر، ۱۰۴

نقشینه، محمّد تقی، ۶۰ ۷۲

نقنه اي، ملا اسماعيل، ۱۴۵

نمازی، محمّد صادق، ۱۱۱

نوّاب، ابراهيم، ۲۹۸

نوّاب، عبدالباقي، ۱۰۷

نوايي، مهدي، ۱۷۷

نورايي، ابوالقاسم، ۲۶۶

نوربخش، سيد آقا جان، ۲۵۰

نوربخش، سيد علي، ۲۸۱

نور شرق، نورالله، ۱۵۲

نوري، محمّد، ۲۲۲

نوري، محمّد علي، ۳۶

نوري، ميرزا بهاء الدين، ۳۶

نوري، ميرزا جواد، ۳۶

نوري، ميرزا محمّد تقی، ۳۷

نیر، ابوالقاسم، ۱۲۰

نیر، حبیب الله، ۱۸۵

نی زن، نایب اسدالله، ۱۱۳

نیکبخت، ولی الله، ۳۱۹

واثق همدانی، محمدباقر، ۱۸۶

واله، محمد کاظم، ۱۵۸ ۱۶۰

هاشمی، آقامیرزا، ۳۰۰

هاشمی طالخونچه، علی اکبر، ۲۸۵

هاطلی کوپایی، سید صدرالدین، ۲۲۹

هرندی، سید مصطفی، ۲۳۸

هرندی، مصطفی، ۲۳۷

هرندی، هبهالله، ۲۲۲

همایی، جلال الدین، ۳۷ ۲۹۹

همدانیان، حسین، ۲۸۱

همدانیان، علی، ۲۸۱

یزدی، سید احمد، ۱۱۹

یزدی، شیخ علی، ۲۳۰

یزدی، محمدحسن، ۱۴۴

یزدی، محمدعلی، ۳۰۶

یوزباشی، حبیب الله، ۲۶۸

يوشع نبی، ۱۸ ۲۹۷

ص: ۳۴۵

- ۱ - آزاد کشمیری، محمدعلی: نجوم السماء فی تراجم العلماء (شرح حال علمای شیعه)، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول ۱۳۸۲ ش.
- ۲ - ابو نعیم، حافظ: ذکر اخبار اصفهان، ترجمه دکتر نورالله کسائی، انتشارات سروش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۳ - اتحاد، هوشنگ: پژوهشگران معاصر ایران، ج ۸، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- ۴ - اخضری، علی: مشاهیر مطبوعاتی اصفهان، کانون پژوهش، اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- ۵ - اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: المآثر و الآثار، ج ۱ و ۲، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.
- ۶ - افندی، میرزا عبدالله: ریاض العلماء، جلد چهارم، به اهتمام سید محمود المرعشی، مطبعه خیام، قم ۱۴۰۱ ه. ق.
- ۷ - اکبری زادگان، نوروز: جلوه جلال، ستاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۸ - الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا: نصف جهان فی تعریف الاصفهان، به تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ۹ - امامی اصفهانی، سید محمود: ثمرات الحیات (۲ جلد)، قم، انتشارات ذوی القربی، چاپ پنجم، ۱۳۸۲.
- ۱۰ - اوژن بختیاری، سرهنگ ابوالفتح: تاریخچه و شرح حال عرفا و شعرای دو قرن اخیر چهارمحال و بختیاری، طهران ۱۳۳۲ ش.
- ۱۱ - اهتمام، شیخ احمد: حکمت ها و اسرار نماز، انتشارات پژوهش های علوم قرآنی، قم ۱۳۸۱.
- ۱۲ - ایزدگشسب، شیخ اسدالله: شمس التواریخ، اصفهان، چاپخانه نقش جهان، چاپ دوم، ۱۳۴۵ ش.
- ۱۳ - باقری بیدهندی، ناصر: بانوی مجتهد ایرانی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۲ ش.
- ۱۴ - بحرینی، سید مجتبی: شهر خاموشان و دیار باهوشان، تهران، مرکز فرهنگی منیر، چاپ اول ۱۳۸۴ ش.
- ۱۵ - بخشی، یوسف: تذکره شعرای خوانسار، مؤسسه مطبوعاتی میرپور، اردیبهشت ۱۳۳۶ ش.
- ۱۶ - بدیع زادگان، علی: دیوان هور اصفهانی، قم، عطر عترت، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۷ - برقی، سید محمدباقر: سخنوران نامی معاصر ایران، ج ۷، قم، انتشارات دارالعلم، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.

- ۱۸ - بنی لوحی، سید علی: بوی باران (حکایاتی از شهید ردّانی پور)، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، اصفهان ۱۳۸۳.
- ۱۹ - بهرامی قصرچمی، خلیل: مجموعه آثار حکیم صهبا (آقا محمدرضا قمشه ای)، اصفهان، کانون پژوهش، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- ۲۰ - بهشتیان، عباس: بخشی از گنجینه آثار ملی اصفهان، انجمن آثار ملی اصفهان، چاپخانه حبل المتین، ۱۳۴۱ ش.
- ۲۱ - بهشتی، طه: تحفه‌الاحباب، اصفهان، چاپ اول.
- ۲۲ - بیدآبادی، آقا محمّد: حُسن دل (در سیر و سلوک الی الله)، به تصحیح علی صدرایی خویی، قم، انتشارات نهانندی، چاپ اول ۱۳۷۶.
- ۲۳ - بیدآبادی، ملا احمد: خلد برین (تاریخ گویندگان اسلام)، جلد اول، چاپخانه عالی.
- ۲۴ - بینش عبدالحسین و شوریده دل زهرا: افطار خونین (شهید نیکبخت)، کنگره بزرگداشت سرداران و شهدای سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۷ ش.
- ۲۵ - تابنده گنابادی، حاج سلطان حسین: نابغه علم و عرفان در قرن چهاردهم، تهران، انتشارات حقیقت، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

- ۲۶ - تنکابنی، محمّد بن سلیمان: قصص العلماء، به کوشش محمّد رضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۳ ش.
- ۲۷ - تهرانی، شیخ آقابزرگ: الذریعه، ج ۱، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۴۱ ق.
- ۲۸ - تهرانی، شیخ آقابزرگ: نقباء البشر، ج ۱، مشهد، طبعه‌الثانی، ۱۴۰۴ ق.
- ۲۹ - جابری انصاری، میرزا حسن خان: تاریخ اصفهان (به تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری)، انتشارات مشعل، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۷۸ ش.
- ۳۰ - جعفریان، رسول: احوال و آثار بهاء‌الدین محمّد اصفهانی، قم، انتشارات انصاریان، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- ۳۱ - جلالی دهکردی، مجید: آفتاب علم (شرح حال آیت الله سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی)، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹ ش.
- ۳۲ - جناب، میرسیدعلی: الاصفهان، به اهتمام عباس نصر، انتشارات گلها، چاپ دوم، اصفهان، ۱۳۷۱ ش.
- ۳۳ - جناب، میر سید علی: رجال و مشاهیر اصفهان، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل، ۱۳۸۵ ش.
- ۳۴ - جواهری، ابراهیم: علوم و عقاید، چاپخانه گیتی، اصفهان، ۱۳۷۲ ق.
- ۳۵ - حجّت هاشمی، ابومعین حمیدالدین: مرآه الحجه (شرح حال حجّت هاشمی و اساتید)، مؤسسه نشر و مطبوعات حاذق، مشهد، چاپ اول ۱۳۷۱ ش.
- ۳۶ - حدیث مهربانی، (ویژه نامه بهداشتی و درمانی استان اصفهان) (زندگی نامه مرتضی حکمی) تابستان ۱۳۸۱ ش.
- ۳۷ - حزین لاهیجی، شیخ محمّد علی: تاریخ و سفرنامه حزین، تحقیق و تصحیح علی دوانی، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
- ۳۸ - حسینی اشکوری، سید احمد: تراجم الرجال، ج ۲، نشر دلیل ما، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- ۳۹ - حسینی زنوزی، میرزا محمّد حسن: ریاض الجنه (سه جلد)، اشراف: سید محمود المرعشی، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- ۴۰ - حسینی، سید احمد: تلامذه العلامه المجلسی و المجازون منه، نشر کتابخانه آیت الله المرعشی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- ۴۱ - حسینی عاملی، محمّد شفیع: محافل المؤمنین فی ذیل مجالس المؤمنین، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی،

مشهد، چاپ اول ۱۳۸۱.

۴۲ - خاتمی، علیرضا: داستان هایی از علماء، قم، چاپ دوم، انتشارات مهدی یار، ۱۳۸۳.

۴۳ - خزائلی، حسنعلی: سیمای دانشوران، انتشارات گنج عرفان، قم ۱۳۸۳.

۴۴ - خواجه نوری، مینا: مجموعه مقالات اولین و دومین کنگره بزرگداشت بانو امین، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.

۴۵ - خوانساری، سید محمدباقر: روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات (۸ جلد)، الدارالاسلامیه، بیروت، ۱۴۱۱ ق.

۴۶ - داد مهر، منصور: سقاخانه ها و سنگابهای اصفهان، انتشارات گلها، چاپ اول اصفهان، ۱۳۷۸

۴۷ - درچه ای، سید تقی: قصه های خواندنی از چهره ای ماندنی. انتشارات اطلاعات، چاپ اول، تهران ۱۳۸۱.

۴۸ - درچه ای: نگاهی کوتاه به خاندان و زندگی عالم جلیل القدر مرحوم آیت الله سید ابوتراب درچه ای، چاپ نشاط اصفهان، بیت آیت الله درچه ای.

۴۹ - درس های مدرس، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ش.

ص: ۳۴۷

- ۵۰ - دستغیب، سید عبدالحسین: داستان های شگفت، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۸۲ ش.
- ۵۱ - دهقان نژاد، مرتضی: مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، جلد دوّم، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲ ش.
- ۵۲ - دهکردی، عباس: آیین فرزادنگی، جلد سوم، اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، زمستان ۱۳۷۴ ش.
- ۵۳ - ربانی خلخالی، علی: شهدای روحانیت شیعه در یکصد سال اخیر (جلد اوّل)، چاپ اوّل، ۱۴۰۲ ق. انتشارات مکتب الحسینی قم.
- ۵۴ - رجائی، سید مهدی: احوال و آثار ملا اسماعیل خواجهائی، شهرداری اصفهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- ۵۵ - رحیمی اصفهانی، غلامحسین: وارثان انبیاء، جلد اوّل، چاپ اوّل، قم ۱۳۷۸ ش.
- ۵۶ - رفاهی، خلیل: گردش ایام، اصفهان، انتشارات مانی، چاپ اوّل، ۱۳۸۲ ش.
- ۵۷ - رفیعی پور، سید عباس: فلاطوری (دو جلد)، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اوّل، ۱۳۸۳ ش.
- ۵۸ - رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم: آتشکده اردستان، ج ۲، چاپ اتحاد، ۱۳۴۲ ش.
- ۵۹ - رمزی اوحدی، محمّد رضا: در طواف خورشید (زندگی نامه آیت الله العظمی شاه آبادی)، انتشارات سعید نوین، قم، چاپ اوّل ۱۳۷۸ ش.
- ۶۰ - روضاتی، محمّد علی: دو گفتار، کتابخانه تخصصی تاریخ ایران و اسلام، دی ماه ۱۳۷۸، قم.
- ۶۱ - روضاتی، محمّد علی: زندگانی آیت الله چهارسوقی، چاپخانه داد اصفهان، نشر نفاّس مخطوطات، اصفهان، ۱۴۱۳ ق.
- ۶۲ - ریاحی، محمّد حسین: ارباب معرفت (یاد نامه حکیم متأله آیت الله حاج آقا رحیم ارباب)، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان، ۱۳۷۵ ش.
- ۶۳ - ریاحی، محمد حسین: روضه روضوان، کانون پژوهش، اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
- ۶۴ - ریاحی، محمّد حسین: مشاهیر زنان اصفهان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان، چاپ اوّل، ۱۳۷۵ ش.
- ۶۵ - ریحان یزدی، سید علیرضا: آینه دانشوران، با مقدمه و اضافات ناصر باقری بید هندی، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۲ ش.
- ۶۶ - زند کرمانی، شیخ محمّد باقر: نشانه های ولایت، با مقدمه سید مرتضی هاشمی، اصفهان، نشر حجّت، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.

- ۶۷ - سلطان محمدی، ابوالفضل: اندیشه های سیاسی جمال الدین محمد خوانساری، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- ۶۸ - شاردن: سفرنامه، ترجمه حسین عریضی، نشر گلها، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۷۹ ش.
- ۶۹ - شاملو، ولی قلی بیگ: قصص الخاقانی، جلد دوم، به تصحیح سید حسن سادات ناصری، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۴ ش.
- ۷۰ - شاهسنایی، علیرضا: رساله گلستان شهدای اصفهان در گستره ی تاریخ (دو جلد)، رساله کارشناسی به راهنمایی دکتر منتظرالقائم.
- ۷۱ - شفیق: تخت فولاد اصفهان، انتشارات صغیر، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
- ۷۲ - صدرائی خوئی، علی: آشنائی حق (شرح احوال و افکار آقا محمد بیدآبادی) انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- ۷۳ - صدرهاشمی، محمد: تاریخ جراید و مجلات ایران (دو مجلد)، انتشارات کمال، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.
- ۷۴ - صدوقی سها، منوچهر: تاریخ حکماء و عرفای متأخر، انتشارات حکمت، چاپ اول، تهران ۱۳۸۱ ش.
- ۷۵ - صلواتی، حیدرعلی: راز و نیاز علی علیه السلام، (نجم السهیل)، انتشارات قائم، اصفهان ۱۳۵۳ ش.

- ۷۶ - طباطبایی ابرقویی، سید زین العابدین: ولایت المتقین، تبلیغات اسلامی قم، انتشارات مانی، چاپ سوم، ۱۴۱۹ ق.
- ۷۷ - طرح بهسازی و نوسازی مجموعه تاریخی فرهنگی مذهبی تخت فولاد، طرح مقدماتی، زمستان ۱۳۷۳ ش.
- ۷۸ - طیبی، ناهید: زندگانی بانوی ایرانی، به همت و زیر نظر علویه همایونی، نشر سابقون، چاپ اول، قم ۱۳۸۰ ش.
- ۷۹ - عارفچه، میرزا محمدعلی: تذکره الشعراء، چاپ سنگی.
- ۸۰ - عبداللّهی، رضا: دیوان واله اصفهانی، تهران، انتشارات برگ، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.
- ۸۱ - عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم: فقهای نامدار شیعه، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۲ ش.
- ۸۲ - عقیلی، سید احمد: مشروطه خواهان مدفون در تخت فولاد، اصفهان، مجموعه تاریخی، فرهنگی - مذهبی تخت فولاد، چاپ اول، مردادماه ۱۳۸۴ ش.
- ۸۳ - عقیلی، سید احمد و خلیلیان، حمید: جلوه قرآن در خاک تابان (شرح حال چهل نفر از مفسرین مدفون در تخت فولاد)، اصفهان، مجموعه تاریخی، فرهنگی - مذهبی تخت فولاد، چاپ اول ۱۳۸۴ ش.
- ۸۴ - عموخلیلی، م: کوب دری (شرح احوال بانوی مجتهده امین)، تهران، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۷۹ ش.
- ۸۵ - فایض اصفهانی، آیت الله شیخ عباسعلی: دیوان اشعار، به اهتمام مصطفی هادوی، اصفهان، نشر پویان مهر، چاپ اول ۱۳۸۴ ش.
- ۸۶ - فقیه امامی، سید محمد و گلپایگانی، محمدحسین: یادگاری از خطبای پیشین، اصفهان، انتشارات یاس زهرا(س)، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
- ۸۷ - فقیه ایمانی، میرزا محمد باقر: سوز هجران، (مجموعه اشعار درباره ی امام زمان علیه السلام)، چاپخانه باقر، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- ۸۸ - فلاطوری نامه (بزرگداشت پرفسور فلاطوری در دانشگاه کلن آلمان)، به همت دوستان فلاطوری، ۱۳۷۷ ش.
- ۸۹ - فهامی، شیخ مهدی: یکصد و بیست حدیث طلایی، نشر حجت، اصفهان، ۱۳۸۰ ش.
- ۹۰ - قاسمی، رحیم: شرح مجموعه گل (مشاهیر مدفون تکیه سیدالعراقین)، اصفهان، نشر کانون پژوهش، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- ۹۱ - قدسی، منوچهر: خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، سازمان فرهنگی - تفریحی شهرداری اصفهان، انتشارات گلها، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.

- ۹۲ - قدسی، منوچهر: دولت دیدار، انتشارات آتریات کتاب، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۷۷ ش.
- ۹۳ - قرقانی، مهدی: زندگانی حکیم جهانگیرخان قشقایی، اصفهان، شهرداری اصفهان، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.
- ۹۴ - قزوینی، شیخ عبدالنبی: تتمیم امل الامال، به تحقیق سید احمد الحسینی المرعشی، نشر مکتبه آیةالله المرعشی، قم ۱۴۰۷ ق.
- ۹۵ - کرباسی زاده، علی: حکیم متأله بیدآبادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- ۹۶ - کرباسی زاده، علی: مشاهیر مزار ابوالمعالی کلباسی، اصفهان، نشر کانون پژوهش، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
- ۹۷ - کرباسی زاده، علی: نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی، کانون پژوهش، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۸۰ ش.
- ۹۸ - کلباسی، شیخ محمد: خاندان کلباسی، اصفهان، نشر کانون پژوهش، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
- ۹۹ - گزی، حاج شیخ عبدالکریم: تذکره القبور، انتشارات کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول، قم ۱۳۷۱ ش.
- ۱۰۰ - گلی زواره ای، غلامرضا: ناصح صالح (زندگی، اندیشه آیت الله حاج میرزا علی آقا شیرازی)، قم، انتشارات حضور، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.

- ۱۰۱ - لطفی، علیرضا (حامد اصفهانی): یاس نیلوفری، اصفهان، پیام صادق، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۰۲ - لقمانی، احمد: آینه آفتاب (زندگانی آیت الله صادقی)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۰۳ - محدث قمی، شیخ عباس: منتهی الامال، ج ۲، به تصحیح استاد ولی، چاپ اول، انتشارات باقرالعلوم، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۰۴ - محمدی، محمدعلی: دیدار با ابرار (شاه آبادی بزرگ)، چاپ و نشر بین الملل، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۰۵ - مختاری، رضا: سیمای فرزندگان، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ هشتم، قم، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۰۶ - مدرس تبریزی، میرزا محمدعلی: ریحانه‌الادب، تهران، انتشارات خیام، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۰۷ - مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی: غروب خونین در محراب جمعه، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۰۸ - مطهری، مرتضی: خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۰۹ - مطهری، مرتضی: خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، چاپ بیستم، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۱۰ - مطهری، مرتضی: قیام و انقلاب مهدی (عج)، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۹۸ ق.
- ۱۱۱ - معلم حبیب آبادی، میرزا محمد علی: مکارم الآثار، (هشت مجلد)، انجمن کتابخانه های عمومی اصفهان.
- ۱۱۲ - معلم، سید جواد: برکات حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف).
- ۱۱۳ - مقدادی، علی: نشان از بی نشان ها، (شرح حال، کرامات و مقامات شیخ حسنعلی اصفهانی) جلد اول، چاپ ششم، انتشارات جمهوری، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۱۴ - منتظرالقائم، اصغر: بزم گاه دلبران، تاریخچه ی گلستان شهدای اصفهان، کانون پژوهش، چاپ اول، اصفهان ۱۳۸۳ ش.
- ۱۱۵ - منتظرالقائم، اصغر: مجموعه مقالات همایش فاضل سراب، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۱۶ - مویزد ابطحی، میر سید حجه: آشنایی با زندگی و شخصیت آیت الله فقیه احمدآبادی، اصفهان، دفتر تبلیغات المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ اول ۱۳۷۹ ش.
- ۱۱۷ - موحد ابطحی، میر سید حجه: ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان، دفتر تبلیغات المهدی (عج) اصفهان، جلد اول، ۱۴۱۸ ه. ق.

- ۱۱۸ - موسوی بجنوردی، کاظم: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد دهم، و جلد ششم، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۱۹ - موسوی درچه‌ای، سید تقی: ستاره‌ای از شرق (شرح احوال و وقایع عصر علامه درچه‌ای)، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
- ۱۲۰ - موسوی فریدنی، محمد علی: اصفهان از نگاهی دیگر، انتشارات نقش خورشید، چاپ دوم، اصفهان، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۲۱ - مهدوی، سید مصلح الدین: بیان المفاخر، احوالات عالم جلیل حاج سید محمدباقر حجه‌الاسلام شفتی، نشر کتابخانه‌ی مسجد سید اصفهان، چاپ قم، ۱۳۶۸.
- ۱۲۲ - مهدوی مصلح الدین: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، جلد دوم، نشر الهدایه، چاپ اول، قم، ۱۳۶۷ ش.
- ۱۲۳ - مهدوی، مصلح الدین: تذکره شعرای معاصر اصفهان، کتابفروشی تأیید اصفهان، ۱۳۳۴ ش.
- ۱۲۴ - مهدوی، مصلح الدین: دانشمندان و بزرگان اصفهان، انتشارات ثقفی، اصفهان ۱۳۴۸ ش.
- ۱۲۵ - مهدوی، مصلح الدین: رجال اصفهان، چاپ دوم، اصفهان، ۱۳۲۸ ش.
- ۱۲۶ - مهدوی، مصلح الدین: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۰ ش.

- ۱۲۷ - مهدوی، مصلح الدین: مزارات اصفهان، به تصحیح اصغر منتظرالقائم، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۲۸ - مهدی پور، علی اکبر: اجساد جاویدان، قم، نشر و مطبوعات حاذق، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۲۹ - مهریار، محمد: فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان، نشر فرهنگ مردم، شهرداری اصفهان، چاپ اول ۱۳۸۳.
- ۱۳۰ - مهندسین مشاور ابر دشت: فرآیند شناخت، دو قسمت، زمستان ۱۳۸۰ ش.
- ۱۳۱ - میرخلف زاده، علی: داستان‌هایی از مردان خدا، قم، انتشارات مهدی یار، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۳۲ - میرداماد، محمد باقر: تقویم الایمان، شرح کشف الحقایق، به تحقیق علی اوجیبی، ناشر مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- ۱۳۳ - میردامادی، سید باقر: خمینی شهر (شهری که از نو باید شناخت)، انتشارات میرداماد، چاپ اول، قم ۱۳۸۳ ش.
- ۱۳۴ - میرزا آقا امامی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، تهران، چاپ اول ۱۳۸۱ ش.
- ۱۳۵ - نجفی (الفت)، شیخ محمدباقر: نفحات الروضات، حقه و صدره میر سید احمد روضاتی، طبعه الاولی، ۱۳۱۴ ق. طهران، مکتب القرآن.
- ۱۳۶ - نجفی، هادی: قبيله عالمان دین، انتشارات عسگریه، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۳۷ - نصرآبادی، محمدطاهر: تذکره نصرآبادی، جلد اول، به تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۳۸ - نصر اصفهانی، علی: کوتاه و خواندنی از وقایع اصفهان، انتشارات مرکز فرهنگی شهید مدرس، اصفهان، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
- ۱۳۹ - نصر الهی، غلامرضا: تخت فولاد سرزمین جاویدان، اصفهان، نسخه تایپی موجود در مجموعه تاریخی، فرهنگی و مذهبی تخت فولاد، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۴۰ - نصری، عبدالله: پایان شب سخن سرایی، انتشارات آفتاب توسعه، چاپ اول، تهران ۱۳۸۱ ش.
- ۱۴۱ - نظمی تبریزی، علی: دویت سخنور، انتشارات سروش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸۹ ش.
- ۱۴۲ - نوربخش، حسین: اصفهانی‌های شوخ و حاضر جواب، تهران، انتشارات سنایی، چاپ اول ۱۳۷۸.

- ۱۴۳ - نورمحمدی، محمدجواد: حکایت پارسایی (شرح زندگانی و اندیشه های شیخ احمد حججی نجف آبادی)، نشر کانون پژوهش، اداره ارشاد اسلامی اصفهان، ۱۳۸۰.
- ۱۴۴ - نورمحمدی، محمدجواد: مجتهد نجف آبادی، انصار الامام (المنتظر) (عج) نجف آباد، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۴۵ - نورمحمدی، محمدجواد: ناگفته های عارفان، قم، آفتاب خوبان، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۴۶ - نهاوندی، شیخ علی اکبر: عبقری الحسان، جلد دوم، جزء چهارم.
- ۱۴۷ - نیکونژاد، حسین: چهره افروختگان خطّه زنده رود، اصفهان، انتشارات مشعل، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.
- ۱۴۸ - واعظ خیابانی، حاج میرزا علی: علمای معاصر، به کوشش عقیقی بخشایشی، قم، نشر نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۴۹ - هادوی، مصطفی: تذکره شعرای استان اصفهان، اصفهان، چاپ اول، نشر گل افشان، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۵۰ - همایی، جلال الدین: تاریخ اصفهان (مجلد ابنیه و عمارات)، به کوشش ماهدخت بانو همایی، نشر هما، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۵۱ - همایی، جلال الدین: تاریخ اصفهان (مجلد هنر و هنرمندان)، به کوشش ماهدخت بانو همایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۵ ش.

۱۵۲ - همایی، جلال الدین: دیوان طرب، تهران، ناشر فروغی، ۱۳۴۲ ش.

۱۵۳ - هنرفر، لطف الله: گنجینه آثار تاریخی اصفهان، چاپ اول، انتشارات ثقفی، اصفهان ۱۳۴۴ ش.

فهرست مقالات

۱ - ابن الرسول: تیرالادبای و کتاب معادن، مجله آینه پژوهش، سال چهاردهم، شماره پنجم.

۲ - ابو عطاء: مروری بر زندگانی هنرمند مینا کار استاد شکرالله صنیع زاده، فرهنگ اصفهان، سال اول، شماره ۲ و ۳.

۳ - ادیب برومند، عبدالعلی: دو هنرمند نقاش و...، مجله میراث جاویدان، سال پنجم، شماره ۳ و ۴.

۴ - حسینی، سید جلال: شیخ محمدتقی رازی، مجله آینه پژوهش، سال یازدهم، شماره سوم.

۵ - رجایی، عبدالمهدی: میرزا تقی خان حکیم باشی، فصلنامه زنده رود، شماره ۳۳ و ۳۴.

۶ - رفیعی علامرودشتی، علی: الرحله الاصفهانیه، فصلنامه میراث شهاب، سال ششم، شماره اول و دوم.

۷ - روضاتی، سید محمدعلی: ملا محمدعلی تونی خراسانی، مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، ج ۲، اصفهان، ۱۳۸۲ ش.

۸ - ریاحی، محمدحسین: سیری در زندگی و آثار بانو امین، آیین فرزادنگی، ج ۴، سال ۷۶.

۹ - سجادی نائینی، سید مهدی: استاد حسین معارفی، فرهنگ اصفهان، شماره نوزدهم، بهار ۸۰.

۱۰ - صدرهاشمی، محمد: عبدالباقی طیب، مجله یغما، شماره دوم.

۱۱ - ضیاءنور، فضل الله: حاج آقا رحیم ارباب، مجله آموزش و پرورش استان اصفهان، ج ۱، سال ۷۱.

۱۲ - فقیه میرزایی، گیلان: گورستان تخت فولاد و روند تخریب آن، مجله اثر، شماره ۳۳-۳۴، تابستان ۱۳۸۱ ش.

۱۳ - قاسمی، رحیم: خبرنگار همایش اهل قلم، دی ماه ۱۳۸۴ ش.

۱۴ - قدسی، بهزاد: معرفی بیاضی به خط میرزا محمدعلی خوشنویس اصفهانی، مجله میراث جاویدان، سال پنجم، شماره ۴ و ۳، سال ۱۳۷۶ ش.

۱۵ - کرباسی زاده، علی: حکیم خواجویی، احیاگر حوزه ی اصفهان در دوران فترت، فصلنامه حوزه اصفهان، شماره یازدهم، پاییز ۱۳۸۲.

- ۱۶ - کمری، علیرضا: راز مزار، مجله نامه پژوهش، شماره ۹، تابستان ۱۳۷۷ ش.
- ۱۷ - موسوی، سید کمال: شهشهرانی مجتهدی واقف و....، مجله میراث جاویدان، سال پنجم، شماره ۳ و ۴.
- ۱۸ - موسوی، سید کمال: هور شاعر جامع الخطوط و هنرمند تاریخیه سرا، مجله فرهنگ اصفهان، شماره هفدهم و هیجدهم، زمستان ۱۳۷۹ ش.
- ۱۹ - میر خلف، سید کمال: جلوه های هنر در تخت فولاد اصفهان، مجله میراث جاویدان، شماره ۳۹ و ۴۰، زمستان ۱۳۸۱ ش.
- ۲۰ - نصرالهی، غلامرضا: آقا محمدتقی صحاف، هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۱۶۹، تاریخ ۷۰/۸/۸.
- ۲۱ - نصرالهی، غلامرضا: سید مصلح الدین مهدوی، هفته نامه نوید اصفهان، ۳۰ خرداد ۱۳۷۵.
- ۲۲ - نصرالهی، غلامرضا: شیخ اسماعیل معزی، هفته نامه نوید اصفهان، دوم شهریور، ۱۳۷۰، سال چهارم.
- ۲۳ - نصرالهی، غلامرضا: شیخ علی یزدی، هفته نامه ندای یزد، شماره ۵۲۵. سال ۱۳۷۵ ش.
- ۲۴ - نصرالهی، غلامرضا: میر محمداسماعیل خاتون آبادی، مجله کیهان اندیشه، خرداد و تیر ۱۳۷۴، سال دهم، شماره ۶۰.
- ۲۵ - یوسفی، محسن: زندگی و آثار حاج مصور الملکی، مجله فرهنگ اصفهان، شماره چهاردهم، زمستان ۱۳۷۸ ش.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

